

۱۴
۱۳۸۷/۸/۱۵
اسکن شد



کتابخانه مجلس شورای اسلامی	
کتاب	مجموعه علمیه
مؤلف	
مترجم	
شماره قفسه	
جمهوری اسلامی ایران	
شماره ثبت کتاب	
۸۵۶۰۸	

خطی
کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی
۹۲۸۲

۳۱
 ۶۸۷۸

۶۱۹

بازدید شد
 ۱۳۸۲

بازرسی شد
 ۸۰ - ۷۰

خطی - فهرست شده
 ۹۲۸۲

۹۱۷۱-۵

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: مجموعه ۱۰ قطعه - پنج کتبه از دوران - یمن و یمن
 مؤلف: ویدیا کریم - ویدیا کریم - ویدیا کریم
 موضوع: ویدیا کریم - ویدیا کریم - ویدیا کریم
 شماره ثبت کتاب: ۱۵۷۰۸
 ۲۰۱۸

۹۳۸۲



۱۲۷
مکتبہ مطبوعہ
۱۸۷۱

مکتبہ مطبوعہ
۱۸۷۱





بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا

هداه لولا ان هدانا الله لكان المراد

الهداية الى الحق والهداية الى الحق

والهداية الى الحق والهداية الى الحق

والهداية الى الحق والهداية الى الحق



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

لَئِنْ لَمْ يَنْزِلْ بِكُمُ الْبَحْرُ مِنْ سَحَابٍ لَأَخَذَنَّ الْأُولَئِیَ أَصْنَافًا

سودا پندین و بکن و آن با عت

عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۚ فَذَرْهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِیْ

بر راه راست و روز پستان غایت مرمان

لَهُمْ فِيهِ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۚ وَالَّذِیْنَ هُمْ یَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ مُّسْتَعِذُونَ

تا بزم نماید کردی آنچه هم نموده درین تبار از ایشان بجزا اند

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ عَلَىٰ أَحْسَنِ تَقْوِیْمٍ ۚ فَیُخَوِّدُهُمْ فَهَیْهَاتَ ۚ

بر آید بجهتین که و خسته گفتار بر پشته ایشان پس ایشان



الْأَجْنَاسَ فِیْ أَعْنَافِهِمْ ۚ أَخْلَقْنَا لَهُمُ الْإِنسَانَ فِیْ أَحْسَنِ تَقْوِیْمٍ

بر پستی که اگر در پندیم در دنیا ایشان علما پس از آنها بر پستی بفرمان ایشان

مُقْتَبُونَ ۚ وَجَعَلْنَا مِنْ بَیْنِ أَيْدِيهِمْ سَبَاطًا مِّنْ

بر افروخته مراند و کرد آید بر پیش از ایشان حایل و در

خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَا لَهُمْ فَهْمَهُمْ فَیَصُرُونَ

پس ایشان حایل پس پوشانیدیم شاید از ایشان پس ایشان می پسند

وَسَوَاءٌ عَلَیْهِمْ أُنْذِرْتَهُمْ أَمْ لَا تُنْذِرُهُمْ ۚ هُمْ لَا یُؤْمِنُونَ

و یکسان است بر ایشان خوانم هم نمایی تبار از ایشان تبار از ایشان کرد

إِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخِیْلَ الرَّحْمَٰنِ ۚ لَیْسَ

جز این نیست که بجز آن که بگوید و آن را و بفرمان ایشان بفرمان ایشان

فَبَشِّرْهُ بِعَفْوَهِ ۚ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ۚ إِنَّا یُحِیُّ الْمَوْتَىٰ وَ

پس بفرموده او را با بخشش و عفو و بزرگو

نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَیْءٍ أَحْصَيْنَا

نویسیم از آنچه پیش نهاد و از آثاری ایشان و هر چیزی را ستریم و او را

فِیْ أُمَامٍ مُّبِیْنٍ ۚ وَاصْرُفْ عَنْهُمْ مَثَلًا لِّقَوْمٍ

در کتابی آشکار و بزن در میان ما و ایشان را بستان از آن و می

إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ بُرْهَانَ

چون آمدند آنرا و بخت دادیم ایشان و برهان

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَذَّبُوا نَبِيَّائِثَ فَقَالُوا إِنَّا إِلَهُكُمُ

پس تكذيب كردند ایشان را بر حق بگویند پس تكذيب كردند كه ما الهی شما

مُرْسَلُونَ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ

دست دادگان گفتند از ایشان كه آدمی مانده و فرستاده

الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ أَنْتُمْ إِلَّا كَذِبُونَ قَالُوا

بخشید از چیزی ندادید شما بگویند كه تكذيب كنندگان گفتند

رَبَّنَا عَلِّمْنَا الْكِتَابَ إِنَّا لَنُحْسِنُونَ وَمَا عَلَّمَنَا إِلَّا

پروردگار ما میداند كه ما الهی شما را از کتاب نماند كه بنماید بخت را كه

الْبَلَاغَ الْمُبِينُ قَالُوا إِنَّا نَطِيرُ أَنْتُمْ لَكِنْ لَمْ تَنْهَوْا

را ساندن آشكار گفتند بر شما كه ما را نماند كه بنماید بخت را كه

لَنْ جُنْدُكُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ مِّنَ الْعَذَابِ إِلَهُ قَالُوا

بر آید بخت را كه شما را در آید بخت را كه از آن روز و زمان نماند كه

طَائِفَةٌ مِّنْكُمْ أَنْزَلَ كُوفُوكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ

فصل در شما با شماست آیا كه بخت را در آید بخت را كه شما را بخت را كه

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَّسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ

و آمد از نهایت مدینه مردی كه بشتافت گفت ای قوم

اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا مَن لَّا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا

پیروی کنید از دست دادگان پیروی کنید از آن که بخواهد از شما مزدی

وَهُمْ مُّهْتَدُونَ وَمَا إِلَهُ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي صَدَقَ

و ایشان را هدایت می نمایند و بخت مرا كه بخت را كه از پروردگار

وَالْيَقِينُ تَرْجِعُونَ اتَّخَذَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

و الهی او باز گردیدند و از خدا بی

إِنْ يَرِدْنا الرِّحْمَنُ بَصُرًا لَّا نَعْنِي شَفَاعَتَهُمْ شَيْئًا

بخواهد بخشایدند كه از الهی باز نماند از من در خواست ایشان چیزی

وَلَا يُفْعَدُونَ إِنِّي إِذَا أَنَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

و خلاص می نمایند بختی من نماند كه از الهی بخت را كه

إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ قِيلَ ادْخُلِ

بخت را كه بخت را كه بخت را كه بخت را كه بخت را كه

الْجَنَّةَ قَالُوا يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ

بخت را كه بخت را كه بخت را كه بخت را كه بخت را كه

رَبِّ وَجَعَلْنِي مِنَ الْمُكْرِمِينَ وَمَا أَتْرَكْنَا عَلَى

وادی و دکان و کرد و بند از ارامی و شکران و غریب و نادیده

قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِكَ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُرْسِلِينَ

و فرستاده پس از او از لشکری از آسمان و بنویز و پیشگان

أَرْبُكَ أَنْتَ الْإِصْحَاقُ وَاحِدٌ فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ

بنود که نغمه یگان پس کا بهشان بودند و کلان

يَا حِيزَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ

ای اندوه من بر بندگان بنام پیش از او رسول بودند با او

يَسْتَهْزِئُونَ الْقُبُورَ وَالْأَمْلاكَ كُنَّا قَبْلَهُمْ مِنَ الْغُورِ

استهزا می کردند با نمیدانند بسا ملک که در پیش از ایشان از دکانها

أَنَّهُمْ لَبِئْسَ مَا يَرْجِعُونَ وَإِنْ كُلُّ الْأَشْيَاءِ لَدَيْنَا

که ایشان بسوی خود باز نمیکردند و هر چیزی که بر کتب بر آید همه نزد ما

يُخْضَرُونَ وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا

حاضر شدگان و نشانه است بر ایشان زمین مرده را زنده کردیم و بیدار کردیم

وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ وَجَعَلْنَا

و برون آوردیم از او دانه پس از او بخورند و کردیم و بسازیم

فِيهَا جَنَّاتٌ مِنْ تَحْتِهَا أَنْهَابٌ وَأَجْنَابٌ وَفَجْرٌ فَأُفِيهَا مِنَ

در آن درختان از عذرا بن و انکور و بنستانها و در انکور و بنستانها

الْعُيُونِ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ

چشمها تا بخورند از میوه او و آنچه کرده اند و آنچه بنهائشان

أَفَلَا يَشْكُرُونَ سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ

پس ای شکر بکنید از رب پاک است آنکه از چیزها صنفها

كُلَّهَا ثُمَّ شَبَّكَ الْأَرْضَ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا

همه او از زمین و از تنهای ایشان و از آنچه

لَا يَعْلَمُونَ وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ

نمی دانند و نشانه است بر ایشان از شب باز در هر روز و در روزها

فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ وَكُنَّا نَحْمِلُ صَرْجَ نَفْرَطَا

پس کا بهشان در تاریکی و ما را ببرد و میبرد و میبرد

ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَالْفَرَقَ قَدَرْنَا

اینست اندازه کردن غالب و ما را اندازه کردیم و اندازه کردیم

مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ فَتَدَبَّرُوا وَفِي الْقَوْمِ

منازلها تا برگردد مانند عرجون و در قومی

يَتَّبِعُهَا أَنْ تَذَرِكَ الْقَمَرَةَ وَاللَّيْلُ سَابِقُ الْكَلْبِ

سر از مراد آن که هر یک از ماه و شب و شبی که در روز است

وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ وَأَيُّهُمْ أَمَّا حَمَلْنَا

و هر یک از اینها در یک عالم است و نشان از اینست که ایشان را از امر و کار

ذُرِّيَّةٍ فِي الْفَلَكَ السَّجُونِ وَخَلَقْنَا لَهُمْ

از نسل ایشان را در سجنی برگزیده و پدید آوریم ایشان را

مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ وَارْتَبْنَا نَفَقَاتِهِمْ فَلَ

از مثل او آنچه سوار شوند و اگر او هم غرق کنیم ایشان را پس

صَرَجَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَفْقَدُونَ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَ

و ناله می ایشان را و نه ایشان غلام شوند مگر رحمتی از ما و

مَنَاجِلَ إِلَى حِينٍ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مَا بَيْنَ

بر خود داری تا هنگامی که چون گفته شود ایشان را بپوشید از آنچه در میان

أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ وَمَا

شمارت و آنچه در پیش شماست تا شاید شما را رحم کند و بپوشد و

نَافِثُهُمْ مِنْ آيَاتٍ وَهُمْ لَا يَكَادُونَ عَنْهَا مُخِصِّينَ

نفاث ایشان را از آیات و هرگز از آنها نمی دانند و از آنها نمی شناسند

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ

و چون گفته شود ایشان را انفاق کنید بپوشید از آنچه روزگار بر شما داده است

كَفَرُوا وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْفَعُكُمْ مَنْ لَوْ كَسَاءَ اللَّهُ

که از شما مگر آنانی که بدیدند آید آنچه از آنجا که اگر خواه خدا بخواند

إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَنْتَوِيحُونَ وَرَبُّكُمْ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ

پس شما تنها گردید کردار می آید و شما را و خداوند آنچه خواهد

هَذَا الْوَعْدَانِ كُنْتُمْ صَادِقِينَ مَا يَنْظُرُونَ

این و وعده اگر می بینید راست گویند چشم ندارند

إِلَّا صِيحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ فَلَا

ناله یکسان از ایشان و ایشان خنجر می کشند پس

يُخِصِّمُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ

ند و وصیت کرد و نه بسوی پسران خود باز گردند

فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ بِهِمْ

شود در صور پس تا که ایشان از قبرها بسوی برود و آن خود

يَنْسِلُونَ فَأُولَٰئِكَ يَكُنَّا مِنْ بَعْدِهِمْ مَقِيلًا

روند و گفتند ای ای بر ما که بعد از شماست قرار خواهد داد

ثُمَّ مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ

است آنچه وعده کرد در بخشايند و راست گفتند فرستادگان

يُكَانَتِ الْأَصْحَافُ وَاحِدَةً فَاذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدُنَّا

بنور که هستند يكانه پس نگاهشان بجمع روز ما

مُخْضَرُونَ ۝ فَاَلْيَوْمَ لَا نُظَلِّمُ نَفْسًا شَيْئًا وَلَا نَجْزُونَ

سافرا شده گاهند پس امروز بسوگند نمي نيزي و سزاوارده نشوند

لَا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ اِنَّ اَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ

که آنچه بودند که بسوگندند پس بستانند بباران بهشت امروز

فِي شُغُلٍ فَاعْمُونَ ۝ هُمْ وَازْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ

در مشغول عظيم اند اينان و زنان اينان در سايها

عَلَى الْأَرْشَاءِ مُتْكُونَ ۝ طَهُمُ فِيهَا فَاخِضُونَ

بر تختها بنكرند پس بر شازادگان در آن ميروند

وَهُمْ مَلَأُوا حُوزًا ۝ سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّكَ ۝

و در شازادگان است و پر از است بستانند سلامي است گفتار از پروردگار مهربان

وَنَارُوا الْيَوْمَ أَهْلَهُمُ الْجُرُومُونَ ۝ اَلَمْ اَعْهَدْ إِلَيْكُمْ

و در اين روز بپايند امروز اينان بگناهان - آيا وعده نکردم بگناهان

يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ

اي فرزندان آدم که پرستيد و بپورا که او دشمن اوست

مُبِينٌ ۝ وَإِنْ عِبَدْتُمْ فَمَا صِرَاطُ مُسْتَقِيمٍ

راستكار و بزيك پرستيد اين راه راست

وَلَقَدْ صَلَّيْنَا مِنْكُمْ جِبَلًا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ

و بركر بستانيم كه گاه شده بستاند كره بسيار پس آيا نمي دانستيد

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ۝ اصْلَوْهَا

اينست دوزخي كه بوديد و وعده داده شديد در آيت آزا

الْيَوْمَ عَمَّا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى

امروز با آنچه بوديد كه كتمان مي كرديد امروز مهر بنهيم بر

الْأُفُوقَ وَنُكَرْنَا أَيْدِيَهُمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ

در بستانماي افق و بغير كويد با ايدنهاشان و گواهيني و پاهاشان

بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ وَلَوْ شَاءَ لَنَسْنَاهُ عَلَى

با آنچه بودند كه بسوگندند و اگر خواستيم بر سرش نهاده بيم

أَعْيُنُهُمْ فَاسَنَّبُوهُ الْأَعْوَابَ فَاَلَمْ يَكُنْ

در پايان بستان بپاي كريد را در ا بسرا بپاي بستان

وَلَوْ شَاءَ لَخَنَمْنَا مُعَلِّمًا عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا

و اگر خواستیم هرگز نماندیم ایشان را بر جای خود پس نتوانستند

مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ وَمِنْ نَعْمَتِنَا نُنَكِّسُهُ فِي

لحجبت و بازگرداند و هرگاه اراده کردیم از جای خود برگردانیم او را در

الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْلَمُونَ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا

آفرینش پس آید بر وی ناپدید و نیاوریم شاعری او را کلام موزون و

يُنَبِّغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ لِّیُنذِرَ

پند در او را نیست او که پندنی و قرآن آشکار تا بهر نماید

مَرْكَانَ حَيًّا وَيُحْيِي الْقَوْلَ عَلَى الْكَافِرِينَ

بر که باشد زنده و ثابت شد کفار بر کافران

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ لِمَا عَمِلَتْ أَيْدِيهِمْ أَنْعَامًا

و آیا ندیدند که ما برپا آوردیم ایشان را از آنچه کرده و بندگانهای چهار پا را

فَهُمْ عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُومُهُمْ

پس ایشان بر او میافزایند و رام کردیم او را از هر گاو و اسبی را که ایشان

وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا

و از او میخورند و در ایشان است در آنجا منافع و آشامیدنیها پس آیا

يَشْكُرُونَ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَّعَلَّهُمْ

شکر بکنند از پروردگار و از غیر خدا آلهه میگیرند تا شاید ایشان

يُصَرِّحُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُصَرِّفُ هِمَّهُمْ

باز نماید و روشن کند و توانائی ندارد باز نماید او ایشان را بر میافزاید

جَبَدٌ مَجْصَرُونَ فَلَا يَحِثُّكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ

شکری انداخته و صاف گردانند پس اندوختن ایشان را کفار ایشان را که میگویند

مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا

آنچه میپندارند و آنچه آشکار میکنند و آیا ندیدند که ما

أَنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ نَفْثَةٍ فَذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ

که ما برپا آوردیم او را از منی پس لا اله الا ما و جدل کنند با ایشان آشکار

وَضَرْبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ مَجِي

و زد برای ما و آیه استانی و فراموش کرد آفرینش خود را گفت که زنده بکنند

الْعِظَامُ وَهِيَ مَيِّمٌ قُلْ يَحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا

پس بخواهید او را زنده بکنند بگو زنده بکنند او را که زنده آورد او را

أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ الَّذِي خَلَقَ

اول بار و او را به هر آفرینی دانست آنکه کرد آفرینش

لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ نُوقِدُونَ

شمار از درخت سبز است که بر آن نارهائی از آتش

أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ

آیا نیست آنکه بر آفرینش آسمانها و زمینها قادر

عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّافُ الْعَلِيمُ

بر آفرینش مِثْلِ ایشان بلی و او خَلَّاف و دانای

لَمَّا أَمَرْنَا أَنْ يَأْتِيَنَا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

چون امر کردیم که از او بخواهیم که بگوید که گویند که

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ

بسی است آنکه دست اوست بر دست هر چیزی و به سوی او

النَّبِيُّ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيَكُونُ آمِنًا

پیغمبران به سوی او بازگردانند و او را بگویند که

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم نام خداوندی که بخشنده و مهربان است

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ

از او پرسش میکنند که از پیغمبر بزرگ است که ایشان

فِيهِ مُخْلَفُونَ كَلَّا تُسْئَلُونَ عَنْهُمْ كَلَّا تُسْئَلُونَ

در آن خَلْفِهاست پرسشند نه نه پرسش از ایشان نه نه

أَلَمْ يَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهادًا وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا

آیا نگذاشت زمین را بستر و کوهها را میخها

وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلْنَا بَيْنَكُمْ سُبُلًا

و بر آفرینیم شما را زوجها و میخها را بین شما

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا

و گردانیم شب را پوششی و گردانیم روز را معاشی

وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا وَجَعَلْنَا سِرَاجًا

و بساختیم بر سر شما هفت شعله استوار و گردانیم چراغی

وَمَنَاجِرًا وَانْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَلْجًا

و تابان و نازل کردیم از ابرهای بارنده آبی را که

لِيُخْرِجَ بِهِ حَيًّا وَنَبَاتًا وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا إِنَّ يَوْمَ

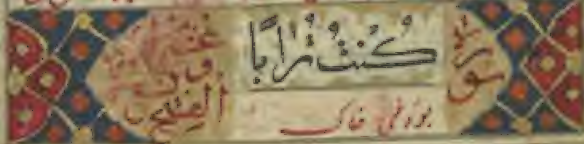
آفرینش را به وسیله آنکه بیاورد از او گیاه و درختان و باغها را که بسیار است

الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتُ يَوْمٍ نَخْتِفُ فِي الْأَصْوَافِ

قسمت آن روزی که در صفها پنهان میشویم

اقْوَاجًا وَفُحِّ السَّمَاءِ مَكَانَتْ أَبْوَابًا وَسَبْرَتْ
 اِلْجِبَالُ فَكَانَتْ سُرَابًا اِنْ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَاتًا
 لِّلْطَّاغِيَةِ مَا يَأْكُلْنَ فِيهَا اُخْبَابًا لَا يَذْوُونَ
 فِيهَا مَرْدًا وَلَا شَرَابًا اِلَّا جَهَنَّمَ غَنَامًا جَزَاءُ وِفَاةٍ
 اَنْتُمْ كَانُوا لَا تَجْرُونَ اَلَمْ يَكُنْ اِيَّاكُمْ كِتَابًا
 فِي كُلِّ شَيْءٍ خَصِيصًا كِتَابًا مَّا تَذُوقُنْ مِنْهُ
 اِلَّا عَذَابًا لِّمَنْ لَّمْ يَغْنَبْ مِقْدَارًا حِدًّا وَغَنَابًا
 وَكَوْءًا لِّمَنْ اَرَادَ وَاَسَافًا لِّمَنْ اَرَادَ
 وَكَوْءًا لِّمَنْ اَرَادَ وَكَوْءًا لِّمَنْ اَرَادَ

فِيهَا اَلْعَوَاوِلُ لَا كِتَابًا جَزَاءُ مَنْ رَزَقَ عَطَا حَسْبًا
 رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا
 يَمْلِكُ لَكُمْ رُفْعُهُ خَطَابًا يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَأُ
 صَفًّا اَلَيْسَ كَلِمَاتُ اَمْنٍ اِنْ كُنْتُمْ اَلْمُحْزَنُونَ
 صَوَابًا ذَلِكَ اَلْيَوْمُ الْيَوْمِ فَرِشَاءُ اَتَّخِذَ اِلَى رَبِّهِ
 مَنَازِلًا اِنَّا اَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ
 الْمَرْءُ مَا فَعَلَتْ يَدَاوُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ اِلَيْتَنِي
 كُنْتُ نُرَابًا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام خداوند بخشنده مهربان

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ

بیشتر که ما تو را بر تو از پوز و پوزی بودیم تا بیاورد و خدا را بخشنده مهربان

مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرُ وَبِهِم نِعْمَةٌ عَلَيْكَ وَلَقَدْ

از گناه تو و آنچه تا پس از تو نماند نماند غنیمت خود را بر تو را تا بعد از

حَرَّ الْحَارِ مُتَقِيهَا وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ ضَرْعًا وَزِينَةً

برای تو و زینت و یاری کند خداوند از یاری تو را و زینت

هُوَ الَّذِي نَزَّلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُجِزُوا

او است که دینش را در دلها و در دلها که دینش را در دلها

أَيُّهَا الْمُجْعِ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَاللَّهُ جُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

ایمانی تا ایمان خود را در خداوند شکستگان و زمین

وَكَارَأَى اللَّهُ عَلَيْهِمْ آجُكُيْمًا لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ

درست خدا و انانی درست کردار تا او را در مردان کردند

وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ بَازِيٍّ مِمَّا الْآفَافُ

و در آن کردند در بوی تا آنها بوی و در آن آنها

خَالِدِينَ فِيهَا وَبُكَرَتْ عَنْهُمْ سَبِيلُهُمْ وَكَانَ لَكَ

خداوند در آن و باز در آن ایمان و بهای ایشان از دست این

عِنْدَ اللَّهِ فَوْزٌ عَظِيمًا وَبُعِذَ الْمُنَافِقِينَ

از خداوند خدای بزرگ و عذاب کند خدا مردان و در او

الْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ

و منافقان و در آن شرک و در آن شرک که از خداوند

بِأَنَّ اللَّهَ ظَنُّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ

بشتر که آن است بر بی ایمان ماند به و غضب کرد خدا

عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

در ایشان و لعنت کرد بر آنها و در آن جحیم و در آن است

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ

در خداوند است لشکر آسمانها و زمین و درست خدا

عَزِيزٌ حَكِيمٌ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ مُبَشِّرًا

غالب درست کردار بیدار که ایمان است تا او را و در آن

وَنَذِيرًا لِّلْمُؤْمِنِينَ وَوَسَّوْهُ وَتَعَزَّوْهُ وَتَبَوَّءُوا

و بهای ایشان تا او را و در آن و در آن و در آن

وَتَسْبِيحُ كُبْرَى وَاصِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَبْهِيكَ
و تسبیح که بزرگوار است و رسیدن آن را خداوند به تو می آید
إِنَّمَا يَأْتِيُورَ اللَّهِ إِلَهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ يَسْتَنْ
جز این نیست که بهشت که در خداوند است و دست در دست ایشان است
فَأَنَّمَا يَنْتَكُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْه
بسیار از آنچه که بر خود دارد و هر که وفا کند آنچه عهد کرده باشد
اللَّهُ فَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا سَيَقُولُ لَكَ
خدا بسیار داد و بزم دهد از هر چه بخواهی بزرگ داد و بزم دهد
الْمُخْلِفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَعَيْنَا أَمْوَالَنَا
با نیکوکاران از عربان بادیه که از ما داشتند
أَمْوَالَنَا فَاسْتَغْفِرْنَا يَقُولُونَ بِالسَّيِّئَةِ مَا لَكَ
کسان بسیار از سرش خواهند می بگویند در این دنیا و آخرت
فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ مَنْ مَمْلُوكُ لَكُمْ رَبُّ اللَّهِ شَيْئًا
در دلهای ایشان بگو اینست که مال من و شما را از خدا چیزی
إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نِعْمًا بَلْ كَانَ

بِمَا تَعْمَلُونَ خَيْرًا بَلْ ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَنْفِكَا الرُّسُولَ
بسیار نیکوکاران کردید بلی ظن داشتید که از ما ببرد رسول
وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزَكَرَ لَكَ فِي قُلُوبِهِمْ
و که در میان آن بگویند که آن خود هرگز از ما نیست و این در دلهای شما
و ظَنَنْتُمْ أَنَّ السَّوَاءَ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا وَمَنْ لَّمْ
و که نگوید که آن یکی و دیگری که یکی ملائکه و دیگری
يُؤْمَرْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا
بگوید بخت و رسول او پس بگویند که آن را که در میان ما و از ایشان فرستاد
وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَعْفُرُ مَنَ شَاءَ
و در خداوند است مملکت آسمانها و زمین می آمرزد هر که خواهد
و يُعَذِّبُ مَنَ شَاءَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا
و عذاب کند هر که خواهد و رحمت خدا آمرزد هر که را رحمت
سَيَقُولُ الْمُخْلِفُونَ إِنَّا أَظْلَمْنَا إِلَىٰ مَعْنَاهُ
و در ایشانست که بگویند که ما گناهان کردیم چون در پیش روی شما
لِنَأْخُذَ مَا ذَرَرُوا نَاتَّبِعُكَ بِهَدْيِكَ إِن يَشَاءُ
تا از چیزی که انداخته اند و ما را با هدایت تو بگویم که بگویم که بگویم

كَلَامَ اللَّهِ فَلَئِنْ تَتَّبِعُونَ أَكْذَابَنَا كَذِبًا لَقَدْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ

كلام خدا را بگو هرگز بروی منسوبه که چنین گفت خدا پیش از این

فَيَقُولُونَ بَلْ تَحِبُّونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ

پس بگو که اینها بگو حسد میرسد ما را بگو بگو که نمی فهمند

إِلَّا قُلُوبًا قُلْ لِلْخَافِقِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُنَدٌ

گواهی بکند بگو هر یک که استخوان از زبان باورید و خواندند

إِلَى قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ سَدِيدٍ يُقَاتِلُوهُمْ أَوْ يُسَلِّمُونَ

به سوی گروهی خداوند است سختی که نواز کند ایشان را یا بکشد یا تسلیم

فَإِنْ تَطِيعُوا يُؤْتِكُمْ كَمَا اللَّهُ أَجْرُ حَسَنًا وَإِنْ تَكْفُرُوا

پس اگر از او بیزید و بد شما را خدا از روی نیکو کرد اگر در دین

كَمَا تُولِيهِمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

چنانچه خود کرد و تسلیم این عذاب که شما را عذاب الهی در دین است

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا

بنت بر آینه حرجی اندر آنک حرجی در

عَلَى السَّرِيعِ حَرَجٌ وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ

بر و عمار حرجی و هر که از او بیزید و بد او را خوشی دهد و او را

جَنَاحٍ يَخْرُجُ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَبُولَ بَعْدَ

در پشتها بگوید و از زیر آنها نهرها و هر که بگوید و از او

عَذَابًا أَلِيمًا لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ

عذاب الهی در دین است بر آنکه خوشی نمودند خدا از آنکه در دین

يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ

پس کرد خدا را در دین است پس را از آنکه و در میان ایشان

الْكِتَابَ عَلَيْهِمْ وَأَتَا بَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا

کتاب را بر ایشان و با او شد بر شکوه و فتح

وَمَغَافِرَ كَثِيرَةٍ يَأْخُذُوهَا وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا جَبَّارًا

و غنیمت بسیار از آنکه است و غنیمت خدا غلبه است

وَعَدَ اللَّهُ مَنَّا كَثِيرَةً نَأْخُذُهَا فَجَعَلَ لَكُمُ الْفِتْنَةَ

و وعده کرد خدا ممان را بسیار از آنکه است و فتنه را در میان

وَكَفَّ أَيْدِي النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْعَالَمِينَ

و باز داشت بر جهان را از آنکه است و فتنه را در میان

وَجَعَلَ لَكُمُ الصِّرَاطَ طَائِفَتَيْنِ مِمَّا كُنْتُمْ تَخْتَلَفُونَ

و قرار داد بر شما را راه است و بگویند و از آنکه است

از این نسخه انعام

دست خطا به خط و کتابت به آینه

صَدَّقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّبُوبَ بِالْحَقِّ لَنَدْخُلَنَّ الْجَنَّةَ

راست است که خدا را بر حق است که بگویند که ما را بهشت است

الْجَنَّةُ أَمَّا اللَّهُ أَمَّا بَيْنَ يَدَيْ رُسُلِهِمْ

الجنة اما خدا اما بين يدي رسلهم

وَمُقَدَّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَا تَفْكُلُونَ فَمَا تَكُلُونَ

و مقدرين لا تخافون فعلم ما لا تفكولون فما تاكلون

مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتَأْمِنُوا هُوَ الَّذِي رَسَلَكُمْ

من دون ذلك فتؤمنوا هو الذي رسلكم

رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ

رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين

كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

كله وكفى بالله شهيدا محمد رسول الله

وَالَّذِينَ آمَنُوا عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءٌ بَيْنَهُمْ

والذين آمنوا على الكفار رحماء بينهم

وَرَبَّهُمْ زُكَّاءٌ يَدْعُونَ ضَلَاةً مِنَ اللَّهِ وَ

و ربهم زكاء يدعون ضلالة من الله و

دعوات

رَضُوا نَأْسِبُهُمْ فِي دُجُومِهِمْ مِنْ آثَرِ الْجُودِ لَكَ

رضوا ناسبهم في دجومهم من اثر الجود لك

مَثَلُهُمْ فِي النَّوْرِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْأَجْبَلِ كَرَزَعٍ

مثلم في النور ومثلم في الاجبل كرزع

أَخْرَجَ شَطَاءً فَازَنَ فَاسْتَخَافَ فَاسْتَوَى عَلَى

اخرج شطاء فازن فاستخاف فاستوى على

سُوفِهِ بِحَبِّ الزَّرْعِ لِيُعْظِمَهُمُ الْكُفَّارُ وَعَدَّ اللَّهُ

سوفهم بحب الزرع ليُعظمهم الكفار وعد الله

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا

الذين آمنوا وعملوا الصالحات منهم مغفرة و اجرا

عَظِيمًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

إِذَا وَصَّيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَيْسَ لَوْصَفُهَا كَأَنِّي

اذا وصينا اهل البيت ليس لوصفها كاني

بستگفتند برادرانم هرگاه بجزد زمین که زبیدی درو نموند

که بهار و بهشتی پس باشد خنای بر گزند و برآید

مستافى ۲۸۰ پس بران است بهت و خفت و دایه ان

سند بن اماران و مستحب

شیخ محمد زکریا بن شیخ محمد زکریا

بسم الله الرحمن الرحيم

الأخبر على سنة رسول الله صلى الله عليه وسلم

سینان به کشتیهای مریع از جوار نیکه زد و کاهن دین

يا بدين يطوف علمهم وليا من محمد و

برای تهیه این روغن با روغن کتان

با کوندا؟ در ابرویها و بجای از شراب شیرین

در امور بستن ازار و پشاور شد و یوا ازار

پھیروں و حکیم طبرمائی تھوں و چور

كَمَا لَمْ يَكُنْ

استادان و استادان بهر حال

يَعْمَلُونَ لَا يَتَذَكَّرُونَ فِيهَا لُغُؤٌ وَإِثْمٌ

١٩٩١

کر کو بند سلام بر شما سلام بر شما و یا ران دست در دست

ما اصحاب اليمين في سد و محذور و كذا

در سال هجرت کنگره ای از پنج هزار و دویست و هشتاد و نه نفر

مَصْنُوعٌ وَحِلٌّ مَدْرُودٌ وَمَاءٌ مَسْكُوبٌ

در این کتاب

وفاكهة كثيرة لا مقطوعة ولا ممنوعة
 و ميوه بسیار نه منقطع و نه بادوست شده و نه
 و فرش مرفوعة انا انشا انما انشا فجلنا
 اسر و بنای رفوشت شده بدین که ما بر او در کمر بار از این که در کمر
 ابرک اراک و عرا اراک لا احجاب الیمین
 در شنبه برادران در کمر اراک و عرا اراک
 ثلثه من الاولیه و ثلثه من الاخرین و
 که ای از شنبه برادران در کمر اراک و عرا اراک
 احجاب الشمال ما احجاب الشمال
 باران در کمر اراک و عرا اراک
 سموم و جیم و ظل من جیم و لا یابرد ولا
 آب برشان در کمر اراک و عرا اراک
 کریم انهم کما نوا قبل ذلک شرفین و
 اسراران بدین که ما بر او در کمر بار از این که در کمر
 کما نوا بعرو و جل الخشب العظیم و کما نوا یقولون
 برادران در کمر اراک و عرا اراک

انما منشا و کما نوا و عظاما انا لمبعوثون
 آما بران بدین که ما بر او در کمر بار از این که در کمر
 انا و انا الاوکون و قل ان الاوکون و الاوکون
 آما بران بدین که ما بر او در کمر بار از این که در کمر
 لمبعوثون الی مبیان یوم معلوم و کما نوا
 برادران در کمر اراک و عرا اراک
 اهل الصلوات المکذوبون لا کلاون
 ای که ایان مکتوب کنندگان
 من یحجر من رفوم و کما نوا منها البطون
 از در می از رفوم و کما نوا منها البطون
 فشار و یوم علیه من الجیم و فشار یون شرک
 برادران در کمر اراک و عرا اراک
 الجیم هذا نزلهم یوم الدین یحجر
 برادران در کمر اراک و عرا اراک
 خلقناکم فلو لا صدقون و کما نوا
 برادران در کمر اراک و عرا اراک

وَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ

آیا شما برادر و برادران را می سازید یا ما می سازیم و شما را می سازد

بَدَيْتُمْ كُفْرًا وَلَمْ تَكُنْ بِمُؤْمِنِينَ

شما را در میان شما اولی که کفر را بدینسان می سازید و شما را می سازد

أَنْ تُبَدِّلَ مَثَلَكُمْ وَتَكُنْ كُمْ فِي مَا لَا

اینکه بدینسان می سازد شما را و شما را می سازد

تَعْلَمُونَ وَلَقَدْ عَلِمَ النَّشْأَةُ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا

بند آید و این را بدینسان می سازد شما را و شما را می سازد

تَذَكَّرُونَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْنُثُونَ

بند می آید و این را بدینسان می سازد شما را و شما را می سازد

تُرْزَعُونَ أَمْ نَحْنُ الرَّاغُونَ

برویدانه او را می سازد و شما را می سازد

حُطَّامًا فَظَلَمْتُمْ فَفَعَلْتُمْ

که ای بنده ای که این را بدینسان می سازد شما را و شما را می سازد

بَلْ نَحْنُ مُحَرَّمُونَ

نرا می سازد و این را بدینسان می سازد شما را و شما را می سازد

وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ تَحْنُثُونَ

آیا شما برادر و برادران را می سازید یا ما می سازیم و شما را می سازد

نَشْأَةً جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ

و این را بدینسان می سازد شما را و شما را می سازد

النَّارَ الَّتِي تَوْرُونَ

و این را بدینسان می سازد شما را و شما را می سازد

أَمْ نَحْنُ الْمُنْشُونَ

آیا ما می سازیم و این را بدینسان می سازد شما را و شما را می سازد

مُنَاجَا لِلْمُفَوِّينَ

بر خود را می سازد و این را بدینسان می سازد شما را و شما را می سازد

فَلَا أَفْسِسُ مِمَّا فِى الْبُحُورِ

بند می آید و این را بدینسان می سازد شما را و شما را می سازد

عَظِيمٌ

بند می آید و این را بدینسان می سازد شما را و شما را می سازد

لَا إِلَهَ إِلَّا الْمَطْهَرُونَ

مطلع شود و این را بدینسان می سازد شما را و شما را می سازد

۱۰ یا پس این علام شما هستی می‌کنند و می‌گردانند

روز می خواند که شما نکند بکشند کابند پس مرا چون بسجده

بجمله ای کردن و شما گفت حکام می نکره

زاد کز یوسفی گویا و از شهاب و یکن فی سینه

پس اگر نه که بخود و اما جزا و ادکان هر که و چند از او که

مستندات گویان پس اما اگر باشد از مفران

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

وفا

و اما اگر باشد از تکه بیکسندگان که آن پس از ضری

از آب حیوان در او درون جود رخ

حق یقین پس شریکای بنام هر دو که خود را بنده

١٣١

نام

بارگشته آنکه هست است پادشاهی را و در هر

جزئی قرآن است آنکه مد آورده است و از کلام انبیا و اولاد

نور او اینها را بنویسند و از هر یک در کتاب خود یاد کنند



الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَىٰ فِي خَلْقِ

آفرید هفت آسمان را طبقه ای بر یکی درازتر من

الرَّحْمَنِ مِن تَفَافُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُتُورٍ

بخشاینده از تفاوتی پس برگردان دید را آیا می بینی از سببها

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتِ لَكَ لِيَكُ الْبَصَرُ حَافِظًا

پس برگردان دید را که بعد از این بار که در بوی تو دیده نویسد

وَهُوَ حَافِظٌ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا

و او حافظ باشد و هرگز عجب نگزیند او را که در بوی تو

بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا

بستارها و کرد و بیدار و را راخته مردمان و آگاه کردیم

لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ وَلَئِنَّكَ كَفُورٌ بَرٌّ

ایشان را عذاب سحر فروخته و آگاه که از ستم هر روز کار خود

عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَيْسَ الْأَعْمَىٰ بِأَعْمَىٰ إِذَا الْفُؤَادُ عَاقَلًا

عذاب جهنم و نه باز سستی است چون فکرت شود در آن

سَمِعُوا لَهَا شَهْقًا وَهِيَ تَفُورُ تَكَادُ تَمَيَّرُ مِنَ النَّارِ

شنود از او آواز غوغایی و او بجوشد و آید بر آواز تابان چشم

كُلَّمَا أَلْفَيْتَ فِيهَا فَوْحٌ سَأَلْتَهُم خَرْنَهَا أَلَمْ يَكُنْ لَهُم

هر چند آنکه شود در آن فوجی پرسیدند بشمار خاها نان و اگر بنا شد شمار

نَذِيرٌ ۖ قَالُوا لَيْلٌ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا

نهی کننده که آمد برای عجبی که آمد ما را بپوشاننده پس کذب کردیم

وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنَّا نَمُوتُ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

و گفتیم آنچه نازل شد از سوی تو ما می میریم مگر در گمراهی

كَبِيرٍ ۖ قَالُوا وَلَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا

بزرگ و گفتند اگر بودیم که می شنیدیم یا می فهمیدیم بودیم

فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ۖ فَأَعْرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَنُحِثُوا

در میان باران آتش فروخته پس آگاه گردیدند که خود را در آتش

لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ ۖ إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم

بر بادان آتش آواره می گردند که آنکه می ترسند پروردگار خود را

بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ وَأَسْرُوا

بنا می گردانند از آتش آواره می گردند و اسیر می گردند

قَوْلَكُمْ وَأَجْمِرُوا بِهِ ۖ إِنَّكُمْ بِذُنُوبِكُمْ أَتَدْرِكُونَ

گفتار خود را بپوشانید و او را بپوشانید و شما را بپوشانید

الْأَمِينُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ۝ هُوَ الَّذِي

آیا اینست که آنکه هر یک را در آن چیز از حق آگاه آورد که

جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا

که در این برای شما زمین را رام پس راه را در او و در مفاصل او

وَكُلُوا مِنْ بَرِّهَا وَلْيَذِخِّرُوا لِلنُّشُورِ ۝ آمَنُكُمْ

و بخورید از برکت او و ایستادند برای ظهور آیه اینست

مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْفَى بِكُمْ الْأَرْضُ فَإِذَا هُمْ تَقَرُّونَ

هر که در آسمان است که فرود آید شمار او را زمین پس آگاه از هر چیزی

أَمْ آمَنُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَرْسِلَ عَلَيْكُمْ صَبَابًا

آیا اینست که هر که در آسمان است که فرستد بر شما باران

فَتَجْلُوا كَيْفَ تُنذِرُونَ ۝ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ

پس در او و اینست که آنکه هر یک را در آن چیز از حق آگاه آورد که

مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا

پس از ایشانند پس چگونه بود انکار و آیا ندیدند

إِلَى الْبَحْرِ يَوْمَهُمُ صَافَاتٍ وَبِقَيْضٍ مَلَامٍ ۝

پس ایستادند بر ایشان صاف و در بقیض ملامت

إِلَّا الرِّجْسَ أَنْ يَكِلَ شَيْءٌ بِهِمْ ۝ آمَنُكُمْ

که بخشایند چیزی را به خودی ایشان با آنکه او است

الَّذِي هُوَ جَبَدٌ لَكُمْ بِهِ بَصُرُكُمْ مِنْ دُونِ

که او بخشایند مر شما را باری و در شمار از غیر شما

لِأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا يَغُرُّونَ ۝ آمَنُكُمْ

زانه کافران که در غرور با آنکه او است

بِرَزْقِكُمْ أَمْ يَمَسُّكُمْ إِيمَانُكُمْ ۝ آمَنُكُمْ

روزی دهد شمار را از آنکه بدارد روزی خود را که خداوند در حق

وَنُفُورِ ۝ آمَنُكُمْ ۝ آمَنُكُمْ ۝ آمَنُكُمْ ۝

در بعدن آیه اینست که هر که در آسمان است که فرستد بر شما باران

أَمْ يَمَسُّكُمْ إِيمَانُكُمْ ۝ آمَنُكُمْ ۝ آمَنُكُمْ ۝

با آنکه او است که هر که در آسمان است که فرستد بر شما باران

الَّذِي تَشَاكُرُكُمْ بِهِ لَكُمْ السَّمْعُ وَالْأَبْصَارُ

که به شما او است شمار و در بعدن شمار گوش و بینا

وَالْأَفْئِدَةُ فَلْيَا تَشْكُرُونَ ۝ قُلْ هُوَ الَّذِي

و دلها اندک که بخورید و تشکر از او که او است

ذَرَاكُمْ فِي الْأَرْضِ إِلَيْهِ تُخْشَوْنَ وَيَقُولُونَ

آفرید شما را در زمین و به سوی او محسوس میشوید و میگویند

مِنْ هَذَا الْوَعْدِ أَنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ قُلْ إِنَّمَا

بخشاید و این وعده اگر راست است که این بخیر است

الْعَالَمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ فَلَمَّا رَأَوْهُ

در پیش خود داشت و جزوینت که ستم نایند آن بندگان ایشان را

زُلْفَةً سَبَيْتَ وَجُوهَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَفِيكَ

نزدیک است که در روی آنان که کافرانند و در میان

هَذَا الذِّمِّي كُنْتُمْ بِمُدْعَوْنَ قُلْ أَرَأَيْتُمْ

اینست آنچه بودید و اینست آنست که میگویند

إِنْ أَهْلَكَنِ اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ وَرَحِمْنَا فَمَنْ يُجْبِرُ

اگر طاعت کند خدا و هر که با من است و رحمت کند پس چه کسی

الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ آلِيمٍ قُلْ هُوَ الْخَلْقُ إِنَّمَا

کافران را از عذاب آفریننده است بخواند بخیرند که

يَبْدُو عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَتَعْمَلُونَ مِنْ مَوْفِقٍ ضَلَالٍ

پدید آید و بر او توکل کردیم پس از روی جهل است که

مُبِينٌ قُلْ أَرَأَيْتُمْ أَنْ صَبَحَ مَاؤُكُمْ غَوًى

استحار بخیزد پس اگر گردد آب شما روزنه

فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ

پس کیست که آید شما را آبی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ

خدایا من از تو میجویم رحمتی که فراگرفته هر چیزی را

وَيَقُولُكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ وَخَضَعَ

و میفرمائی تو که مغرور کردی با او هر چیزی را و خاضع

لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَيَجْبِرُونَكَ

بر او هر چیزی و خوار گردید بر او هر چیزی و بر تو را میگزینند

الَّتِي غَلَبَتْ بِهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَهْوَى

که غالب گردید با او هر چیزی و بزرگی که در پادشاهی است

Marginal notes in smaller script, likely commentary or additional verses related to the main text.

لَهَا شَيْءٌ وَيُعْطِيكَ الْبَنِي مَلَائِكُ كُلِّ شَيْءٍ وَيُسَلِّطُ

از او را چیزی و عطا می کند تو که برگزیده هر چیزی و تسلط تو

الَّذِي عَلَا كُلِّ شَيْءٍ وَيُوجِّهُكَ الْبَنِي بَعْدَ

که برآید بر هر چیزی و هدایت تو را می کند بعد از

مَنَاءُ كُلِّ شَيْءٍ وَبِأَسْمَائِكَ الْبَنِي مَلَائِكُ أَرْكَانَ

قانی بر آن هر چیزی و بنامهای تو که برگزیده رکنهای

كُلِّ شَيْءٍ وَيُعَلِّمُكَ الَّذِي جَاطِبُ كُلِّ شَيْءٍ

بر هر چیزی و تعلیم می دهد تو را که فراگیر هر چیزی

وَيُنُورُ وَجْهَكَ الَّذِي ضَاءُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ يَأْتُرُ

و روشن می سازد چهره تو را که درخشش او بر هر چیزی می آید

يَا فَدُوسُ بَاوِلَ الْأَوَّلِينَ وَبَاخِرَ الْأَخِيرِينَ

ای بادشاه ای پادشاه نخستینان و ای پادشاه پسران

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي هُنَاكَ الْعِصَمُ

خدایا ای بار خدایا گناهانی که مبدء و روزه عصمت

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي نُزِلَ التَّقِيَمُ

خدایا ای بار خدایا گناهانی که از او می آید تقوی و عبادت

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغْفِرُ النَّعَمَ اللَّهُمَّ

خدایا ای بار خدایا گناهانی که بخشیده و عطا می کنی خدایا

اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَجِبُ الدَّعَاةُ اللَّهُمَّ

بخش از گناهانی که گناهانی که میسر می کند دعا خدایا

اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءُ اللَّهُمَّ

بخش از گناهانی که گناهانی که از او می آید بلا خدایا

اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءُ اللَّهُمَّ

بخش از گناهانی که گناهانی که میبرد امید خدایا

اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنِبْتُهُ وَكُلَّ خَطِيئَةٍ

بخش از گناهانی که گناهانی که کردم گناه و هر خطیای

أَخْطَأْتُهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَ

نمادانی که از او می آید خدایا ای بار خدایا ای بار خدایا ای بار خدایا

أَسْتَغْفِرُكَ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ

استغفار می کنم از تو به خودت و از تو می خواهم به بزرگواری

أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ وَأَنْ تُوَضِّعَنِي فِي جَنَّةِكَ

که نزدیکی کنی از نزدیکی تو و که بگذاری مرا در بهشت خود

وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ
 ذَاكَ الْعَامِ نَافِعِي بَارِكْهُ *خداوند منزه از هر کمالاتی* سَوَالِ كَلِمَةٍ ذَاكَ السَّوَالُ
 خَاضِعٌ مُنْذَلٌّ خَاسِعٌ أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَرَحْمَةِ جَلَّتْ
 بِخَضِيعٍ بِشَدِّ ظِلِّكَ وَرَحْمَتِكَ بِشَدِّ رِسَالَتِكَ فَإِنَّ رَأْسَ كُلِّ شَيْءٍ أَوَّلُهَا
 بِقِسْمِكَ رَاضِيًا فَانِعًا وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُوَضَّعًا
 بِقِسْمَتِ خُذْ رَأْسِي فَانِعٌ وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُوَضَّعٌ
 اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَرِئٍ شَدِيدٍ فَاقْنَهُ
 خُذْ رَأْسِي وَسَوَالِ كَلِمَةٍ ذَاكَ السَّوَالِ كَلِمَةً شَدِيدَةً
 وَأَنْزِلْ بِلَدِّكَ عِنْدَ الشَّدَاثَةِ جَلْبَهُ وَعِظْمَ فِئَا
 وَفِي الْأَوَّلِ وَفِي الْآخِرِ *خداوند منزه از هر کمالاتی* عَاطِفٌ أَوْزَارُكَ مُنْذَرٌ
 عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ اللَّهُمَّ عِظْمَ سُلْطَانِكَ وَعِلَا
 زَادَ سِتِّ خُورَشَنٍ أَوْ خُذْ رَأْسِي وَفِي الْآخِرِ عَاطِفٌ أَوْزَارُكَ مُنْذَرٌ
 مَكَانَكَ وَخَفِي مَعَكُ كُوكُوكُكَ وَظَهَرَ مَرَكُوكُوكُكَ
 جَانِ تَوَهُّدَاتِ كَرْنُو *خداوند منزه از هر کمالاتی* وَفَا بَرَكْتَ لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ
 فَهَرَكُ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ وَلَا يُمْكِنُ الْفَرْقُ مِنْ جُكُوكُكَ
 لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ قُدْرَتُكَ وَفَا بَرَكْتَ لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ

اللهم

اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لَذِي وَفِي غَافِرٍ وَلَا لِقَبَائِحِي سُؤَالَ
 خُذْ رَأْسِي *خداوند منزه از هر کمالاتی* لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ
 وَلَا لِسَبِيحٍ مِنْ عَمَلِ الْفَيْحِ بِالْحَسَنِ مَبْدَأُ عَمَلِكَ
 وَفَا بَرَكْتَ *خداوند منزه از هر کمالاتی* لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتَ
 بِنَتِ خُذْ رَأْسِي كَرْنُو *خداوند منزه از هر کمالاتی* لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ
 وَبِحَمْدِكَ بِحَمْدِكَ وَسَكَنَتْ إِلَى قَلْبِهِمْ ذِكْرَكَ لِي
 وَفَا بَرَكْتَ *خداوند منزه از هر کمالاتی* لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ
 وَمِنْكَ عَلَى اللَّهِ مَوْلَايَ كَمَنْ فِيهِ سِتْرُهُ
 وَفَا بَرَكْتَ *خداوند منزه از هر کمالاتی* لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ
 وَكَمَنْ فَادِجٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَفْلَنَهُ وَكَمَنْ
 وَفَا بَرَكْتَ *خداوند منزه از هر کمالاتی* لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ
 مِنْ عَشَارِ وَقِيَّتِهِ وَكَمَنْ مَكْرُهُ دَضَعُهُ
 وَفَا بَرَكْتَ *خداوند منزه از هر کمالاتی* لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ
 وَكَمَنْ ثَنَاءُ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشْرَتُهُ
 وَفَا بَرَكْتَ *خداوند منزه از هر کمالاتی* لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ لَعَلَّكَ وَفَا بَرَكْتَ

اللَّهُمَّ عَظِّمْ بِلَائِي وَأَقْطَبْ بِسُوءِ جَالِي وَصُرِّ

حداوت از دست باری کن و از حد در کشتن بدی عالم را سبک

بِي عَمَائِي وَقَبِّدْ لِي أَغْلَالِي وَحَبِّسْنِي عَنْ تَقَعِّي

کردار من دعا جز که در ا غلای من و منع کرد مرا از تعقیب

بَعْدُ مَا لِي وَخَدَّعْنِي لِدُنْيَا يُغْوِي مَوَاقِفِي

دوری آنکه دانی کن و از پیب داد مرا دنیا بفریب و دزدی

بِحَيَاتِنِهَا وَمَطَالِي يَا سَيِّدِي فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ

بجایان خود و از بسبب طاعت من ای سید من بجز بخت و عزت

أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَفِتْنَائِي وَ

که رخ نمک از تو دعا مرا بدی عمل من و آزار من و

لَا تَقْضِ خَيْرِي بِخَيْرٍ مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ يَمِينِي

روا کن مرا به نیکی آنکه مطلع شدی بر آن از راست من

وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَائِي

و از دگر مرا بفریب بد آنکه کردم آنرا در خلوت من

مِنْ سُوءِ فِعْلٍ وَأَسْأَلُكَ وَدَّامِ نَفْسِي بِطَوْلِكَ

از بدی کردار من و بدی من و دایم خود را بفریب و نادانی من

و کرم

وَكثْرَةِ شَهْوَائِي وَغَفْلَتِي وَكُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي

و بسیار بدی شهوات من و غفلت من و باش عزا و بخت تو مرا

فِي الْأَحْوَالِ كُلِّهَا رَوْفًا وَعَلَى جَمِيعِ الْأُمُورِ

در احوال همه او بخشند و برین در همه امور

عِظُوفًا إِلَهِي وَرَبِّي مِنْ لِي غَيْرِكَ أَسْأَلُكَ كَسْفَ ظَهْرِي

مهربان ای خدا و پروردگار من بجز تو نیست مرا بجز تو که از پشت من

وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي إِلَهِي وَمَوْلَايَ أَجْرَبَ عَلَى جُرْحِي كَمَا

و از بسبب در کار خود ای خدا ای من آگاهی من ای پادشاه من جگر

أَتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَايَ نَفْسِي وَلَمْ أَحْزَرْ مِنْهُ مِنْ

و پیروی کردم در آن خواستش من خود و نگا بدی که در میان من

تَزَيُّينَ عِدُوِّي فَغَرَّبْتَنِي مَا أَهْوَى وَأَسْعَدُ

زین را از دشمن خود بس فریب مرا آنچه دوست و یار کرد و آرد

عَلَى ذَلِكَ الْفَضَاءِ فَنَجَّوْزُ مَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ

بر این حسم برین گذشتم با آنچه جاری شد برین از

ذَلِكَ بَعْضَ حُلُودِكَ وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَمْرِكَ

این باره صدای تو و مخالف کردم باره امرای تو

فَلَا تَجِدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ وَلَا حِجَّةَ لِي فِي مَا بَلَغَ

بسند از حدیث محمد بن ابی بن ابی

عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ وَالرَّفْعَ فِي حُكْمِكَ وَبَلَاءُكَ وَقَدْ

بدین در آن قضای تو و لازم کرده مرا حکم تو و بلاء تو که بختی

أَتَيْتُكَ يَا آلِهَ الْعَرْشِ تَقْصِيرِي وَأَسْرَافِي عَلَى

آمدن تو ای بخدای من بعد از تقصیر خود و اسراف کنشتم بر خود

مُعْذِرًا نَادِمًا مُتَكَسِّرًا مُتَقَبِّلًا مُسْتَغْفِرًا

عذر فرمودند پشیمان شدم جزا مان مغفول آید و استغفار کنم

مُنِيبًا مُفْرَمًا مُذْعِمًا مُعْزَا لَا أَحِدَ مَفْرَمًا

بازگشته و فرمانده و نصیحت کننده من را یکتا گردانای از آنچه

كَانَ مِنِّي وَلَا مَفْرَعًا نُوحًا إِلَيْهِ فِي أَمْرِي

عذر من بود و نه باری که در کفر من بودی او در امر خود

غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي وَإِذَا لَكَ يَا أَلِهُ فِي سَعَةِ

بجز از قبول کردن تو عذر مرا و در داد و درن تو مرا در وسعت ادب

مِنْ رَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ قَبْلَ عُذْرِي وَأَرْجَمِ

از رحمت تو ای خداوند من بعد از عذر مرا و درسم کن

فیه
آیه

شد

شَدَّ خُزْرِي وَفُكِّنِي مُزْشَدُّو ثَانِي بَارِبِدِ

شدن خزان من و فکین من از سبب من بعد از او و بار بار

أَرْحَمَ ضَعْفَ بَدَنِي وَرَفَقَ جَلِيدِي وَدَقَّ ۱۰۰ عَظْمِي

رحم کن تا دانی من مرا و بار بار مرا و شکستنی استخوان مرا

يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذِكْرِي وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي

ای آنکه ابتدا کردی آفرینش مرا و یاد مرا و تربیت مرا و پرورش مرا

وَتَعَذُّرِي هَبْنِي لِابْنِ دَاوُدَ كَرَمِكَ وَسَا لِفِيكَ

و عذر مرا عطا کن مرا بنده کرم خود و سزا بفرمای

يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي رَبِّي أَتُرَاكَ مُعَذِّبًا

ای خدای من و سرور من و پروردگار من ای الهی تو مرا عذاب کننده را

بَعْدَ تَوْحِيدِكَ وَبَعْدَمَا أَنْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي

بعد از یکتا گردانی تو و پس از آنکه در سجده بر تو دل من

مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَلَحَجَّ بِهٖ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَ

از شناخت تو و در گواهی شد زبانی از یاد تو

أَعْتَقَدُ خَيْرِي مِنْ حَيْثُكَ وَبَعْدَ صِدْقِ عَزْمِي

ای که گمانم از تو بهتر است از هر کجاست تو و بعد از راستی عزم من

وَدَعَا فِي خَاضِعٍ لِيُؤْيِيَنَّكَ مِهْمَاتِ أَنْتَ كَرَّ

در حالی من از روی خضوع و در و کارهای تو دور است تو که میزنی

مَنْ أَنْ تَضْبَعُ مِنْ رَبِّكَ أَوْ تَبْعِدَ مِنْ دُنْيِكَ

در هر یک ضایع نمی گسرد که خودت بخت کرد ما و از یاد دور را از کبر الی الله

أَوْ تَشْرِدَ مِنْ أَوْيَةِ أَوْ تَسْلِمَ إِلَى الْبَلَاءِ مِنْ كَفَيْتِهِ

یا برای آنرا که جای داده اند از یا بگذری یا بگری یا که دفع کردی

وَرَحْمَتِهِ وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيْدِي وَطَهِي

در هر که در او را و گشت بدینهم ای سید من و طهری

مَوْلَايَ أَنْ تَلْطِطَ النَّارَ عَلَى وَجْهِ خَرَفَ لِعَظْمِكَ

آقای من ای اسلحه خدای که آتش را بر روی بیک در نهادند و عظم تو

سَاجِدٌ وَعَلَى السِّنِّ نَفَقَتْ بَنُوحِيدِكَ

سجده کننده کان در زانوهای تو که با شده بیگانه تو

صَادِقَةٌ وَلَيْتَ كُرْكُ مَا رَحِمَهُ وَعَلَى قُلُوبِ

راست گویند و بیک تو مع گویند در دل تو

أَعْتَرَفْتُ بِالْهَيْئَةِ مَحْفَقَةٍ وَعَلَى ضَمَائِرِ حَوْثِ

اعتراف کردم به هیئتی تو از روی محبت و بر خاطرانی که در کارند

مِنْ لَعْلَمٍ بِكَ جَوَّ صَارَتْ خَاسِعَةٌ وَعَلَى حَوْرٍ

از آتشش بر تو ناکرده با خضوع در حضورت

سَعَتْ إِلَى وَطَانٍ تَعْبُدُكَ طَائِعَةٌ وَأَسَارَتْ

که سحر کرد بهجای عبادت تو طوع و اشاعه کرده

بِاسْتِغْفَارِكَ مُدْعِنَةٌ مَا هَكَذَا الظَّنَّ بِكَ

با گشتش تو از روی ارغوان بخت این کلان بنو

وَلَا أَخِيرُ فَا بَفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ وَنَتْ

در هر که از او را بفضل تو از تو ای کریم ای پروردگار تو

تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعَقُوبَاتِهَا

میدانی تا توانی مرا از اندکی از بلا دنیا و عاقبتهای او

وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنْ أَلْكَانٍ عَلَى هَلَامِهَا عَلَيَّ أَنْ

و آنچه جاری شود در او از کفریات بر او بر آید

ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرٌ فَلَيْلُ مَكْتَبِهِ يَسِيرُ قَبَائِلُ

این بلا و مکرش است که از یک رنگ او کم است قبایل

فَصِيرَ مَدْنُهُ فَكَيْفَ حَمَلًا إِلَى الْبَلَاءِ الْأَخِيرِ فَو

گذاشت مدنت او بر مکر تو تا به بلاء آخرت و

جُلُولٌ وَوَقَعَ الْمَكَارُ فِيهَا وَهُوَ بِلَا يُطُولُ مَذَّةً

بزرگ و بختیگر کرد و است در آن و او بلیست که اولیست

وَيَلِدُ مَقَامَهُ وَلَا يَخْفَعُ عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ

در این مقام او و بس که در مقام او از او بزرگوار باشد

إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَانْقِصَامِكَ وَسَخَطِكَ وَهَذَا

از این غضب تو و نقصان تو و خشم تو و این

مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمُوتُ وَالْأَرْضُ يَا سَبِّدِي

چیز است که در این ایستاده و از آسمانها و زمین ای سبیدنی

فَكَيْفَ وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّائِلُ الْخَجِيرُ

بس چگونه تا آنکه منم بنده تو ناتوان خوار پست

الْمُسَكَّرُ الْمُسْتَكِينُ يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي

مستکنده و مستکین ای الهی من و پروردگار من و سبیدنی

وَمَوْلَايَ لَئِنْ لَا مُوَالَيَكَ أَشْكُو وَلِمَا مِنْهَا

و آقای من برای کدام مومنه بگوئی تو شکایت کنم در کدام از آنها

أَخْبِ وَأَنْبِي لَا يَكُ الْعَذَابُ وَشِدْنُهُ أَوْ طُولُ

بخشش و انبیا که عذاب و شدت او یا طول

الْبَلَاءِ وَمَدَنُهُ فَلَنْ صَيَّرَنِي فِي الْعُقُوبَاتِ

و دردت آن پس که گردان مرا در عقوبت

مَعَ أَعْدَائِكَ وَجَعَلَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بِلَادِكَ

با دشمنان تو و جمع کنی میان من و میان اهل بادی تو

وَفَرَّقَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَجْبَائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ

و جدا کنی میان من و میان دوستان تو و اولیای تو

فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَبِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي

ای که خشم بخیزی من و سبیدنی و آقای من و پروردگار من

صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ وَ

که صبر کردم بر عذاب تو پس چگونه صبر کنم بر مفارقت تو

هَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى خِزَانِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنْ

ای که خشم که صبر کردم بر خزان تو پس چگونه صبر کنم بر دوری تو

النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ كَيْفَ أَشْكُرُ فِي النَّارِ وَ

از نظر به کرامت تو چگونه تشکر کنم در آتش

رَجَائِي عَفْوِكَ فَبِعِزَّتِكَ يَا سَبِّدِي وَمَوْلَايَ

ایستادن عفو تو و پروردگار من ای سبیدنی و آقای من

أَفْسِمُ صَادِقًا لَنْ تَرْكُنِي نَاطِقًا لَا تَخْبِرُ لَيْتَكَ

فتم سوزم راستی که اگر دانا می بود سخن گوی بر آن خورش بر آردم بری

بَيْنَ أَهْلِهَا خَجِيجَ الْأَمَلَيْنِ وَلَا صَخْرَ لَيْتَكَ

میان این خجیم غمزه شمس امید واران و نه که شمس بوی نه

صَاحِ الْمُنْصَرِّحِينَ وَلَا بَكْبَكٍ عَلَيْكَ بَعْثًا

آه استغفار کننده گان و بگرم بر محمدی از رحمت تو که پس

الْفَافِينَ وَلَا نَادِيَنَّكَ بِرُكْنٍ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ

آنکه دوست خود را که در اندوه و این تو را که گناه ای دوست مومنان

يَا غَايَةَ أَمَالِ الْعَارِفِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

ای نهایت آرزوی عارفان ای فرایده رسد و دوانان

يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

ای دوست دلهای راستگوین ای خداوند عالمیان

أَفْزَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهَ وَتَحَمِيدُكَ لَسَمِعُ فِيهَا

آیا تو که تنزه میکنم ترا ای خدای من و بجز تو مشغولم که شنیدی در آن

صَوْتِ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَمِعَ فِيهَا نَحْوَ لَفْنِيهِ وَفَا

صدای این بنده مسلمان را که زدن کرده باشی آنرا بر منی گفت و در دیده

طَعَمَ عَذَابًا بِمَعْصِدِنِي وَجِلَسَ بِرَأْطَامِهَا

مزه عذاب آردا بنسرمانی او و اندک به مشند و او را در میان چشم

بِحُرْمَةٍ وَجَزِيرَةٍ وَهُوَ يَصِجُ إِلَيْكَ خَجِيجٌ مُمَلِّ

بهرم دار و جزایستان و او خورشید نهی تو خورشیدی که امید و آرزو

لِرَحْمَتِكَ وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ

رحمت ترا و ندا کند ترا زبان کلام برستند ترا

وَيُوسِّلُ لَيْتَكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ يَا مَوْلَايَ فَيْكَيْفَ

و تو سبیل خود بوی تو بر پروردگاری تو ای خدای من هر چه که

يَفْعَلُ بِالْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلِّكَ

ناتوان در عذاب و حال که امید دارد آنچه پیش از این از بر داری

وَوَافِكَ وَرَحْمَتِكَ أَمْ كَيْفَ نُؤَلِّمُ الْكُنَادِ

و وفا تو و رحمت تو ای چگونه بگویم و او را دانش

وَهُوَ يَأْمُرُ بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ أَمْ كَيْفَ حُجْرَةٍ

و او امر در فضل ترا و رحمت ترا ای چگونه بگویم و او را

طَبْهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ

نظر کنش و تو شنیدی صدای او را و بینی جای او را یا چگونه

فی التوحید

يَسْتَلِ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ

مستعمل شود بر او زفیر و آنرا که می داند که او را ضعیف است

أَمْ كَيْفَ يَتَغَلَّغُلُ بِهَا أَطْبَافُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ

یا چگونه با او غلبه می کند میان طبقات و تو می دانی راستی او را

أَمْ كَيْفَ تَرْجُبُ زِيَابِنَهَا وَهَوْنِيادُكَ بِأَبْرَةٍ

یا چگونه رنجور می داری زینها و سستی را با یک آیه

أَمْ كَيْفَ تَرِجُوضُ نَكَاحُكَ فِي عَيْفَةٍ مِنْهَا فَتَرْكُهُ

یا چگونه می رنجوری از نكاح تو در عیبی از آنها پس ترک او را

فِيهَا مَيِّهَاتُ مَا ذَلِكُ الظَّنُّ بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ

در آن خفیه است این گمان بر تو و آنچه معروف است از

فَضْلِكَ وَلَا مُشَبَّهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْوَحْدَيْنِ

فضلت تو و آنچه شبیه است به آنچه تو با او معامله کردی

عَنْ بَرِّكَ وَحَسَانِكَ فَيَا لَيْقِينَ اقْطَعْ لَوْ لَا

از بزرگی و حسن تو پس ای لایقین قطع کن اگر نه

مَا حَكَمْتُكَ بِتَقْذِيبِ جَا حِدِيكَ وَقَضَيْتُ

آن که حکم می دادم به تو با طرد کردن تو و قضای

مِنْ خِلَادٍ مُعَانِدِيكَ بِحَكِّكَ لَنَا وَكُلَّهَا بَرْدًا

که بهشت برای تو معاندان خود را بر آتش کرده اند و اینها همه سردی است

وَسَلَامًا وَمَا كَانَتْ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرٌ وَلَا مَقَامًا

و سلامت و آنچه که برای کسی در آنجا مقار و مقامی نیست

لَكَ تَقْدَسَتْ سَمَائُكَ أَقَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهَا

بس که تو را بزرگواری است آسمانهای تو را چگونه پر کنی

مِنْ أَلْكَافِ بْنِ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

از کافران و از جنات و از همه مردم

وَأَنْ تُخْلِدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ وَأَنْتَ جَلُّ شَأْنِكَ

و اینکه همیشه در آنجا معاندان را و تو را که بزرگترین شایسته

قُلْتُ مُبْنِدًا وَتَطَوَّلْتُ بِالْإِنْعَامِ مِنْكُمْ كَمَا

گفتم بهشتی را و بزرگواری را با انعام از شما که

أَفْرَجُ كَانَ مُؤْمِنًا كَرِيمًا فَاسْقَا لَأَيَّتُنِ

آیا پس اگر باشد با تو ای پادشاهان بزرگواری

إِلَهِي وَسَيِّدِي فَاسْتَلِكْ بِالْفُؤَادِ الْفَقْدُ

ای خدای من و پادشاه من ای پادشاهان بزرگواری

وَبِالْفَضِيَّةِ الَّتِي حَقَّتْهَا وَحَكَمْتُهَا وَغَلَبَتْ مِنْ

و بکل که من کرد و او را و حکم کرد و او را و غلبه شد

عَلَيْهِ اجْرَتُهَا أَنْ تَهَبْ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

بر او جاری کرد و او را که بختی مرا در این شب

وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلِّ جَرْمٍ اجْرَتُهُ وَكُلِّ

در این ساعت هر جرمی که گنہ کرد در هر

ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلِّ فِتْنَةٍ اسْتَرْزَنْتُهُ وَكُلِّ حِمْلٍ

گنہی که کردم آذنا و هر کار که کشتم بر او و هر بارانی

عَمِلْتُ كَمَنْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ

کردم مخفی نمودن یا آشکار نمودن یا پنهان نمودن یا

وَكُلِّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَانِهَا الْكَلَامَ الْكَافِرَ

و هر بدی که امر کردم به اثبات آن کلام کافری

الَّذِينَ زَوَّكْتُهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنْهُمْ وَجَعَلْتُهُمْ

که من زود کردی ایشان را که نگاه دارند آنچه صادر شود از من و کردم ایشان را

شُهُودًا جَلِيًّا مَعَ جَوَارِحِي وَكُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبُ عَلَيْهِ

گواهان بزرگ با جوارح من و بودی تو که نگاه داری بر من

مِنْ وَرَائِهِمْ وَالشَّامِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَبِرَّ

از پس ایشان و گواه هر آنچه پنهان است از ایشان و بر

أَخْفَيْتُهُ وَبِفَضْلِكَ سَرَّيْتُ وَأَنْ تُؤَفِّرَ خَطِيئَتِي

مخفی نمودم آنرا و بفضل تو پنهان نمودم آنرا و ایست که در خطیئتم

مَرَجُّ كُلِّ خَيْرٍ تَزِيلُهُ أَوْ إِحْسَانُ تَقْضِيلِهِ أَوْ بَرِّ

از هر نیکی که تزلزل دهد آنرا یا حسن کردن آنرا یا بری

تَنْشُرُهُ أَوْ رَدُّ وَتَبْسُطُهُ أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطِيئَةٍ

که آشکارا کند آنرا یا ببرد آنرا یا بکشاید آنرا یا گنہی که آمرزد آنرا یا خطیئتی

تَسْمُنُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا إِلَهَ وَسِيدِي

ای شایسته آنرا ای پروردگار من ای پروردگار من ای بخشنده ای پروردگار من

وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رِفِّي يَا مَنْ بِيَدِكَ نَاصِيئَتِي

و ای مالک من و ای پادشاه من ای آنکه در دست تو سر من است

يَا عَلِيمًا بِضُرِّي وَمُسْكِنًا لِي يَا خَيْرَ مُفْقِرِي

ای عالم به ضرر من و ای پناه دهنده من ای بهترین بزدارنده من

وَفَاغْفِرْ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اسْأَلُكَ بِحَقِّكَ

و ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای بخشنده ای پروردگار من

وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمَ صِفَانِكَ وَاسْمَاءِكَ أَنْ

و قدس برائی تو بزرگترین صفات تو و اسمهای تو است

تَجَعَلَ أَوْفَانِي فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ لَمَعُونَ

کرد ای اوقات مرا در شب و روز ب یاد تو ایامان

وَتَخَدُّمُكَ مَوْصُولَةً وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً

و خدمت تو پیوسته و کارهای من نزد تو پذیرفته

حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَوَرَادِي كُلُّهَا وَرَدًا وَاجِبًا

تا آنکه کارهای من و ورودهای من همه واجب شود

وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا يَا سَيِّدِي يَا مَنْ

و حال من در خدمت تو سرمد است ای سید من ای آنکه

عَلَيْهِ مُعَوَّلٌ يَا مَنْ لَيْسَ شَكْوَى أَحْوَالِي بِأَرْبِ

بر او است اعتماد من ای آنکه بسوی او شکایت کرد حال خود را

يَا رَبِّ يَا رَبِّ فَوْعًا عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَشَدِيدٌ

ای پروردگار من ای آنکه در خدمت خود جوارح مرا سخت کن

عَلَى الْعِبَادَةِ جَوَانِحِي وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ

بر عبادت من ای آنکه بده مرا جدیت را در ترس از تو

وَالدَّوامُ

وَالدَّوامُ فِي الْإِصْطِلَالِ بِخِدْمَتِكَ حَتَّى أَسْرَحَ

و مداومت در متصل بودن ب خدمت تو تا استراحت

إِلَيْكَ فِي مَيَادِي السَّاعَةِ بِعَيْنٍ وَأَسْرَعَ إِلَيْكَ فِي

بسی تو در میانه های ساعت ب چشم و سریعتر به سوی تو

الْمَيَادِينِ وَأَسْتَأْذِنُكَ قُرْبِي فِي الْمُسْتَأْذِنِ

در میانه های مکان بستانم نزد تو بگریز تو در میان مستأذنان

وَأَذْنُومُكَ دُنُو الْخُلَاصَةِ وَأَخَافُكَ مَخَافَةً

و نزد تو می گویم نزد تو می خضوع و ترسم از تو ترسیدن

الْمُؤْمِنِينَ وَاجْتَمَعُ فِي جَوَارِكِ الْمُؤْمِنِينَ

مؤمنان بجمع و گرد آورم در جمعی که باری بگردانندگان

اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَ فِي سُوءِ فَارْدَةٍ وَمَنْ كَانَتْ

خدایا و هر که ارادت کند مرا بسوی پس را در گن او را بید و هر که گن

فَكَرُّنْ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَجْسَرِ عِبَادِكَ ضَيْبًا

پس بگردان کن و بگردان مرا از استوارترین بنده ها

عِنْدَكَ وَأَفْرَعَهُمْ مَنَزِلَةً مِنْكَ وَلِخَصَمِهِ رَفْعَةً

نزد تو و از بزرگترین ایشان بزرگترین منزلت بده و بخصم من بزرگ

لَكَ فَاتِّبِئْ لِيَا نَالَ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ وَجِدْكَ
 در نزد تو زیرا که غنیان بسند نیست مگر بفضل تو و جودت
 بِجُودِكَ وَاعْطِفْ عَلَى عَجْدِكَ وَاحْضَنْ حَمْلَكَ
 بگو خود و صفا کن بر عجز خود و کن بار خود را بر جفت خود
 لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُشَبَّهًا وَمَرْجَلِي
 زبان مرا با یاد خود کوب و دل را بر دوستی خود غرق و پست
 بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ وَافْلَنْيْ عُمْرِي وَاعْفُ عَنِّي
 به حسن جوابی خود و در گذر از عمر من و ببخش مرا
 فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَى عِبَادِكَ بَعَادَتَكَ وَمَنْعَهُمْ
 پس برستی که تو حکم کرده بر بندگان خود ببردگی و مانع
 بِدُعَائِكَ وَصَمَمْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ فَأَلَيْكَ يَا زُ
 به دعا می خود و صفا شد برای ایشان استجابت پس بر تو
 نَصَبْتُ وَجْهِي وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي
 باز در شتادم روی خود را و بسوی تو پروردگار کشیدم دست خود را
 فَمِنْ تَرَكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَبَلِّغْ مَسَائِلِي وَ
 پس چون تو که مسأله من را بر ایمن دهی و برسانم از بار و غمی و

تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي وَكَفِّنِي شَرَّ الْجَنِّ وَ
 قطع کن از فضل خود امید مرا از آزار جن شر جن و
 الْإِنْسِ مِنْ عَذَابِي يَا سَرَّحَ الرُّضَا اعْفُفْ
 را سس از آزارشان من ای دانا بخش و بیاموز او
 لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ فَإِنَّكَ مُعَالٍ يَا نَسَاءُ
 بگو که داد و ستد و کار و کار و دعا پس برستی که تو غنی و بزرگوار
 يَا مَنْ أَسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِكْرُكَ شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ
 ای آنکه نام او دوا می آید و یاد او شفا می آید و اطاعت او
 غِنَى رَحْمَةٍ مِنْ رَأْسِ مَالِهِ الرِّجَاءُ وَسِلَاحُهُ لِبَنَاتُ
 فراوانی رحمت کن بر سر او که سر او را امید است و بر باد او که است
 يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا ذَا فَعِ النِّعَمِ يَا نُورَ الْمُسْتَوْجِبِينَ
 ای صاحب نعمت کامل و رفع کننده عذاب ای روشنای دوست پذیرندگان
 فِي الظُّلُمِ يَا جَالِمًا لَا يَعْلَمُ صِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ
 در تاریکی ای دانا ای که غایت خود را ندانی رحمت است بر محمد و آل
 مُحَمَّدٍ وَفَعَلَ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَصَلَّى اللَّهُ
 محمد و بر کن این که بگوید من و تو و او آن را رحمت خدا

در مملکت خود اینها را می بیند که از آنجا رنج و غم می آید

في غايه صيانه

مذہب کی بحث اپنے ذہن میں

و ای آنکه بیرون از کوزه زبان مصباح را با کوزه ای چسبندگی را

ب ت تاء ب ت از نیز که های جسم بر آید که او

در بسته اگر از بینم چشم مرا که در ده در اندازد ای زینت او

و همیشه در این آفتاب بنور افروز مشک و ای آنکه دلالت از

بر ذات خود به است خود و صفات از جمیع مشایخ از یادای خود

و بنده است از حوکنمایان خلق جزو ای که تزلزلت از اندیشه های

خوب و دورات از کربن چشمها ۱۰ بسته بایک

جسٹل از آکا یا مٹ شود امی آکا خواجا بندہ در دستر

امن خود و امان خود و بعد از ستم بر ابدی است ای کج بخشش فرموده و از بار او بخش

و جهان مرز و بازدارنده سرخهای بری را از زمین بدست خود

و بحسب حوزة رحمت مرشد خداوند ابرار و نامی بسوی تو

در این بسیار تامل و دوست داشته باش و بسیار ملاحظاتی

بر یسمان جزه گواری بسیار بلند و صاحب حب پاکیزه در

ذُرْوِ الْكَاثِلِ الْأَعْبَلِ وَالثَّابِتِ الْقَدَمِ
 بخت و پاش بخت و پاش بخت و پاش بخت و پاش
 عَلَيَّ حَالِي فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ وَعَلَى الدَّيَّانِ
 بر طمان سوار بخت و پاش بخت و پاش بخت و پاش
 الْمُصْطَفِي الْأَبْدَرِ وَافِجِ اللَّهُمَّ كُنَّا مُصَاحِبِي
 بر لای جان بخت و پاش بخت و پاش بخت و پاش
 الصَّبَاحِ مِفْتَاحِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ وَالْبَسْمَةِ
 صبح را بخت و پاش بخت و پاش بخت و پاش
 اللَّهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خَلْقِ الْهُدَايَةِ وَالصَّلَاحِ
 من او را از بهترین خلق ای راه نشان و صلاح
 وَاعْرِضْ اللَّهُمَّ لِعَظْمَتِكَ فِي شَرِّ جَنَائِي
 و بکار حق او را در عظمت و بزرگواری خود در بدترین گناهان من
 يَنَابِيعِ الْخُشُوعِ وَاجْرُ اللَّهُمَّ مِرَامِي فِي زَفَرِي
 چشمهای فروشی در او بساز خداوند از گناهان من بزمی در روز قیامت
 الدُّمُوعِ وَأَدْبِلْ اللَّهُمَّ زُفَرِي بِالْخُشُوعِ بِمُؤَمَّةِ
 اشکها و ادب کن خداوند زلف من با فروشی بپوشش

الضُّعُفِ

الضُّعُفِ الْهَلْجِ أَنْ لَمْ تَبْدَدْ ثَنِي الرَّحْمَةِ مَنِيكَ
 خوار می آید بخت و پاش بخت و پاش بخت و پاش
 بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ فَمِنْ السَّالِكِ فِي لَيْكَ فِي وَجْهِ
 به حسن توفیق تو منی بخت و پاش بخت و پاش بخت و پاش
 الطَّرِيفِ وَأَنْ أَسْلَمْتَنِي أَنَا نِكَ لِفَائِدِ الْأَمَلِ
 را به طعمای رحمت تو و اگر داد مرا حکم تو بخت و پاش بخت و پاش
 وَالْمُنَى فَمِنْ الْمُفْضِلِ عَمْرِي مَرْكَبِي الْهَوَى
 و خواسته ها منی بخت و پاش بخت و پاش بخت و پاش
 وَأَنْ خَذَلْنِي نَصْرِكَ عِنْدَ حَارِثَةِ الْفَسْرِ وَالسُّطَا
 و اگر خوار کن مرا نصرت تو نزد کارزار فتنه و شیطان
 فَتَدَّوْكَ كُنِي خِدْلَانِكَ الْحَيْثُ النَّصْبُ
 پس چرخ تو را خوا به کفایت مرا خوار می تو تو را که استیغاثی بوی روح
 الْحَرَمَانِ الْهَلْجِ أَنْ لَمْ تَبْدَدْ ثَنِي الرَّحْمَةِ مَنِيكَ
 تو صمیمی آید بخت و پاش بخت و پاش بخت و پاش
 أَمْ عَلِمْتُ بِأَطْرَافِ حَيَاكَ الْإِجْبَرِ بَاعِدْتَنِي
 یا در آفرینم بخار به جانهای تو که حسی به کار کرد مرا

ذُنُوبِي عَنْ دَارِ الْوُصَالِ فَبَسَّ الْمَطِيَّةُ الْكَلْبِيَّ

لما ان من از سرای وصال بس و شربت

اَمْنًا تَنْفُسِي مِنْ قَوَاهِهَا قَوَاهِهَا لِمَا سَوَّلَتْ

سوارش و نفس من از قوای خود بس و در قوای او که از سرایت دارد

لَهَا ظُنُونُهَا وَمَنَاهَا وَنَبَا لَهَا لِحُجَّتِهَا عَلَا سَبِيلُهَا

و از راههای او و در راه او و خبر او از راه او که از سرایت دارد

وَمَوْلَاهَا إِلَهِي قَرَعَتْ بَابَ رَجْعِكَ بَيْدَ رَجَائِي

و مولا من ای من که در درگاه تو در درگاه تو در درگاه تو

وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ لَأَجِئًا مِنْ قُرْطِ أَهْوَايَ وَعَلَفْتُ

و گریختم به سوی تو که از راه تو از راه تو از راه تو

بِأَطْرَافِ جِبَالِكَ أَنَا مِلَّ وَلَا تِي فَاصْخِرْ لَللَّهِ

بکم و در اطراف کوههای تو ای من که از راه تو از راه تو از راه تو

بِمَا كُنْتُ أَجْرَمُهُ مِنْ زَلَمٍ وَخَطَايِي وَأَفْلَيْتُ لِلَّهِ

و از آنچه که از راه تو از راه تو از راه تو از راه تو از راه تو

مِنْ صَرَعَةٍ دَأَيْتُ فَإِنَّكَ سَبْدِي وَمَوْلَايَ

از راه تو ای من که از راه تو از راه تو از راه تو از راه تو

مُعْتَمِدِي وَرَجَائِي وَغَايَةُ مَنَاجِي فِي مُنْقَلَبِي

معتد من و رجای من و غایت منای من در بازگشت من

مَوَاجِي إِلَهِي كَيْفَ نَظَرْتُ مَسْكِينًا الْخَبَالَ إِلَيْكَ

و آگاه من ای من که از راه تو از راه تو از راه تو از راه تو

مِنَ الذُّنُوبِ هَارِبًا أَمْ كَيْفَ خَجِبْتُ مُسْتَرِدًّا

از گناهان من که از راه تو از راه تو از راه تو از راه تو

فَصَدَّ الْخَبَالَ بِلَيْكَ سَاعِيًا أَمْ كَيْفَ رُذِّ ظَنًّا

و از راه تو ای من که از راه تو از راه تو از راه تو از راه تو

وَرَدَّ إِلَى حِيَاضِكَ شَارِبًا كَلًّا وَحِيَاضَكَ

و از راه تو ای من که از راه تو از راه تو از راه تو از راه تو

مُرْعَةً فِي ضَنْكِ الْحَوْلِ وَبَابِكَ مَفْخُوحٌ لِلطَّلَبِ

و از راه تو ای من که از راه تو از راه تو از راه تو از راه تو

الْوُغُولِ وَأَنْتَ غَايَةُ التَّوَلُّ وَغَايَةُ الْمَأْمُوكِ

و از راه تو ای من که از راه تو از راه تو از راه تو از راه تو

إِلَهِي مِنْ أَرْزَمَةِ نَفْسِي عَقْلُهَا يُعْطِي لِرُشْدِيكَ

ای من که از راه تو از راه تو از راه تو از راه تو از راه تو

وَمِنْ أَعْبَادِ ذُنُوبٍ رَأَتْهَا بِرَحْمَتِكَ وَعَفْوِكَ
 و این اعیان که انصاف است که در حق خود گناهان بر حمت تو و عفو تو
 وَرَأْفَتِكَ وَمِنْ أَمْوَالِي الْخُضَلَاءِ وَكَأَنَّمَا
 و بر رأفت تو و اینها میوه ابرو سبزه ای که گشتند و گشتند که در آن گشتند
 إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي
 بسوی آنست که لطف تو بس کردن این صبح را
 مِنْ أَمَانَةٍ عَلَى بَيْتِي أَهْلِي وَالسَّلَامَةَ
 این از تو آید و بر من بر سر آسانی بدین و سلامتی
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَسَاجِدَ جَنَّةٍ مِنْ كَيْدِ
 در دین و دنیا و آخرت و مساجد جنة من کید
 الْعَدُوِّ وَوَفَايَةً مِنْ مَرْدِيَانِ أَهْوَى نَفْسِي
 دشمنان و وفا ده از ماردان که گشتند و گشتند که گشتند
 فَأَدِرْ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ تُؤْنِي الْمُلْكَ مَزْتَشَاءُ وَتَزِيحِ
 توانانی بر آنچه خواهی میدی بادشاهی را بر کزانی و بسبب
 الْمُلْكَ مَزْتَشَاءُ وَتَعِزُّ مَزْتَشَاءُ وَتَذَكُّ مَزْتَشَاءُ
 بادشاهی را از کزانی و عزیز میگردانی و تذکره میگردانی و تذکره میگردانی

بِيَدِكَ الْخَيْرُ لَكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 بدست است چنانکه گشت بر هر چیزی توانایی و قوتی
 اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ وَتُوجِّعُ النَّهَارُ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ
 شب را در روز و روز را در شب و تو خروج
 الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتُزَيِّدُ مَنْ
 زنده را از مرده و مرده را از زنده و تو زیادتی
 تَقْدِيرًا بِغَيْرِ حِسَابٍ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُبْطِحَانَا
 توانایی بمشاورت بدست ندانی که تو هر چیزی را
 اللَّهُمَّ وَجْهَكَ مَنْ ذَا يَعْرِفُ قُدْرَتَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا
 خداوند و چه تو که بدست ندانی که تو هر چیزی را
 وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهْدِيكَ إِلَيْكَ قُدْرَتَكَ
 و بدست ندانی که بدست ندانی که تو هر چیزی را
 الْفَرَقُ وَفَلَقْتَ بِرَحْمَتِكَ الْفَلَاقَ وَأَنْزَلْتَ بِكَمَلِكَ
 طایفه ها و تو شکافتی بجهت خود بسبب و تو هر چیزی را
 دِيَاغِي الْغَيْقُ وَأَهْرَنْتَ الْمِيَاهَ مِنَ الصَّمِّ الصَّبِيحِ
 تا بگشتی ای صبح را و تو هر چیزی را و تو هر چیزی را

عَذِّبُوا وَاجْتَابُوا وَأَنْزَلَتْ مِنَ الْغُصْنِ ذُرًّا مَاءً تَنْجِي

بزرگواران را عذاب و برگزیدگان را و از درختی از باران می بارید و از آن آب نجات

وَحَبْلِكَ لَتَمَنَّيَنَّ وَالْقَوْمَ الَّذِينَ سَبَّوْا وَهَاجَا

و حبلت را دوست داشته باشند و قومی را که لعنت کردند و هاجا

مَنْ غَيْرَ أَنْ تَمَازِسَ فِيمَا أُبْدِلَتْ لَهُ لُغُوبًا وَلَا

کسی را که از آن غافل شود که در میان آن لغو شود و

عَلَّاجُ غِيَا مَنْ تَوَجَّهَ بِالْعِزِّ وَالْبَقَاءِ

درمانگر غیای کسی که با عزت و بقا

عِبَادَهُ بِالْمَوْثِقِ وَالْفَنَاءِ حَلَّ عَلَى مَدَقِ

بندگان را با وثاق و فنا حل شد بر مدق

الْأَقْيَانِ وَاسْتَمِعْ نِدَائِي وَاسْتَجِبْ عَنِّي

ای اقایان و بشن و جواب من

وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي رَجَائِي بِأَخْيَرِ مَنْ عَمِي

و محقق کن با فضل تو امید مرا رجای من با خیر کسی

لَكَيْفَ أَضْرِبُ أَمَّا مَوْلَايَ كَلِمَتِي أَوْ بَشِيرِي

چگونه ضربه می زنم اما مولای من کلمه من یا بشارت من

أَنْزَلْتُ جَاجِي فَلَا تُزِدْنِي يَا سَيِّدِي مِنْ سَخَرَةٍ

از تو و از تو هم حاجت خود را پس مگردان مرا ای سید من از سخره ای

مَوَاهِبِكَ خَائِبًا يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

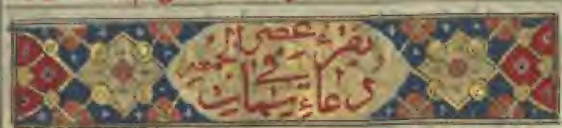
بخشش تو را خایب ای کریم ای کریم ای کریم ای کریم

كُلُّ شَيْءٍ فَنَدِرٌ وَيَا لَا جَانِبَ جَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ

هر چیزی را فنا و ای جانبی را که باطنی است و صلوات

عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدٌ يَا مُحَمَّدٌ يَا مُحَمَّدٌ يَا مُحَمَّدٌ

بر آقای ما ای محمد ای محمد ای محمد ای محمد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ

خدایا من از تو می خواهم که نام تو را بزرگترین

الْأَعْرَ الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ

بزرگترین و اگر دعا شود به آن

Handwritten marginalia in Persian script, likely a commentary or continuation of the text.

در بستانهای درامی استخوان بچند کشتوان بر حیت کشتوانه سوزا

و هرگاه خوانده شود بر مشکبهای در پای زمین تجزیه گشت

کتاب دومین و هرگاه عطا شود نماید بر دوزخ می رسد و بیست و نه

و هرگاه خوانده شود بر مردگان جهت زنده شدن زندگان

و هرگاه خواهره شود بار بر کسوفن بهائی و گزیند

کشت و ده روز و چوبیس روز کی داشت بزرگوار بود که بزرگوار است

از ذرات آنها و از حقیقت ذرات آنها که قسماً ممکنه را دارد و ذرات آنها

خَضَعْتُ لَهُ أَلْفَ قَاتٍ وَخَشَعْتُ لَهُ الْأَصْوَاتَ

و

۵۵

و غیر متنه مراد از آنجا از تریس نو

که نکاه میبرد و آسمان را که میفشرد زمین میگرید و این

وَمِنْكُمْ لَمُؤْمِنٌ وَالْأَرْضُ نَزُولٌ وَلِزِينَةٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نکات و مبادی آنها را به مجلس پس از آنکه در دستور

وَالْمَلَأْنَا بَيْنَهُمَا مَآءً زَاكِيًّا

بِهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَخَلَقَ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ وَمِنْ لَدُنْهِ مَخْرُجُكُمْ وَمَا تَدْرِكُ الْبَصَرُ

۱۰۸

باب مجایب و استرعی بار و تارکیها و کرمینہ ایضا

شش و گردن و سر و پا و ...

وَجَعَلْتَهُ نَهَارًا وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ نُورًا مُبْجُولًا

و کرد و بیداری را نور و دراز را تاریکی بعد از خواب روشن

وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسُ ضِيَاءً

و پدید آوردی بآفتاب و کردی آفتاب را روشن

وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ نُورًا خَالِقًا

و پدید آوردی ماه را و کردی ماه را نورانی و پدید آوردی

بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلَهَا نُجُومًا وَبُرُوجًا وَ

ستاره ها و کردی آنرا ستاره ها و درجه ها و

مَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُومًا وَجَعَلْتَ لَهَا مَسَارًا

چراغها و زینتها و تیرها و کردی آنرا مسافتها

وَمَغَارِبَ وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَمَجَارِي وَجَعَلْتَ

و معزها و کردی آنرا مآلها را و جاریها را و کردی آنرا

لَهَا فَلَكَامَسَابِجَ وَقَدَرْتَ لَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ

برای آن مسکنها و نهادی برای آنرا در آسمان منازل

فَاَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا وَصَوَّرْتَهَا فَاحْسَنْتَ خَلْقَهَا

بسیار نیکو گشتی تقدیرهای آنرا و صورتها را پس نیکو گشتی خلق آنرا

و احسنها

وَاحْسَنْتَ بِهَا بِأَسْمَاءَكَ احْصَاءً وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمِكَ

و نیکو گشتی در آنرا بنامهای خود و تدبیر آنرا با حکمت خود

تَدَبَّرَ بِهَا فَاحْسَنْتَ تَدَبُّرَهَا وَسَخَّرَهَا بِسُلْطَانِ

تدبیر کردی بآنها و نیکو گشتی تدبیر کردن آنها و رام کردی آنرا با پادشاهی

الْكَلِّ وَسُلْطَانِ النَّهَارِ وَالسَّاعَاتِ وَعَدَدَ

شمار و پادشاهی روزها و ساعاتها و شمار

السِّنِّينَ وَالْحِسَابَ وَجَعَلْتَ رُؤُسَهَا لِيَجْمَعَ

سالها و حسابها و کردی آنرا برای جمع کردن

مُرَّاءٍ وَاحِدًا وَاسْتَلَكَ اللَّهُمَّ مَجْدَكَ الَّذِي كُنْتَ

یکت و دیدن و استلک کن از خداوند بزرگواری بگو

بِعُتْبَدِكَ وَرَسُولِكَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

با بر بند تو و رسول تو موسی پسر عمران علیه السلام

فِي الْمَقْدَسَيْنِ فَوْقَ حِجَاسِ آلِ كُرَيْشٍ

در جایگاههای مقدس بالای ویدن در مکان

فَوْقَ عَمَائِمِ النُّورِ فَوْقَ نَابُوشِ الشَّهَادَةِ فَوْقَ

بالای بردای روشن بالای تابوت شهادت در سنن

الْأَنْدَادُ فِي جُورِ سَيِّئَةٍ وَفِي جَبَلِ حُورٍ بَيْتٍ فِي

بستان در کوه محمد سبزه در کوه حوریت در

الْوَادِ الْمَقْدَسِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ

دایه با کسره در مکان مبارکه از

جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ وَفِي رَضِ صِرَ

سمت راست طور از درخت در زمین صیر

يُدْنِي آيَاتِ بَيِّنَاتٍ وَبَوْمَ فَرَقَ لِبَنِي إِسْرَءِيلَ

بند تجزای روشن در روز که جدا نمود مبنی اسرائیل

الْبَحْرِ وَفِي الْمُنْجِيَاتِ الْفَوْصَعَتِ بِهَا الْغَائِبِ

در باره در منجات آنجا که گریه بود غایب

فِي مَحْشُوفٍ وَعَقْدَتِ مَاءِ الْخَرَفِ فَلَبِ الْغَيْرِ

در دایه محشوف و بستن آب در باره در دل روز

كَالْحِجَانِ وَجَاوَزَتْ بَنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ

مانند سینه و گذراندند بنی اسرائیل را از دریای

تَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى عَلَيْهِمْ عَمَّا صَبَرُوا وَأَوْزَنَهُم

تمام شد کلمه تو که نیکوست بر ایشان آنچه صبر کردند و وزن دادی

مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا الْيَاقُوتُ عَلَيْهِمُ

مشرقهای زمین و منتهای پای او یاقوت علیهم

فِيهَا لِلْعَالَمِينَ وَانْغَرَقَتْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ وَمَلِكُهُ

در آن جهانها و غرق شد فرعون و لشکر او و پادشاه او

فِي الْبَيْتِ وَبِأَسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمُ الْأَعْرَافُ

در بیت و با اسم تو که بزرگ بزرگ است بزرگترین

الْأَكْرَمُ وَسَجَدَكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَى

صاحب کرم و سجده ای که در پیشش عیسی و موسی

كَلِمَتِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سَيِّئَةٍ وَ

کلمه تو بر او باد در کوه در کوه سبزه

لَا يُرْهِمُ خَلِيلَكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَسْجِدِ

بر او بر کسی را دوست خود بر او باد در مسجد

الْخَيْفِ وَلَا تَحْصِفِيكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي

خیف و بر او بر کسی را بر او باد سلام در

بَيْتِ شَيْخٍ وَلِيَعْقُوبَ نَبِيَّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي

بیت شیخ و یعقوب نبی تو بر او باد در بیت او

بَدِثْ اَيْلَ وَاَوْفِيتْ لَا يَرْفَعُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فان ايل ونام نزدی برای ایل بر او باد درود

نَمِشَا فَاَنْتَ وَلَا تَسْخَرْ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلَقَكَ وَ

نمیشا خود و مرا خود بر او باد درود بگفتن تو و

لِيَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَهِادَتِكَ وَلِلْمُؤْمِنِ

بر یعقوب بر او باد درود بشهادت خود و در گذشتگان

بِوَعْدِكَ وَلِلدَّاعِيْنَ بِاسْمَائِكَ فَاجِبَتْ مُحَمَّدٌ

بوعده تو و در خوانندگان بناهای تو پس اجابت کردی محمد را

الَّذِي ظَهَرَ لِرُؤُسِي بْنِ عَمْرِو عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى

که بود بر سر ایوی بر سر بر او باد درود

قُبَّةِ الرُّمَّانِ وَيَا بَدِيكَ الَّذِي رَفَعْتَ عَلَى اَرْضِ

منه زمان و بدست تو که داشت بر زمین

مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلْبَةِ يَا بَايَ عَزِيزٍ وَ

مصر بزرگی عزت و غلبه پادشاهی ارجمند و

بِأُطْحَانِ الْفَوْزِ وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ وَبِشَانِ الْكَلِمَةِ

پادشاهی توانائی و بزرگی توانائی و بشان کلام

النَّامَةِ

النَّامَةِ وَبِكَلِمَاتِكَ الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَفْضُلُهَا

نام و بکلمات تمام تو که زیادتی را دمی بمان

عَلَى أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَهْلِ الدُّنْيَا

بر اهل آسمانها و زمین و اهل دنیا

وَالْآخِرَةِ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى

و آخرت و در رحمت خود که من گذاشتی بمان

جَمِيعِ خَلْقِكَ وَبِاسْمِكَ الَّتِي آتَيْتَ بِهَا

بر جمیع خلق تو و عزای خود که بر آید بگشتی آن

عَلَى الْعَالَمِينَ وَبِوَرْدِكَ الَّذِي مَدَّخَرْتَهُ مِنْ فِعْ

بر جهانیان و بورد خود که محبوس افتاد از دست تو

طُورِ سَيْنَاءَ وَبِعِلْمِكَ وَجَلَالِكَ وَكِبَرِيَّاتِكَ

طور سینا و دانائی تو و بزرگی تو و بزرگواری تو

وَعِزَّتِكَ وَجَبْرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَشَقَّهَا الْآخِرُونَ

و عزت تو و جبروت تو که توانائی ندارد او را زمین

وَأَنْخَفَضَتْ لَهَا السَّمَوَاتُ وَأَنْزَجَهَا الْعُيُونُ الْأَعْيُنُ

و گشت شده را او را آسمانها و استاده را او بزرگ

وَرَكَّتْ لَهَا الْبُحَارُ وَالْأَنْهَارُ وَخَضَعَتْ لَهَا

درست و مراودا دریا و نهرا و خضادست و مراودا

الْجِبَالُ وَسَكَنَتْ لَهَا الْأَرْضُ مِمَّا كِبَاهَا وَ

که بجا و ساکن شد مراود از زمین بجهت خود و

اسْتَلَمَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ كُلُّهَا وَخَفَعَتْ لَهَا

استاسیر یافت مراودا خلق را و خفا شد مراودا

الرِّيحُ فِي جَوَائِهَا وَخَدَّتْ لَهَا الْبُحْرَانُ فِي أَوْطَانِهَا

باد را در روان شدن او و خادوستن مراود آستانها در آستانها

وَبَيَّطَانِكَ الَّتِي عُرِفَتْ لَكَ بِهِيَ الْعَلْبَةُ

و بیاوردش ای تو که شناخته شده بآن غالب شدن

دَمْرُ الدُّهُورِ وَخَدَّتْ بِهِ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

زمانهای دهور و خاددش به در آسمانها و زمینها

وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةُ الصِّدْقِ الَّتِي سَبَقَتْ لَنَا

و بکلماتی تو کلمه راستی که پیش از ما آمد

أَدَمَ وَذُرِّيَّتَهُ بِالرَّحْمَةِ وَأَسْأَلُكَ بِكَلِمَتِكَ الَّتِي

آدم و ذریه او را و رحمت و استعاضه از کلماتی که

عَلَيْكَ كُلُّ شَيْءٍ وَنُورُ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّى بِهِ

غالب شد بر هر چیزی و نور چهره ای که تابان شد و

لِلْجِبَالِ فَجَعَلْنَاهُ دَكَاةً وَخَرَّ مُوْضِعًا وَجْهَكَ

بر کوه پس گردانید او را افتاد و در بر نهاد روی به پیش رو شد و

الَّذِي ظَهَرَ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ فَكَانَتْ بَعْدَكَ

که عود است بر طور سینا پس عود گشتی و بعد از تو

وَرَسُولُكَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ

در روان تو موسی پسر عمران بر او باد و درود

بَطَاعَتِكَ فِي سَاعَةِ وَظُهُورِكَ فِي جَبَلِ فَارَانَ

بطاعت در ساعت و ظهور در کوه فاران

بِرَبِّوَاتِ الْمَلَائِكَةِ وَجُودِ الْمَلَائِكَةِ الْأَتَمَّةِ

سجده را و باکستگان و شکرهای استعاضه از سنگان صفت شده

وَخُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ وَبِرَكَاتِكَ

و خضوع استعاضه از سنگان تسبیح گزاران و برکتهای خود

الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ

که برکت فرستادی در آن بر ابراهیم خلیله و درود تو بر او باد

السلام في انه محمد صلى الله عليه وآله

درود در امت محمد *چند مرتبه بخواند و دل او*

وباركك لا سخر صفيك في انه علي عليه

درود دای مراد *بزرگوار در امت جیسی بر او باد*

السلام وباركك لعقوب انك ائليك عليه

درود درود دای مراد *بزرگوار در امت جیسی بر او باد*

السلام في انه موسى عليه السلام وباركك

درود در امت موسی بر او باد درود درود دای

محمد صلى الله عليه وآله في عترته

درود درود محمد *چند مرتبه بخواند و دل او در عترت*

وذريته وامن الله وكنم غنا عنك

درود در امت او *چند مرتبه بخواند و دل او در عترت*

ولم تشهد وامن الله وكنم غنا عنك

درود در امت او *چند مرتبه بخواند و دل او در عترت*

ذلك ان نصل على محمد وال محمد

درود در امت او *چند مرتبه بخواند و دل او در عترت*

تبارك على محمد وال محمد وان نرحم على

برکت برستی بر محمد *وال محمد و حسن و حمزه*

محمد وال محمد كفضل ما صليت وباركك

محمد *وال محمد* *چند مرتبه بخواند و دل او در عترت*

ورحمته ورحمتك على ابرهيم وال ابرهيم انك

درود در امت ابراهیم *چند مرتبه بخواند و دل او در عترت*

حميد مجيد فقال لا تزيدي وانت على كل

درود در امت او *چند مرتبه بخواند و دل او در عترت*

شيء فديت بغيرك ما ابرهيم يا الله يا حي

درود در امت او *چند مرتبه بخواند و دل او در عترت*

يا منان يا بديع السموات والارض يا ذا

درود در امت او *چند مرتبه بخواند و دل او در عترت*

الجلال والاکرام يا حي يا قیوم يا ارحم

درود در امت او *چند مرتبه بخواند و دل او در عترت*

الراحين اللهم تحو هذا الدعاء وتحققه

درود در امت او *چند مرتبه بخواند و دل او در عترت*

الْأَسْمَاءُ الَّتِي لَا يَعْلَمُ نَفْسٌ بِهَا وَلَا نَأْوِيَهَا

نامها هیچکس نمیداند و نه نامش را و نه پناهی او را

وَلَا يَعْلَمُ ظَاهِرَهَا وَلَا بَاطِنَهَا غَيْرُكَ صَلِّ عَلَى

و هیچکس نداند ظاهر او را و نه باطن او را جز تو رحمت است بر

مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ لَكَ يَا رَبِّ فَتَقْبَلُ خَوَافِي يَا

ای محمد و تسبیح و تحمید را بپذیری ای سرور من و بپذیری

وَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي مَا تَقْدِمُ مِنْهَا وَمَا تَأْخِرُ وَوَسِّعْ

و عفو کن از من از هر چه پیش از تو است و از هر چه پس از تو است و وسع

عَلَيَّ مِنْ جَلَالِ رِزْقِكَ وَكَفِّنِي مَوْتَهُ زَانِ

بر من از جلالت روزی تو و بپوش من از مرگش زانی

سَوْءٍ وَجَارٍ سَوْءٍ وَسُلْطَانٍ سَوْءٍ إِنَّكَ عَلَى

بدی و بسیار بدی و پادشاهی بدی و پادشاهی بدی و پادشاهی بدی

مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ آمِينَ يَا

آنچه خواهی توانایی و به هر چیزی دانایی آمین ای پادشاه

الْعَالَمِينَ بِسْمِكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

جهانان به نام تو تسبیح کن بر محمد و آل محمد

وَأَفْعَلُ فَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلُ فَمَا أَنَا

و بکن و نه بکنی ای آنکه اهلش نیستم و نه بکنی ای آنکه اهلش نیستم

أَهْلُهُ وَأَنْفَعْ لِي بِمَنْ يُؤْتِيَنِي وَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي

اهل او را و تو را و بکن برای من آنکه بپوشد و عفو کن از من

بِسْمِكَ يَا رَبِّ فَتَقْبَلُ خَوَافِي يَا

به نام تو ای سرور من و بپذیری خوارگیهای من

اللَّهُمَّ بِحَوْلِكَ هَذَا الدُّعَاءُ وَبِحَوْلِكَ الْأَسْمَاءُ

ای خداوند به قدرت تو این دعا را و به قدرت تو این اسامی را

الَّتِي لَا يَعْلَمُ نَفْسٌ بِهَا وَلَا نَأْوِيَهَا وَلَا بَاطِنَهَا

که هیچکس نمیداند و نه پناهی او را و نه باطن او را

وَلَا ظَاهِرَهَا غَيْرُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و نه ظاهر او را جز تو ای آنکه بپوشد بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَرْزُقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَبِحَوْلِكَ

و ای آنکه بپوشد و بپوشد از دنیا و آخرت و به قدرت تو

وَأَفْعَلُ فَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلُ فَمَا أَنَا أَهْلُهُ

و بکن و نه بکنی ای آنکه اهلش نیستم و نه بکنی ای آنکه اهلش نیستم

و عفو کن

وَأَنْتَقِمَ لِي مِنْ فُلَانٍ بَرُّ فُلَانٍ وَكَغْفَرِي مَنْ

و انتقام کشم مرا از فلان بر فلان و بامزد مرا از

ذُنُوبِي مَا تَقْدَمُ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ وَلَوْلَا دِي وَجِيعَ

گناه من آنچه پیش است از او و آنچه باز پس افتاده و مرا در بهر درد و

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَوَسَّعَ عَلَى مِنْ جَلَالِ

مردان کرده و زنان کرده و وسعت ده برین از جلال

رِزْقِكَ وَكَفَيْتَنِي مَوْتَهُ نِسَاءً سَوَاءً وَجَارِ سَوَاءٍ

روز من و کفایت کن مرا مرگ را زنان بدی و یار بدی

وَسُلْطَانٍ سَوَاءٍ وَفَرَسٍ سَوَاءٍ وَيَوْمٍ سَوَاءٍ وَ

و پادشاه بدی و فرس بدی و روز بدی

مَاعَةٍ سَوَاءٍ وَأَنْتَقِمَ لِي مِنْ يَكِيدُنِي بَيْنَ

ساعت بدی و انتقام کشم مرا از آنکه مرا دارد از

بَيْعِي عَلَيَّ وَبَرِّدُنِي سَوَاءً وَبَاهِلِي وَأَوْلَادِي وَ

باز من بدی و بخواهد مرا بدی و باطل من و فرزندانم

أَخَوَانِي وَجِبْرَانِي وَفَرَا بَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

برادرانم و یارانم و فراتر مانم از مردان کرده و زنان کرده

ظُلْمًا إِنَّكَ عَلِيمٌ بِمَا تَسَاءَلُونَ بِهِ كُلُّ شَيْءٍ عَلَيْكَ

پستی بپستی کنی بر آنچه خواهی و توانی و هر چیزی در دستان

أَمِينٍ رَبِّ الْعَالَمِينَ **بِسْمِ اللَّهِ** اللَّهُمَّ تَخَيَّرْنَا

میسز ای پروردگار جهانیان **حسنت** داد و ای من

الَّذِينَ تَفَضَّلَ عَلَى قُرَّةِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و عار که زیاده ای بر قراته مردان کرده و زنان کرده

بِالْغِنَى وَالْثَرَى وَعَلَى مَرْحَبَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

بر انکساری و ملکیت و بر چهاران مردان کرده و زنان کرده

بِالسَّخَاةِ وَالْأَحْبَةِ وَعَلَى إِجَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

بشفا و شد بستی و بر زنده گان مردان کرده و زنان کرده

بِالْطُّفِ وَالْكَرَمِ وَعَلَى أَمْوَالِ الْمُؤْمِنِينَ

بهرمانی و کرم نمودن و بر اموال مردان کرده

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغَفْرِ وَالرَّحْمَةِ وَعَلَى مَسَاوِي

و زنان کرده با بزرگش و رحمت و بر مساوی

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ

مردان کرده و زنان کرده بر برگرداندن بسوی وطنهای خود

سَالِمِينَ غَانِمِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

سلامت و غنیمت و نجات از تو ای بخشنده و رحیمترین

صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ

صلوات خدا بر سر خاتم النبیین

عَزَّ وَجَلَّ الْخَامِسَ نَزَّوَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

بزرگوار و بزرگوارتر و سلام بسیار



يَا عَدَنِي فِي كُرْبِي وَيَا غِيَاثِي عِنْدَ شِدَّتِي وَ

ای مددکننده من در غم من و ای یار من در سختی من

يَا وَلِيَّيَ فِي غَيْبِي وَيَا مُبْحِي فِي حَاجَتِي وَيَا مُفْرِجِي

ای صاحب من در غیبت من و ای باری من در حاجت من و ای برطرف کننده من

فِي وَرْطَتِي وَيَا مُنْقِذِي مِنْ مَرِيضَتِي وَيَا كَافِيَا

در ورطه من و ای نجات دهنده من از بیماری من و ای کفایت کننده من

فِي وَحْدَتِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَخَفِّرْ

در تنهایی من صلوات بر محمد و آل محمد و آسود

خَطْبَتِي وَبَشِّرْ أَمْرِي وَاجْمَعْ لِي شَيْئًا وَانْجِ

خطای مرا و بشارت بده مرا و گرد آور برای من چیزی را و نجات

طَلَبَتِي وَاصْلِحْ لِي شَأْنِي وَاكْفِنِي مَا أَمْتَنِي وَجَلِّ

طلب مرا و اصلاح کن برای من کار مرا و دفع کن از من آنچه نفع من را نبرد و بزرگوار

لِي مِنْ أَمْرِي فَجَاوَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْعَافِيَةِ

برای من از کار مرا پس ای خداوند یار من از میان من و میان عافیت

أَبْدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَعِنْدَ مَا فِي إِيَّافِي تَقِيَّتِي يَا

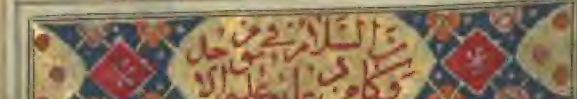
درگاه من تا زمانی که مرا بقیادت خود نگاه داری و درگاه من را در ایمنی من

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ

بخشنده ترین بخشنده صلوات بر سر خاتم النبیین

أَلِ مُحَمَّدٍ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

ای محمد ای پروردگار جهانیان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم نام

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا رَجُؤَ إِلَّا فَضْلُهُ وَلَا آخِثَ إِلَّا

بسم خداوندی که پسندارم که فضل او را در پیشم که

عَدْلُهُ وَلَا أَعْقِدُ إِلَّا قَوْلَهُ وَلَا أُمْسِكُ إِلَّا بِحَبْلِهِ

عدل او را و عقدا ندارم که گفتار او را و نمی بستم که بهمان او

بِكَ أَسْتَجِيرُ يَا ذَا الْعَفْوَ وَالرِّضْوَانِ مِنْ الظُّلُمِ

بنزد تو پناه میجویم ای خداوند عفو و رستگاری از تاریکی

وَالْعُدْوَانِ وَمِنْ غَيْرِ الْإِيمَانِ وَتَوَانِ الْأَخْرَانِ

و هجوم و دشمنی و از بی ایمانی و توازی دیگران

وَحَوَارِ الْخُدَّائِ وَمِنْ أَنْفُسَاءِ الْمَدَنِ قَبْلَ

و راهبانی عوارض و زنگار و از نفسی شدن دست پیش از

النَّاسِ وَالْعَدَةِ وَأَيَّكَ أَسْتَرْسِدُ لِمَا فِيهِ

پناه میجویم که مرا و رسد از مردم و آنچه در آن

الصَّلَاحُ وَالْإِصْلَاحُ وَبِكَ أَسْتَعِينُ فِيمَا بَقِيَ

صلاح و اصلاح است و بنزد تو میجویم آنچه بماند

بِهِ الْخَبَاجُ وَالْإِنْجَاحُ وَأَيَّكَ أَرْغَبُ لِبَانِ الْغَاثَةِ

با آن جزو غایب و غرض و ای تو را بیشتر دوست دارم در غایت

مغایضا

وَتَمَامِهَا وَسَهْوِ السَّلَامَةِ وَدَوَامِهَا وَعَوْدُكَ

و تمام آن و دوری دشمنی سلامت و دوام آن و بنای بزم من

يَا رَبِّ مِنْ مَمَرَاتِ السَّيَاطِينِ وَأَخْرِزْ لِسُلْطَانِكَ

ای پادشاه از دوسوهای شیاطین و بدرستی بزرگوارش ای

مِنْ جَوْرِ السَّيَاطِينِ قَبْلَ مَا كَانَ مَرَصَلَهُ

از جور پادشاهان این پیش از آنکه بود از غارتن

وَصَوْمِي وَاجْعَلْ غَدِي وَمَا بَعْدُ أَضْلَعُ مِنْ

روز من و بگردان و از ای مرا و آنچه پس از آنست بهتر از

سَاعَتِي وَيَوْمِي وَلَعَرَنِي فِي عَيْشِ بَرِّي وَوَمِي وَ

ساعت من و روز من و از من در عیش و روز من و

أَحْضَنِي فِي يَفْظِي وَنَوْمِي فَأَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ خَافِظَا

نگاه دار مرا در بیداری و خواب من پس تو خدا بهترین نگاه دارنده

وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْمَلُ لِيَاكُ فِي

و تو مهربانترین مهربانان ای خدا یا پرستش کن برای تو بگویم و

يَوْمِي وَمِنْهُ وَمَا بَعْدُ مِنَ الْأَجَادِ مِنَ الشَّرِّ وَ

روز من و از تو و آنچه پس از آنست از بدی و

أَلَا تَحَادُوا خُلُقَكَ دُعَائِي لِلْإِيمَانِ فَصَلِّ عَلَى

الحاء وخالص که ایم باری تو دعای خود را بر تو ایستاد و گفت

مُحَمَّدٌ خَلْقَكَ لَدَاعِي إِلَى جَفِكَ وَعِزَّتِي

محمد بهترین خلق تو خوانده بودی من تو را عزت مرا

بِعِزَّتِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ وَحُفْظِي بِعِزَّتِكَ لَقَدْ نُنَّا

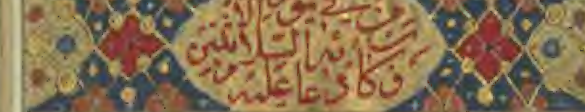
بِعِزَّتِ تو که ایستاد بودی و نگاه دار مرا بحفظ خود که نگاه داشته

وَأَخِي بِإِلْقَاطِ إِلَيْكَ أَمْرِي وَبِالْغَفْرِ

وآخیم را با برافروختن تو امر خود را و با بخشش

عُمَرُ أَنْ أَتَى الْغَفُورَ الرَّحِيمَ

عمر را که ایستاد تو ای بخشنده و مهربان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم نام خداوند بخشنده و مهربان

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَيْءَ أَحَدٌ جَبَّ قَطَرٍ

سبحان خدا را که حاشا که کسی را چسبند که قطره

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا تَخْذُ عَيْنًا حِينَ يَكُنُ

آسمانها و زمین و تو نگرفی مددکاری بسنگام و نظر

الْأَسْمَاءُ لَمْ يُشَارَكَ فِي الْإِلَهِيَّةِ وَلَمْ يُظَاهَرْ

اسماء را در شریک داشتنند در خدائی و بارها کرده باشند

فِي الْوَحْدَانِيَّةِ كَكُلِّ الْأَلْسُنِ عَرَفَانِيَّةِ

در یگانگی گشتند و با آنها از نهایت

صِفَتِهِ وَالْعُقُولِ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ وَتَوَاضَعَتْ

صفت او و عقول از کنت معرفت او و تواضع

الْجَبَابِينُ لِهَيْبَتِهِ وَعَمَتِ الْوُجُوهُ لِحُسْنِيَّتِهِ وَ

جباران را به بخت او و عظمایان را به حسنیت او

انْقَادَ كُلِّ عَظِيمٍ لِعَظَمَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ مُؤَنِّدًا

کردن نهاد هر بزرگی را به عظمت او است حمد را با برتری

مُسْتَقِيمًا وَمُنْوَالِيًا مُتَوَقِّفًا وَصَكَاوَةً عَلَى سُبُلِهِ

بوسه بر او ایستاد و متوقف و صکاوته بر سبیل او

أَبَدًا وَسَلَامَةً دَائِمًا سَمِدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْ

همیشه و دایم و ایستاد و سبیل را خداوند ایستاد و ایستاد

يَوْمِي هَذَا صَلَاحًا وَأَوْسَطُهُ فَلَاحًا وَأَخِرُّ نَجَاحًا

روز خود این روز صلاح و میان آنرا بنزد می و چهار آنرا به سنگاری

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ أَوَّلُهُ فَوْزٌ وَأَوْسَطُهُ جَزَعٌ وَ

و بنام سیرم بخواند و نسی که اولی خواند و نسی دومیان او بخواند و

خُجِّجْ وَجْعَ اللَّهُمَّ فِي اسْتَغْفِرْ لِكُلِّ ذَنْبٍ وَذَنْبِهِ

مراود و دست خدا بدین می آید و بزرگترین حکیم را مرزفندی می نهد که او هم

وَكُلِّ وَعْدٍ وَعْدُهُ وَكُلِّ عَهْدٍ عَاهِدُهُ

و بعد از آنکه عدد یک را در تمام اعداد دیگر ضرب کردیم

ثُمَّ لَمْ أَفْرِغْهُ وَأَسْأَلُكَ فِي مَخْلُوقِ عِبَادِكَ عِنْدِي

بسم الله الرحمن الرحيم در باره عفوای اجدادان کور و امن

بِمَا عَجِدُ مِنْ عَيْدِكَ وَأَوْنِي مِنْ أَمْرِكَ كَانَتْ

آیه ۱۰۰ تا ۱۰۱

لی مظلہ ظلمتها ایامه فی عسره او فی عرسه او
و من حق البستر بدو شاد او در عین او یا در امر او یا

١١ | ٢٠ | ٣٠ | ٤٠ | ٥٠ | ٦٠ | ٧٠ | ٨٠ | ٩٠ | ١٠٠

مَالِهِ اَوْ فِي هَلِهِ وَوْلِيٍّ اَوْ عِيْنٍ اَغْنِيَنَّهُ بِهَا
وَالْاَوَّلِيَّاتُ بَادِرُ السَّلَامِ وَابْنُ خَزَالٍ وَابْنُ مَرْثُومٍ وَابْنُ مَرْثُومٍ وَابْنُ مَرْثُومٍ

1277

اَوْتَحَامِلْ عَلَيْهِ عَمَلٌ وَهُوَ اَوْافِدْ اَوْ رِيَاءٌ

با چیزی که بار کرده چشم را بسبب میلی باغواشتی با کینه می بارشی

وَسَمِعَ أَوْ عَصِيَّةُ غَائِبًا كَانَ أَوْ شَامِدًا

باسمہ تعالیٰ غائب باشد یا حاضر

وَحَيَاكُنَا أَوْمِيًّا فَفَضَّرْتُ يَدِي وَضَافًا

و به اندازه باشد یا مگر نه پس گوناگون باشد است من باشد

وَسُئِلَ عَنْ رَدِّهَا إِلَيْهِ وَالْخُجْلِ مِنْهُ فَأَسْلَمَ

خاتم من اردو درون آن سپیدی و در حلقه ای جدا پس از آن در حلقه ای دیگر

يا من يملك الحيا فان روحه مسجيه مسينه

۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-

وَمُسْرِعًا إِلَى رَأْيِهِ أَنْ يَضِلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ ابْنِ مُحَمَّدٍ

کتابخانه عمومی - ۱۵۰-۹-۲۰۰۰

وان زینبیه عقی میاست و هک مجید
و اکبر و سادات و اولاد ازین پنج خواص و سببش را از اولاد خود

19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46 47 48 49 50 51 52 53 54 55 56 57 58 59 60 61 62 63 64 65 66 67 68 69 70 71 72 73 74 75 76 77 78 79 80 81 82 83 84 85 86 87 88 89 90 91 92 93 94 95 96 97 98 99 100 101 102 103 104 105 106 107 108 109 110 111 112 113 114 115 116 117 118 119 120 121 122 123 124 125 126 127 128 129 130 131 132 133 134 135 136 137 138 139 140 141 142 143 144 145 146 147 148 149 150 151 152 153 154 155 156 157 158 159 160 161 162 163 164 165 166 167 168 169 170 171 172 173 174 175 176 177 178 179 180 181 182 183 184 185 186 187 188 189 190 191 192 193 194 195 196 197 198 199 200 201 202 203 204 205 206 207 208 209 210 211 212 213 214 215 216 217 218 219 220 221 222 223 224 225 226 227 228 229 230 231 232 233 234 235 236 237 238 239 240 241 242 243 244 245 246 247 248 249 250 251 252 253 254 255 256 257 258 259 260 261 262 263 264 265 266 267 268 269 270 271 272 273 274 275 276 277 278 279 280 281 282 283 284 285 286 287 288 289 290 291 292 293 294 295 296 297 298 299 300 301 302 303 304 305 306 307 308 309 310 311 312 313 314 315 316 317 318 319 320 321 322 323 324 325 326 327 328 329 330 331 332 333 334 335 336 337 338 339 340 341 342 343 344 345 346 347 348 349 350 351 352 353 354 355 356 357 358 359 360 361 362 363 364 365 366 367 368 369 370 371 372 373 374 375 376 377 378 379 380 381 382 383 384 385 386 387 388 389 390 391 392 393 394 395 396 397 398 399 400 401 402 403 404 405 406 407 408 409 410 411 412 413 414 415 416 417 418 419 420 421 422 423 424 425 426 427 428 429 430 431 432 433 434 435 436 437 438 439 440 441 442 443 444 445 446 447 448 449 450 451 452 453 454 455 456 457 458 459 460 461 462 463 464 465 466 467 468 469 470 471 472 473 474 475 476 477 478 479 480 481 482 483 484 485 486 487 488 489 490 491 492 493 494 495 496 497 498 499 500 501 502 503 504 505 506 507 508 509 510 511 512 513 514 515 516 517 518 519 520 521 522 523 524 525 526 527 528 529 530 531 532 533 534 535 536 537 538 539 540 541 542 543 544 545 546 547 548 549 550 551 552 553 554 555 556 557 558 559 560 561 562 563 564 565 566 567 568 569 570 571 572 573 574 575 576 577 578 579 580 581 582 583 584 585 586 587 588 589 590 591 592 593 594 595 596 597 598 599 600 601 602 603 604 605 606 607 608 609 610 611 612 613 614 615 616 617 618 619 620 621 622 623 624 625 626 627 628 629 630 631 632 633 634 635 636 637 638 639 640 641 642 643 644 645 646 647 648 649 650 651 652 653 654 655 656 657 658 659 660 661 662 663 664 665 666 667 668 669 670 671 672 673 674 675 676 677 678 679 680 681 682 683 684 685 686 687 688 689 690 691 692 693 694 695 696 697 698 699 700 701 702 703 704 705 706 707 708 709 710 711 712 713 714 715 716 717 718 719 720 721 722 723 724 725 726 727 728 729 730 731 732 733 734 735 736 737 738 739 740 741 742 743 744 745 746 747 748 749 750 751 752 753 754 755 756 757 758 759 760 761 762 763 764 765 766 767 768 769 770 771 772 773 774 775 776 777 778 779 780 781 782 783 784 785 786 787 788 789 790 791 792 793 794 795 796 797 798 799 800 801 802 803 804 805 806 807 808 809 810 811 812 813 814 815 816 817 818 819 820 821 822 823 824 825 826 827 828 829 830 831 832 833 834 835 836 837 838 839 840 841 842 843 844 845 846 847 848 849 850 851 852 853 854 855 856 857 858 859 860 861 862 863 864 865 866 867 868 869 870 871 872 873 874 875 876 877 878 879 880 881 882 883 884 885 886 887 888 889 890 891 892 893 894 895 896 897 898 899 900 901 902 903 904 905 906 907 908 909 910 911 912 913 914 915 916 917 918 919 920 921 922 923 924 925 926 927 928 929 930 931 932 933 934 935 936 937 938 939 940 941 942 943 944 945 946 947 948 949 950 951 952 953 954 955 956 957 958 959 960 961 962 963 964 965 966 967 968 969 970 971 972 973 974 975 976 977 978 979 980 981 982 983 984 985 986 987 988 989 990 991 992 993 994 995 996 997 998 999 1000 1001 1002 1003 1004 1005 1006 1007 1008 1009 1010 1011 1012 1013 1014 1015 1016 1017 1018 1019 1020 1021 1022 1023 1024 1025 1026 1027 1028 1029 1030 1031 1032 1033 1034 1035 1036 1037 1038 1039 1040 1041 1042 1043 1044 1045 1046 1047 1048 1049 1

رحمة اية لا تفصلنا معصرا ولا نصرك الموهبة
رحمتی که کم بختی نه از آفرینش و غمزدار از بخشش

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ وَلِّني في كُلِّ يَوْمٍ اَمْنَيْنِ

ای رحیمترین را در جهان خداوندای عطا کن مرا در هر روز دوام

فَعَيِّرْ مِنْكَ ثَلَاثِينَ سَعَادَةً فِي وَلَدٍ بِطَاعَتِكَ

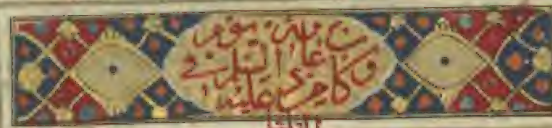
دوخت از تو در ده تنی که در اول و بطاعت تو

وَنِعْمَةً فِي اخِي بِمَغْفِرَتِكَ يَا مَنْ هُوَ الْاِلَهُ وَلَا

و نهی نه در بر آن با بخشش تو ای که اوست خدا و نی

يَغْفِرُ الذُّنُوبَ سِوَاهُ يَا اِلَهَ الْعَالَمِينَ

و گزرد گناهان را جز او ای خدای جهانیان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ حَقُّهُ كَمَا يَسْتَحِقُّهُ حَمْدًا كَثِيرًا

بسم الله الرحمن الرحيم و حمد حق او را است چنانچه مستحق او را است حمد بسیار

وَاعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ نَفْسِي اِنَّ النِّفْسَ لَمَارِيءٌ بَالِيَةٌ

و پناه ببرم به از شر نفس خود بدوستی نفس را پندارنده است بهی



اَلَا مَا رَحِمَ رَبِّي وَاعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ

اگر که رحیم کند پروردگار من و پناه ببرم به از شر شیطان

الَّذِي يَهْدِي بَيْنَ ذُنُوبِكَ اِلَى ذَنْبِي وَاجْزُئِيهِ مِنْ جُلْدِكَ

که نیست از میان آن گناه من و گزیند از من و ببرد از من از جلد تو

جَبَّارٍ فَاجِرٍ وَسُلْطَانٍ جَائِرٍ وَعَقْدُهَا مِنْ لَدُنِّكَ

جبار و فاجر و پادشاه بستم کننده و دشمن کننده خداوند

اجْعَلْنِي مِنْ جُنْدِكَ فَإِنْ جُنْدَكَ هُمْ الْغَالِبُونَ

گردان مرا از لشکر خود پس هر کس که از لشکر تو باشد غلبه کنند

وَاجْعَلْنِي مِنْ خِزْيِكَ فَإِنْ خِزْيَكَ هُمْ الْمَغْلُوبُونَ

و گردان مرا از شرم خود پس هر کس که از شرم تو باشد شکست خورند

وَاجْعَلْنِي مِنْ اَوْلِيَاكَ فَإِنْ اَوْلِيَاكَ لَا خَوْفَ

و گردان مرا از دوستان خود پس هر کس که دوستان تو باشد ترس نیست

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْزُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رَسُوْلِكَ

بر پادشاه من و دوستان من خداوند عطا کن صلوات را بر پادشاه من و دوستان من

فَاِنَّهُ عَصَا اَمْرِئِي وَاصْلِحْ لِي اَخْرَجَ فَانْهَارَ اَمْرِي

پس چنانکه او عصای امر من است و اصلاح کن برای من چنانچه از امر من بگذرد

وَابْتِهَامِنْ مَجَاوِزِ اللَّسَامِ مَقَرِّمِي وَاجْعَلِ الْجَوَّ

و بهی ای او در مسکن ایسمان از زمین و بگردان زمین را

وَبَادِدِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَأَوْفَاءَ رَاحَةٍ لِي مِنْ كُلِّ

و باد دانی در هر خیری و وفات را برای من از هر

شَرِّ اللَّهِ مُصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

و بهی حضرت او را در ختم نبوت بر محمد از ختم نبوت

وَنَامُ عِنْدَ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى إِلَهِ الطُّبَّاءِ وَالطَّيِّبِينَ

و نمانم کنار مرسلان و بر الهی که ایستادگان پاکان

وَأَصْحَابِهِ الْمُتَجَبِّينَ وَهَبْ لِي ثَلَاثًا ثَلَاثًا

و بداران او که بر کار پاکان از خورشید و در این سه شنبه

لَا تُدْعِ لِي ذَنْبًا إِلَّا عَفَرْتَهُ وَلَا عَمَلًا إِلَّا أَذْبَحْتَهُ

و ایستاد برای من گناهی که بیاورد از من و از او عفو کنی و هر کاری که بر من آید

وَلَا عِدَّةً وَلَا أَذْفَعَةً يَسْمِي اللَّهُ خَيْرَ الْأَسْمَاءِ

و نه وستی که در این گوی آید ایسمان خدا بهترین اسمها

يَسْمِي اللَّهُ رَبَّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ اسْتَدْفِعْ كُلَّ مَكْرٍ

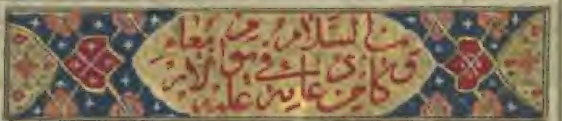
نام خدا ای او را که در زمین و آسمان دفع کند هر مکر

أَوَّلَهُ سَخَطُهُ وَاسْتَجَلِبْ كُلَّ مَجْزُوبٍ أَوَّلَهُ رِضَاةُ

او اول او غضب او باشد و بکشیم هر مجزوبه اول او رضا

فَاخْتِمْ لِي مِنْكَ بِالْغُفْرِ أَنْزِلْ بِلَاوِلِي الْأَحْيَانِ

پس ختم کن برای من از تو با غفران را با اولی ایام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدا بخشنده بخشنده

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ لَبَاسٍ أَلْوَمًا وَسَبَّحًا

سجده برای خدا که کرد ایندیش را بر خشن و وفات را برای

وَجَعَلَ النَّهَارَ نَشُورًا لَكَ يَا حَمْدُ أَنْ يَعْشَقَ مِنْ مَوْلَى

و کرد ایندیش را روزی که در این روز خشن و هر که بپوشد از او

وَلَوْ شِئْتَ جَعَلْتَهُ سَرْمَلًا خَدَّادًا مَّا لَا يَنْقَطِعُ

و اگر بخواستی کردی او را سرسبز و در او هر که قطع شود

أَبَدًا وَلَا يُحْصِي لَهُ الْخَلْقَ وَتُوحَّدُ يَا اللَّهُ لَكَ الْحَمْدُ

هرگز و نشمارد او را خلق و تو وحدت ای خداوند او را است حمد

خَلَقْتَ قُوَّتِي وَقَدَّرْتَ وَضِيْعِي وَأَمَتَّ وَ
 أَكْرَمْتَنِي بِسِرِّكَ وَأَوَّلْتَ لِي فِي دَرْجَتِي وَبَرَكْتَ لِي
 أَحْيَيْتَ وَأَمْرَضْتَ وَشَفَيْتَ وَخَافَيْتَ وَأَكَلَيْتَ
 رَزَقْتَنِي وَبَارَكْتَ لِي وَشَفَعْتَ لِي وَكَوْنْتَ لِي
 وَعَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ وَعَلَى الْمَلَأِ اجْتَوَيْتَ
 وَبِزَعْرَجٍ سَلَّيْتَ وَبِأَرْشَادِي هَادَيْتَنِي
 أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَرَضِعَتٍ وَسَيْكُنَةٍ وَأَنْفَعَتٍ
 بِخَلْقِكَ وَأَعْلَمَ لِي سُبُوحًا وَأَعْلَمَ لِي دَرْجَتِي
 حَيْكُنَةٍ وَأَقْرَبَ أَجَلَهُ وَنَدَانِي فِي الدُّنْيَا أَمَلَهُ
 بَارَكْتَ لِي وَأَوَّلْتَ لِي فِي دَرْجَتِي وَأَعْلَمَ لِي
 وَأَسْتَدْتَنِي إِلَى رَحْمَتِكَ فَاقْنَهُ وَعَظَمْتَ لِي قِيَمَتَهُ
 وَرَحِمْتَ سَائِرَ خَلْقِكَ وَأَوَّلْتَ لِي فِي دَرْجَتِي
 حَبْرَتُهُ وَكَثُرَتْ زَلَّتُهُ وَغَثَرَتُهُ وَخَاصَّتْ
 حَسَنَاتُهُ وَبَارَكْتَ لِي فِي دَرْجَتِي وَأَعْلَمَ لِي
 لَوْحَتِكَ تَوْبَتُهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ
 وَذَاتِ الْوَقْتِ وَبَارَكْتَ لِي فِي دَرْجَتِي وَأَعْلَمَ لِي

وَعَلَى سَائِرِ النَّبِيِّينَ الطَّاهِرِينَ وَارْزُقْنِي
 رِزْقًا وَبَارَكْتَ لِي فِي دَرْجَتِي وَأَعْلَمَ لِي
 شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَجِبْرِيلَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَالْإِلَهَ وَلَا
 شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَجِبْرِيلَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَالْإِلَهَ وَلَا
 تَحْرِمْنِي صُحْبَتِهِ إِنَّكَ أَنْتَ رَحِمُ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ
 مُحَمَّدٌ سَيِّدِي وَرَسُولِي وَنَبِيِّي وَخَاتَمُ النَّبِيِّينَ
 أَفْضَلُ لِي فِي الْأَرْبَعَاءِ أَرْبَعًا أَجْبَلُ قُوَّتِي فِي
 بَارَكْتَ لِي فِي دَرْجَتِي وَأَعْلَمَ لِي
 طَاعَتِكَ وَنَشَاطُجِي فِي عِبَادَتِكَ وَرَحِمْتَنِي فِي
 طَاعَتِكَ وَنَشَاطُجِي فِي عِبَادَتِكَ وَرَحِمْتَنِي فِي
 تَوَالِكَ وَزُهْدِي فِي مَالِي وَجَبَلِي إِلَى عَفَايِكَ نَايِكَ
 وَأَوَّلْتَ لِي فِي دَرْجَتِي وَأَعْلَمَ لِي
 لَطِيفُ مَا تَنَاءَى
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ اللَّيْلَ ظُلْمًا بَعْدَ نَهَارٍ

سپاسی خداوندی که روز را از تاریکی پس از روشنایی

وَجَاءَ بِالنَّهَارِ مُبْصِرًا بِرَحْمَتِهِ وَكَسَانِي ضِيَاءًا

و آورد روز را روشن با رحمت خود و پوشانید مرا با نور

وَأَنَا فِي نِعْمَةِ اللَّهِ ثُمَّ وَكَمَا أَتَقَيَّتَنِي لَهُ فَأَبِيقُ

و منم در نعمت او و همانند کسی که مرا پناه داد پس ایستادم

لَا مَسَالَةَ وَصَلِ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا

هیچ نیازی نیست به دعا کردن بر پیغمبر محمد و آل او

تَجْعَلَنِي مِنْهُ وَفِي غَيْرِهِ مِنَ الْبَشَرِ وَالْأَنْبِيَاءِ

در میان من و او و در میان من و غیر او از بندگان و پیغمبران

بَارِكْ كُنَائِلَ الْحَارِمِ وَكُنَائِلَ الْمَنَامِ

برکت ده بر کائنات حرام و کائنات مباح

ارْزُقْنِي خَيْرَ وَخَيْرَ مَا فِيهِ وَخَيْرَ مَا بَعْدُ

در روزگار من را بخیر و بهترین آنچه در آنست و بهترین آنچه پس از آنست

احْصِرْ عَنِّي شَرَّ وَشَرَّ مَا فِيهِ وَشَرَّ مَا بَعْدُ

بند کن مرا از شر و شرترین آنچه در آنست و شرترین آنچه پس از آنست

اللَّهُمَّ فِي بَيْتَةِ الْإِسْلَامِ أَوْسَلُ إِلَيْكَ

خداوند من در خانه اسلام نزدیکترین به تو

وَبِحُجْرَةِ الْفَرَانِ أَعُوذُ بِكَ وَبِحُجْرَةِ الْمُصْطَفَى

و در حجره فرات و ایستادگی کنم در حجره برگزیده

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اسْتَشْفِعُ لَدَيْكَ فَاعْرِفْ

صلوات خداوند بر او و آل او استغاثم نزد تو پس شناس

ذِي مَنِّي الْكَرِيمُ رَجَوْتُ بِهَا فَضْلًا جَافِي بَأْسَ الْكَرِيمِ

و منم از بندگان عزیز را به امید دارم از فضل تو که مرا از بندگان عزیز

اللَّهُمَّ أَفْضَلُ الْجَنِينِ خَسًا لَا يَنْسَعُ حَالًا

خداوند من را از جنینان عزیزتر است و در هیچ حال

كَرَمُكَ وَلَا يَطْفِئُهَا إِلَّا نِعْمَتُكَ سَلَامَةً

و بزرگواری تو و چیزی که خاموش نکند او را جز نعمت تو سلامتی

بِهَا عَلَى طَاعَتِكَ وَعِبَادَةِ اسْتَشْفِعُ بِهَا جَنِّي مُنْذَرًا

با تو در اطاعت و عبادت استغاثم با تو از بندگان

وَسَعَةً فِي الْحَالِ مِنَ الرِّزْقِ الْكَافِلِ وَأَنْ تُؤْتِنِي

و درستی در حال از روزی که مرا بزرگواری

فِي مَوَاقِفِ الْخَوْفِ بِأَمْنِكَ وَتَجْعَلَنِي مِنْ طَوَارِفِ

در جای ای خوف با من حوز و گردان مرا از بند ای

الْمُسُومِ وَالْغُيُومِ فِي حَضْرَتِكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى

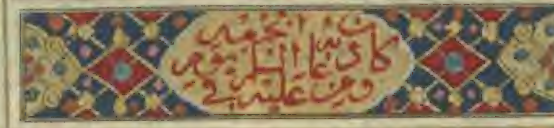
از دودها و غمها در بناء حوز رحمت فرست بر محمد و بر

أَلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ نَوْسِيئَهُ شَافِعًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ

ال محمد و گردان و سید مرا با اوصاف کشتند و در روز قیامت

نَافِعًا إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

نور دهنده و رحیم تر از رحیمین از جانان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ الْآخِرِ وَالْآخِرِ بَعْدَ

سپاس مر خداوند که اولست و پیش از او دین و آخر است پس از

قَدَّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْنَا الَّذِي لَا يَنْسِي مِنْ فَكْرٍ

فرا جزا داناست که او را فراموش نیکنند و هر که را که در یاد او

وَلَا يَنْقُصُ مِنْ شَيْءٍ وَلَا يَخِيبُ مَرْغَاهُ وَلَا

و کم بکشد و کم نکاهد و کم از او نرسد و کم از او نماند و

يَقْطَعُ رَجَاءَ مَنْ رَجَاهُ اللَّهُ فِي شَهْدِكَ وَكَفَى

قطع رجاء و امید و کم امید در داد او را خداوند را که با شهادت تو

بِكَ شَهِيدًا وَاشْهَدْ جَمِيعَ مَلَائِكَتِكَ وَرَدِّ

ترا گواه و که با شهادت همه فرشتگان تو در رسولان

وَسُكَّانِ سَمَوَاتِكَ وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ وَمُرَبِّشَ

و ساکنان آسمانهای تو و بردارندگان عرش تو و که در آسمانها

مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَنْشَأَتْ مُرَاضِيَانِ

از پیغمبران خود و رسولان خود و از نوادگان تو دو مصروف

خَلْقِكَ أَنْتَ شَهِيدُ أَنْكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

خلق خود که من گواه ای میسر که تو ای خدا هستی خدای که تو

وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَلَا عِدْلَ بَلَّ وَلَا خُلْفَ لِقَوْلِكَ

بکار تو حد تو نیست شریکی مرزا و نه مانند ای و نه خلفی از قول تو

وَلَا بَدَلَ بَلَّ وَأَنْتَ حَمْدًا صَبَّلَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَهُ

و نه بدل ای است و اینست حمد را که خداوند بر او و برای او

عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ ادْنِ مَا حَمَلْتَهُ إِلَى الْعِبَادِ

بند تو و رسول تو رسد از آنچه حمل کرده ادا بندگان

وَحَامِدِي فِي اللَّهِ مُعْتَمِرٌ وَجَلَّ جَنُّ الْجَهَادِ وَكَانَ بَشَرٌ

و گامزن در خداوند معتمر و جلالت جهاد و کائنات بشر

بِمَا هُوَ حَقٌّ مِنْ كُتُوبٍ وَكَانَ دَعَا مُوَصِّدٌ مِنْ

بنا آنچه او حق است از کتب و کائنات دعای موصد از

الْعُقَابِ اللَّهُمَّ تَنَبَّيْ عَلَيَّ دُيُنِي مَا أَحْيَيْتَنِي

عقاب خداوند انما تنبئ را بر دین خود مدام گرداننده مرا

وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ

و گمراهان دل مرا پس از آنکه راه هدایت مرا بخشید از نزد خود

رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَقَّابُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى

رحمتی بپسند تو بخشند رحمت بر محمد و علی

الرُّحَمَاءِ وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَسْبَاعِهِ وَشَبْعَتِهِ وَ

الرحمة و بگردان او را از اسبادهای او و شبعه او

أَحْسَنَ فِي مَرْتَبَةٍ وَوَفَّقْ لِي ذَاكَ فَرَضَ الْجُحُودِ

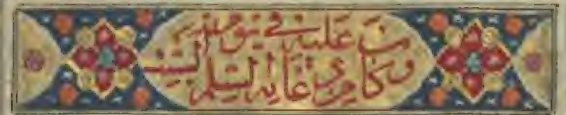
حسن را در مرتبه و وفق بگردان آن را در فرض جود

وَمَا أَوْحَيْتَ فِيهِ مِنَ الطَّاهَاتِ وَفَقِّمْتَ لِأَهْلِهَا

و آنچه تو وحی کردی در آن از طاهات و فقه کردی برای اهلی آن

مِنْ لَعْنَةٍ فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

از لعنت در روز جزا زیرا که تو دانا و حکیم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ كَلِمَةُ الْمُتَعَصِّمِينَ وَمَقَالَةُ الْمُفْرَدِينَ وَ

بسم خداوند کلمه متعصمان و مقال فرادان و

أَعُوذُ بِاللَّهِ تَعَالَى مِنْ جَوْرِ الْخَائِضِينَ وَكَبِدِ

آعوذ بالله تعالی از جور پستیان و کبد

الْخَاسِدِينَ وَبَغَا الظَّالِمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَاحِدُ

خاسدان و بگردان ظالمین خداوند تو یگانه

بِلَا شَرِّكَ وَكَأَنَّكَ لَا تَمْلِكُ لِأَهْلِهَا دَفْعَ

بی شریک و گویا که تو نداری دفع را برای اهلی آن

حُجَّتِكَ وَلَا تُنَازِعْ فِي مُلْكِكَ أَسْأَلُكَ

عالم تو و سزاوارده گدای و بهای داری خود در پیشگاه تو

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَنْ تُؤَدِّيَ

که رحمت و رحمتی بر محمد بنده تو رسول تو و پیغمبر تو را

مِنْ شُكْرِكَ نَعْمًا كَمَا تَبْلُغُ غَايَةَ رِضَاكَ وَأَنْ

در شکر نعمتای تو آنچه رسالتی بنمایند خوشنودی خود را

تُعَيِّنَنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَلِزُومِ عِبَادَتِكَ وَسُخَّاءِي

باری داری مرا بر طاعت خود و لزوم عبادت خود و سخاوتی

مُؤْنِبِكَ بِالْطَّيْفِ بِعَنَايَتِكَ وَتَرْحُفِي صَدْرِي عَنْ

نوازش خود و لطافت عنایت خود و در حرکت مرا و بازدار مرا

مَعَاصِيكَ مَا أَجِئْتُكَ وَتَوْضِئِي مَا يَنْفَعُنِي مَا

معصیتای خود چندانکه زنده داری مرا و توفیق منی و آنچه من را

وَأَنْ تَشْرَحَ بِكَيْبَالِكَ صَدْرِي وَتُخَيِّرَ وَزْرِي وَ

و بهینکه گشاده سازی کتاف من و درونی مرا در آن را و

تُخَيِّرَ لِمَسْأَلَتِي فِي شَيْءٍ وَتَقْبَلُوا لَوْ حَسْبُ بِي هَذَا

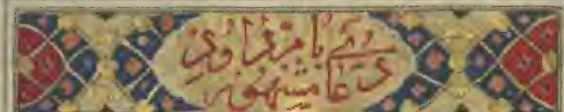
مطالع من را در این که بپرسم خود و اوشت من این را

النَّبِيِّ نَيْمًا كَحَيَاتِكَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي كَمَا

سپهر اقامت من همان خود را در آنچه باقی مانده از عمر من چنانکه

أَحْسَنَتْ فِيمَا مَضَى مِنْهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

خوبتر کردی در آنچه گذشت از من ای مهربانتر از مهربانان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم نام

صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

راست گفت خداوند بزرگ که نیست خدای گدازنده و همیشه

ذَوُ الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ

خداوند بزرگوار و گرامی بخشننده مهربان و دانا و بزرگوار

الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

که نیست مانند او چیزی و او است شنوای بینا

الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَاللَّهُ

دانای آگاه که آید و او خدا که نیست خدای گدازنده و

Extensive marginalia in smaller script, likely additional prayers or commentary, written in a cursive style.

مَلِكٌ رَجْنِكَ وَالْمُخَلِّفُ لِرَأْفَتِكَ وَالْمُسْتَعْفِرُ

درشت درشت تو و از پندار من در پنداری تو و از عفو تو عفو من

الْمُعِينُ لِأَمَلٍ طَلَعَتْكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

یار که کند مراصل طاعت تو بار خدا را رحمت تو

إِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ وَصَاحِبِ الْأُصُورِ

اسرافیل در دایره عرش تو و صاحب صور و نگاره تو

لَأَنْزِلَ الْوَجَلَ الْمُشْفِقُ مِنْ خُفْيَتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ

و از تو نازل کند بهمانند از ترس تو و از خفا تو

عَلَى عِزِّ رَافِيلَ مَلِكِ الْمُؤْنِ الْمُوَكَّلِ عَلَى عِبَادِ

بر عزت رافیل درشت درشت تو و مملوک بر بندگان تو

وَأَمَّا نَكَاطُ الطَّبَعِ فِي رَضِيكَ وَسَمَائِكَ فَابْضِ

و از آن که در دایره تو و در میان تو و در آغوش تو

أَرْوِاحِ عِبَادِكَ وَأَمَّا نَكَاطُ فَابْضِ أَرْوِاحِ جَمِيعِ

روح بندگان تو و از آن که در دایره تو و در میان تو

خَلْقِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ الطَّائِفِينَ

حامل تو بار خدا را رحمت تو و از پندار من در پنداری تو

وَعَلَى مَلَائِكَةِ الذِّكْرِ أَهْلِ الثَّامِيَةِ عَلَى رُحْمَا

و بر انشتگان ذکر و بر پنداران پنداران

الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى الْفَرْدِ الْكَرِيمِ الْبَرِّ الرَّحِيمِ

کرم تو و بر پنداران پنداران

وَعَلَى مَلَائِكَةِ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَعَلَى

و بر انشتگان تو که پنداران و پنداران

مَلَائِكَةِ الْجَنَانِ وَخَزَنَةِ الْبَيْتِ وَمَلِكِ الْمُؤْنِ

درشتگان بهشت و نگارنده و از تو

وَالْأَجْوَانِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ

و از پنداران و از پنداران و از پنداران

صَلِّ عَلَى آيَتِنَا أَدَمَ بَدِيعِ فِطْرَتِكَ الَّذِي كَرَّمَهُ

رحمت تو بر پنداران آدم نوید پنداران و از پنداران

بِجُودِكَ يَا ذَا كَرَمِكَ وَأَمَّا نَكَاطُ فَابْضِ

بجود تو و از پنداران و از پنداران

صَلِّ عَلَى أَمْنِ أَخَوَاءِ الْمُطَهَّرِينَ مِنَ الْجَرِّ الْمُصَفَّاءِ

رحمت تو بر پنداران و از پنداران و از پنداران

مِنَ الَّذِينَ فَضَّلْنَا مِنَ الْإِنْسِ الْمُرْتَدِينَ *از هر چه که زیادتی داده شد از آدمی که برگشتند و بر میان جان*
 اَلْقُدْسِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ هَٰئِيكَ وَشَيْتِ وَ *بار خدایا رحمت فرست بر اینک و شیت*
 اَدْرِيسَ وَنُوحَ وَهُودَ وَإِسْحٰقَ وَإِبْرٰهِيْمَ وَ *ادریس و نوح و هود و اسحاق و ابراهیم*
 اِسْمٰعِيْلَ وَيٰحْنَ وَيَعْقُوْبَ يُوْسُفَ وَالاَسْبٰ *اسعیل و یحیی و یعقوب و یوسف و الاسبا*
 وَلُوْطَ وَسَعِيْدٍ وَاٰدَمَ وَنُوْحٍ وَهَارُونَ وَ *ولوط و سعید و آدم و نوح و هارون و*
 وَمِيْسَةَ وَالْخَضِرَ وَذِي الْقُرْبَيْنِ وَيُوْنُسَ وَآلِيكَ *و میس و الخضر و ذی القربین و یونس و آلیک*
 وَابْنِ اَدَمَ وَذِي الْقُرْبَيْنِ وَابْنِ اَدَمَ *و ابن آدم و ذی القربین و ابن آدم*
 وَابْنِ اَدَمَ وَذِي الْقُرْبَيْنِ وَابْنِ اَدَمَ *و ابن آدم و ذی القربین و ابن آدم*
 سَكْرَتُكَ وَكَرِيْمًا وَسَعِيًّا وَبِحَبِيٍّ وَنُوحٍ وَ *سکرت تو و کریم و سعیا و بحبی و نوح و*
 سَلَامًا *سکرام و سلام و بحبی و نوح و*

واریا

وَكَرِيْمًا وَخَفِيًّا وَدَانِيًّا وَغَيْرَ غَيْرٍ وَعَلِيٍّ وَ *و کریم و خفی و دانی و غیر غیر و علی و*
 وَجَرِيْسَ وَجَارِيْسَ وَالاَنْبِيَاءَ وَخَالِدٍ وَخَلَّةَ *و جریس و جاریس و الانبیاء و خالد و خلة*
 اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَرَحْمَةً *بار خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و رحمت*
 وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ *و آل محمد و باریک و بر محمد و آل محمد*
 وَبَارِكْ عَلَىٰ اِبْرٰهِيْمَ وَآلِ اِبْرٰهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ *و باریک و بر ابراهیم و آل ابراهیم ایستاده و ستوده*
 اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ الْاَنْبِيَاءِ وَالْاَوْصِيَاءِ وَ *بار خدایا رحمت فرست بر انبیا و اوصیاء*
 السَّعْدَاءِ وَالشَّهْدَاءِ وَآئِمَّةِ الْهُدٰى اَللّٰهُمَّ *بنسختگان و درویشان و پیروان هدایت بار خدایا*
 صَلِّ عَلَى الْاَبْدَالِ وَالْاَوْدَادِ وَالسُّبْحٰحِ وَ *رحمت فرست بر ابدال و اوداد و اوداد و*
رحمت فرست بر ابدال و اوداد و اوداد و

الْعِبَادِ وَالْمُخْلِصِينَ وَالْزُّهَّادِ وَأَهْلَ الْحَقِيقَةِ
بجایگزینندگان مخلصان و زهاد و اهل حقیقت و
 لِاجْتِهَادٍ وَخُصْرٍ مَحِيٍّ مَدَا وَأَهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ
اکثرش و مخصوص کردن محمد و اهل بیت او بجهت
 صَلَواتِكَ وَجَزَلِكُ كَرَامَاتِكَ وَبَلَّغْ رُوحَهُ
رحمتهای تو و جلال تو و کرامت های تو و برسان روح او را
 وَحَبْلَ مِنْ حَبْلِهِ وَسَلَامًا وَزِدْهُ فَضْلًا وَشَرَفًا
و حبل او را از من درودی بسلامی و بزرگواری او را بفضیلت و شرف
 وَكَرَمًا حَتَّى يَبْلُغَهُ أَجَلُ دَرَجَاتِهِ أَهْلَ الشَّرَفِ
و کرم تا برسانی او را ببلندترین درجه های اهل شرف
 مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأَفْضَلِ الْمُفْتَرَدِ
از پیغمبران و مرسلان و افضل که مفتردند
 اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى مَنْ سَمِيَتْ وَمَنْ لَمْ يَسْمَنْ
خداوند ما وصل بر آن که نامش نامیده و آن که نامش نماند
 مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلَ طَاعَتِكَ
ملائکان تو و پیغمبران تو و رسولان تو و سران و اطاعت های تو

وَأَوْصِلْ صَلَواتِي إِلَيْهِمْ وَلِي رُوحِهِمْ وَكَيْفَتِهِمْ
و برسان درودی بای ایشان و بسوی روح ایشان و بگردان ایشان
 إِخْوَانِي فِيكَ وَأَخَوَانِي عَلَى دُعَائِكَ اللَّهُمَّ لِي
برادران من و دوستان من و یاران من بر دُعای خود خداوند و بر جنبه های من
 اسْتَشْفَعُ بِكَ لِيكَ وَبِكَرَمِكَ إِلَى كَرَمِكَ
شفاعت میکنم بکرم تو و بکرم تو بسوی کرم تو
 وَبِجُودِكَ إِلَى جُودِكَ وَبِرَحْمَتِكَ إِلَى رَحْمَتِكَ
و بخشش تو بسوی بخشش تو و بر رحمت تو بسوی رحمت تو
 وَبِأَمَلِ طَاعَتِكَ لِيكَ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ
و با امل طاعت تو بسوی تو و سوال میکنم ترا خداوند
 بِكُلِّ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنْ مَسْأَلَةٍ
بهر آنچه سوال کرده ام از ایشان احدی از آنها را از سوالهای
 شَرِيفَةٍ غَيْرِ مَرْدُودَةٍ وَبِمَادِحَتِكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ
با رفعت که نباشد از گردیده و با ستایشهای تو از او باینکه از دعا
 مُجَابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ يَا اللَّهُ يَا رَحِيمًا يَا رَحِيمًا
و اجابت کننده که نباشد از ناامید کننده ای بخشنده ای بخشنده ای بخشنده ای

يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا غَنِيْلُ يَا جَمِيلُ
ای بره باری بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار

يَا كَفِيْلُ يَا وَكِيْلُ يَا مُقِيْلُ يَا مُجِيْرُ يَا خَيْرُ
ای ضامن ای کارگر ای در گذارنده ای زنده کننده ای نجات دهنده ای

يَا مُبِيْرُ يَا مُبِيْعُ يَا مُدْبِلُ يَا مُجْبِلُ يَا كَبِيْرُ
ای روشن کننده ای مالک کننده ای زارنده ای بزرگوار ای بزرگوار

يَا قَدِيْرُ يَا جَبِيْرُ يَا شَكُوْرُ يَا تَوَّابُ يَا ظَهْرُ يَا ظَاهِرُ
ای توانا ای رها کننده ای شکوکار ای پاک ای باز کننده ای

يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا سَائِرُ يَا مُحِيطُ يَا مُقَدِّرُ يَا حَظِيْظُ
ای ظهور دهنده ای پنهان ای رسیده ای حاضر کننده ای توانا ای گهبار

يَا مُنْجِيْرُ يَا فَرِيْقُ يَا وَدُوْدُ يَا حَمِيْدُ يَا مُجِيْدُ
ای بزرگوار ای نزدیک ای دوست ای ستوده ای بزرگوار

يَا مُبْدِيْ يَا مُعِيْدُ يَا شَهِيدُ يَا مُحِيْزُ يَا مُجْمِلُ
ای زنده کننده ای زنده کننده ای گواه ای شکوکار ای بزرگوار

يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا فَاضِلُ يَا بَاسِطُ يَا هَادِي
ای نعمت دهنده ای بخشنده ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار

يَا مُرْسِلُ يَا مُرْسِدُ يَا مُسَدِّدُ يَا مُعْطِيْ يَا مُنْفَعُ
ای فرستنده ای رهنما ای توشه دهنده ای بخشنده ای بزرگوار

يَا دَافِعُ يَا رَافِعُ يَا بَاقِي يَا وَاقِي يَا رَاقِي يَا خَلَقُ
ای دفع کننده ای بلند کننده ای بایسته کننده ای روزی دهنده ای زنده کننده

يَا وَهَّابُ يَا تَوَّابُ يَا فَتَّاحُ يَا نَفَّاحُ يَا مُرَّاحُ
ای بخشنده ای توبه پذیرنده ای گشاینده ای پخش کننده ای بزرگوار

يَا مَنْ بِيَدِهِ كُلُّ مَفْئَاحٍ يَا نَفَّاعُ يَا رَوْفُ
ای که دست اوست هر کلیدی ای پخش کننده ای بخشنده ای بخشنده

يَا عَظُوْفُ يَا كَافِيْ يَا شَافِيْ يَا مُعَافِيْ يَا مُكْنَى
ای پنهان کننده ای گهبار ای پنهان کننده ای پنهان کننده ای پنهان کننده

يَا وَفِيْ يَا مُهَيِّمٌ يَا عَزِيْزُ يَا جَبَّارُ يَا مُنْكَبِرُ
ای وفادار کننده ای گهبار ای غلبه کننده ای بزرگوار ای بزرگوار

يَا سَكْمُ يَا مُؤْمِنُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا نُورُ يَا مُدَبِّرُ
ای سالم ای یکتا ای یگانه ای پناه دهنده ای پناه دهنده ای پناه دهنده

يَا فَرْدُ يَا وَرْدُ يَا فَرْدُ وَسْ يَا نَاصِرُ يَا مُؤْنِسُ يَا بَاعِثُ
ای تنها ای تنها ای تنها ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار

يَا وَارِثُ يَاعَالِمُ يَا حَاكِمُ يَا بَادِيَ يَامُنْعَالِي يَامُصَوِّرُ

ای میراث دهنده ای عالم ای حاکم ای بادی ای مانع دهنده ای مصور دهنده

يَا مُسَلِّمُ يَا مُجِيبُ يَا قَاتِلُ يَا دَائِمُ يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمُ

ای مسالمت دهنده ای مجیب دهنده ای قاتل دهنده ای دایم دهنده ای عالم دهنده ای حاکم دهنده

يَا جَوَادُ يَا بَارِيَّ يَا بَارِئًا يَا سَائِرًا يَا حَدِيدُ يَا فَاضِلُ

ای بخشنده ای آفریننده ای باری ای باری ای سائر دهنده ای حدید دهنده ای فاضل دهنده

يَا دَيَّانُ يَا حَيَّانُ يَا مَدَّانُ يَا سَمِيعُ يَا بَدِيعُ

ای دایم دهنده ای حیات دهنده ای مدد دهنده ای شنیدار دهنده ای آفریننده دهنده

يَا خَبِيرُ يَا مُعِينُ يَا نَاشِرُ يَا غَاوِيَا فَبِهِمْ يَا مُسَهِّلُ

ای خبر دهنده ای یاری دهنده ای برآوردنده ای برآوردنده ای غایب دهنده ای برآوردنده ای برآوردنده

يَا مُبِيرُ يَا مُبِيتُ يَا مُجِبِّي يَا نَاضِحُ يَا دَارِزُ يَا مُفَدِّرُ

ای برآوردنده ای برآوردنده ای برآوردنده ای برآوردنده ای برآوردنده ای برآوردنده

يَا مُسَبِّبُ يَا مُغِيثُ يَا مُغْنِي يَا مُقْنِي يَا خَالِقُ

ای مسبب دهنده ای برآوردنده ای برآوردنده ای برآوردنده ای برآوردنده ای برآوردنده

يَا رَاصِدُ يَا وَاحِدُ يَا خَاضِرُ يَا جَابِرُ يَا حَافِظُ يَا شَدِيدُ

ای راصد دهنده ای واحد دهنده ای خضر دهنده ای جابر دهنده ای حافظ دهنده ای شدید دهنده

يَا غِيَاثُ يَا عَائِدُ يَا فَاضِلُ يَا مُنِيبُ يَا مُبِينُ يَا ظَلَمُ

ای غیاث دهنده ای عاید دهنده ای فاضل دهنده ای منیب دهنده ای مبین دهنده ای ظالم دهنده

يَا مُجِيبُ يَا مُنْفِخِلُ يَا مُسْتَجِيبُ يَا عَادِلُ يَا خَبِيرُ

ای مجیب دهنده ای منفعل دهنده ای مستجاب دهنده ای عادل دهنده ای خبر دهنده

يَا مُؤْمِلُ يَا مُسَدِّدُ يَا آوَابُ يَا وَافِي يَا رَاسِدُ

ای مؤمل دهنده ای مسدد دهنده ای آوای دهنده ای وافی دهنده ای راصد دهنده

يَا مَلِكُ يَا رَبُّ يَا مُدْنِي يَا مُعِزُّ يَا مُجِدُّ يَا رَازِي

ای مالک دهنده ای رب دهنده ای مدد دهنده ای معزز دهنده ای مجید دهنده ای رازی دهنده

يَا وَلِيُّ يَا فَاضِلُ يَا سُجَّانُ يَا مُرَجِّلُ يَا مُسْتَعْلِي

ای ولی دهنده ای فاضل دهنده ای سجان دهنده ای مرجل دهنده ای مستعلی دهنده

فَكَانَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ قَرُبَ قَدْرِي

پس در آن منظر عظمی ای آنکه نزدیکی من نزدیک است

وَبَعْدَ فَنَائِي وَعِلْمُ الْسِّرِّ وَخَفِي يَا مُزِيلُ يَا مُزِيلُ

و بعد از فنا من و علم اسرار و خفی ای از بین برنده ای از بین برنده

وَلَهُ الْمَقَامُ بِرَأْسِ الْعَبْدِ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرُ

و در او مقام بر سر بنده ای بر او آسان و آسان است

وَيَا مَنْ هُوَ عَلَى مَا يَشَاءُ قَدِيرٌ يَا مُرْسِلَ الرِّيَّاحِ

وای آنکه او بر هر چه خواهد توانا است ای رهنشاندن باد

يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ يَا بَاعِثَ الْأَرْوَاحِ يَا ذَا الْجُودِ

ای شکافنده صبح ای برانگیزنده روحها ای بخشنده

وَالْقَمَاحِ يَا زَادَ مَا قَدْ فَاتَ يَا نَاشِرَ الْأَمْوَاتِ يَا

ای زاینده آنچه که فرستاده ای در پیش از آنکه در گذار

جَامِعَ الشَّعَائِرِ يَا رَازِقَ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

ای گردآورنده شعرها ای رازق هر که خواهد به حساب

وَيَا فَاعِلَ مَا يَشَاءُ كَيْفَ يَشَاءُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

وای فاعل آنچه خواهد چگونه خواهد ای خداوند بزرگواری

يَا كَرِيمَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ إِلَّا هُوَ

ای گرامی ای زنده ای پاینده ای و معبود است که نیستند بجز او

يَا مُجِيبَ الْمُتَوَكِّلِينَ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا دَبَّحَ

ای زنده کننده متوکلان ای زنده کننده ای که تو ای زنده کننده

الْأَسْمَانِ وَالْأَرْضِ يَا إِلَهَ وَسِيدِي صَلِّ عَلَى

ایستادانه زمین ای خدای من و پسر من درودت بر

مُحَمَّدٍ وَالرَّحْمَنِ وَارْحَمَهُمَا وَالْمُحَمَّدَ وَبَارِكْ

محمد و آل محمد و رحمت کن محمد و آل محمد و باریک کن

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَ

بر محمد و آل محمد چنانکه درودت دادی و باریک دادی

رَحِمْتَ وَبَرَحْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ

رحم کردی و در رحم کردی بر ابراهیم و آل ابراهیم

إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ وَارْحَمْ ذِي وَفَاقِي وَفَقِيرِي

بدینگی تو بسند و بزرگواری و درود کن بر فاضل و فقیر

وَافْعَلْ لِي وَوَعْدِي وَخُصُوعِي بِرَبِّكَ

و انجام ده مرا و وعده مرا و خضوع مرا به پسر تو

وَاعْتِمَادِي عَلَيْكَ وَنَصْرِي إِلَيْكَ أَدْعُوكُ عَلَيَّ

و اعتماد مرا بر تو و نصرت مرا به سوی تو ایستادم به تو

الْخَاضِعِ الذَّلِيلِ الْخَاشِعِ الْخَائِفِ الْمُسْتَغِيثِ

و خاضع و ذلیل و خاشع و خائف و مستغاث

الْمُهَيَّرِ الْخَيْرِ الْجَانِعِ الْفَقِيرِ الْعَائِلِ الْمُسْتَخِيرِ

مستعد خیر و جانج و فقیر و عائل و مستخیر

الْمُقَرَّبِينَ إِلَيْهِ الْمُتَغَفِّرِينَ السُّدُكِينَ

او را در نزد بخت واد او را در نزد او که در نزد او است که در نزد او است

دُعَاءُ مَنْ اسْتَمْنَهُ ثِقَتُهُ وَرَضَتْهُ اِحْبَتُهُ وَ

دعای آنکه در نزد او است که در نزد او است که در نزد او است

عَظُمَتْ فَجِيعَتُهُ دُعَاءُ حَرِّ فَرْجٍ يَرْفَعُ جَبِينِ

بزرگ شد عذاب او دعای سوزش اندام که از آن فرار

بِأَلْسِنٍ مِثْكَ كَبِيرُكَ مُسْتَجِيرُ اللَّهِ مَسْئَلُكَ

بر حال محنت آنکه در نزد او است که در نزد او است که در نزد او است

بِأَنَّكَ مَلِكٌ وَأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرِ بَكُنْ

آنکه تو پادشاهی و آنکه تو آنچه خواهی از امری بکنی

وَأَنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ فَدَبِّرْ وَاسْتَلْكَ حُرْمَةً مَدَا

و آنکه تو بر آنچه خواهی توانی و سوال کن از حرمت آن

السُّهْرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْحَرَامِ وَالْكُزِّ وَالْمَقَامِ

از حرام سحر و حرام خانه حرام و از کز و مقام

وَالْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَاللَّهُ السَّلَامُ

و دعای بجا آوردن و بحق پیغمبر تو محمد بر او و الله سلام

يَا مَنْ وَهَبَ لِأَدَمَ شَيْئًا وَلِابْنِ هَيْمَ اسْمًا

ای آنکه بخشید هر چه را به آدم و به پسر هیم اسمی

وَاَسْمَى يَامَنْ رَدَّ يَوْسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ وَيَامَنْ

و نامی را ای آنکه برگرداند یوسف را به یعقوب و ای آنکه

كَشَفَ بَعْدَ الْبَلَاءِ خُصْرَ أَيُّوبَ يَا أَدَمُ

راش را پس از بلا خسران ایوب را ای آدم

عَلَى أَمْرٍ بَارِئًا لَمْ يَخْضَرْ فِي عِلْمِهِ وَيَا مَنْ وَهَبَ لِلدَّوْ

بر آنکه کسی را امری را که در علم او نداشت و ای آنکه بخشید او را

سُكَيْنَ وَلِزَكَرِيَّا بَيْحَى وَلِمَرْيَمَ عَلِيَّوْنَ يَا جَافِظَ

سکین را و زکریا را بایحی و برای مریم علیون را ای جافظ

بَنِي سَعْيَبٍ وَيَا كَافِلَ وَلَدِ أُمِّ مَوْسَى أَلَّا

بنی سعیب و ای پرورنده فرزند مادر موسی را که

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ دَالٍ حَسْبُكَ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي

را که صفت بدستی بر محمد دال حجتت و آنکه بخشاید مرا

ذُنُوبِي كُلِّهَا وَتُخَيِّرَ بَيْنَ عَذَابِيكَ وَتُوجِبَ لِي

گناههای مرا و بختی بین عذابهای تو و تو را

رِضْوَانِكَ وَأَمَانِكَ وَاحْسَانِكَ وَعُفْرَانِكَ وَجَنَانِكَ
 حشودی قیامت و ایمنی قیامت و احسان خود را در قیامت و عفران خود را در قیامت و جنان خود را در قیامت
 وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَفُكَ عَنِّي كُلَّ حَافِظَةٍ ضَعِيفَةٍ
 و سوال می کنم از تو ای خداوند که هر یک را از من بگیری و هر یک را از من بگیری
 وَبَيْنَ مَنْ يُوَدُّ بَنِيَّ وَتَفْجِئُ كُلَّ بَابٍ وَلَيْسَ لِي
 و میان آن که دوست دارد بنی من و تفجیر کند هر یک را از من و تفجیر کند هر یک را از من
 كُلَّ صَعْبٍ وَلَسَهْلٍ كُلَّ عَسِيرٍ وَخَرَسٍ عَنِّي كُلَّ
 هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من
 نَاطِقٍ لَبِؤَةٍ وَتَكْفِ عَنِّي كُلَّ بَاغٍ وَتَكْبِتُ كُلَّ
 سخن را از من و هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من
 جَدُولٍ وَطَاسِدٍ وَتَنْجِ عَنِّي كُلَّ ظَالِمٍ وَتَكْفِ عَنِّي كُلَّ
 دشمنی را از من و هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من
 عَاقٍ بِجَوْلِ بَنِيَّ وَبَيْنَ وَلَدِي وَبِحَاوِلِ أَنْ يَفْرُقَ
 ای من که عاقل بودی میان من و میان من و میان من و میان من
 بَنِيَّ وَبِرَّ طَاعَتِكَ وَيُثَبِّتَنِي عَنْ عِبَادَتِكَ يَا مَن
 میان من و میان من و میان من و میان من و میان من و میان من

أَبْجَحُ الْجَزْأَ الْمَسْرُومَ بَيْنَ وَفَهْرَ عَيْنَاهُ الشَّيَاطِينُ
 تمام نمود و دیوانه شد و هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من
 أَذِلُّ رِغَابَ الْمُجْتَرِبِينَ وَرَدَّ كَيْدَ الْمُنَاطِبِينَ
 عوارض کرد و هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من
 عَزَّ الْمُسْتَغْفِرِينَ أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ عَلَامَاتِنَا
 از تو ای خداوند که هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من
 وَتَسْهِّلْ لَنَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ أَنْ تَجْعَلَ فَضْلًا
 و آسان کن برای ما هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من
 حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَتَكْفِ عَنِّي
 حاجت مرا در هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من
 سَجَدْتُ وَبِكَ أَمْسَتْ فَا رَحِمُ ذُنُوبِي وَطَافَتِي وَ
 سجده کردم و به تو ای خداوند که هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من
 اجْنَاهُمُ فِي نَصْرِي مَسْكَنِي وَفَقْرِي
 کوشش مرا در هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من
 إِلَيْكَ يَا رَبِّ وَفِيهِ رَاحَتِي وَفِيهِ رَاحَتِي
 ای من که عاقل بودی میان من و میان من و میان من و میان من

این دعا را در هر روز بخواند و هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من و هر یک را از من

سَجَدْتُ وَبِكَ اَمَنْتُ فَاَرْحَمْ ذُنُوبِي خُصُّوْنِي بِرَبِّكَ

بجده کردم و بتو اعتماد نمودم پس من را از گناهانم بخشید و مرا از تو دوستی

وَقَفَّرْني وَفَاغْفِرْ لِيْكَ وَارْحَمْ نَفْسِي وَخُصُّوْنِي

و از غلظت من را بپوشید و مرا ببخشید و مرا از تو دوستی

وَاجْعَلْني بِرَبِّكَ وَتَوْكَلْ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ

و مرا در پیشگاه تو و تو را در پیشگاه خودت قرار ده ای خداوند

بِكَ اسْتَفْعِ وَبِكَ اسْتَسْقِ وَبِحَمْدِكَ وَرَوْحِكَ

ب تو استغاثم و ب تو استسقا می کنم و بحمد تو و روح تو

وَاللهُ اتَوَجَّهُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ سَهِّلْ لِيْ كُلَّ حَزَنَةٍ

و ای خداوند من را به سوی خودت بگردان و ای خداوند آسایش ده مرا از هر غم

وَذَلِّ لِيْ كُلَّ صُعُوبَةٍ وَخَفِّضْ لِيْ الْجَنَّةَ كَمَا تَمَنَّا

و مرا از هر دشواری را بپایان بیاور و دوزخ را برای من چون تمنا می کنم

ارْجُوْ عَافِيًى مِنَ الشَّرِّ وَاصْرِفْ عَنِّي السُّوءَ فِي بَيْتِي

از تو امید دارم ای خداوند از شر و از بدی از من دور کن و بدی را از خانه من دور کن

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِيْ خَيْرَ الْخَالِقِينَ فَضْلًا

صلوات بر محمد و آل محمد و مرا از خیر المخلوقات بر همه فضل ده

بمقتضی

وَكَاذِبًا عَمَّا يَلْفُظُكَ بِاخْوَالِ الطَّافِ فِي الْبَيْتِ الْمَقَامِ

و دروغ گو از آن که تو می گویی از خواران تو در این مقام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمَطْبُوعُ الدَّائِبُ السَّرْبُوعُ الْمُرْدِدُ فِي

ای ای خدایا خدایا که خلق را مطبوع گردانیده و دایم در سرگردانی

مَنَازِلِ الْفَقْدِ بِرُحْرِ الْخُرْفِ فِي فَلَكِ الْكُدْبِ

در منازل فقر و در حرّ خرف در فلك کذب

أَمَنْتُ بِمَنْ تَوَرَّكَ الظُّلْمُ وَأَوْجَحَ بِكَ الْبُهْمُ

ای خداوند من به تو اعتماد نمودم و از تو پناهنده گردیدم از ظلم و تو را

وَجَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِكَ وَعَلَامَةً مِنْ عِلْمِكَ

و تو را نشانی از آیات مملکت خود و علامتی از علم خود قرار داد

سُلْطَانَةً وَمُنْهَنَكَ بِالزُّبَادَةِ وَالنُّفْصَانِ

سلطنت خود را بر باد و بر نفوسان

وَالْجُلُوعِ وَالْأَفْوَلِ وَالْإِنَانِ وَالْكُفُوفِ

و از گرسنگی و از تاریکی و از نادانی و از کوری

فِي كُلِّ نَفْسٍ لَكَ مَطْبَعٌ وَإِلَى ارَادَتِكَ سَبْعٌ

در هر نفس و مراد از این هفتاد و سه و بیست و هفت و شصت و نه

سُبْحَانَهُ مَا اعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ وَالْطُّفَّ مَا

با کمال او به عجب و آنچه تدبیر کرده در امر تو در هر نفس و شصت و نه

صَنَعَ فِي سَائِكَ جَعَلَكَ مَفْشَاحَ شَهْرٍ حَادِثٍ

کرده در کار تو کرد این شصت و نه ساله ماه تازه

لِأَمْرِ حَادِثٍ فَاسْتَلِ اللَّهَ وَذِي وَرْتِكَ وَخَالِجِ

از برای کار تازه بپوشان خود را از خداوند و صاحب تو و خارج

و خَالِ فَكَ وَتَقَدَّرْ رِيَّ مَقْدَرِكَ وَمُصَوِّرِي

و آنچه بر تو افتاده و آنچه از تو پیشتر و آنچه از تو پس

و مَصَوِّرَكَ إِنْ بَصَلَ عَلَى قُدْرَةِ إِلَهٍ وَانْجَلَّكَ

و نگارنده تو را اگر به حدت برسد و اگر از تو بگذرد

هَلَالٌ بَرَكَةٍ لَا تَحْفَظُهَا إِلَّا يَوْمٌ وَطَهَانٌ لَا تَدْرِكُهُ

لال برکتی که نیست مگر در روز و روزی که نمی رسد

إِلَّا نَامٌ هَلَالٌ آمِنٌ مِنَ الْكَافَاتِ وَسَلَامَةٌ

که آن لال ایمنی از کافه و سلامتی

مِرَالَتِيَّاتٌ هَلَالٌ سَعْدٌ لَا يَخْرُفُهُ وَ

از میراثی لال سعادت که نمی خرد و

يُمْنٌ لَا يَنْكَدُ مَعَهُ وَيُسِرُّ لَيْمًا زَجَهُ عُمْرُهُ خَيْرٌ

بختی که نکشد با او و پنهان کند روزگار او را و عمر او را خیر

لَا يَتَوَبُّ شَرُّ هَلَالٌ آمِنٌ وَإِيمَارٌ وَنَعْمَةٌ وَ

که باز نگردد شر لال ایمن و ایمان و نعمت و

إِحْسَانٌ وَسَلَامَةٌ وَسَلَامٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

احسان و سلامت و سلام ای خداوند صلوات بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ طَلَعَ

محمد و آل او و بگردان ما را از آن که حق او را دوست

عَلَيْهِ وَارْزُقْ مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ وَاسْعِدْ مَنْ تَعَبَّدَ

بر او و روزگار او را و بگردان آن که نظر کرد به او و بگردان آن که بپرست او را

لَكَ فِيهِ وَوَقْنَا فِيهِ لِلنُّبُوَّةِ وَاجْعَلْنَا مِنْ

در روزگار تو و بگردان تو را و بگردان تو را و بگردان تو را

مِنَ الْجُودَةِ وَاجْعَلْنَا مِنْ مَنَابِ شَرِّهِمْ وَاجْعَلْنَا

از بخشش و بگردان ما را از شر آنها و بگردان ما را از شر آنها

وَأَوْزَعْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَالْبَسْنَا فِيهِ

و در دل ابدار دارا در گنج شکر نعمت تو و بهر شان ابد در آن

جُزْءَ الْعَافِيَةِ وَأَنَّمْ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَلْعِكَ

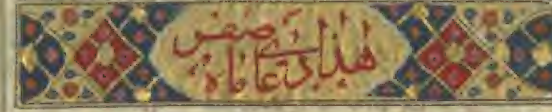
جزوای عافیت و نام من بر ما سبب کمال طغیان تو

فِيهِ الْمِنَّةُ إِنَّكَ لَمَنَّانُ الْحَمِيدُ وَصَلَّى اللَّهُ

در آن نعمت در برستی تو نعمت بندگان و در حق تو نیست ندا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

بر محمد و آل او پاکان پاکان و پاکیزگان پاکیزه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم نام خداوندی که بخشنده و مهربان است

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ شُكْرًا وَلَكَ الْمُرْتَضَا

خداوند منزه از هر ذاتی و شکر گذاری و عزیز است زبانت از هر

أَنَا عِبْدُكَ رَقِيقًا وَأَنْتَ لَذَلِكَ أَمْلَأُ سَوْعِيكَ

من بنده و قلمه و تو مرا این سزاوار می دانی که بپرورم تو

نَفْسِي وَدِينِي وَدُنْيَايَ وَالْآخِرَةَ وَخَوَانِي عُمْرِي

جان خود و دین خود و دنیا می خود و آخرت خود و خائن عمر خود

وَعَلَى وَأَسْتَوْدِعُكَ عِرْضِي وَعِرْضِي فِي خَلْقِكَ

و گرد آورده و به امانت می گذارم ناموس خود و عزت خود در خلق تو

مِنْ فَضْلِكَ وَأَسْتَوْدِعُكَ جَمِيعَ أَمْرِ مُحَمَّدٍ

از فضل تو و به امانت می گذارم تو همه امر محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَيْئًا جَوْلِكَ وَطُغْيِكَ

رحمت بر تو و آل او و هیچ حق تو و غیبت تو و فضل تو

وَقَوْلِكَ فَإِنْ تَسْبُو دُعَاكَ مَصَانِعَ حُكْمِكَ

و در آگاهی تو و سب و امانت شده و تو در مصلحتات و در آن تو

نَافِذٌ وَقَضَاءُكَ غَالِبٌ يَا أَهْلَ الْحَاكِمِينَ وَبِأَهْلِ

جاریت و سب و غالب است ای اهل حکامین و با اهل

الْحَاسِبِينَ يَا أَكْرَمَ مَأْمُوكٍ وَبِأَجْوَدِ مَوْلَى

حساب کنندگان ای اکرامترین مملوک و با بخشنده ترین مالک

يَا خَيْرَ يَوْمٍ يَا حَيَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اللَّهُ يَا أَحَدَ

ای بهترین روز ای زنده ای مانت ای منزه ای یگانه

يا حَمْدُ يا فَوْدِ يا وَثِقُ يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ

ای بسیار ای شایسته ای بگانه ای که نژاده و زاده نشده و

يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ اللَّهُمَّ اغْنِنِي عَنْ ذَلِكِ مِنْ

باشد و او را مانند کسی بکسرها و از او بکسرها بکنم و از او بکسرها بکنم

شُرُورِ هَذَا الشَّهْرِ وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَبِكَيْتِهِ

برای این ماه و از هر چیزی و بکیتش

الَّتِي نَأْفِدُكَ فِيهِ اللَّهُمَّ مَا قَدَرْتُ لِي فِيهِ

که از تو بگویم در این خدا و ما آنچه قدر کردی برای من در این

فَاَجْعَلْ عَاقِبَتَهُ وَشِدَادَ يَدِهِ بِرَأْدِ هَوْرٍ يَأْتِيهَا

بس کردان عاقبت او را سوار از یو بود و بری آنرا پسند و در کار

يَا أَوَّلُ يَا أَبَدُ يَا كَأَنَّ يَكُونُونَ يَا كَيْتَارُ يَا

ای اول ای آخر ای شایسته ای بود و شایسته ای بود و شایسته ای بود

مُبْدِئُ يَا مُعِيدُ أَنْتَ تَفْعَلُ مَا تُرِيدُ اللَّهُمَّ

ایند کننده ای بود و مایه ای بود و مایه ای بود و مایه ای بود

اجْرِ بِعَيْنِكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَأَخَوَانِي

و ایستد ای باری باری جان من و دین من و مال من و برادران من و برادران من

و دین من

وَدُنْيَايَ وَالْآخِرَةَ وَخَوَانِي عَلَى الْخَيْرِ ابْنِ أَبِي بَكْرٍ

و دنیای من و آخرت من و خوار من و خوار من و خوار من و خوار من

بَعْضِهِمْ بِالْخَيْرِ الْأَخْيَارِ الْأَكْبَرِ مِنْ خَيْرِكَ يَا أَرْحَمَ

بعضی از خیرت بزرگترین بزرگترین بزرگترین بزرگترین بزرگترین

الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

رحمت بر سران و صلوات بر سران و صلوات بر سران و صلوات بر سران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَانَ اللَّهِ مِلَّةَ الْبِرِّ وَالْإِيمَانِ وَمِنْهُ الْعِلْمُ وَتَسْلِيمُ

بسم الله تعالی و از او بکسرها بکنم و از او بکسرها بکنم و از او بکسرها بکنم

الرِّضَا وَزَنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ لَا

رضای او و وزن عرش او و سعه کرسی او و سعه کرسی او و سعه کرسی او

مَلَأَ وَلَا شَيْءَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا إِلَيْهِ سُجَّانَ اللَّهِ

و مایه ای بود و مایه ای بود و مایه ای بود و مایه ای بود و مایه ای بود

و مایه ای بود و مایه ای بود و مایه ای بود و مایه ای بود و مایه ای بود

گفتند آنگاه خدا باز کرد انچه من در کف منجان بنده من کرده بود

کریست مبداء و مرکب را و من ناخوشتر مبداءم بر می آید خدا یا ابراهیم

دست یابین مرد دوست خود گشتایش

و عا بت دیاری و جودار نفس می و

در باره اصدی

بنام خدا می بخشاید و هدایت

ای میباید فصل کشیده بر علامتین و یکسره اندوخته و ستاره

مطالعہ

رحمت فرست بر محمد و آل او بهمنون غلامان

و جب اسرار را بخنداند طبعش مرتبه خود این را ندکافی

ووقع في ايام ائمتنا وسمعتها واما ا

در بهر قشایر

مقام
مذای بحش اینده و در بیان

بنام خدا بهترین نامها بنام خدا پادشاه و کارزین

داسمان بنام خدا که عز و جلاله با نام او

سَمِوَهُ دَاءِ بِيَمِ لِلَّهِ صَبَحَتْ هِيَ لِلَّهِ بَوَكَّتْ

1870

سید الشهدا

بِسْمِ اللَّهِ عَلَى قَلْبِي وَنَفْسِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى لِسَانِي وَ
 بِسْمِ اللَّهِ عَلَى يَدَيَّ مِنْ دِيَارِ مَنْ بَنَامُ هَذَا بِرُوحِ مَنْ
 عَقَلِ بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِي وَمَالِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى
 مَعْرُوفِي بِسْمِ اللَّهِ بِرَأْسِي مَنْ دَعَا بِسْمِ اللَّهِ
 مَا أَعْطَانِي رَبِّي بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّهُ شَيْءٌ
 فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
 اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي جَعَلَا لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا
 اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ
 أَخَافُ وَلَا حُجْدَ دُعَا جَارِكَ وَجَبَلُ شَاؤِكَ
 وَتَقْدَسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ
 اللَّهُمَّ اللَّهُمَّ اللَّهُمَّ اللَّهُمَّ اللَّهُمَّ اللَّهُمَّ

اَعُوذُ

اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ رُفْسِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ
 سَيِّدِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ
 كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَمِنْ شَرِّ قَنَازِ السَّوءِ وَ
 مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا
 عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
 شَهِيدٌ إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ هُوَ يُؤَيِّدُ
 الْأَصْلَاحِينَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَضْلُ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا
 إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ

هر چیزی و از خداوندی که از هر چیزی آگاه است

وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا

و از شر هر حیوانی که تو را از نوک آن دراز داری

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ سُبْحَانَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

تو بر هر چیزی قادر هستی بزرگوار باشی ای مهربانترین مهربانان

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخِلُونَهَا يُحَلِّوْنَ فِيهَا مِنْ أَمْثَلِ الثَّمَرَاتِ

باغستانهای عدن که در آن می‌روند و در آنجا می‌خورند از بهترین میوه‌ها

الَّذِينَ هُمْ عَنْهَا بِالْحُتِّ وَالْأَسْفَلِ عَلَى أَعْلَى ظُفُرٍ

و کسانی که در آنجا با کفش و پاهای بالا بر روی کوهستانها

أَيْضًا لَأَجُولَ وَلَا فَوْقَ الْأَبْوَابِ الْعِظَمِ

همچنین برای گشتن و بالای درهای بزرگ

تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

توکل بر زنده ای که نمی‌میرد و ستایش برای خداوند

لَمْ يَخْذَ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ

خداوند نگرفت و هیچ شریکی در پادشاهی

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ وَكِبَرُهُ كِبِيرًا

و هیچ یاری از پست و بزرگی او بزرگ است

مُعَلِّمِينَ سُبْحَانَكَ اللَّهُ الْعَظِيمُ وَبِحَمْدِكَ اسْتَغْفِرُ

معلمانی بزرگوار باشی خداوند بزرگ و با تو استغفار می‌کنم

اللَّهُ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ أَيْضًا صَبِّحْ

ای خدا و از تو بخواهم از فضل خود صبح

تَحَسَّنْتُ بِذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ وَغَضَبْتُ

بجای خود در پادشاهی و ملکوت و خشم کردم

بِذِي الْعِزِّ وَالْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ تَوَكَّلْ عَلَى

پادشاه عزت و بخشش و پادشاه قهر و استغاثه

الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ دَخَلْتُ فِي حِفْظِ اللَّهِ وَفِي

در پناه زنده ای که نمی‌میرد در حفظ خدا و در

حِذْرِ اللَّهِ وَفِي أَمْرِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ الْبَرِّ وَالْجَبِينِ

ترس از خدا و در امر خدا از شر بدترین و پلیدی

كُلِّ عَصٍ مَعْشُورٍ وَلَا جَوْلَ وَلَا فَوْقَ الْأَبْوَابِ

هر عصای معشور و هیچ گشتن و بالای درهای

اَلْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى خَيْرِ خَلْفَةٍ فَعَلَّمَهُ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى خَيْرِ خَلْفَةٍ فَعَلَّمَهُ
 الطَّاهِرِينَ بِعَدْلِهِمْ سُبْحَانَ اللَّهِ كُلَّمَا
 سَبَّحَ اللَّهُ شَيْئًا وَكَأَيُّ حُبِّ اللَّهِ أَنْ يُسَبِّحَ وَكَأَيُّ
 مُوَافَقَةٍ وَكَأَيُّ بَغْيٍ لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا حَمَدَ اللَّهُ شَيْئًا وَكَأَيُّ حُبِّ اللَّهِ
 أَنْ يُحْمَدَ وَكَأَيُّ مُوَافَقَةٍ وَكَأَيُّ بَغْيٍ لِكَرَمِ وَجْهِهِ
 وَعِزِّ جَلَالِهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلَّمَا صَلَّيْتُ
 وَكَأَيُّ حُبِّ اللَّهِ أَنْ يُصَلَّى وَكَأَيُّ مُوَافَقَةٍ وَكَأَيُّ
 بَغْيٍ لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ

٧٩
 بِبَغْيٍ لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
 كُلَّمَا كَبَّرَ اللَّهُ شَيْئًا وَكَأَيُّ حُبِّ اللَّهِ أَنْ يُكَبَّرَ
 كُلَّمَا مُوَافَقَةٍ وَكَأَيُّ بَغْيٍ لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ
 سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ
 أَكْبَرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ أَنْتُمْ يَا عَلِيُّ وَعَلِيٌّ
 أَحَدٌ مِنْ خَلْفَتَيْهِ مِنْ كَانَ أَوْ يَكُونُ إِلَى الْيَوْمِ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ
 مِنْ خَيْرِنَا أَرْجُو مِنْ خَيْرِنَا لَا أَرْجُو أَعُوذُ

بِكَ مِنْ شَرِّ مَا آخَذَ رُومٌ شَرِّ مَا لَا آخِذَ

بنو از شر آنچه میگیرند و از شر آنچه

بِعْدَ أَنْ تَقُولَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْهَامَّ وَاحِدًا وَتُخَلِّقُ

تکونند پس خدای که خداست یگانه و نام او را

مُسْلِمُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْهَامَّ وَاحِدًا وَتُخَلِّقُ

کردن بنده را بنده خدای که خداست یگانه و نام او را

تُخَلِّقُ صَوْنًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْهَامَّ وَاحِدًا وَتُخَلِّقُ

تخلیص کنیم پس خدای که خداست یگانه و نام او را

عَابِدُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا يُعْبَدُ إِلَّا إِيَّاهُ

در استغاثیم پس خدای که خداست یگانه و نام او را

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْشَّارِكُونَ

خاص کنند و او را دین و اگر کاره اند مشرکان

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ

پس خدای که خداست و در کار ما و پدر و مادر ما

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ

پس خدای که خداست یگانه یگانه و ناکرده و صدقه خود را و یاری کرد

عَبْدَهُ وَاجْعَلْ جَنَّةً وَهَرَمَ الْأَنْجَابِ وَجِدْ

بنده خود را و غالب را و بخت خود را و بخت خود را و بخت خود را

فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُخَيَّرُ وَيُسَيَّرُ وَيَقْتَرُ

پس بر او است پادشاهی و بر او است هر چه بخواهد و بر او است هر چه بخواهد

وَمُوحًى لَا يَمُوتُ يَدُ الْيَجْرِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ

و او را هر چه است که میبرد و دست او است بر هر

شَيْءٍ فَدَعِ الْيَسْبِغَ اسْتَغْفِرُ اللَّهُ الذِّمِّيَّ لِلَّهِ

چیزی را و آنست که بگوید استغفر الله از خدا که بخت خدای

الْأَهْلُ الْيَوْمَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

که او را بزرگواری است و خداوند بزرگواری و بزرگواری

وَأَتُوبُ إِلَيْهِ اِيضًا اللَّهُمَّ هِدْنِي مَرْجِعِي

و باز گشت میکنم سوی او و بگویند بگویند

وَأَفْضُ عَلَى مَنْ فَضْلِكَ وَأَنْشُرَ عَلَى مَنْ جَنْكَ

و بر من برتری از فضل خود و بر من برتری از دشمنی خود

وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا

و از دست من از برکت های خود و بزرگواری و بزرگواری

اَنْتَ غَفُورٌ ذُو نُوْنٍ كُلِّهَا جَعَلْنَاكَ لَا يَغْفِرُ لَكَ

تو چاه زما گشت ان من برادر همه از او که بنا کرد و گفتم

اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُ اِنِّيْ سَأَلْتُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَخَاطُ

که تو خداوندی هستی که سوال میکنم تا از هر نیکی که خواهم کرد

بِهِ عَلَيْكَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ اَخَاطُ بِهِ

با تو و استخوان دنیا و هر چه به تو از هر بدی که خواهم کرد

عَلَيْكَ اَللّٰهُ خَشِيتُكَ خَافِيْتُكَ فِيْ اَمُوْرٍ

و استخوان تو خداوند ایستادگی کنسوا علیه عافیت تو در امر خود

كُلِّهَا وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ خَيْرِيْ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ

همه از دنیا و هر چه به من بخاری دنیا و عذاب

الْآخِرَةِ وَمِنْ اَمْوَالِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَاَعُوْذُ بِكَ

آخرت و از ستمت روز قیامت و دنیا و هر چه به من ذات

الْكُفْرِ وَ عَذَابِ الْاِنْفِاسِ اَمُ وَقَدْ رَزَقْتَ الْاِنْفِاسَ

بزرگوار تو عذرت تو که قصه میکنی و عذرت تو که انفس را

مِنْهَا شَيْءٌ مَّرْشِدًا اَلدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ وَ مَرْشِدًا

از او چیزی از دنیا و آخرت و از او

اَلْاَوْجَاعُ كُلِّهَا وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذَا بَنَةٍ اَنْتَ اَخِذُ

همه از همه از شر هر چه به بندگی تو گرفته

بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّيْ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيْمٍ وَلَا

روی پیش برادر که برود و گاه من برادر هست و نیست

يُحِلُّ وَلَا يُحَرِّمُ اِلَّا بِاَمْرِ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ تَوَكَّلْ

باری و تو توانی که بخدای هست و نیست توکل کرد

عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُفْخَذُ

بر خداوند که همیشه و سراسر خداوند که تو گفتم

وَلَدًا وَاَوْفَكَ بِكُلِّ شَرِّكَ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

فرزند و دنیا شد برادرش یکی در با و سراسر و دنیا شد برادر

وَلِيٌّ مِّمَّا كُنْتُ وَكَبِرُهُ فَكَيْدٌ مِّنْجِلٍّ لَا اِلٰهَ

دوستی بخاری و بزرگی با او کن او را بزرگی با او کن فاطمه است خداوند

اِلَّا اللهُ اَرَأَيْتَ اِنْ مَلَائِكَةُ يَصْلُوْنَ عَلَى الْاِنْفِ

که خدا و سراسر خدا و سراسر خدا و سراسر خدا

يَا اَيُّهَا النَّبِيُّ اَنْتَ مَوْصَلُوْا عَلِيًّا وَسَلُّوْا سَلَامًا

ای انبیا که گویید و ما گفتم برادر و سلام کنید بر او

من خبر دارم که خداوند فرمايند دارم تو را و بويامي معاودتم از تو خداوند رحمت فرست

محمد و بر خاواده محمد و بر فرزندان محمد

برادر در ایشان باد و درود و رحمت خدا و برکت امام

که ای مجید بسم که مشافه بودن از ما مرثیه از او پسر وی هنوز مرثیه از او

بار و دشتن مریش از بار و دلارا کردیم تو و بار و دشتن سغیر خود را

و کردن نهادن کردن نهادنی بود و دل را کرد و بهر کجا می فرستاد و هر دو کردیم

ہمبیرا والی پھیرا پس نہیں آرا یا گوان ۵۹

منتهی به خدا برسد روزی در این کتاب بحث می فرماید که هر ساله منتهی به خدا برسد

...

三

از چیز مستغنی و نه از محنت و نه از یکی از خلق را

کتابخانه امام رضا علیه السلام در مشهد

دست تو که در دستانم است نه از دست خسته نرسوز خلق تو

چهارم که نویز بر چیزی توانائی خداوند را بگردان نمود

در حدیث من و پیغمبر من و لعین من بدول من و

بناک بودن در کردار من و سلامتی و نفس من بشادکی

در روزی من دیار تو در پیش در روز پرز باطن

و شکر مرزا همیشه با دادم که باقی داری مرا خداوند الهی

حَيْثُ هَيَّئْتُ قَوْلِي لِي فِيهَا أَعْطَيْتَنِي وَأَخَوَّافِي

سنگی که باز آری مرا در کت و در این سخن عطا کرد مرا از هر کس که مرا برگاه

تَوْفِيقِي نَتَكُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا سَمِيعُ

بهرانی مرا که تو به هر چیزی توانایی **بکنی** شنونده

السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ الْبَاطِنِينَ وَيَا أَسْرَعَ

شنونده گان و ای بنظر کننده گان و ای سبک

الْحَاسِبِينَ وَيَا أَجْكَمَ الْكَائِمِينَ وَيَا أَرْحَمَ

صباران و ای که گشاده دین علم کننده گان و ای بخیر

الرَّاحِمِينَ وَيَا صَرِيحَ الْمُسْتَضْرِحِينَ وَيَا كَاثِرَ

حسان و ای ابرس را و فراوان و ای از آن کننده

كُوبِ الْمَكْرُوفِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ أَنْتَ

اخذنده اندوه ناگان ای اجابت کننده دعای درمناگان تویی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَأَنْتَ اللَّهُ

هذا نیست خدا تویی بر درگاه جهانیان تویی خدا

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَهِي الْعَظِيمُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

نیست خدا تویی بخت نه بزرگ قدر تویی خدا نیست خدا تویی

إِلَّا أَنْتَ الْخَلَّيْنِ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

که تو بخت کننده و ایان و تویی خدا نیست خدا تویی

مَا لِكَ يَوْمَ الدِّينِ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

پادشاه روز جزا و تویی خدا نیست خدا تویی

مَنْكَ بَدْوًا أَلْخَاؤُكَ وَلَيْكَ بَعْدُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا

از تو جدا شده و تو از منش و بر من است بازگشت و تویی خدا نیست

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَأَنْتَ اللَّهُ

خدا تویی که تو آفریننده بهشت و دوزخ و تویی خدا

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَلَا تَزَالُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا

نیست خدا تویی که تو همیشه بوده و همیشه خواهد بود و تویی خدا نیست

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَا لِكَ الْخَيْرِ وَالْكَرِّ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا

خدا تویی که تو پادشاه مینک و بر من و تویی خدا نیست

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ

خدا تویی که تو یگانه بنامه نیازمندان که نژاده و

لَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

زاده نیست و نه باشد و او را مانند هیچ کس تویی خدا نیست خدا تویی

إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ الشَّهَادَةُ الرَّخْمُ الْإِحْسَامُ

گوئی وادی نشان روشکار بخش ارشد وصال

وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ

درونی خدا بیست ذاتی کردی بادست هاک از عجبی

السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ

سالم از بهر آیتی ای بخشنده بسیار دانا غالب بر تمام و همه بزرگوار

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

بهاکت خدا از همه شرک سازنده و زنی خدا بیست ذاتی کردی

أَنْتَ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْيُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

تو از فرستنده و پدید آورنده و صورت بخش براده است اسمای بسیار

يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ

سبح و بزرگوار او هر که در آسمانها و زمین است و زنی غالب

الْحَكِيمُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ

درست کردار و زنی خدا بیست ذاتی کردی بزرگوار

الْمُنْعَالِ وَالْكَبِيرُ يَا أَلَلَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بر تو و بزرگوار ای صفت منت خدا و خدا رحمت درت بر محمد

وَالْمُحَمَّدُ وَغَفِرْ لِيْ مَغْفِرَةً عَمَّا جَنَّبْتُهَا لَا تُقَادِرُ

وای محمد و بفرما مرا آمرزشی شایسته بارجا که دانم از تو بری

ذَنْبًا وَلَا أَزْنُوكُ بَعْدَهَا بِحَرَمًا وَعَافِيٍّ مَعَاوَةً

گناه مرا و زکب تو هم بعد از آن حرما و معاف و معافان مرا

لَا تُتَكَلِّفُنِي بَعْدَهَا أَبَدًا وَأَمْدِيْ مُدَّتِيْ لَا

که فرما نمی دهی مرا پس از او هرگز و در این تمام و این

أَخِصْ بَعْدَ أَبَدًا وَعَلَيْكَ بِمَا يَنْفَعُنِي وَتَغْفِرْ

که از تو بخواهم پس از آن هر که می آید بر من و بفرما مرا و بفرما مرا

بِمَا عَلَّمْتَنِي وَلَجْعَلْهُ جُزْءًا لِّعَلِّيْ وَأَرْزُقْنِي

بجز که از تو خواهم و بفرما مرا و بفرما مرا و بفرما مرا

فَضْلِكَ صَبَا صَبَا كَهَا فَكَفَا فَاوْرُضْنِي

فضل خود و بفرما مرا و بفرما مرا و بفرما مرا

يَا رَبَّنَا وَسُبُّكَ عَلَى اللَّهِ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ صَلِّ عَلَى

ای پروردگار و سب تو بر خدا ای بخشنده ای بخشنده ای بخشنده

مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَارْحَمْنِي وَأَرْحَمْنِي مِنَ النَّاسِ

محمد وای محمد و بفرما مرا و بفرما مرا و بفرما مرا

ذات الشَّيْبِ وَالْبُطِّ فِي سَعَةِ مَرْزُوقِكَ وَاهْدِنَا

سوزنده و بهین کن درکشتن او را در روزی و در شب

بِهَذَاكَ وَلِغَنِّي غِنْيَاكَ وَجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيَاكَ

بر اینها از خود و بسیار کن مرا بهیناری خود و گردان مرا از دست

الْخُلَاصِينَ وَبَلِّغْ مُحِبِّمَنَّا وَالْمُحِبِّ نَحْنُ كَبِيرُ

که با خلاصه و برسان محمد و آل محمد بخیه کبیر

وَسَلَامًا وَاهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ

و سلامی و راه نما مرا بر آنچه اختلاف کرده در حق است

يَا ذُنُوبَكَ أَنْكَ تَهْدِي مَن تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

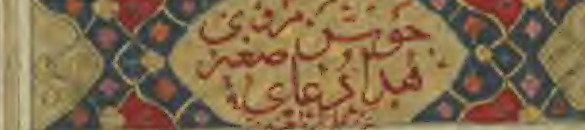
ایست ای تو که راه نمایی هر که خواهی بسوی راه راست

وَاعْصِمْنِي مِنَ الْعَاصِ وَكَذِّبْهَا وَمِنَ الشَّيْطَانِ

و نگاهدار مرا از عصیانها و دروغها و از شیطان

الرَّجِيمِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

راهنده کننده ایست ای پروردگار جمیع جهانیان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم نام خداوند بخشنده مهربان

الْحُكَمَاءُ مِنْ عِدُوِّ انْتَضِي عَلَى سَيْفِ عَدَاوَةٍ

حکما و از دشمنان من بر شمشیر دشمنی او

وَمَجْدُ الْخَبَةِ مَدِينَةٍ وَارْهَفَ شَبَابُ حِلِّ

و بزرگواری مدینه و آرامش جوانی حل

وَدَاوِي فِي فَوَائِلِ سُبُوحِهِ وَسَدَّ نَحْوِي صَوَابِ

و دروغها را در پیشانی او و سد کرد برای من صواب

سَهَائِهِ وَلَقَدْ نَسَمَ عَنِّي عَيْنُ خِرَاسِيهِ وَأَضْمَانِ

سوزنده خود و گفت از من دیدنای بدست او و پنهان

يَوْمَ مَوَالِكُوفٍ وَيَجْرَعُونَ عَافٍ مَرَارَتِهِ فَظَنُّ

بن روز سعادته و بر گردیدند و جرعه دادند از شیرینی او پس ظن

يَا الْهَوَىٰ لِي ضَعْفَى عَرَا حَمَالِ الْفَوَارِجِ وَعَجَزِي

ای هوا من ضعیفم از برادران و عاجز

عَنْ مَلَأَتِ الْجَوَانِحَ وَصُورِي عَرَا الْأَنْصَارِ مِنْ

از پراکنده شدن و صورت من را از انصاران

بسم الله الرحمن الرحيم
الحکماء من عدو انتضی علی سیف عداوت
و مجد الخبة مدینه و ارهف شباب حلی
و دافی فی فوائیل سبوحه و سد نحو صواب
و سهایه و لقد نسَم عنی عین خراسیه و اضمآن
یا الهوی لی ضعفی عرا حمال الفوارج و عجزی
عن ملأت الجوانح و صوری عرا الانصار من

قَصَدْتُ نَجَارَتَهُ وَوَجَدْتُ فِي كَيْسِهِ نَافِلَةً
 مست که در زمین نماید و تنهایی من در بسیاری از کارها و نعمتی که در
 وَاصَادُهُمْ فِيهَا لَمْ أَعْمَلْ فِيهِ فِكْرًا فِي الْأَوَّلِ
 در پیش ایشان بجهت چندانکه من بکار بدم در کین
 لَهُمْ عَمَلَةٌ فَإِنَّهُ يَتَّقُونَكَ وَسَدَدْتَ أَرْجِي
 ایشان مانند او بسر زدن او را و تنهایی خود و عمل کردی نسبت به
 يَنْصُرَكَ وَفَلَكَ لِي شَبَاحٌ وَخَدْلَةٌ بَعْدَ
 بجاری خود و کند کردی از برای من دم خدمت خود را و خدائی را بعد از
 جَمِيعِ عَدَدِي وَحَسْبِي وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ
 جمع عدوی بسیار و مسلط کردی مرا بر او
 وَوَجَّهْتَ مَا سَدَدَ إِلَيَّ مِنْ مَكَائِدِ اللَّهِ
 و بر کردی آنچه بسته کرده بودی از مکه های خود بپای
 وَرَدَدْتَنِي فِي نَحْرِي وَلَمْ تَقْعُدْ عَلَيَّ لَهُ وَلَمْ تُبَدِّدْ جَرْدًا
 و باز کردی من را در دامن خود و نشاندی خشم خود را بر سر من کردی
 غِيظَهُ وَقَدْ عَضَّ عَلَى نَافِلَةٍ وَأَدْبَرَ مَوْلَا قَدَاءَ
 خشم او و زد که بگردن من بر پشت من او دست کرد و زد که بر گردن من

سَرَّ إِلَيَّ فَفَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ وَجُودُ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ
 شکر ای من عزیز است حمدی بر او که از توانایی که مطلوب شوی و
 ذِي نَافِلَةٍ لَا يَجْعَلُ صِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ
 صاحب علی که بجهت منی رحمت در حق محمد و آل محمد
 اجْعَلْنِي لِعَمَلِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَمَلِكِ
 بگردان مرا در نعمت های خود از شکر کنندگان و در عطا ای خود
 مِنَ الذَّاكِرِينَ بِرَحْمَتِكَ وَمَنْ بَلَغَ بَعَانِي عَمَّا
 از یاد کند کنندگان آنچه ای من در بسیار نعمت ها که عیب کردی مرا
 وَفَضَّلَ أَشْرَكَ مَصَائِدِي وَوَكَّلَنِي تَقْدِيرَ
 و بر کردی مرا برای من و اعمای شکر کارهای خود و وکالت من در جستمی
 رِعَايَتِهِ وَأَصْبَأَ إِلَى أَضْيَاءِ السَّبْعِ طَرِيدِي
 رعایت کردی مانند کین مشتق شیر از برای طایفه خود
 انْظَارًا لِأَنْتَازِ فَرْصَتِهِ وَهُوَ يَنْظُرُ لِي لَشَاشَةً
 بجهت نظار یافتن مرا نظار یافتن فرصت خود و او ظاهر کردی برای من شادمانی
 الْمَلِكِ وَيَسْطُرُ لِي وَجْهًا غَيْرَ ظَلَمٍ فَلَمَّا رَأَيْتَ عَلِيَّ
 و صاحب موسی را و بکشود برای من چهره ای ناخندان خود را بسوی من و برای من

سَبْرِيَّةً وَفَتَحَ مَا أَنْطَوَى عَلَيْهِ لَشَرِّكَهُ فِي مَلِكَةٍ

و نهانی او در پیشانی او که در خاطر دیده بود و او را برای شریک خود در پیشانی او

وَاصْبَحَ مُجَلِّيًا إِلَى فِي بَعِيَّةٍ أَرْكَتَهُ لِأَمِّ رَأْسِهِ

و با صبح گردیده بود و سرش را بر گردن او گذاشته بود و او را بر سرش

وَأَبْنَتْ بَنِيَّانَهُ مِنْ سَنَابِلِهِ فَرَعْنَهُ فِي نَيْبِهِ

و بنای او را از سبیل او برداشته و او را در سبیل او

وَأَرْدَيْتَهُ فِي مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ وَجَعَلْتَ خَدَّ

و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ

طَبَقًا لِرَأْيِ رَجُلَةٍ وَسَخَّلَهُ فِي بَدَنِهِ وَرَدَّ

طَبَقًا لِرَأْيِ رَجُلَةٍ و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ

وَرَمَيْتَهُ بِحَجَرٍ وَخَفَقْتَهُ بِوَرْنٍ وَذَكَّيْتَهُ

و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ

بِمَسَاضِيهِ وَكَبَيْتَهُ لِمَحْرَمٍ وَرَدَدْتُ كَيْدَ

بِمَسَاضِيهِ و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ

فِي مَحْرَمٍ وَوَقَفْتَهُ بَيْنَ أَمْنَةٍ وَقَفْتَهُ مَحْرَمَةً

و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ

وَأَسْتَحْذِلَ وَأَسْتَحْذِي وَضَاءً لَ بَعْدَ تَحْوَنَةٍ

و نهانی او در پیشانی او که در خاطر دیده بود و او را برای شریک خود در پیشانی او

وَأَنْفَعُ بَعْدَ سَطَا لَيْلَةٍ ذَلِيلًا مَأْثُورًا فِي

و با صبح گردیده بود و سرش را بر گردن او گذاشته بود و او را بر سرش

وَبُنِ جَبَائِلُهُ الْخِيَّكَانَ يُؤْمِلُ أَنْ يَرَى فِيهَا

و بنای او را از سبیل او برداشته و او را در سبیل او

يَوْمَ سَطَوْنَهُ وَقَدْ كُنْتُ يَا رَبِّ لَوْلَا رَحْمَتُكَ

و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ

أَنْ تَحْكُمَ مَا جَلَّ بِأَحْسَنِهِ فَلَا يَحْدُ يَا رَبِّ

و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ

مِنْ مُقَدَّرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي نَأْوٍ لَا يَجْعَلُ صِلَ

و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي فِيكَ مِنَ الْإِسْكَ

و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ

وَلَا لَأَمَّاكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ الْحَيِّ وَكَهْ مِنْ سَجَائِبِ

و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ

و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ و او را در مَهْوَى جَفَرِيَّةٍ

مَكْرُوفٌ فَذَلِكُنَّهَا وَسَجَاءُ نَعْمٍ أَطْرَقَهَا وَجَدَّاهُ

کروبی که کشودی از آنرا و ابرهای منقش که بجای آنجا از او جدا شده‌ای

كَرَّمَتْ لِحُرِّهَا وَأَعْيُنُ أَجْدَاتِ طَسْنَهَا وَ

لطفی که جاری کردی از آن حبشهای عاده شما که برگردی آوردی و

نَاشِدَةً رَّحِمَةً لِّنَفْسِهَا وَجُدَّتْ رَحِيمُهَا أَلَيْسَ لَهَا بِسَنَةٍ

نویسندگان نامی نهجست که چن کردی و او سپهر شمسینی که پوشانیدی او را

وَعَوْنُ كُرْبَانٍ كَيْفَ تَأْوِيهِمْ وَأَمْرٌ جَارِيَةٌ فَدَرَاهَا

و فزا گیرنده نمنا که وضع کردی و در آن امرای روان که مقدر کردی و فزا

لَمْ نُعْجِزْكَ إِذْ طَلَبْتَهَا وَلَمْ نَمْنَعْكَ مِنْكَ إِذْ أَرَدْتَهَا

عاجز نگردد چون طلب کردی تنها را در کمال شرفی نگردد بر تو چون اراده کردی آنرا

فَلَا الْحَمْدُ يَا رَبِّ مُنْقِذِي وَلَا يَغْلِبُ وَذِي

پس از استماعی که بود و کاروانی که مغلوب پیشروی و خداوندی

لا يَجْعَلُ صَلَّيْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَآلِهِ

محبت و محبت بر محمد و آل محمد و کسان حرا

لَا تَعْلَمُ مِنَ الشَّيْءِ خَيْرًا وَلَا لَأَمَّكَ مِنَ الْذَلَالَةِ

در مفتیهای خود از مشرکین دارند و در مطایبی خود از یاران و کشتگان

الحی وکرم جاسد مرقم حسد وشیخی غفله

ایستخای من بیا از حب بر خیز که گریه نشاید و در کوشش و تنه و طغیان گریه بود

وَسَافَفِي مَحْدِلِ سَائِدٍ وَوَحَدَنِي عَوْفِ عَيْنِي

و آنرا میباید که در این تیرگی در باطنش و آنرا میباید که در این تیرگی

وَجَبَّ كُرْضِي غَضَا لِرَأْمِيهِ وَقَلَدَنِي خِلَالًا

و کرد و بخت ناموس مرا نشانه مرگ کوفی خود و در کوفی من نه خست معشوق

لَمَبْرَلٍ فِيهِ قَنَادَيْنِكَ يَا رَبِّ مُسْتَجِيرِكَ وَاطْفِئَا

که در خفا کشن بود پس فراختر ای پروردگار بنیام آورده بنواهند و از آن

لِسُرْعَةِ اجَابَتِكَ مُنَوِّكِي لَاعِلِي مَا لَمْ اَزَلْ اَعْرِفُ

بنوادی اجابت نمود توکل داشتیم بر آنچه پیش میباشیم

مِنْ حُبِّ زَوْجِكَ عَالِمًا أَنَّهُ لَنْ يَضُطَّهَدَ مِنْ أَوَّلِهِ

از پیشکی دفع کردن تو دانایی را که ستم پدید آید و نشود هر که بنیاد را

إِلَى ظِلِّ كَنْفِكَ وَلَنْ تَفْرِغَ الْقَوَارِحُ مِنْ كَأْ

بسیار از کتابت و تفسیر و مکتوب در این کتب آمده است

المعقل الأنهاريك فحسنتي من الله بقدر

بجای چاه گاه غمگین و بیابانی کند تو بوی گلها را نسوزان از شدت آتش

فَلَا تُحَدِّثْ يَا رَبِّ مَرَّةً وَلَا نَفْسًا وَلَا تَحْدِثْ
 بس مرتبه است حمدی پروردگار را نه توانی که غالب شود و نه علم کنی
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَا تَعْلَمُ مِنْ
 رحمت بر محمد و آل محمد و کرد این مرا در غنای خود را
 الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَعْيُنٍ مِنَ الْغَائِبِ كَرِيحًا
 شکر گذاران و مرعوبانای خود از یاد کنندگان و بختیاریان
 كَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَرَ حَقَّقَتْ وَمِنْ عُدْمٍ امْلَأَتْ
 بیا از ظن آن بس که در دست کردی و از نیستی پریشان کردی
 جَبْرَتَ وَمِنْ مَسْكَنَةٍ فَادِحَةٍ حَوَّلَتْ وَمِنْ
 تدارک کردی و اندر دینی که بسار کرد و بختی و داد
 صَرَعَةٍ مُهْلِكَةٍ أَنْعَشَتْ وَمِنْ شَقَّةٍ زَجَحَتْ
 افتادنی ملک کردی که بر داشتی و از شقی که دور کردی
 لَا تُشْكِلْ يَا سَيِّدِي عَمَّا فَعِلْتُ وَهَمْ يُتَكَلَّمُونَ
 سوال کرده و بشنوی ای آقای من از آنچه میکنی و بپایان برسد و نه
 وَلَا يَنْقُصُكَ مَا أَنْفَقْتَ وَلَقَدْ سَأَلْتُكَ فَأَنْعَمْتَ
 و کم بکند خزانة ترا آنچه صرف میکنی و بیتی که از تو سوال کنند به عطا کردی

وَلَقَدْ شُكِلَ فَأَبْنَدَتْ وَأَسْتَبَحَّ بِأَبِ فَضْلِكَ
 و سوال کردند پس تیرگی کردی و طلب کردند از دل و نفس تو
 فَمَا أَكْذَبَتْ آيَاتُكَ إِلَّا أَنْعَامًا وَمَسْنَانًا
 این اندک را غنی نمادی و دادی استی که گفت دادن و اکران نمودن و
 إِلَّا أَنْظُولًا يَا رَبِّ وَحَسَانًا وَآيَاتُكَ إِلَّا أَنْهَكَ
 که انقضای کردی ای پروردگار را چنانچه و نحو استی حرکت نمودن
 جُؤْمَانِكَ وَاجْزَأْ عَلَيَّ مَعَاصِيكَ وَغَدَّ بِالْجَدِّ
 مرعوبانای تو و جرات بر معصیاتی تو و در گذشتن از امانت
 وَغَفَلَ عَنِّي وَعَبْدُكَ وَطَاعَةٌ لِعَدُوِّي
 و غافل بودی از و عدای تو و از انبوهاری دشمن من
 عَدُوِّكَ لَمْ تَمْنَعْكَ يَا إِلَهِي وَنَاصِيَةُ الْخَلْقِ
 دشمن تو که مانع نشد از ایستادن من و یار من ترک کردن من
 بِالشُّكْرِ عَنِ انِّمَاءِ إِحْسَانِكَ وَلَا حِجْرَةٍ فِي ذَلِكَ
 بشکر از تمام کردن احسان تو و مانع نشد مرا این نیست
 عَنِ ارْتِكَابِ مَسَاسِخِكَ اللَّهُمَّ وَهَذَا مَقَامُ
 از منوچهر شدن خشمای تو خداوند و این جایگاه

عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ اعْتَرَفَ لَكَ بِالْتَّوْحِيدِ وَكَفَّرَ

بِسُوءِ عَمَلِهِ نَاوَدَانِ كَرِهَاتِ كَرِهَاتٍ بِلَاغِي وَافَرَكُوهُ

عَلَيْ نَفْسِهِ بِالْفَقْرِ فِي آدَاءِ حَقِّكَ وَشَهَادَتِكَ

بِرُشْدِ عَزْوِ فَقِيرٍ دَرَادُ كُودِنِ عِنْدَ نَوَاشَاتِ دَارِزَا

يُسَبِّحُ نَعْمَتَكَ عَلَيْهِ وَجَمِيلَ عَادَتِكَ عِنْدَكَ

بِلَاغِ لُودِنِ نَعْمَتِ نَوَاشَاتِ دَرَادُ كُودِنِ عَادَتِ نَوَاشَاتِ

وَاحْسَانِكَ إِلَيْهِ فَهَبْ يَا إِلَهِي وَسَبِّحْهُ مِنْ ضَمْنِكَ

وَحْسَانِ نَوَاشَاتِ دَرَادُ كُودِنِ عَادَتِ نَوَاشَاتِ

مَا أُرِيدُ إِلَى رَحْمَتِكَ وَأَتَّخِذُ سُلْكَاً أَعْرِجُ فِيهِ

أَوَّلُ عَمَلٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَوَاشَاتِ دَرَادُ كُودِنِ عَادَتِ نَوَاشَاتِ

إِلَى مَرْضَاتِكَ وَأَمِنْ يَوْمٍ مِنْ سَخَطِكَ بِعِزَّتِكَ جُودِكَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَوَاشَاتِ دَرَادُ كُودِنِ عَادَتِ نَوَاشَاتِ

وَيَحْيِي نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا أَلَمَّا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

وَبِحَسْبِ عَمَلِهِ نَوَاشَاتِ دَرَادُ كُودِنِ عَادَتِ نَوَاشَاتِ

اجْعَلْ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مَقْشَدٍ لَا يُغْلَبُ وَدَعَا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَوَاشَاتِ دَرَادُ كُودِنِ عَادَتِ نَوَاشَاتِ

أَنَا ذُو الْعِجَلِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ جَعَلَنِي

عَلَى كَيْفِ عَمَلِهِ نَوَاشَاتِ دَرَادُ كُودِنِ عَادَتِ نَوَاشَاتِ

لَا تُغْلِبُكَ مِنْ أَلْفِ كَرِيمٍ وَلَا لَأَلْفٍ مِنَ أَلْفِ كَرِيمٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَوَاشَاتِ دَرَادُ كُودِنِ عَادَتِ نَوَاشَاتِ

إِلَهِي وَكَرَّمْ مِنْ عَبْدٍ مُسْبِي وَأَصْبَحَ خَائِفاً مَرْغُوباً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَوَاشَاتِ دَرَادُ كُودِنِ عَادَتِ نَوَاشَاتِ

مُسْتَهْماً مُسْتَفِئاً وَجَلَّ هَارِياً طَرِيداً مُنْجَرِفاً فِي ضَرْفِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَوَاشَاتِ دَرَادُ كُودِنِ عَادَتِ نَوَاشَاتِ

أَوْ مَجْبَاهٍ مِنَ الْخَافِ قَدْ ضَافَتْ عَلَيْهِ الْأَرْضُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَوَاشَاتِ دَرَادُ كُودِنِ عَادَتِ نَوَاشَاتِ

بِرُجْبِهَا لَا يَجِدُ حِيلَكَ وَلَا مَنَاجِيَا وَلَا مَأْوًى وَتَلَا فِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَوَاشَاتِ دَرَادُ كُودِنِ عَادَتِ نَوَاشَاتِ

عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ وَفِي آمْنٍ وَطَمَئِينَةٍ مِنْ مِثْلِهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَوَاشَاتِ دَرَادُ كُودِنِ عَادَتِ نَوَاشَاتِ

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مَقْشَدٍ لَا يُغْلَبُ ذِي الْعِجَلِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَوَاشَاتِ دَرَادُ كُودِنِ عَادَتِ نَوَاشَاتِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي نَعْمَكَ مِنَ

رحمت و نعت بر محمد و آل محمد در گردان مردم غنمای خود از

الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَمِّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ بِرَحْمَتِكَ

شکر گردان مردم غنمای خود نماید گشت مکان خداوند با

مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ مَعَا وَلَا مُكْبَلًا بِأَحَدٍ

از بنده که شام کند و صبح کند علی در گردان دست پایا بمن

بِأَيْدِي الْعِبَادَةِ لَا بَرَّ جُؤْنُهُ بَعِيدًا مِنْ أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ

برستهای دشمنانی که دشمن کند و دود از آتش و از زمان خود

مَنْقُطًا عَنِ اخْوَانِهِ وَبَلَدُهُ يَتَوَفَّعُ كُلَّ سَاعَةٍ

جست از برادران خود و شهر خود منقطع است در هر ساعت

بِآيَةٍ قَتَلَهُ يُقَاتِلُ وَبِآيَةٍ مُسْكِرُهُ يُمِشَلُ وَأَنَا فِي قَتْلِهِ

که بکشد گشتنی او بکشد و بیکساستی او بکشد و من در قتل

مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَلَا يَحْدِي أَرْبَابَهُ مُبْقِدٌ لَا يُغْلِبُ

از اینها هر پس بر دست جباری برود کار از توانایی که غلبه نمی

وَذِي نَأْفٍ لَا يَجْعَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و خداوند غنی که بچسب نعتی رحمت و نعت بر محمد و آل محمد

وَاجْعَلْ لِي نَعْمَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَمِّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ

در گردان مرا غنمتهای خود از شکر گردان مردم غنمای خود از

الْجُؤْنِ وَكَمُنْ عَبْدًا مَسِيًّا وَأَصْبَحَ يَفَاسِي الْجُؤْنِ

انجمنی من و بسا از بنده که شام کند و صبح کند در غمت غمت

وَمُبَاشَرًا الْفُتَالِ قَدْ غَشِيَتْهُ الْأَعْدَاءُ مِنْ كُلِّ

و در یک شدن کارزار که از هر طرف باشند اعدا و دشمنان از هر

جَانِبٍ وَالْشُّيُوفُ وَالرُّمَاحُ وَاللَّهُ الْجَرَبُ

جانبی و شمشیر و نیزه و آلهای جنگ

يَقْتَضِعُ فِي الْحَدِّ بَدْرٌ قَدْ بَلَغَ مَبْلَغَ جُؤْنِهِ لَا يَفُوتُ

از رفتن باشد در حدی بگذرد طواف خود و نه اند

جِيلَةٍ وَلَا يَجِدُ مَهْرًا قَدْ دَنَفَ بِالْجَرِّ الْجَانِبِ

بهاره و نیاید که زکامی که نزد یک مردان شد و در سبب جارات

مُتَشَحِّجًا يَدِيهِ بِحِجَّتِ السَّيْلِ وَالْأَرْضِ جُلُثِمَةٍ

دست و پا در طعن خود نه در زیر رسم اسبان و پا های مردم از گرد

شَرِبَهُ مِنْ مَاءٍ أَوْ نَظَرَ إِلَى مَلِكِهِ وَوَلَدِهِ لَا يَقْدُرُ

بکشد آب از آب یا نظر کردن بپادشاه و فرزندان خود نه است

عَلَيْهَا وَأَنَا فِي غَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كَلِمَةً فَلَا أَحْمَدُ يَا

بر آن و من در غافیت از اینها حمد پس از است حمدای

رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلِبُ ذِي كُنْهٍ لَا يَجْعَلُ

بر او کلمه از توانائی که مقتدر است و خداوندی که تمیز نمی

صِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَاجِبَةٌ لَا تُغْنِيكَ مِنَ

حمت است بر محمد و آن حمد و بر او در نعمتای خود از

الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَمَلٍ مِنَ الذَّاكِرِينَ الْحَيِّ

شکر گذاران و در عطا نای خود از یاد کنندگان و از یاد

وَكَمِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَصَبَّحَ فِي ظِلْمَانِ الْبَحْرِ وَطَوَّافِ

دست از بندگی که شام کند و صبح کند در تاریکهای دریا و پراکندههای

الرِّيَاحِ وَالْأَمْوَالِ وَالْأَمْوَالِ بِتَوَضُّعِ الْغُرُوقِ

بادها و دریاها و در موجها و در غرق شدن غرق

الْهَلَاكِ لَا يَقْدِرُ عَلَى حِيلَةٍ أَوْ مُبْتَلًى عَصِيًّا

و هلاکت را قادر نیست بر چاره ربا نیست بلکه در طغیان

أَوْ قَدِيمٍ أَوْ غَرَفٍ وَحَرَفٍ وَشَرْقٍ وَخَسْفٍ وَنَحْوِ

یا باستانی یا غرق شدن یا سرخشی یا غرق شدن یا در شرق یا در خسوف و در

وَقَدِ

و قد

أَوْ قَدِ وَأَنَا فِي غَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كَلِمَةً فَلَا

یا خداوندی و من در غافیت از اینها حمد پس از است حمدای

أَحْمَدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلِبُ ذِي كُنْهٍ

حمدای دور کار از توانائی که مقتدر است و خداوندی که تمیز نمی

لَا يَجْعَلُ صِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَاجِبَةٌ لَا تُغْنِيكَ مِنَ

حمت است بر محمد و آن حمد و بر او در نعمتای خود از

لَا تُغْنِيكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَمَلٍ مِنَ الذَّاكِرِينَ الْحَيِّ

شکر گذاران و در عطا نای خود از یاد کنندگان و از یاد

الْهَيِّ وَكَمِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَصَبَّحَ مُسَافِرًا شَاخِصًا

خداوندی که شام کند و صبح کند در سفر دور

عَنْ أَمَلِهِ وَوَطَنِهِ وَوَلَدٍ مُتَجَرِّفٍ فِي الْمَقَاوِرِ

از امل او و وطن او و از نوزاد او و در میانها

نَاهُتًا مَعَ الْوَحُوشِ وَالْبَهَائِمِ وَالْهَوَامِّ وَحِيدًا

را که کرده با وحشیان و حیوانات و جانوران تنها

فَرِيدًا لَا يَعْرِفُ حِيلَةَ وَلَا يَهْدِي سَبِيلًا

و بیس نداند و چاره و نیامد را

یاد آید از یاد باشد سبب مر یا اگر یا اگر سبب یا سبب یا سبب یا

بیزاو از عجبها که من از آنها غایبم و من در غایت

از این همه است که ای پسر و کاروان خواندنی که

نسب نویسی و خداوند علی که تجلی کفایت در دست بر محمد و آل محمد

و بگردان مرا مرافقتهای خود از شک کندان و مرعطای خود از

و گفتند که آن خداوند او را از بندگی کشاید و مباح کند

زبان و بیان و عریان و ناپهلو و کار بسته و درخت زبان

سنة و شش ماهه از قضاوت بمرکز استان میاید برای بنیاد ملی

عبد

بعد از روشن شدن که قریب به بیست و هشت نفر از من نزد تو می آیند و باید که بشمار

مرتدا در فعل و مظلوم باشد محبتش که بارگردد و بارگردد از مرتب مشقتها

۱. سخی فیاض الداری و مفت بندی کو اپنے

مال یا مستلا باشد بطلانی تحقیق که طاقت ندارد و مراد را

مرحمان تو برادر منم خدمت کرده اند در نعمت و کرامت

در غایت شرم از آنکه او در دست پس منزهت محمدی برسد کار از تو گونا

که مخلوق بسوی خداوند متعالی که جمل منی رحمت و منت بر من

وال مبرهان مرا مرکت خود از دست نگذاران

وَلَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ مِنَ الذَّاكِرِينَ الْإِلَٰهَ وَسَيِّدِي كَمَنْ

و در مقامی خود از یاد کنست بدان ای بخندای من و سید من بنام

عَبْدُ امْسِي وَأَصْبَحَ طَرِيدًا شَرِيحًا إِنَّا مُجَبِّرًا

بنده که شام کند و صبح کند طریقه را و شریک را و او را که بران راه کم کرده

جَاحًا جَاحًا سِرًّا فِي الصَّخْرَةِ وَالْبَرْدِ قَدْ

گرسنه ترسان در محراب و بامانها که

أَحْرَقَ الْخَرْقَ وَالْبَرْدَ وَهُوَ فِي خَيْرٍ مِنَ الْعَيْشِ وَصَنَدِ

پوشیده است از کرا و سردی و او در مشقتی باشد از عیش و تنگی

مِنَ الْجَوْفِ وَذَلِ مِنَ الْفَقَامِ يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً

از اندکانی و خواری از جایگاه که نگاه کند به نفس خود از اندک و حسرت

لَا يَقْدِرُ وَلَهَا عَلَى خَيْرٍ وَلَا نَفْعٍ وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ

که توانایی ندارد و مراودا بر زبان و نه بودی و من خالیم از اینها

كُلُّهُ يُجُودُ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

همه بجو تو و کرم تو پس نیست خدائی که ستم

سُبْحَانَكَ مِنْ مُقَدَّرَةٍ يُغْلَبُ ذِمَّتُكَ أَلَا

و بالا که تو از توانائی که مغلوب نشوی و خداوندی که قبل کنی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِأَنْعَامِكَ مِنَ

درست فرست بر محمد و آل محمد و گردان مرا در نعمتای خود از

الْشَّاكِرِينَ وَلَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَأَنَا

شکرگزاران و در نعمتای خود از یاد کنست بدان ای بخندای من و سید من

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ الْإِلَٰهَ وَمَوْلَايَ سَيِّدِي

بر رحمت تو ای رحیمتر از رحمان ای بخندای من و تانای من و سید من

وَكَمُّ مِنْ عَبْدٍ امْسِي وَأَصْبَحَ عَبْدًا لَمْ يَصِبْ

و بس از بنده که شام کند و صبح کند کوفت و دهمار

سَقِيمًا مُدْتَفِعًا عَلَى فَرْشِ الْعِلَّةِ وَفِي الْمَاسِهَا

از دناکت مشرف بر ملاکت بر بستر بیماری و در دجانه درد

يَقْلِبُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَا لَا يَعْرِفُ شَيْئًا مِنْ كَيْدِ

خوابیده کردد بجا بین ما و بین آنچه چیزی از لذت

الطَّعَامِ وَلَا مِنْ لَذَّةِ الشَّرْبِ يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ

مردنی و از لذت است ببدن نظر افکند به نفس خود

حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ حَاضِرًا وَلَا نَفْعًا وَأَنَا خَلَوْتُ

حسرت توانایی ندارد مراودا از بانی و نه بودی و من خالیم از

ذَلِكَ كُلَّهُ يَجُودُ بِكَ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

این همه بوجود تو و کرم تو بسنت خدای کر تو

سُبْحَانَكَ مَوْجِدُكَ لَا يُغْلِبُ ذِي نَائِذٍ لَا يَعْجَلُ

منزهی تو از توانایی که مغلوب نبوی و خداوندی که عجل نمی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لَكَ مِنَ الْعَالَمِينَ

صحت و رحمت بر محمد و آل محمد و گردان مرا برای تو از پرستگاران

وَلَا تَعْلَمُكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنَ الدَّاكِرِينَ

و مرا نمی دانی جز از شاکران و مرا عطا نای خود از یاد کننده گان

وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَوْلَا بِي

و بخشش مرا بر رحمت تو ای خیر از رحمان آقایی من و

سَيِّدِي وَكَم مِّنْ عِبَادٍ مِّثْلِي وَاصْبِرْ قَدْ دَنَا

سید من و کم از بند که مثلم کند و صبر کن که نزدیکی

مِنْ حَقِّهِ وَقَدْ أَحْدَقَ بِهِ مَلِكُ الْمَوْتِ فِي الْحَوَا

برگش و احاطه کرده باشد با ملک موت در یاد پیش

يُعَالِجُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَجِيَاضَهُ نَدْوَرُ

درگاه مخیت برای مرگ و خونهای او میگرد

عَيْنَاهُ بَيْنَمَا وَشِمَا لَا يَنْظُرُ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَآدَمَ

و همایش از آنست و بین نگاه کند بوی ابراهیم و آدام

وَإِخْلَانَهُمْ قَدْ مَنَعَ مِنَ الْكَلَامِ وَجِبَّ عَلَى الْحَقِّ

و خجالتش و حال آنکه او را منع کرده باشند از کلام و باز داشته باشند حق

يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَيْرَةً فَلَا يَتَطَّعُ لَهَا خُرُوقًا

نگاه کند بوی نفس خود از روی حیرت پس شواهد مرا از بیانی و

نَفْعًا وَانَا خَلَوُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ يَجُودُ بِكَ وَكَرَمِكَ

بودی و من خالیسم از این همه بود تو و کرم تو

فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مَوْجِدُكَ لَا يُغْلِبُ

پس نیست خدای کر تو منزهی تو از توانایی که مغلوب نبوی

وَذِي نَائِذٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و صاحب علی که عجل نکند صحت و رحمت بر محمد و آل محمد

اجْعَلْ لَكَ مِنَ الْعَالَمِينَ وَلِنَعْمَا لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ

گردان مرا برای تو از پرستگاران و مرا نعمت نای تو از شاکر گاران

وَلَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنَ الدَّاكِرِينَ مَوْلَا بِي وَسَيِّدِي

و مرا عطا نای تو از یاد کننده گان ای آقایی من و سید من

وَكَمِنْ عَبْدٍ مَسِيٍّ وَأَصْبَحَ فدا سَمِعَ عَلَيْهِ لَفْظًا

دعا از بنده که شام کند مسیح که بر سرش باشد بر او صفت

وَاجْتَدَى بِهِ الْبَلَاءَ وَفَارَقَ وَدَّائَهُ وَكِبَائَهُ وَ

و اعطای کرده باشد بدو بلا و دور شده باشد از او کسان و او

اخْلَانَهُ وَأَمْسَى جَهْرًا سَبْرًا ذَلِيلًا فِي أَيْدِي

دشمنان او و شام کند جهر اسیر هزار دستان او

الْكُفَّارِ وَالْأَعْدَاءِ يَتَذَلُّ لَوْ نَهَ بَيْتًا وَ

کافران و دشمنان و دست بردارد از خانه و

سَمَّا لَا قَدْ حُلِيَ فِي الْمَظَامِيرِ وَثَقُلَ بِالْحَدِيدِ لَا

چوب که بسته باشند او در سبکها و سنگینش گردانند باطن

بِرَيْسَتِهَا مِنْ خِيَاءِ الدُّنْيَا وَلَا مِنْ رَوْحِهَا

نه بپستی از غرور دنیای دنیا و نه از راحتهای او

يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ طَافِرًا وَلَا

نگراند به سوی نفس خود حسرتی که توانایی ندارد مراودا دانی و نه

نَفْعًا وَانَا خُلُوٌّ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ يُجُودُ وَكَفَرِكَ

نمودی و من خالیسم از این همه از یگانه تو و کفر تو

فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مَفْضَدٍ لَا يُغْلَبُ

بسنت خدای مگرد با کافر از توانایی که غایب نشود

وَذِي كُنْهٍ لَا يَجِدُ صِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ الرَّحْمَدِ

و خداوند علمی که نیس نمی رحمت و رحمت بر محمد و آل محمد

وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَالَمِينَ وَلِنَعْمَائِكَ مِنَ الْعَالَمِينَ

و گردان مرا برای تو از همه عالم و در نعمتهای دینت گردان

وَلَا لِأَمْرِكَ مِنَ الدُّنْيَا كِبَرٌ وَأَوْجَعُ حَرْبِكَ

و در عظمتی خود از یاد نیست دکان و در کم مرا بر حمت تو

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَكَمِنْ

ای رحیمتر از رحیمان ای آقای من و سید من و یکی از من

عَبْدٍ مَسِيٍّ وَأَصْبَحَ فدا سَمِعَ فدا سَمِعَ فدا سَمِعَ فدا

بنده که شام کند مسیح که بر سرش باشد بر او صفت

فِيهَا إِلَى أَنْ خَاطَرَ نَفْسِهِ وَمَا لَهُ حِرْصًا مِنْهُ

در آن تا آنکه بخدرد به نفس خود و مال از روی حرصی از او

عَلَيْهَا وَقَدْ رَكِبَ الْفُلُوكَ وَكَثُرَتْ بِهِ فَهْوَةٌ

بر آن که بدارد با شکر و کثرت و کثرتش با او بس و او

اَنَا وَالْجَارُ وَظَلَمْتُ نَفْسِي حَتَّى لَا يَفِدُ
 در هلاکت دریا و ناله گشای او نظر کند به نفس خود حضرت که قادر باشد
 لَهَا عَلَى ضَرِّ وَلَا نَفْعَ وَأَنَا خَلَوُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ يُجُودُ
 مراد از برزائی و نه گوی و من غایبم از این همه بگوید
 وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ
 و کرم تو پس نیست خدائی که تو منزلی تو
 مُفْتَدِرٍ لَا يُغْلِبُ ذِمِّي نَاهٍ لَا يَجْعَلُ صَلَاحُ
 قادری که مستوجب غنیمی و صاحب علی که غنیمت بگشاید
 مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَاجْعَلْ لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ
 محمد و آل محمد و بگردان را برای خود شکر گزینان
 وَلَا لَآئِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَاجْعَلْ رَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ
 و مهربانای خود از یاد کنندگان و رحم کن بر من و مهربانان
 الرَّاحِمِينَ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَكَمِّنْ عَبْدًا مَسِيئًا
 رحمان آقای من و سید من و با از بنده که شام کنی
 وَأَصْبَحَ فَدَاسَ نَمْرُ عَلَيْهِمُ الْفَضَاءُ وَاجْعَلْ يَدِي الْبَلَاءَ
 و صبح کند که ستر شده باشد بر او صفت او عاقل کرده بود بگفتی

والكفار

وَالْكَافِرُ وَالْأَعْدَاءُ وَكَذَبَتْهُ الرِّمَاحُ السُّبُورُ
 و کافران و دشمنان که شمشیرها را از اینها بزنند و بکشند
 وَالسِّهَامُ وَجُدِلَ صَرْبًا وَقَدْ شَرِبَ الْأَرْحَمُ
 و نیزه و از یاد داری در زمین آمد و محبتی که بیاید زمین
 مِنْ دَمِهِ وَكَلَنَّا السِّبَاعَ وَالطَّيْرُ مِنْ جَمْعِهِ
 از خون او و بخورند از تنه گان و مرغان از گوشت او
 وَأَنَا خَلَوُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ يُجُودُ وَكَرَمِكَ
 و من غایبم از اینها همه بگوید و کرم تو
 يَا لَا اسْتَخْفَا مِنِّْي يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
 ای مستخفی بودن من ای نیست خدائی که تو منزلی تو
 مِنْ مُفْتَدِرٍ لَا يُغْلِبُ ذِمِّي نَاهٍ لَا يَجْعَلُ صَلَاحُ
 از توانائی که مستوجب غنیمی و صاحب علی که غنیمت بگشاید
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَاجْعَلْ لِي نِعْمًا لَكَ مِنَ
 بر محمد و آل محمد و بگردان مرا مهربانای خود از
 الشَّاكِرِينَ وَلَا لَآئِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَاجْعَلْ
 شکر گزینان و مهربانای خود از یاد کنندگان و رحم کن بر من

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَعَزَّكَ يَا كَرِيمٌ
 برحمت آری رحیم از رحیمان گویند بخیر و رحمت آری کریم
 لَا تَطْلُبُ نِيْمًا لَدَيْكَ وَلَا تَحِمْ عَلَيْكَ وَلَا تُجَانِ
 ایست طلب میکنی از آنچه نزدست و الحاح میکنی بر تو و نهاده بر سر
 عَلَيْكَ وَلَا مَدَنَ يَدَيَّ بِحُكْمِكَ مَعَ جُرْمِي الْبَاطِلِ
 بر تو و دراز میکنی دست خود را بجهان تو با کمالی که در دلم تو
 فِيمَنْ أَعُوذُ يَا رَبِّ وَعَيْنُ الْوُدِّ لَا أَجِدُ لِي إِلَّا
 ایس که نهاده بر من ای پروردگار و بگو نهاده بر من که هست احدی مرا که
 أَنْتَ أَفْرَدٌ فِي وَاثِنَتْ مَعِيَ وَعَلَيْكَ مُشْكَلٌ
 تو ایستاده و بجز خودی و تو ایستاده منی و برست ز کلمه من
 أَسْتَلِكُ بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى السَّيِّئَاتِ
 در میخواهم ترا بنام تو که گذاشته است بر آفتابها
 فَاسْتَقَلْتُ وَعَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرْتُ وَعَلَى
 بر سر است سوار شدم و بر زمین بر سر است سوار شدم و بر
 الْجِبَالِ فَرَسْتُ وَعَلَى الْكَيْلِ فَاخْلَمْتُ وَعَلَى الْأَنْهَارِ
 که نهاده بر من تابش شد و در کیل من را یک شده و در رودز

فَاسْتَغَاوَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 ایس که استغاثه شد که رحمت بر منی بر محمد و آل محمد
 أَنْ تَقْضِيَ لِي جَمِيعَ حَوَائِجِي وَتَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي
 ایس که بر آوری همه حاجتهای مرا و همه گنجهای مرا
 كُلِّهَا صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا وَتَوْسِعَ عَلَيَّ
 همه که بزرگ او و بزرگ او را و فراخ گردانی بر من
 مِنَ الرِّزْقِ وَمَا تُبَلِّغُنِي بِهِ شَرَفَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 از روزی آنچه که برسانی من شرف دنیا و آخرت
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَوْلَايَ بَلَا سَتُغْنِيَنَّ فَضْلُ
 ای رحیم از رحیمان آقای من ایست غنی میکنی من
 عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ وَكَغْنِيَّ وَبِكَ أَسْتَجِزُ
 بر محمد و آل محمد و غنیام بر من و تو را استجیزم
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجِرْنِي وَكَغْنِيَّ
 بر رحمت رحمت بر محمد و آل محمد و نهاده مرا و غنی گردانی
 بِطَاعَتِكَ وَتَسْأَلُنِيكَ عَرَبٌ ثَمَلَةٌ خَلَقَكَ
 از عربان عربی تو از سوال کردن تو از سوال کردن چندان تو

وَأَنْفُلْنِي مِنْ ذُلِّ الْفَقْرِ إِلَى عِزِّ الْغِنَى وَمِنْ ذُلِّ

و بگو ای مرا از فقری به عزتی بگو ای من از ذلتی

الْمَعَاجِزِ إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ فَقَدْ فَضَّلْتَنِي عَلَى

کس ای من بگو ای من طاعت پس شرفی عجز را

كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ جُودًا وَكِرَامًا لَا بِاسْتِحْقَاقٍ

بسیاری از خلق تو بخشش و کرم بی آنکه من استحقاق

مِنْكَ إِلَهِي فَالْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

ای خدای من پس درود بر اینها حمد و ستودن محمد

وَالْحَمْدُ وَاجِبَانِي لِنِعْمَتِكَ مِنْ الشَّاكِرِينَ

و حمد و ستودن من برای نعمت تو از شاکران

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنَ الْذَّاكِرِينَ وَأَدْفِنِي بِحَبْلِكَ يَا أَرْحَمَ

هیچ الهی جز تو از یاد کننده ای و مرا برباط خود بجا کن ای مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

درود بر تو ای رسول خدا درود بر تو

يَا صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ اللَّهِ

ای برگزیده خدا درود بر تو ای امیر خدا

السَّلَامُ عَلَى مَرَاصِطِهَا اللَّهُ وَأَخْضَعُهُ وَخُضَّاعًا

درود بر کسی که بر مرصعات او خضوع و خضوع

مِنْ بَرِيَّةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللَّهِ مَا دَامَ

از برکت ذات خود درود بر تو ای دوست خدا ای خلیله خدا

اللَّيْلُ وَغَسَقَ لُضَاءُ النَّهَارِ وَاشْرَقَ السَّلَامُ

شب را و تاریک شد روز و روشن شد سلام

عَلَيْكَ مَا صُمْتُ صَامِتٌ وَنَطَوْتُ نَاطِقٌ وَذَرَّ

بر تو ای مومنی که ساکت باشد ساکتی و گویشور گویش

شَارِقٌ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى

شارقی و رحمت خدا و بركات او سلام بر

مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى بَرٍّ أَوْ طَائِفٍ مِنْهُمْ

ای آقای ما امیر المومنین بر یکی یا جمعی از ایشان

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

السَّوَابِ وَالْمَنَافِعِ وَالْخَيْرِ وَمُبِيدِ الْكَلْبِ

پشردان دماجنایب ویزکواری و ظایرکند و قناب

لَشَدِيدِ الْبَاسِ الْعَظِيمِ الْمُرْسِلِ الْمَكِينِ الْأَسَدِ

مخت معرکهای بزرگ استراند اسس

سَاقِي الْمُؤْمِنِينَ بِالْكَأْسِ مِنْ حَوْضِ الرَّسُولِ

ساقی کردهگان بکاس از حوض پیغمبر

الْمَكِينِ الْأَمِيرِ السَّلَامِ عَلَى صَاحِبِ الْمَنِيِّ وَ

صاحب آرام درود بر صاحب عقل و

الْفَضْلِ وَالْجَوَادِ وَالْمَكْرُمَاتِ وَالنَّوَائِلِ

فضل و شها ویزکواری و نعمت

السَّلَامِ عَلَى فَارِسِ الْمُؤْمِنِينَ وَلَيْتَ الْمُؤَحِّدِينَ

درود بر سواری کردهگان و شیر کاه پیروان و

مُنِيلِ الْمُشْرِكِينَ وَوَجْهَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

کننده مشرکان و وجهی مرستاده برود و کار جهانان

وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى مَنْ آيَدُ اللَّهِ

در رحمت خدا و بركات اوست درود بر کسی که تقویت کرده و افزا

بخیرین

بِخَيْرِ سَيْلٍ وَأَمَانَةٍ سَيِّدِ الْكَائِمِ وَالزَّفَرِ فِي الدَّارِ

بخیر سبیل و امانت و ایزد امان و زکریا و زکریا و زکریا

وَعَبَادِ كُلِّ مَا تَقَرَّبُ الْعَيْنُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

و سبیل کردهاد بر هر چه نزدیک است به او چشم و رحمت خدا بر او

وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَى أَوْلَادِهِ الْمُنْتَجِبِينَ

و بر آل او که پاکانند و بر اولاد او برگزیدگان و بر پیوستگان

الْأَعْمَدِ الزَّائِدِينَ الَّذِينَ مَرُّوا بِالْجُرُوفِ

پشتایان را زبانهافشانان انکار اگر کرده سبیل و سبیل و سبیل

عَنِ الْمُنْكَرِ وَفَوْضُوا عَلَيْنَا الصَّلَاةَ وَآمَنُوا بِأَنَا

از ناشایسته و واجب شد بر ما درود و امر کرده بمانند

الزَّكَاةَ وَاعْرِفُوا أَيَّامَ شَهْرِ رَمَضَانَ حُرًّا

زکات و شناختد روزه ماه رمضان و حلالان

الْفَرَّانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَبِعِصْمَةِ

فران درود بر تو ای پادشاه کردهگان و عصمت

الدِّينِ وَفَائِدَةِ الْغُرِّ الْجَلِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا بَكْرٍ

دین و پشردین و سواران درود بر تو ای بابا بکر

السلام عليك يا عبا لله لنا ظرة ویده البنا

درد بر تو ای چشم خدا نظر کنند و دست او را بگیرند

وَأَذنهُ الْوَلعیة وَحَكْمُهُ الْبَالغة وَنَعْمتهُ

و کسش او نگاه دارند و حکمت او رسد و نعمت او

الساغیة السلام على فیه الجنة والنار

تمام است درود بر نعمت کند بهشت و دوزخ

السلام على نعم الله على الأبرار ونفسه على

درد بر نعمت خدا بر پیر کاران و عذاب او بر

الْفجار السلام على سيد المنابر الأخیار

بر کاران درود بر بزرگ و وزیر کاران و پیر کاران

السلام على اخي رسول الله وابن عمته وزوج

درد بر او برادر رسول خدا و همسر او و شوهر

ابنته و المخلوق من طينته السلام على ابي

جستار و اقرب بهشت و اوطین او درود بر او

الفرع الكبر السلام على ائمة

در بر و شاخ بزرگ است درود بر پیغمبر

السلام على الحسن على السلام على شجرة طوبى

درد بر پدر حسن علی صود بر درخت طوبی

وسدنة المشي السلام على دم صفى الله

درد مشی درود بر آدم بر زخم جند

ونوح بن الله و ابراهيم خليل الله وموسى

و نوح و نوح خدا و ابراهیم دوست خدا و موسی

كليم الله وعيسى روح الله ومحمد جدي

کلمن خدا و عیسی روح خدا و محمد دوست خدا

ومن بينهم مراد النبیین والصدیقین و

و هر که میان ایشان است از پیغمبران و صدیقان

الشهداء والصالحین وحسبنا اولئك وقبلاً

کرامان و صالحان و بسکونى انک و بر قافى

السلام على نور الانوار وسكيب الاطهار

درد بر نور شانی و روشنایها و سبک پاکیزگان

وعناصير الاخير السلام على والى الائمة

و عناصر برگزیده درود بر والى ائمه

الْأَبْرَارَ وَالسَّلَامَ عَلَى جِبِلِّ اللَّهِ الْمُتَبَرِّزِ وَجَنَّةِ
 الْمَكِينِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى
 أَمِيرِ اللَّهِ فِي رَحْمَتِهِ وَخَلِيقَتِهِ وَالْحَاجِّ كُفَيْلِ
 وَأَقْبَمِ يَدَيْنِهِ وَالنَّاطِقِ بِحِكْمَتِهِ وَالْعَامِلِ
 بِكَلَامِهِ أَخِي الرَّسُولِ وَزَوْجِ الْبَيْتِ وَسَيِّدِ
 الْمَسْأُولِ السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الدَّلَالَةِ
 وَالْآيَاتِ الْبَاطِنَةِ وَالْمُعْجَزَاتِ الْفَاهِشَةِ
 الْمُنْجِي مِنَ الْهَلَاكِاتِ الَّذِي كَرَّمَ اللَّهُ فِي حُكْمِ
 الْإِبْرَارِ وَالسَّلَامَ عَلَى جِبِلِّ اللَّهِ الْمُتَبَرِّزِ وَجَنَّةِ

سبکداریان درود بر بستان خدا محکم و پهلوی او

این قدر است درمست خدا در کتای او درود

این چند در زمین او و جانشین او و حاکم بامر او

در میان بارگاه وین او و گویا بکلمت او و عمل کنش

بقا سوار برادر رسول در توفیق قطع الدم و شمشیر خدا

که آورده شد درود بر صاحب دلباس و

آیات روشن و معجزاتی باطن

خلاص کنش از بلاکات که ذکر کرده او را خداوند ستود

الْآيَاتِ فَضَالِ تَعَالَى وَنَهْ فِيهِ الْكِتَابُ لَدُنَّا
 لِعَلَّكُمْ السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ وَرَحْمَتِهِ
 الْمُخَيَّرِ وَجَنَّةِ الْعَالِي وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ
 السَّلَامُ عَلَى حُجَّجِ اللَّهِ وَرُصِيَّائِهِ وَخَاصَّةِ اللَّهِ
 وَاصْفِيَاءِهِ وَخَالِصَتِهِ وَأَمَنَاتِهِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ
 بِرُكْنِهِ قَصْدُكَ يَا مَوْلَايَ أَمِيرِ اللَّهِ وَحُجَّتِهِ
 زَائِرِ عَارِمِ مَحْفَلِكِ مَوْلَايَ أَوْلِيَاءِكَ مُعَادِيَا
 لِأَعْدَائِكَ مُنْقَرِبًا إِلَى اللَّهِ بِرُزْنِكَ فَاسْتَفْعِلْ

آیات پس گفته برزات و جبرستی که او در حق بستاند

بر زمین و برزات که او است درود بر نام خدا پس بند و پهلوی او

که دوست است و در بستاند درمست درمست خدا در کتای او

درود بر جبهاتی خدا و امیر بای او و مخصوصان خدا

در برگزیدگان او و مخلصان او و مهربانان او درمست خدا و

بر کتای نصیحه کردم ترا ایولای من ای این خدا و جنت او

زیارت کنش شش ماه یا من در دوست مردستان از دشمن

مردستان از نزدیک کسی که از او یاد است تو پس بستاند او را

عِنْدَ اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ فِي خَلَاصٍ رَقِيقِي مَرَاتِلًا
 نزد خدا پروردگار من پروردگار تو را در خلاصی رقیق من از آتش
 وَقَضَاءِ جَوْجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِرَحْمَةٍ رَافِقِينَ
 و بر آوردن حاجت مرا در دنیا و آخرت برحمتی رافق
 سَلَامٌ لِلَّهِ وَسَلَامٌ لِلْمَلَائِكَةِ الْكُفَرَةِ وَكَافِرَاتِهَا
 سلام خدا و سلام بر ملائکه کفر و کافرات
 لَكَ بَقَاؤُنَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالنَّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ
 در ایام بقای ما ای امیر المؤمنین و الناطقین بفضلت
 وَالشَّاهِدِ بِرَجْلِكَ أَنْكَ حَادِقٍ أَمِيرٍ صِدِّيقٍ
 و گواهی آن بر آنکه حادق امیر صدیق
 عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ
 بر تو رحمت خدا و برکتها و گواهی میدهم که
 طَهْرٌ طَاهِرٌ مَطَهْرٌ مَطَهْرٌ طَاهِرٌ طَاهِرٌ أَشْهَدُ
 پاک پاک از پاک از پاک پاک پاک از پاک پاک
 لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَوَلِيَّ رَسُولِهِ بِالْبَلَاغِ وَالْإِدَارَةِ
 در ایام ولایت خدا و ولایت رسول او ببلای و اداره

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ جَنَّبَ اللَّهُ وَبَابُهُ وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ
 و گواهی میدهم که تو را پناه داد خدا و دروازه او و آنکه تو را دوست خدا
 وَوَجْهَهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ وَأَنَّكَ سَبِيلُ اللَّهِ
 و در راه او چهره ای که از او میشود راه و آنکه تو را راه خدا
 وَأَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 و آنکه تو را بنده خدا و برادر رسول او رحمت بر تو باد
 وَإِلَى أُنْتِكَ مُنْقَرِبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ زَائِرًا
 و آنگاه که نزد تو منتهی میگردم به سوی خدا عز و جل زائر
 رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ ابْتِغَاءَ شِفَاعَتِكَ
 مشتاق به سوی تو در شفاعت بابتغای شفاعت
 خَلَاصٍ رَقِيقٍ مِنَ النَّارِ مُنْعَوِذًا بِكَ مَرَاتِلًا
 خلاصی رقیق از آتش پناه دهنده به تو از آتش
 هَارِبًا مِنْ ذُنُوبٍ لَمْ أَخْطِئْهَا عَلَى ظَهْرِي وَفِيهَا
 فرارنده از گناهانی که با من کرده ام از روی نادانم
 إِلَيْكَ وَجَاءَ رَحْمَةً بِكَ أَنْتَ سَتَشْفَعُ بَكَ
 به تو رسید و رحمتی بر تو است تو خواهی شفاعت کنی

يَا مُؤَلَّاهُ وَانْقَرَبْ بِلَا إِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ يَا ذَاكَ الْقَبْضَةِ

ای آفریننده و نزدیک باش که هیچ کس جز تو را پرستد و تو را بزرگوار دارد

بِلَا حَوَائِجٍ فَاسْتَجِبْ لِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ

بیست حاجت مرا پس بپاسخ بفرما ای پادشاه و سرور مومنان

فَإِنِّي عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلَاكَ وَزَائِرُكَ وَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ

پس من بنده خدا و خادم تو و زائر توام و در برابر تو هستم

الْمَقَامُ الْحَسْبُودُ وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ وَالشَّانُ الْكَبِيرُ

مقام پسندیده و مرتبه بزرگ و شأن بزرگ

وَالسَّقَاةُ الْمَقْبُولَةُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و نفعی پذیرفته شده خداوند رحمت فرست بر محمد

وَحَمْدٌ وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ الْمُرَّ

محمد و رحمت فرست بر پادشاه و سرور مومنان بنده تو پسندیده

وَأَمِيرِكَ الْأَوْفَى وَغُرَّتِكَ الْإِلَهِيَا

و امیر تو و غارت تو و غر تو را پرستند

وَحَبْلِكَ الْأَعْلَى وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنَى وَحُجَّتِكَ عَلَى

و حبلت تو و کلمه تو که بگفت و حجت تو بر

الْوَدَى وَصِدِّكَ الْكَبِيرِ وَبَدَلِ الْأَوْصِيَا

طغان و درستی بزرگ و بزرگ او

وَرَكْرِ الْأَوْلِيَاءِ وَغَمَارِ الْأَصْفِيَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

و دجای محکم اولیا و غمار پاکیزگان پادشاه و سرور مومنان

وَيَعُوبِ الدِّينِ وَقُدْرَةِ الصَّالِحِينَ وَكَلَامِ

و ستم دین و پندره نیکوکاران و امام

الْمُخْلِصِينَ وَالْمَعْصُومِ مِنْ الْجَمَلِ الْمُهَذَّبِ مِنْ

طغان و پاک شده از شیبها و پاکیزه شده از

الزَّلِيلِ الْمُطَهَّرِ مِنَ الْعَجَبِ الْمُنَزَّهِ مِنَ الرَّبِّاحِ

لغزشها پاک شده از عجیب منزّه از رشک برادر

نَبِيِّكَ وَوَحْيِ سَوْلِكَ الْبَاسِ عَلَى فَرَاشِهِ

پندرت و وحی رسول تو سبب نازده و در پراش او

وَالْمُؤَاسِيَةِ لِنَفْسِهِ وَكَاشْفِ الْكَرْبِ عَنْ جَمْعِهِ

و حرارت کشنده بر او نفسش و زایل کردن گرفتاری از جماعت او

الَّذِي جَعَلَنَّهُ سَيِّفَ الْبَيِّنَةِ وَالْيَدِ الْوَسِيلَةِ

که کرد او را پند و یار و نشان از برای کسالت

وَسَامِعًا عَلَى أَمْنِهِ وَدَلَالَةً عَلَى حُجَّتِهِ وَحَامِلًا

وگزارد بر امن او و دلالت بر حجت او و دوزدارند

لِإِبْنِهِ وَوَفَايَةً لِّحُجَّتِهِ وَهَادِيًا بِالْأَمْنِ وَبِدَلَالَةٍ

بر امن او و وفا دهنده بر حجت او و راهبر بر امن او و دوزدارند

بِأَسَاسِهِ وَتَاجًا لِّأَسَاسِهِ وَبَابًا لِّسِرِّهِ وَمَقْنَنًا جَا

از برای محراب او و تاج از برای سر او و دروازه بر نهانی او و لباس

لِظَفَرِهِ وَحَنِي فَرْجٍ جَوْشَ الشَّرِكِ بِإِذْنِكَ وَآبَادَ

از برای شمشیر او تا منزه ساخت شرک را ای شریک بر زبان تو و بزرگوار کرد

عَسَاكَ الْكُفْرَ بِإِمْرِكَ وَبِذَلِكَ نَفْسُ فِي مَرْضَا

سپاه کفر را با امر تو و بجهت جان خود را از شر تو

رَسُولِكَ وَجَعَلَهَا وَفَا عَلَى طَائِفَةٍ فَضَّلَ اللَّهُ

رسل تو و کردارها را و است داد بر طاعت او پس صد و نود و نیت خدا را

عَلَيْهِ صَلَوَاتُ دَائِمَةٍ بَاقِيَةٍ **بِسْمِ** السَّلَامِ عَلَيْكَ

بر او صد و نود و نیت بر او باد **بگو** درود بر تو

يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَالسَّهَابَ لِنَافِقٍ وَالنُّورَ لِبَاقٍ يَا

ای نبی خدا و ابرو را برای منافق و نور را برای حق

سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ اللَّهِ إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَكَ اللَّهُ

سلام باد بر تو ای سر خدا که میان من و میان خدا

يَعْنِي أَنِّي نَبِيٌّ قَدْ أَتَيْتُكَ ظَهْرِي وَلَا يَأْنِي عَلَيْهَا

معنی آنست که من نبی هستم که سینه من را در پیش تو ایستاده و نیازی نیست بر من

لِأَرْضِيكَ فَيَحْيِي مَنْ أَمْنَكَ عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَا

بر خشنودی تو پس ایمنی را بر سر او و در عین خود را

أَمْرَ خَلْفِهِ كُلِّهِ إِلَى اللَّهِ شَفِيعًا وَمَوْلَانَا مُجِبًّا

امر خلق او را با شهادت او بجهت شفاعت و دوزخش بجهت

وَعَلَى الْقَدَرِ ظَهْرًا فَإِنَّ عَبْدَ اللَّهِ وَوَلِيَّكَ وَ

و بر قدر کار و بر قدر پشت او پس منم بنده خدا و دوست تو و

زَائِرُكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ **بِسْمِ** السَّلَامِ عَلَيْكَ

زیارت کننده تو رحمت خدا بر تو باد **بگو** درود بر تو

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا مَا

ای پادشاهان و دوزخان بر تو باد از من سلام خدا همیشه و دوزخ

بَقِيَّتُ وَبَقِيَّتُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

باقی بزم و باقی است شب و روز

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

ارواح براتو امی با عجب القه درو و براتو

يَا أَيُّهَا رَسُولُ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي مِثْرَانِ

ای پسر رسول خدا در روز براتو ای پسر پادشاه کوفه کاه

وَأَمْرُ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي

پیر بزرگ اومسیا در روزا بر تو ای لیر

طَاعَةُ الرَّفِيعِ سَيِّدِنَا الْعَالَمِينَ سَلَامًا

عالمی بزرگ

مَلِكِ يَاقُوتَ اللَّهِ وَابْنِ ثَارٍ وَأُولَئِكَ الْمُؤْمِنُونَ وَالسَّلَامُ

ای رضی خدا ویر خون او و ای خرمخوار درود

الْمَلِكِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَبَسَ بِغِيَاثِكَ

چنانچه می گویند که

لَكُمْ مِنْ جَمِيعًا سَلَامٌ اللَّهُ أَعْلَمُ الْغُيُوبِ

شما از من بعد از روزی که با او ملاقات کردید

وَبِغِ اللَّيْلِ وَانْتَهَارًا عَبْدَ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتْ

و باقی باشد شب و روز ای ابا عبد الله چشمتو کرم عظیمه کردید

الْزِيَّةُ وَجَلَسَ الْمَصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ

اندره و بزرگ است مضیت تو

اَهْلَ الْاِسْلَامِ وَجَلَّتْ وَعَظَتْ مُهَيَّبُكَ

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

فَالسَّمَوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَمْثِلِ السَّمَوَاتِ فَكَبَّرَ اللَّهُ

در استخوانها بر همه استخوانهاست لغت کند مثل

أَمَّا أَنْتُمْ فَاذْكُرُوا أَنْفُسَكُمْ

که در میان آنها شناخته شد

اَمَّا الْبَيْتُ وَلَعَلَّكُمْ تَفْقَهُونَ

۱۰۰ است و او است که در خطا گویند و میگویند که او را از میان ما بردارند

وَأَزَلُّكُمْ عَنْ مَنَاسِكَ الْفِي رَسُولِ اللَّهِ فِيهَا

و در ذکر و تذکیر از مرتبه شایسته اند که در تذکیر و تذکیر و تذکیر

وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّ قَتْلِكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُدَيْنَ لِمِمْ

[illegible]

بیت و شش از کلام زار شا پزار شستم بوی خدا و بوی شما از ایشان

و از پیران ایشان و تاجران ایشان و دوستان ایشان را

عبد الله بن محمد بن سنان

بکتاب شما تمام روز قیامت و لعنت کند خدا را

إِلَّا مَرْوَانَ وَلِعَنَ اللَّهُ بَنِي مَيْمَةَ وَطَيْبَةَ وَلِعَنَ

[illegible]

مر مر جا روا و لغت کنده عمر پیر بعد از و لغت کنده

مُرَّوِعًا لِلَّهِ أَتَى سُرْحًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

سرا و لغت نهاده که در هر یک از این گروه و به نام گروه و به نام

تعبت لعل ياتي وحي من الله

صفت من بعد پس نهال میگزیند که گزایدت جامی ترا

دکرا میباید مرا بتو ایستاده روز یکدیگر غلب کردن خون ترا با پیشانی

بارگردد شد و از اهل بیت محمد رحمت خدا بر او و آل او

خداوند را بگردان مرا زود تو خوشنودی بر اعدای من

السلام في الدنيا والاخر يا ابا عبد الله ايني

ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ॥ १ ॥

نزدیکی محمدیم بنویضا و بنوی رسول او و بنوی پادشاه کردستان

والى فاطمة والى الحسن والى الحسين والى الانبياء

درباری کاتبان و نویسندگان

[illegible]

بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَسْرَاسٍ أَنْظِمُوا الْجَوْرَ عَلَيْكُمْ
وَأَمْرًا إِلَى اللَّهِ وَالنَّاسِ رَسُولُهُ مِنْ أَسْرَاسٍ
وَبَنِي عَلَيْهِ بَيَانَهُ وَجَرَى فِي ظِلِّهِ وَجَوْنُكُمْ
وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ وَرَثَةُ إِلَى اللَّهِ وَالْيَكْمُ مِنْهُمْ
وَأَنْفَرْتُ إِلَى اللَّهِ وَالنَّاسِ رَسُولُهُ مِنْ أَسْرَاسٍ
وَمَوْلَاهُ وَلِيكُمْ وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ
وَالنَّاصِبِينَ لَكُمْ الْخَرْبَ وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَسْلِحَتِهِمْ
وَأَنْبَاءَهُمْ أَنْ سَلَّمَ لَكُمْ وَحَرْبُ لَكُمْ جَارَكُمْ
وَأَمْرًا إِلَى اللَّهِ وَالنَّاسِ رَسُولُهُ مِنْ أَسْرَاسٍ

به پزیری از آنکه بنا گذارید بنای نظم را بر شما
و پزیری بنویسد و بنویس رسول او
و بنای خود را در واکند و در پستم او و در او بر شما
و بر پسران شما و پزیری پیچید بنویسد و بنویسد شما از ایشان
و از وی پیچید بنویسد و بنویسد رسول او پس بنویسد تا به دست شما
و مولا او و لیکن شما و با البراءه و من اعدائکم و
دو پستی دولت شما و پزیری از دشمنان شما
الناصبین لکم الخرب و بالبراءه من اسلحتهم
آنکه بر پا کردند برای شما جنگ را و پزیری از دشمنان ایشان
و انباءهم انی سلم لکم و حرب لکم جارکم
و پسران ایشان که من ایام با آنکه پستی شما را در جنگ بر شما

وَوَلَّى لَكُمْ وَالْأَكْمُ وَعَدُّ لَكُمْ فَاسْتَلِ اللَّهَ
الَّذِي كَرَّمْتُمْ بِكُمْ وَمَعْرِفَةُ أَوْلِيَاءِكُمْ
وَرَزَقْنِي الْبَرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ يُبَدِّلَكُمْ عِنْدَكُمْ فَلَمْ
صَدَفِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَسْلَخَنِي
الْمَقَامَ الْحَمْدُ لِلَّهِ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَأَنْ يَجْعَلَ
طَلَبُ مَا رُكِبَ مَعَ مَا مَهْدِي ظَاهِرًا طَوِيقُ
مِنْكُمْ وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحُجَّتِكُمْ وَبِالْإِشَارَةِ لَكُمْ
وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحُجَّتِكُمْ وَبِالْإِشَارَةِ لَكُمْ

در و پستم مرا که با شما در است و دشمن مرا که با شما در است پس بگو ای خدا
که گرامی داشت مرا به پستی شما که نشان من درستان شما
و روزی که مرا پزیری از دشمنان شما که بر داند بر شما
در دنیا و آخرت و آنکه ثابت دارد از دست شما تا به تمام
راستی در دنیا و آخرت و سوال میکنم از او که برساند مرا
المقام المحمود الذي لكم عند الله و ان يجعل
بقام پستوه که بر شما را نزد خدا و آنکه بر داند بر شما
طلب کردن من شما با امام و پستی باشد به پستی من که
از شما و سوال میکنم از شما و پستی بزرگی که شما را به پستی

شما را

عِنْدُكَ أَنْ تُطِيفَ بِصَاحِبِي كَمَا أَفْضَلَ مَا يُطِيفُ مَضَاهَا

زاد که عطا کند در ایستادن من بپای بهتر آنچه عطا کرد و در ایستادن

بِمَصِيبَتِهِ مَصِيبَةً مَا أَغْظَاهَا وَأَعْظَمَ زَيْنَهَا فِي

بصیبتی که چه بسیار بزرگت و عظیمت بسیار آن در

الْإِسْلَامُ وَفِي جَمِيعِ أَمَلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

ایسلام در همه اهل آسمانها و زمین

اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ تَنَاهٍ لَكَ مِنْكَ

خدایا در جایگاه من در اینجا که ایستادم از آنجا که بپرسم از تو ایشان

صَلَوَاتُ وَرَحْمَةً وَمَغْفِرَةً اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي

درود و رحمت و آمرزش خدایا بگردان ده مرا

حَيًّا مُحَمَّدًا وَالْمُحَمَّدِيَّةَ كَمَا تَحْتَمِلُ مُحَمَّدًا

زنده محمد و محمدی را همانگونه که محمد را

مُحَمَّدًا لِلْقَوْمِ فِي هَذَا يَوْمَ تَبَرَّكَ إِلَهُ بَنِي أُمَيَّةَ وَ

محمد را در این روزی که تبارک است خداوند بنی امیه و

أَكْلَ ذَا الْأَكْبَادِ الْعَيْنُ بْنُ الْعَيْنِ عَلِيٌّ

خوردنده بزرگان پسر لعل بن لعل علی

و شایان

وَلَسَانُ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كُلِّ

در زبان پیغمبر تو درود خدا بر او و آل او در هر

مَوْطِنٍ وَمَوْفِقٍ وَفَقَّ فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَوَاتُكَ

در هر محل ایستادن که ایستاد و در آن پیغمبر تو درود تو

عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ الْعَرَّابُ سَفِيَانُ وَمَعُونَةُ بَن

بر او و آل او خدایا لعنت کن بر سفیان و معویه پسر

أَبِي سَفِيَانٍ وَنَهْدُ بْنُ مَعُونَةَ عَلَيْهِمُ مِنْكَ اللَّعْنَةُ

بر سفیان و نهید بن معویه بر ایشان لعنت

أَبَدًا لَا يَبِيدُ مِنْ هَذَا يَوْمَ فَرَحَتْ بِهِ أُلُ زِيَادُ

همیشه در این روزی که شاد شد با و آل زیاد و

أَلِ مَرْوَانَ يَنْبُلُهُمْ الْحَبْرُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ

آل مروان که لعنت بر آنها باد صلوات الله بر او

اللَّهُمَّ خُذْ عَفْوَ عَلَيْهِمُ الْكَعْبُ مِنْكَ وَالْجَنَابِ

خدایا بپذیر عفو بر آنها از تو و جناب را

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي

خدایا من نزدیک می شوم به تو در این روز و

صاعقه

مَوْفِقِي هَذَا وَأَيَّامِ جَوْنِي بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةَ

این مقام که استاده ام و ایام و زمانه ای خود بی نزاری از ایشان و لعنت کردن

عَلَيْهِمْ وَبِأَلْوَالِهِمْ لِنَبِيِّكَ وَالرَّبِّ عَلَيْكَ السَّلَامُ

بر ایشان و بدوستی پیغمبر تو و الهی بر تو و بر پدر تو و بر برادر تو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظُلْمِ خَوْجِ مَحْمُودٍ

بگوئید **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** خدایا لعنت کن اول ستم کننده که بدستی خود می

الرَّحْمَدِ وَآخِرَ نَائِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ اللَّهُمَّ اَلْعَرَبُ الْعَصَا

ال محمد او آخر نایب او که در این خداوند لعنت کن که در اول

الْفَجَاءِ مَدَنِي الْحَبْرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَشَايَعَتِ

خاک کردند با حسین بر او باد درود و پیروی کردند

وَبَايَعَتْ وَنَائِعَتْ عَلَى قَتْلِهِ اللَّهُمَّ اَلْعَهْمُ جَمْعًا

و بیعت کردند و نایب او خداوند لعنت کن بنیایان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ اَلْعَبْدُ اَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى

بگوئید درود باد بر تو ای ابا عبد الله و بر

الْأَرْوَاحِ الْفَجَلَتْ بَيْنَا نَكْ عَلَيْكَ مَنِي سَلَامُ

جانها که در آمدند از ماست تو بر تو باد از من درود

اللَّهُ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالتَّهَارُ وَلَا جَهْلَهُ

خدا بیش مارم که باقی باشد و باقی باشد شب و روز و کار و انداز

اللَّهُ اخِرَ لَعْنَتِي فِي زِيَارَتِكَ كَمَا السَّلَامُ عَلَى خَيْرِ

خدا آخر عهد از من مرز یارت من درود بر حسین

وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى

و بر علی پسر حسین و بر اولاد حسین و بر

أَحْبَابِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ **بِسْمِ اللَّهِ**

یاران حسین بر او باد درود بگوئید **بِسْمِ اللَّهِ**

خَصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظُلْمٍ بِالْعَيْنِ مِنْهُ وَأَبْدَأَ بِهِ أَوَّلًا

مخصوص کن دان تو اول ستم کننده لعنت از من و ابتدا کن باد اول

ثُمَّ الثَّانِي ثُمَّ الثَّالِثُ ثُمَّ الرَّابِعُ اللَّهُمَّ اَلْعَنْ نَبِيَّ

پس دوم را پس سیم را پس چهارم را خداوند لعنت کن بنیایان

ابْنِ مَعُوذَةَ خَامِنًا وَأَلْعَنْ عَجَبًا اللَّهُ بَنِيَادِ وَأَبْنِ مَوْجَا

پسر معویزه را خشم و لعنت کن عجبانه پسر زیاده و پسر موجا

وَعَمْرٍ سَعِيدٍ وَشَمْرَ قَالَ ابْنُ سَفْيَانَ وَزِيَادًا وَ

و عمر پسر سعد و شمر و قال ابن سفيان و زياد و

لَوْ نَزَعْتُكَ
لَمْ يَكُنْ

الْزَّيَادَةِ وَرَوَانِ وَالْمَرْوَانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

آن زیاد و مروان و آل مروان تا روز قیامت

بِسْمِ اللَّهِ لَكَ الْحَمْدُ لَكَ الْحَمْدُ لَكَ الْحَمْدُ

بسم الله لک الحمد لک الحمد لک الحمد

عَلَى مُصَابِهِمْ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رِزْقِي اللَّهُمَّ

بر مصیبت های ایشان حمد خداوند بزرگ من خداوند

أَرْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحَبِيبِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

ارزاق کن مرا شفاعت حسین برادار باد در روز قیامت

وَتَبَيَّنَ لِي قَدَمُ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحَبِيبِ وَأَوْلَا

و تبیین گردان مرا قدم راستی نزد تو با حسین و اولاد

الْحَبِيبِ وَأَصْحَاءِ الْكِبَرِ الَّذِينَ بَدَلُوا مَجْهَدَهُمْ

حسین و یاران کبیر که دادند جانهای خود را

دُونَ الْحَبِيبِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِكَذَا نَزَّيْتُكَ

نزد حسین برادار باد در روز بکذا نریزمت

اللَّهُمَّ فِي لَكَ صَلَاتُكَ وَلَكَ رَكْعَتُكَ وَلَكَ

خداوند در تو نماز تو رکعت تو و در تو رکعت تو و در تو

سَجَدْتُ وَحَدَّثْتُ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ

سجود کردم و گفتمت تو نیست شکر کن ترا زیرا که جایز نیست نماز

وَالزُّكُوعُ وَالتَّبَعُودُ إِلَيْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

و رکوع و سجود کن ترا زیرا که توئی خدا نیست خدا نیست

إِلَّا أَنْتَ اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

کن تو خداوند رحمت بر محمد و آل محمد

أَبْلَغُهُمْ غَضًا فَضَّلَ السَّلَامُ وَالنَّحِيمَ وَارْدًا عَلَى

برسان ایشان از من بهتر درود و بخت و برادران زمین

مِنْهُمْ السَّلَامُ اللَّهُمَّ وَهَذَا نَزَّيْتُكَ

از ایشان درود خداوند داین رکعتان و این زمین

إِلَى سَبْدِي وَمَوْلَايَ الْحَبِيبِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

به سوی آقای من و مولای من حسین بر علی برایشان باد

السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

درود خداوند رحمت بر محمد و آل او و رسول کن ترا

مِنْهُ وَاجْعَلْنِي عَلَيْهِمَا أَفْضَلَ أَمَلٍ وَرَجَائِي مِنْكَ

از من و جری کن مرا بر آن بهتر اگر زدی من و امید من در تو

وَفِي وَلِيكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ **بَعْدَ نَزْعِ رَأْسِهِ**

دور دست تو اید دست کردندگان اینند عازم بخوانند

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهَ يَا مُجِيبَ حَوْنِ الْمُضْطَرِّينَ

اینها اینها ایها ایها حاجت کننده دعای بیمارگان

وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا غِيَاثَ

دای برطرف کننده اندوه غمتگان دای زیاده رس

الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا صَرِيحَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَيَا مَنْ

پناه آورندگان دای صریح ساز ناله کنندگان دای آنکه

هُوَ أَزْهَى بَالِي مَنْ جَبَلَ لَوْ يَبْدُ وَيَا مَنْ يَجُولُ بَيْنَ

آزاده گزشت بین از آنکه کردن دای آنکه حایل میشود میان

الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَالْأَكْبَرِ

مرد اول او دای آنکه اوست بنظرگاه بلند و در بر شرف

الْمُبِينِ وَيَا مَنْ هُوَ الْوَحْدُ الْأَعْلَى عَلَى الْبَرِّ وَالْبَرِّ

روشن دای آنکه اوست بخشاینده هر آن بر عرش مستولی

وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ

دای آنکه میداند خیانت دیدار و آنچه پنهان میکند سینها

وَيَا مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ وَيَا مَنْ لَا تُشَبِّهُ عَلَيْهِ

دای آنکه پشیده نیست بر او پنهانی دای آنکه مشبیه نیگردد بر او

الْأَصَوْتُ وَيَا مَنْ لَا تُغْلَطُهُ الْحَاجَاتُ وَيَا مَنْ

صدای دای آنکه غلط نمیشود او را حاجتها را دای آنکه

لَا يُبْرَهُ الْحَاجُّ الْمُسْلِمُ يَا مُدْرِكُ كُلِّ فَوْتٍ وَيَا

دست نمیکند بر او حاجت مسلمان ای در یابنده هر که بگردد دای

جَامِعِ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا بَارِيَّ الْفُتُورِ بَعْدَ الْمَوْتِ

جامع کننده هر چه بگذرد دای آنکه فرستنده جانها بعد از مردن

يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ يَا فَاضِلَ الْحَاجَاتِ يَا

دای آنکه او هر روز در کاریست ای برآورنده حاجتها ای

مُنْفِصَ الْكَرْبَانِ يَا مُعْطِيَ السُّؤَالِ يَا

زایل کننده غمها ای عطا کننده سوالها ای آنکه

الرَّغَبَاتِ يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي

خدا بر همه ای کفایت کننده در امور ضروری و کفایت کننده

مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّمَوَاتِ سَأَلْتُكَ بِخُصْمَتِكَ

از او چیزی در آسمانها سوال میکنم ترا بحق محمد آخر

النَّبِيِّزِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِحَسْبِ فَاطِمَةَ بِذِي نَبْلِكَ
 بهمنان و علی پادشاه کردند کان و بجای فاطمه و شریعت
 وَبِحَسْبِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَإِنَّ نِيَامَ أَوْجَهَ إِلَيْكَ
 و بجای حسن و حسین پس بر سر من بیاور و کرم بوی تو
 فِي مَقَامِ هَذَا وَبِحَسْبِ أَوْسَلُ وَبِحَسْبِ أَسْفَعُ إِلَيْكَ
 در این مقام و بایشان تو را میجویم و بایشان ایضا میگویم و بایشان
 وَبِحَسْبِهُمْ اسْتَلْكَ وَأَفِيءُ وَاعْزُمْ عَلَيْكَ وَبِالْإِشْهَادِ
 و بجای ایشان سوال میکنم از تو و قسم میدهم و تاکید میکنم بر تو و بایشان
 الَّذِي لَمْ عِنْدَكَ وَبِالْقَدْرِ الَّذِي لَمْ عِنْدَكَ
 که هر چیزی را از تو تو و یا اندازه آید و هر چیزی را از تو تو
 وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ وَبِالْمَعْمُورِ الَّذِي
 و بآنچه فضیلت داده ایشان را بر جهانیان و بآنچه پر است از ایشان
 جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَّصْتَهُمْ دُونَ الْعَالَمِينَ
 که دهم به او از تو ایشان و بآن مخصوص کرده ایشان را بغير از عالمیان
 وَبِهِ أَبْنَتْهُمْ وَأَبْنَتْ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعَالَمِينَ
 و بآن متنازل گردانید ایشان را و فضیلت داده ایشان را از فضیلت عالمیان

حَتَّى فَاوَضْتَهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِينَ اسْتَلْكَ أَنْصَلِ
 تا آنکه فایز شد فضیلت ایشان فضیلت عالمیان سوال میکنم که حق تو
 عَلَيَّ حَمْدٌ وَالْمُحَدِّدُ أَنْ تَكْشِفَ عَنْ غَمِّي وَفَقِي
 بر من حمد و دل مجتهد و آنکه کشف کنی از من غم مرا و همدم مرا
 كَرِّمْ وَتَكْشِفْنِي أَلَمِي مِنْ مُوَرِّي وَتَقْضِي عَنِّي
 اندوه مرا و کفایت کنی مرا همدم مرا از امور من دور آور از من
 دُخَانِي وَتَجْبِرْنِي مِنَ الْفَقْرِ وَتَجْبِرْنِي مِنَ الْفَقْدَانِ
 دین مرا و بر من فقر را از فقر و بر من فقر را از فقر و
 تُضَيِّبْنِي عَنِ الْمَسْئَلَةِ إِلَى الْخَلْقِ وَفِي تَكْفِينِي هَمِّي
 ای نیاز گردانی مرا از طلب کردن بسوی خلق و در دفع کنی از من هم
 مِنْ خَافَ هَمِّي وَعَيْسَ مِنْ خَافَ عَمْرِي وَحَزُونِي
 آنکه میترسم از غم او و دگر دگر میترسم از غم او و دگر دگر میترسم از غم او
 مِنْ خَافَ حَزُونَتِهِ وَشَرُّهُ خَافَ شَرُّهُ وَمَكْرُ
 آنکه میترسم از غم او و دگر دگر میترسم از غم او و دگر دگر میترسم از غم او
 مِنْ خَافَ مَكْرِي وَفِي مِنْ خَافَ بَغْيِي وَفِي
 میترسم از غم او و دگر دگر میترسم از غم او و دگر دگر میترسم از غم او

مَنْ خَافَ بَحْرًا وَسُلْطَانًا مِنْ خَافٍ سُلْطَانًا

اگر بترسم از بستم او و استیلائی که ترسم از استیلائی

وَمَقْدَرًا مَنْ خَافَ بَلَاءًا مَقْدَرًا عَلَى وَكْرَدَ

و قدرت او اگر بترسم از بلای قدرت او بر من و در گیتی

عَنْ كَيْدِ الْكَيْدِ وَمَكْرٍ كَيْدٍ كَيْدِ الْكَيْدِ

از من فریب فریب همندگان و مکر مکر کنندگان خداوند

مَنْ ارَادَ فِي قَارِدِهِ وَمَرْبٍّ كَيْدٍ وَصَرَفَ

هر که اراده کند در پیرایه کنی او را هر که مکر کند مرا پس کنی او را و بگردان کنی

كَيْدٍ وَمَكْرَةٍ وَبَاسَةٍ وَلَمَانِيَةٍ وَمَنْعَةٍ

فریب او را و مکر او را و بدی او را و از نهانی او را و منع کنی او را از کنی

كَيْفَ شَيْءٍ وَأَنْتَ شَيْءٌ الْكَيْدِ شَغْلُهُ عَنِ بَقَرٍ

چگونه چیزی که خواهی و هر چه که خواهی خداوند مشغول گردان او را در الهی

لَا تَجِبُ بَيْنَ وَبَيْنَ لَا لَسْتُمْ وَبِقَافَةٍ لَا لَسْتُمْ

که بر طرف کنی از او و بپایانی که نباشی او را و بقافه که نیست کنی او را

وَكَيْفَ لَمَانِيَةٍ وَبَيْنَ لَا تَعَزُّوهُ وَمَسْكَنَةٍ لَا تَجِبُ

و به پیرایه که عاقبت نداری او را و بدین گیتی که چنانچه عاقبت نداری او را

اللَّهُمَّ اخْزِبْ بِالذَّلِّ ضَبَّ عَيْنِيهِ وَأَدْخِلْ

خداوند مرا بگردان بخوابی مرا در برابر دیدهایم و داخل گردان

عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِي مَنَازِلِهِ وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ فِي بَلَدِهِ

بر او شکستنی در خانه او و علت و بیماری در بدن او

حَتَّى تَشْغَلَهُ عَنْ شُغْلٍ شَاغِلٍ لَا فَوَاقِعَ لَهُ وَآلِهَةٍ

تا مشغول گردانی او را از مشغول که فایده نرساند و آلهه او را

ذِكْرِي كَمَا أَسْتَيْنُهُ ذِكْرَكَ وَخُذْ عَنِّي لِيَمِينَهُ

ذکر مرا چنانکه فراموشش گردی یاد خود را و بگردان مرا از من یاد خود را

وَبَصِيرَةٍ وَلِسَانَهُ وَبَدَنٍ وَرَجُلَةٍ وَقَلْبٍ وَجَمِيعِ جَوَائِزِهِ

و دیده او و زبان او و دست او و پای او و دل او و جمیع پاداشهای او

وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ السُّقْمَ وَلَا تَقْصِرْ

و داخل گردان بر او در همه این بیماری و ضعیفه او را

حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ شُغْلًا شَاغِلًا لِي عَنْ

تا آنکه بگردانی آنرا برای او تا مشغول گردد او را از من یاد خود را

ذِكْرِي وَكَفَيْتُ يَأْكُلُ كَافِي مَنْ لَا يَكْفِي سَوْكُ فَاتِكِ

یاد من و بساز ای کافیه ساز آنچه تواند ساخت چیزی جز یاد من

نفسه
بود

مَا خَافَ هَمٌّ بِإِيمَانِهِ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ ذَلِكَ وَصَرَ
 آنچه میترسم از آنکه او بر ایمانی که مشتق بوده بر جان من از آن در برادران مرا
 بَقَضَاءِ جَوَائِجٍ وَكَفَايَةِ مَا أَهَمَّنِي هَمٌّ مِنْ أَمْرِ
 بپاداش دادن حاجتهای من و کفایتی آنچه مرا آزار داده و آرد از امر
 آخِرٍ فِي دُنْيَايَ يَا أَيْمَنَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
 آخرت من در دنیای من ای راست‌ترین از ائمه ای بابا عبد الله
 عَلَيْكَ كَمَا مَنَى سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَ لَكَ
 بر شما باد از من سلام خدا همیشه تا ابد که باقی باشد از شما
 وَلَا جَعَلَ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي فِي بَارِقَةٍ كَمَا
 و نگذاشت خدا آخر عهد من در باریقه‌ای که
 لَا أَمْرَ وَاللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ اللَّهُمَّ حَيِّ حَيُّ
 جهان بخشد خدا میان من و میان شما خداوند زنده و ابد از خداوندان
 مُحَمَّدٌ وَذُرِّيَّتُهُ وَأَمَنِي مِمَّا هُمْ وَتَوْفِيقِي عَلَى
 محمد و فرزندان او و ایمنی مرا از آنکه در میان او و میان من
 مِلَّتِهِمْ وَأَخْبِرْنِي فِي زَمَرِهِمْ وَلَا تَفْرِقْنِي وَلِيَّتِهِمْ
 از ایشان و خبر کن مرا در گرده ایشان و جدایی نکن میان من و میان ایشان

من
بود

طَرَفَةٍ عَيْنٍ بَدَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَيْمَنَ الْمُؤْمِنِينَ
 چشم از آن همیشه در دنیا و آخرت ای راست‌ترین از ائمه ای
 يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَنْتَ كَمَا ذَاكَ وَمَوْسِلًا إِلَى اللَّهِ
 ای بابا عبد الله آمدن تو در دنیا و آخرت و وسیله‌ای به سوی خدا
 رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا وَمَوْجِبًا إِلَيْهِ بِكُمَا وَتَسْقِي
 پروردگار من و پروردگار شما و توجیه نماید بنویس و بشا و بشارت بدهد
 بِكُمَا إِلَى اللَّهِ فِي حَاجَتِي مِنْ فَاسْتَعِثَا لِي فَإِنْ لَمْ
 شما بنویس خدا در این حاجت این پس شفاعت کنید مرا که اگر نشد
 عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامَ الْحَمِيدَ وَاجْلَاهُ الْوَحِيدَ
 نزد خدا منزلت بلند و مرتبه و مرتبه معلوم
 وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيلَةَ أَنْ تَنْفَعَنِي عَنْكُمْ
 و مکان بلند و وسیله که من بر میگردم از شما
 مُنْظَرًا لِنَجْوَى الْحَاجَةِ وَقَضَائِهَا وَنَجَاحِهَا
 انتظار بر نجات از نیاز حاجت و قضا و نجات
 مِنْ اللَّهِ بِشَفَاعَتِكُمَا إِلَى اللَّهِ فِي ذَلِكَ فَلَا
 از خدا بشفاعت شما از خدا به خداوند در آن پس

اگر از آن فراموشی
آید که
بگوید
تو حاجت را
بگو

اخْبِئْ وَلَا يَكُنْ مُنْقَلِبًا خَائِبًا خَاسِرًا
 نامید بنفوس و نخواهد بود برشتن من برشتن نامیدی در کارهای
 بَلْ يَكُنْ مُنْقَلِبًا مُفْلِحًا مَنجَحًا مَسْجُودًا
 بلکه باشد برشتن من برشتن راجع و مستکار می باشد و درون باب
 يَقِضْ أَجْرَ جَمِيعِ خَوَاجِي وَتَشْفَعْ لِي إِلَى اللَّهِ أَنْفَلِكُ
 برآورده من همه حاجتهای من و شفاعت کنی برای من نزد خداوند
 عَلَى مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا جَوْلَ وَلَا فَوْقَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ مُقْضَا
 بر آنچه خواهد خدا و نیست یاری و نه فوقی که بجز اذنه پس برده
 أَمْرِي إِلَى اللَّهِ مُلْجَا ظَهَرِي إِلَى اللَّهِ وَمُتَوَكِّلًا
 امر خود را بنوی خدا و را و او را بهشت خود را بنوی خدا و توکل کننده
 عَلَى اللَّهِ وَأَقُولُ حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفِيَ قَسَمَ اللَّهِ
 بر خدا و میگویم بس است خدا و کافیست و شتاب کرد خدا
 لِمَنْ دَعَا لِي إِلَى وَرَاءَ اللَّهِ وَوَلَّاهُكُمْ يَا سَادَتِي
 و عا می دانسته و من را بغیر از خدا و بغیر شما ای قای من
 مَا شَاءَ وَتَرَكَا نَ وَمَا لِي يَا لَوْ كُنْ وَلَا جَوْلَ
 آنچه خواهد بود و کار من باشد و آنچه نخواهد باشد و نه جولی

وَلَا فَوْقَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَوِيْعُكُمْ اللَّهُ وَلَا جَعَلَهُ
 و نه فوقی که بجز خدا میسودم شما را خدا و ذکر و اندازد
 اللَّهُ أَخِي الْعَهْدِ مِنْ لِيكُمْ أَنْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي
 خدا اخراج عهد مرا بنوی شما برگردیدم ای آقای من
 يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَ وَأَنْتَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
 ای پادشاه که در میان دانی من و تویی ای پادشاه خدا
 يَا سَيِّدِي وَسَلَامٌ عَلَيْكَ كَمَا مُنْصِلٌ
 ای آقای من و سلام من بر شما منصل است
 مَا أَضَلَّ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَاصِلٌ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ
 تا منصل است شب و روز رسیده است این سلام شما
 غَيْرُ مُجَوَّبٍ عَنْكُمْ سَلَامٌ لِي بِإِشَاءِ اللَّهِ وَاسْأَلُهُ
 نه ممنوع شده از شما سلام من اگر خواسته خدا و سوال میکنم خدا
 بِحَقِّكُمْ كَمَا أَنْ كَيْشَاءَ ذَلِكَ وَفِعْلِكُمْ فَإِنَّهُ
 بحق شما اگر خواهد آنرا و بکنند پس از
 حَمِيدٌ مُجِيدٌ أَنْفَلِكُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمْ مَا شَاءَ
 ستوده و بزرگوار است برگردیدم ای آقای من از شما تو بکننده

حَامِدًا لِلَّهِ شَاكِرًا وَاجِبًا لِلْإِجَابَةِ غَيْرَ لِي وَلَا فَاطٍ

ستایش کننده و شاکر را شکر کننده امیدوار را بابت دعا مانا امیدوار محرم

أَسْأَلُكَ يَا رَاجِعًا إِلَيَّ زِيَارَتَكَ غَيْرَ غَيْبٍ عَنْكَ

برگردم و عود کنم بر جمع کننده و زیارت شما را که رجعت نایم از شما

وَلَا يَجْنُ زِيَارَتُكَ بَلْ رَاجِعٌ عَائِدًا فَسَاءَ اللَّهُ وَلَا

و نه از زیارت شما بلکه بر جمع کننده عود کنم اگر عود خدا و نیست

جَوْلَ وَلَا قَوْلَ لَا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا سَادَتِي

جول و نه قوتی که بخدا می گویند در مرتبه بزرگ الهی قای من

رَغِبْتُ إِلَيْكُمْ وَالْإِنِّي يَارَبُّكُمْ مَا بَعْدَ زِيَارَتِكُمْ

رجعت کردم به شما و بوی زیارت شما بعد از آنکه ترک کرده

فِيكُمْ مَا وَفِي زِيَارَتِكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا فَلَا

در شما و در زیارت شما اهل دنیا پس

خَيْبَتِي اللَّهُ ثُمَّ رَجُوتُ وَمَا أَمَلْتُ فِي زِيَارَتِكُمْ

نا امید گردانم خدا را از آنچه امید دارم و آنچه دارم در زیارت شما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْسَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَجِبَّةِ السَّلَامِ عَلَى

سلام بر پیغمبر خدا و دوست او سلام بر

خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيَّةِ السَّلَامِ عَلَى صَفْوَةِ اللَّهِ وَبَيْنِ

دوست خدا و برگزیده او و درود بر خشنیار کرده خدا و پسر

صَفْوَةِ السَّلَامِ عَلَى الْحَبِيبِ الْمَطْلُومِ الشَّهِيدِ

خشنیار کرده او درود بر حسین مظلوم شهید

الْسَّلَامُ عَلَى سِرِّ الْكَرْبَاءِ وَقَبِيلِ الْبِعْرَاءِ

درود بر اسیر عهدها و رشتہ کریمها

اللَّهُمَّ إِنِّي شَهِدْتُكَ وَلِيَّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَ

خداوند من بدوستی که او را میگویم که او دوست است و پسر دوست تو و

صَفِيَّتُكَ وَأَبْرُ صَفِيَّتِكَ الْفَائِزُ بِكَرَمِكَ الْكَرِيمِ

برگزیده تو و پسر برگزیده تو که برستگار گردیده بر کرمی و شهنش تو

بِالسَّهَادَةِ وَجَوْنَهُ بِالسَّعَادَةِ وَاجْتِبَاءَهُ بِطَبِيبِ

بشهادت شدن و عطا کرده او را سعادت و خشنیار کرده او را پناهی

الْوِلَادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنْ لَدُنْكَ وَفَائِدًا

ولادت و گردانیده او را بزرگی از بزرگان و در امانی

مِرْآةُ الْفَادَةِ وَذَانِهَا مِرْآةُ الدَّادَةِ وَاجْعَلْنَاهُ مَوَاقِفَ

از در اینها بیان و حمایت کنند و از حمایت کنندگان و بخشیده با و برسان

الْأَنْبِيَاءِ وَجَعَلْنَاهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِرْآةَ الْوَحْيِ

و بهر از آن و کرد اینها و در حاجت بر خلق خود از او صیقل

فَاخْذِرْ فِي الدُّعَاءِ وَمَنْعِ الْكُفْرِ وَبَذْلِ الْمُجْحَمَةِ

پس خدای خود را تمام کرد و دعوت مردم بهین حق و در باحت جان خود را بدین

لَيْسَ تَنْفِذَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهْلِ الذِّخْرُ وَجِبْرِ الْأَصْلَ

تا خلاصی بخشد بندگان را از نادانی و حیرانی که راهی

وَقَدْ نَوَّازَرَكُمْ مِنْ غَرَمَةِ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ

و چنانچه باری یکدیگر کردند بر او که غریب داده بود دنیا و خود مشر و مشر بود

بِالْأَوَّلِ الْأَدْنَى وَشَرَى خِرْمَهُ بِالْمَنْ أَلَوْ

از آن عزت بزرگ و خود خستند آن عزت را بقیست بسیار کم

وَنَعَطُ مِنْ تَرْجُمِي فِي هَوْبِهِ وَاسْتَحْلَكَ وَاسْتَحْطَ

و غضب آمدند و افتادند و کرد ال خوابها و بخشم آوردند

نَبِيِّكَ وَاطْلَعَ مِنْ عِبَادِكَ أَمَلَ الشِّغَاوِ وَالنِّفَا

و بهر ترا و اطاعت کردند از عباد تو اهل مخالفت و نفاق

وَحْمَلَةُ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِ النَّارِ فَجَاهِدَهُ

و حمله آن کشتن بارها و آنها که مستوجب اندشتن بارها و کرد و کرد

فِيكَ صَابِرًا بِحُجَّتِكَ بِحُجَّتِكَ فِي خِلْعَتِكَ

در تو صبر کنند و طلب بر کنند تا آنکه بر بخشیده در طاعت تو خون

وَأَسْبَغَ حَرَمَهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنُ لَعْنًا وَبِلَاوِ

و بسیار کرد و حرم او خداوند پس لعن کن بسیار لعن سخت و

عَنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي سَوْدٍ

خدا بکن ایشانرا عذاب دردناک درود بر تو ای پسر رسول

اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَبِّ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ

خدا درود بر تو ای پسر بزرگ اوصیای

أَشْهَدُ أَنَّكَ مَوْلَى اللَّهِ وَبَنِي أَمِينِهِ عِثْتَ سَعِيدًا

که ای سیدم که تو امین خدای و پسر امین او زندگانی کردی سعادت

وَمَضَيْتَ حَمِيدًا وَمَتَّضَيْتَ مَظْلُومًا شَهِيدًا

و رفتی دنیا ستوده و مردی شمر شده وستم رسیده شهید

وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِلُكَ مَا وَعَدَكَ وَمَهْلِكُ مَنْ عَذَّبَكَ

و گواهی که خدا میکند برای تو آنچه وعده داده و بکشد بیکر داند آنکه عذاب

وَمِنْ ذُنُوبِكُمْ قَتْلَكَ وَشَهَادَتَكَ وَفِيكَ يَحْيَاكَ اللَّهُ

وعدا که کند کسی که کشته را و گواهی میدهد که تو دفن کردی به پیمان خدا

وَجَاهِدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَيْتَكَ الْيَقِينَ

و جهاد کردی در راه خدا تا آنکه آمد ترا یقین

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ لَعْنًا

پس لعنت کند خدا کسی که کشته را و لعنت کند خدا کسی که ظلم کرد ترا و لعنت کند

اللَّهُ أَنَّهُ سَمِعْتُ بِذَلِكَ فَضَعَيْتُ بِهِ اللَّهُمَّ

خدا که و پیرا که شنیده باشم پس شنیده شد بآن خداوند که

أَشْهَدُكَ أَنْزِلْ لِي مِنَ الْوَالِدِ وَعِدْ لِي عِلْمَهُ

گواه میگیرم ترا که من دوستم آنرا که دست است و دشمنم آنرا که دشمن است

بِأَنِّي أَنْتُ وَأُمِّي بِنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُكَ

پیرا دارم منم منم تو امی پیرا رسول خدا گواه میگیرم که تو

كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّاحِدُ وَ

بودی نور در پشتبای من و شاهد

الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُخَيِّبْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَالِهَا

رحمتی پاکیزه و محسن کرد ترا جاهلیت بنجاستهای خود

وَلَمْ تُخَيِّبْكَ الْمُلُحَمَاتُ شِيَابَهَا وَأَشْهَدُكَ

و پیرا شیده ترا پیرا از جانشانی خود و گواه میگیرم که تو

مِنْ دَعَاكَ اللَّهُ بِكَ وَأَدَّكَ إِنْ الْمُسْلِمِينَ مَعْقِلُ

از ستونهای دین و گواهی منم مسلمانان و پناه

الْمُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ الْفَقِيرُ

مؤمنان و گواه میگیرم که تو فی پستی و پیشگی کار پسندیده

الَّذِي الْهَادِي الْمُهْدِي وَأَشْهَدُكَ الْأَمَّةَ

پاک را بنمای دایت باشد و گواه میگیرم که امامان

مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ الْفَقْوَى وَأَعْلَامُ الْهَدْيِ وَ

از سینه زندان تو کلام بر بزرگاری و نشانهای راه باشد و

الْبُرُوقُ الْوُثْقَى عَلَى هَيْلِ الدُّنْيَا وَ

حلقهای محکم اند و جفت بر اهل دنیا

أَشْهَدُ أَنَّي كَمُؤْمِنٍ وَيَا بَعْضَ كَمُؤْمِنٍ

گواه میگیرم که من شما کرده ام و در بعضی شما یقین دارم بشرایع

دِينِي وَخَوَائِمِ عِلْمِي وَقَلْبِي لِقَابِكُمْ سَلَامٌ وَأَمْرِي

دین و خواتم علم و دل من برای دل شما مفاد است و امر من

لَا تَرْكُ مُشِيعَ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مَعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ

مرا بر شما پروی و یاری من بر شما اعیان تا رخصت دهد خدا

لَكُمْ فَبِعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ

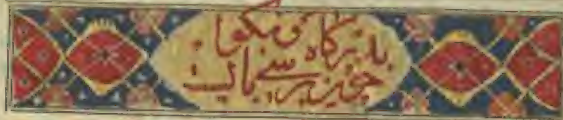
بر شما را پس شما نه با دشمن شما رحمتهای خدا

عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ

بر شما و بر جانهای شما و بدنهائی شما و حاضر شما

و غَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ أَمِيرُ يَارَ الْغَائِبِينَ

و غایب شما و ظاهر شما و باطن شما ابائی کن ای پروردگار جهان



أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

گواه میگویم که نیست خدائی که خدا بی یگانه نیست شریکی ندارد

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَبَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و گواه میگویم که محمد رحمت خدا بر او و آل او

عَبْدٌ وَرَسُولُهُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ جَمْعُ كَبِيرٍ كَيْ هَذَا

بنده او و رسول او زین العابدین جمع کبیر که کی همدان

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ كَمَا أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَصُحْبِهِ

سلام بر شما ای اهل خانه و پیغمبر و یارگاه

الرَّسَالَةِ وَتُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةُ وَمَهْبِطُ الْوَحْيِ

پیغامهای الهی و محل آمدن فرشتگان و جای فرود آمدن وحی

وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ وَخَزَانَ الْعِلْمِ وَمَنْهَجَ الْحِلْمِ

و قرارگاه رحمت خدا و خزانه داران علم و مساجد هدایت و پند

أَصُولَ الْكَرَمِ وَفَادَةَ الْأُمَمِ وَأَوْلِيَاءَ النِّعَمِ

ریشه کرامت خدا و همیشه و همیشه و دوستهای نعمت

وَعَنَّا صِرَافَ الْبَرِّ وَوَدَّاعًا لِمَا خَلَّاهُ وَسَامِعًا

و اصل جمع سیکو کاران و مستون عدو بر کنیزکان و نامی کنیزکان

الْعِبَادَةِ وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ

جمع بندگان و موجب بلی شهرهای دنیا و دوزخی ایمان

وَأَمَنَاءَ الرَّحْمَنِ وَسَلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَصِفْوَةٍ

و امینان خداوند مهربان و فرزندان پیغمبران و برگزیدهگان

الْمُرْسَلِينَ وَغَيْرَهُ خَيْرٌ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَحَمْدٌ

فرستادگان و خویشاوندان برگزیده پروردگار جهانیان و حمد

Handwritten marginalia in Persian script at the top of the left page.

Handwritten marginalia in Persian script on the right side of the right page.

اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى أُمَّةٍ الْهُدَى وَمَصْنُوعَاتِهَا
 هذا در کتبهای او در دو بر این است و چهار کتبه ای
 الدُّجَى وَاعْلَامُ الْبُغْيِ وَذَوَى الْهَمَى وَأُولَى الْحُجَى
 تا یکی در شانهای او در یک کار در میان عقل و در باب زیرکی و
 كَهْفُ الْوَرَى وَوَرْنَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمِثْلُ
 پناه به صلوات و در امان جمیع بهترین و مثل
 الْأَعْلَى وَالْجُسْفَى وَجَحْجَحُ اللَّهِ عَلَى مِلْ
 بلند و دعای سبک و عجبهای خدا بر اهل
 الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
 دنیا و آخرت و دنیا و رحمت خدا و بر کتبهای او
 السَّلَامُ عَلَى مَحَالِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَمَسَاكِينِ بَرَكَاتِهِ
 سلام بر محل شناخت خدا و جایگاه بر کتبههای خدا
 وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ وَحِفْظَةِ سِرِّ اللَّهِ وَجَمَلَةِ
 دست از کاه حکمتهای خدا و نگاهداری از خدا و در میان
 كِتَابِ اللَّهِ وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ وَذَوِيهِ
 کتاب خدا و وصیتهای پیغمبر خدا و ذریه او

رسول

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
 رسول خدا رحمت خدا بر او و آل او و رحمت خدا
 وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ
 در کتبهای او سلام بر خواننده کان خلق بنوی خدا
 وَالْأَدِلَاءِ عَلَى مَرْضَاتِ اللَّهِ الْمُسْتَوْفِينَ
 در میانان بر مشهوری خدا و بسیار طاعت کنندگان او
 أَمْرَ اللَّهِ وَالنَّامِيزِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ وَالْمَخَاصِرِ
 امر خدا و کاران در دوستی خدا و مخالفان او
 فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ وَالْمُظْهِرِينَ لِمَا لِلَّهِ وَلَهُ
 در یکدستی خدا و ظاهر کنندگان امر خدا و حق او
 وَعِبَادَةُ الْمَكْرَمِينَ الذِّبْرَانِ بِقُوَّةِ
 در بندگی او کرامی او شد که چنانچه سبک از او و
 بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِ يَمْلِكُونَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
 کبشاه و ایشان بر خدا علی بن ابی طالب و رحمت خدا و بر کتبههای او
 السَّلَامُ عَلَى الْأَعْمَةِ الدُّعَاةِ وَالْفَادَةِ الْهَدَى
 سلام بر پیشوایان خواننده کان و کشنده کانند بر حق

وَالشَّادَةُ الْوَلَاةُ وَالنَّادَةُ الْحَمْدُ وَاقِلُ الدُّعَى

ویرگزاران و پادشاهان دین و دفع عزت کنندگان و اهل ذکر

وَأُولَى الْأَمْرِ وَبَقِيَّةُ اللَّهِ وَخَيْرُهُ وَخَيْرُهُ وَحَبِيبُهُ

و صاحبان امر و بقیه اوستان خدا و برترینان او و کردار و نیکو و دوستداران

عَلَيْهِ وَحَبِيبُهُ وَصِرَاطُهُ وَفَوْقُ وَبُرْهَانُهُ وَحَقُّهُ

علم خدا و حجت خدا و راه راست خدا و نقد خدا و دلیل او و حجت

اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

خدا و برکت های او که او میگوید که نیست خدا فی کرمندای

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ شَهِيدٌ

یکان نیست شریکی بر او چنانکه گواهی داده خدا از برای خدا و گواهی داده

لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ

مرا و فرشتگان و صاحبان علم از خلق او

يَا أَيُّهَا الْإِلَهِ الْأَمْوَالُ الْغَيْرُ الْمَحْكُومَةُ وَأَشْهَدُ أَنْ

گواهی میدهم خداوند که او است غالب محکوم و گواهی میدهم که

مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ الْمُنْتَقَبُ بِرَسُولِهِ الْمُرْضَى

محمد بنده و او که چندی دارد که در رسول و پسندیده و

أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ

فرستاده است به هدایت و دین و دینت تا غالب گرداند بر دین و دین

كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ

است و هر چند تا دشمنان او را دوست بدارند و گواهی میدهم که هیچکس نیست

إِلَّا مُحَمَّدٌ وَنَبِيُّهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

استقیمانند بر حق و هدایت یافتگان خدا و شهادت کنندگان که او است

الْمُفَرِّقُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفُونَ

قرب یافتگان و پرهیزکاران و استغفار یاران و برگزیده گان

الطَّيِّبُونَ لِلَّهِ الْقَوَامُونَ بِأَمْرِ الْعَامِلُونَ

و نیکو داران بر خدا و دارنده گان با امر خدا عمل کنندگان

يَا رَادِّيهِ الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ أَصْطَفَاكَ لِعِلْمِهِ

یا راد خدا و برترینان بر کرامت او برگزیده است شمار برای علم او

وَأَرْضَاكَ الْغَيْبِ وَكُنَّا رُكْمَ لَيْسَ وَجْهًا كَامٍ

و چندی دارد که شمار برای غیب و چندی دارد که برای از خود و چندی دارد که

قُدْرَتِهِ وَكَعْرَ كَمَلِهِ هَذَا وَخَصَّكَ بِبُرْهَانِهِ

بر قدرت خود و عزت خود و شهادت خود و مخصوص کرد این شهادت را بجهت خود

و بر گز پشمارا جز خود وقت بخشید شمارا بر دوش سپند شمارا بجای

در زمین خود و بچنها بر آفریدگان و یاوران بڑی و پنهان

و نگاهدارنده کائنات را از خود ذخیره داران علم خود دانست و از این برای علم است

و ترجمه کنندگان بر می روی خود و پستونها بامی بجا نشیمنی او و کواهان

بر خلق خود و شاهان برای بندگان خود در پیش و پشتمانی خود

در این میان بر راه خود نگاه داشت شما خدا را فرستاد

المعبرون منهم ثمانية اذ فتنها وياك كروثا انزهر كني وبرد

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

۱۰۰

و نیز کی یاد کردید کار او را و عظیم نمودید بزرگوار می آید و دست نهاده که او را

و تا که کرده ایم از او و محکم کرده ایم و تا که کرده ایم و تا که کرده ایم

مراد از این سخن آنست که

کتابت در روز ۲۱ شعبان ۱۲۸۱

في ركنه وكتبه على هذا الحاصل في سنة

وَأَمَّا أَصْلُهَا فَيَسْمَعُ لَكُمْ وَأَمَّا أَصْلُهَا

وَهَيِّمُ عَنْ الْمَنَّانِ كَبْرُ وَجَاهِهِمْ فِي اللَّهِ حَقٌّ

جِهَادِهِ حَتَّىٰ أَعْلَنَ دَعْوَتَهُ وَبَيَّنَّ فُرَاقَهُ وَ

اقم حدوده ونشرتم شرائع احكامه

برپا داشته خدای او را و پهن کردید سبیل احکام او را

وسنتهم سننه وصرتم في ذلك منه ا

و ظاهر کردید راههای او را و کردیدید او را این ازاد بنوی

الرضا وسلم له القضاء وصدفتم من سله

خشنودی و گردان نهادید او را حکم و صدقتم از سله

من مفضا فالن اغب عنكم مارق والارمكم

بر که گدشته پس بر که بعثت که از شما بر رفته و لازم طرفه شما

لاحق والمفخر في حقكم زاهق والحق معكم

حق می شود و گویایی در حق شما باکست در حق شما

وفيقكم ومنكم واليكم وانتم اهلله ومعه

در شما و از شما و بپس می شما اهل او و محل قرار حق

وميراث النبوة عندكم ويا ب الخلفاء اليكم

و میراث پیغمبری نزد شما و ای بایگت خلق بپس می شما

وحسابهم عليكم كم وفصل الخطاب عندكم

و حساب ایشان بر شماست و جدا کنند حق و باطل نزد شما

وايات الله لديكم وبعثتم فيكم ونون وبنينا

و آیاتهای خدا نزد شماست و امر را در میان شما و نون و بنیاد

عندكم وامن اليكم من والا كنفدوا

نزد شما و امر را بپس می شما که دوست دارید شما را بپس می شما

الله ومراجا كنفد عبادي الله ومن احكم

خدا و برگردانید عباد خدا را و برگردانید عباد خدا را

فدا حب الله ومن ابغضكم فدا بغض الله

پس بپس می حق دوست دارد خدا و برگردانید شماست پس بپس می حق دوست دارد خدا

ومن اعظمكم فدا اعظم بالله انتم السيد

و برگردانید بزرگوار شماست بپس می حق بزرگوار شماست بپس می حق

الا اعظم والاضراط الا قوم وشهداء ذر

بزرگوار خدا و در راه راست خدا استاده او گویایان خدا

الفناء وسفقاء ذرا البقاء والرحمة الموحدة

سستی دنیا و شقیان خدا پایداری که در حق پست

والآية المحزونة والامانة المحفوظة والباب

و علامت زاری که خزان می نهاد و امانت خدا که حفظ شده و درگاه

الْمُبْتَكَ بِالنَّاسِ مِنْ أَنْفَاكُمْ فَفَدَّ نَجَى وَمَنْ لَمْ
 كِ اِنْتِخَان كرده آن مردمان هر که بزند شما آمد پس بچقی نجات یافتند هر که
 يَانَكُمْ فَفَدَّ هَلَكَ إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ وَعَلَيْهِ تَدْعُونَ
 نیامد شما پس بچقی هلاک شد بدو می خواندند و بر او دلالت میکنند
 وَبِهِ مُؤْمِنُونَ وَلَهُ يُسَلِّونَ وَبِأَمْرٍ تَعْمَلُونَ
 و بآن می گردید و بآن ایضا و می نمایند و بامر او عمل میکنند
 وَالسَّبِيلَ تَنْسِدُونَ وَيَقُولُ مَخْرُجًا
 و بسوی راه او می روند و میگویند و میگویند و میگویند
 سَعِدَ وَاللَّهُ مِنْ الْأَكْمَدِ وَهَلَكَ مِنْ عَادَا
 سعادتمند شد بچقی خدا هر که با شما دوستی کرد و هلاک شد هر که دشمنی کرد
 وَخَابَ مَنْ حَمَلَ كُمْ وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ وَفَارَزَ
 و غایب شد هر که شما را حمل کرد و گمراه شد هر که از شما جدا شد و سبقت گرفت
 تَمَشَّكْ بِكُمْ وَأَمِنْ مَنْ كَبَّالَ إِلَيْكُمْ وَسَلِمَ مَنْ حَمَلَ
 چسبید بدو شما و ایمن شد هر که پناه آورد به شما و سلامت ماند هر که قصد کرد
 وَهَدَى مَنْ أَعْصَمَ بِكُمْ مِنْ اتِّبَاعِكُمْ فَالْحِجَّةُ مَاؤُ
 و هدایت یافت هر که دست زد به شما هر که متابعت شما کرد پس بچقی بجا می آید

وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالْتَأَمُوا بِهِ وَمَنْ جَدَّكُمْ كَأَوْ
 و هر که مخالف شما کرد پس چسبید به او و هر که با او دشمنی کرد پس چسبید به او
 وَمَنْ جَارَكُمْ مُشْرِكٌ وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي سَفَلٍ
 و هر که با شما خلعت کرد و مشرک او بود و هر که با او در پستی
 دَرَكٍ مِنَ الْحُجَمِ أَشْهَدَ أَنْ هَذَا سَابِقُكُمْ فِيمَا مَضَى
 چنانست از حجت که این می بینید که این پیش از شماست در دعوت برای خدا و کلام
 وَجَارَكُمْ كُمْ فِيمَا بَقِيَ وَأَنْ زَوَّاجَكُمْ وَنُورَكُمْ
 و جاریست برای شما در آنچه باقیست تا که در جماعت شما نور شما و
 طَيْبَتُكُمْ وَاحِدٌ طَابَتْ وَطَهَّرْتُ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ
 طیبیت شما یکست و حال آنکه نیکوتر است و پاک است و بعضی از آن از بعضی
 خَلَفَكُمْ اللَّهُ أَنْوَادًا فَجَعَلَ كُمْ بَعْرَ شَيْءٍ حُدَّ
 پس خدا را شما را از انواع پس گردانید شما را بچسبیدن خود را طاهر گردانید
 حَتَّى مِنْ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَ كُمْ فِي بُيُوتٍ إِنْ
 تا آنکه دست نهاد بر شما پس گردانید شما را در خانه ها که مقرب کرد
 اللَّهُ أَنْ يَرْفَعَ وَيَذْكُرَ فِيهَا أَمَّهُ وَجَعَلَ صُلُوكُهَا
 خدا که بلند باشد و یاد کند و در آن نام او و گردانید در دو عالمی را

وَمَا خَصْنَاهُمْ مِنْ دُونِ الْبَنَاتِ حَتَّىٰ طَبَقْنَا لَهُنَّ الْوَهْنَ
 و آنچه مخصوص کرده ایم از دین و پستی آنها بیکو کار برای فرزندان و پستی
 لَا تَنْفُسِنَا وَنَرْكِبْ لَنَا وَكَفَانًا لِدُنُونِنَا
 برای جانهای ما و پاسبان کردن برای ما و برطرف کننده برای ما
 فَكَأْنَعِدُ مَسَلِبَ بَعْضِكُمْ وَمَعْرُوفِينَ
 پس بودیم باز و خدا کردن مسلمانان و معرفت شما و شناسا شدن
 بِنَصْدِ بَيْنَانَا إِيَّاكُمْ فَلَمَّا بَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَجْدٍ
 ببارداشتن شما پس سبب خدا را ببارداشتن بهترین محل
 أَلَمْ كَرَّمْتُمْ وَأَعْلَىٰ مَنَازِلِ الْفَرِيقَيْنِ وَارْضَ
 کرامی یافتن شما و بالاترین منزلت برای هر دو گروه و راضی
 دَوَّجَانِ الْمُسْلِمِينَ حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَأَخُو
 پاهای دو گروه مسلمانان در جایی که با آن میسر شد محقق شوند و آن
 يَقُومُ فَأَتَوْهُ لَا يَبْقَىٰ سَابِقُ وَلَا يَطْعَمُ فِي دَارِ
 زیاده نمیکنند و صفی چوینده و در آن پیشی نمیکند و پیشی گیرنده و طعم نمیکند و در آن
 طَامِعٌ حَتَّىٰ لَا يَنْفَعِي مَلِكٌ مُّقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُّرْسَلٌ
 هیچ کس نیست و تا آنکه باقی نماند فرستاده و پست و رسیده و پست

وَلَا صِدْقٌ وَلَا شَهَادَةٌ وَلَا جَاهٌ وَلَا جَاهِلٌ وَلَا
 و نه بسیار صفتی که نشاند و نه گواه و نه دانا و نه نادان و نه
 دَنِيٌّ وَلَا فَاحِشٌ وَلَا مُؤْمِرٌ جَلِيلٌ وَلَا مُجْرِمٌ طَائِفٌ
 پست مرتبه و صاحب ضعیف و نه مرتبه شایسته و نه کسی که نشاند و نه کارگر
 وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ وَلَا خَلْقٌ
 و نه پیکر کننده صاحب غلای و نه پیکر کننده و نه آفریده
 فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ أَلَمْ يَعْرِفْهُمْ جَلَالُهُ أَمْ كَرَّمُوا
 که در میان اینها حاضر باشد که اگر شایسته باشد ایشان را از برای مرتبه
 وَعَظِيمٌ خَيْرٌ لَهُمْ وَكَبَرٌ شَانُهُمْ وَتَمَامٌ نُورُهُمْ
 و عظیم بودن قدر شما و بزرگی کار شما و اتمام بودن شما و نور
 وَصِدْقٌ مَقَامُهُمْ وَثَبَاتٌ مَقَامُهُمْ وَشَرَفٌ
 و سبکی جایگاه شما و وثاقت بودن مقام شما و شرافت
 مَحَلُّكُمْ وَمَنْزِلَتُكُمْ عِنْدَ وَكَرَامَتُكُمْ عَلَيْهِ
 رتبه شما و منزلت شما نزد خود و کرامی بودن شما بر خود
 وَخَاصَّتُكُمْ لَدَيْهِ وَفَرَبٌ مَنِزَلَتُكُمْ مِنْهُ بَابِي أَنْتُمْ
 و مخصوص بودن شما نزد خود و نزدیکی منزلت شما از خود و پدر و مادر

وَأَمَّا أَهْلُ مَالٍ وَاسْرَفُوا سُوءَ إِسْهَادِهِمْ وَأَشْهَدُكُمْ
وَأَمَّا أَهْلُ مَالٍ وَاسْرَفُوا سُوءَ إِسْهَادِهِمْ وَأَشْهَدُكُمْ
أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَعَمَّا أَمْنَكُمْ بِهِ كَأَنِّي بَعْدُ
أَمْنُكُمْ بِكُمْ وَعَمَّا أَمْنَكُمْ بِهِ كَأَنِّي بَعْدُ
وَعَمَّا كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ لِّسَانَكُمْ وَبَصِيرٌ لِّأَعْيُنِ
وَعَمَّا كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ لِّسَانَكُمْ وَبَصِيرٌ لِّأَعْيُنِ
خَالِفَكُمْ مَوَالِيَكُمْ وَلَا وَلِيَّكُمْ مَعْصُومٌ لِّأَعْيُنِ
خَالِفَكُمْ مَوَالِيَكُمْ وَلَا وَلِيَّكُمْ مَعْصُومٌ لِّأَعْيُنِ
وَمَعَاذُكُمْ سَلَامٌ لِّمَنْ سَلَامُكُمْ وَحَرْبٌ لِّمَنْ حَارِبُكُمْ
وَمَعَاذُكُمْ سَلَامٌ لِّمَنْ سَلَامُكُمْ وَحَرْبٌ لِّمَنْ حَارِبُكُمْ
مُخَفِّفٌ لِّأَحْقَنُكُمْ مُبْطِلٌ لِّأَجْلَانِكُمْ مُطْبِعٌ لِّكُلِّ عَارِ
مُخَفِّفٌ لِّأَحْقَنُكُمْ مُبْطِلٌ لِّأَجْلَانِكُمْ مُطْبِعٌ لِّكُلِّ عَارِ
يَخْفِكُمْ مَنَافِعُكُمْ فَضْلُكُمْ مُخْتَلِكٌ لِّعَالِيكُمْ مُجْتَنِبٌ
يَخْفِكُمْ مَنَافِعُكُمْ فَضْلُكُمْ مُخْتَلِكٌ لِّعَالِيكُمْ مُجْتَنِبٌ
بِذِمَّتِكُمْ مَعْرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِأَيَّامِكُمْ مُصَدِّقٌ فِي حُجَّتِكُمْ
بِذِمَّتِكُمْ مَعْرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِأَيَّامِكُمْ مُصَدِّقٌ فِي حُجَّتِكُمْ

وَأَمَّا أَهْلُ مَالٍ وَاسْرَفُوا سُوءَ إِسْهَادِهِمْ وَأَشْهَدُكُمْ
أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَعَمَّا أَمْنَكُمْ بِهِ كَأَنِّي بَعْدُ
وَعَمَّا كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ لِّسَانَكُمْ وَبَصِيرٌ لِّأَعْيُنِ
خَالِفَكُمْ مَوَالِيَكُمْ وَلَا وَلِيَّكُمْ مَعْصُومٌ لِّأَعْيُنِ
وَمَعَاذُكُمْ سَلَامٌ لِّمَنْ سَلَامُكُمْ وَحَرْبٌ لِّمَنْ حَارِبُكُمْ
مُخَفِّفٌ لِّأَحْقَنُكُمْ مُبْطِلٌ لِّأَجْلَانِكُمْ مُطْبِعٌ لِّكُلِّ عَارِ
يَخْفِكُمْ مَنَافِعُكُمْ فَضْلُكُمْ مُخْتَلِكٌ لِّعَالِيكُمْ مُجْتَنِبٌ
بِذِمَّتِكُمْ مَعْرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِأَيَّامِكُمْ مُصَدِّقٌ فِي حُجَّتِكُمْ

مُنْظَرٌ لِّأَمْرِكُمْ مَرْفَعٌ لِّدَوْلَتِكُمْ أَخَذَ بِقَوْلِكُمْ حَامِلٌ
مُنْظَرٌ لِّأَمْرِكُمْ مَرْفَعٌ لِّدَوْلَتِكُمْ أَخَذَ بِقَوْلِكُمْ حَامِلٌ
يَا مَرْكُومٌ مَسْجُورٌ بِكُمْ وَآمِنْكُمْ عَائِدٌ بِكُمْ كَأَنِّي
يَا مَرْكُومٌ مَسْجُورٌ بِكُمْ وَآمِنْكُمْ عَائِدٌ بِكُمْ كَأَنِّي
يَقْبُورُكُمْ مُسْتَفْعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ وَتَقَرُّ
يَقْبُورُكُمْ مُسْتَفْعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ وَتَقَرُّ
بِكُمْ إِلَيْهِ وَمُقَدِّمٌ لِّكُمْ أَمَامَ حَلِيبَتِي وَجَوَائِجِي
بِكُمْ إِلَيْهِ وَمُقَدِّمٌ لِّكُمْ أَمَامَ حَلِيبَتِي وَجَوَائِجِي
أَرَادَنِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ
أَرَادَنِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ
وَعَلَانِيَتِكُمْ وَشَاهِدٌ بِكُمْ وَغَائِبٌ بِكُمْ وَأَوَّلُكُمْ
وَعَلَانِيَتِكُمْ وَشَاهِدٌ بِكُمْ وَغَائِبٌ بِكُمْ وَأَوَّلُكُمْ
أَخْرَجَكُمْ وَمُقَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كَلِمَةً إِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ
أَخْرَجَكُمْ وَمُقَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كَلِمَةً إِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ
فِيهِ مَعَكُمْ وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَرَأْيِي لَكُمْ مُسَبِّحٌ وَبَصِيرٌ
فِيهِ مَعَكُمْ وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَرَأْيِي لَكُمْ مُسَبِّحٌ وَبَصِيرٌ

وَأَمَّا أَهْلُ مَالٍ وَاسْرَفُوا سُوءَ إِسْهَادِهِمْ وَأَشْهَدُكُمْ
أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَعَمَّا أَمْنَكُمْ بِهِ كَأَنِّي بَعْدُ
وَعَمَّا كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ لِّسَانَكُمْ وَبَصِيرٌ لِّأَعْيُنِ
خَالِفَكُمْ مَوَالِيَكُمْ وَلَا وَلِيَّكُمْ مَعْصُومٌ لِّأَعْيُنِ
وَمَعَاذُكُمْ سَلَامٌ لِّمَنْ سَلَامُكُمْ وَحَرْبٌ لِّمَنْ حَارِبُكُمْ
مُخَفِّفٌ لِّأَحْقَنُكُمْ مُبْطِلٌ لِّأَجْلَانِكُمْ مُطْبِعٌ لِّكُلِّ عَارِ
يَخْفِكُمْ مَنَافِعُكُمْ فَضْلُكُمْ مُخْتَلِكٌ لِّعَالِيكُمْ مُجْتَنِبٌ
بِذِمَّتِكُمْ مَعْرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِأَيَّامِكُمْ مُصَدِّقٌ فِي حُجَّتِكُمْ

لَكُمْ مَعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لِقَائِ بْنِ بَنِيكُمْ وَ
 بر شما مهلت تا آنکه بفرمانده خداوند تعالی درین مورد از شما و
 بَرَدَ كُفِّي أَبَائِهِمْ وَبَطَّحُوا لِعَدْلِهِ مَعَكُمْ كُنْكُمْ
 بر کردار شما و در میان خود و ظاهر کردار شما را برای عدل خود و بکنند و دشمنان را
 فِي رِضَا فَعَمَّكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ أَمْسَتْ
 در زمین خود پس بر شما ایمان آورد و هم
 بِكُمْ وَتَوَلَّيْتُ بِهِ الْخُرُومَ نَمَّا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَاكُمْ
 شما و بگذاشتم بر شما آنچه را که بخواهید و اولاد شما و
 بَرَّ شَأْنِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمِنْ الْجَبِّ
 بر ابرام بنوی خداوند غالب بزرگ از دشمنان شما و از هر چه بغیر از خدا
 وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَخَنَائِمِ الظَّالِمِينَ
 باشند و در برابر او گشوده و کرده ایشان را شکستید
 لَكُمْ وَالْجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَالْمَارِفِينَ مَزِينًا
 بر شما را و انکار کنندگان را مروتی شما و بدین بود و بدین لایق
 وَالْغَاصِبِينَ لَا رَيْبَ لَكُمْ وَالسَّائِكِينَ فِيكُمْ وَالْمُخْرَجِينَ
 و غصب کنندگان را و شک کنندگان را و دشمنان خود را

عَمَّكُمْ وَمِنْ كُلِّ وَلَجَةٍ دُونَكُمْ وَكُلِّ طَلْعِ بِلَاكُمْ
 از شما و از هر چوستانی بغیر از شما و از هر طاعت کنند بنی شما
 وَمِنْ الْأُمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ قَبْلِي اللَّهُ
 و از چوستانی که مردم را میخوانند بنوی ایشان پس از من و از
 أَبَدًا مَا حَيَّتْ عَلَى مَوَالِيكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَبَيْنَكُمْ
 پرستند تا زنده ام بر افتخار و دوستی شما و دوست شما و این شما
 وَوَفَّقَنِي لِطَاعَتِكُمْ وَرَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ وَ
 و توفیق در برابر ای طاعت شما و روز کند مرا شفاعت شما و
 جَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمْ النَّابِعِينَ لِأَدْعَاؤِ
 بر و اندر از ایشان مقتضای شما که تابع اند هر چه را خواهند بود
 إِلَيْهِ وَجَعَلَنِي مِنْ تَقْضَى أَمْرِكُمْ وَتَسْلُكِ
 با و و کردار اندر از آنها که پروردگار کند از برای شما را و بدین
 سَبِيلِكُمْ وَجَعَلَنِي مِنْ هَذَاكُمْ وَجَعَلَنِي مِنْكُمْ
 بر شما و بدین می آیند بر این شما و بخود شوند و کردار شما
 وَيَكْرِفِي رَجْعَتِكُمْ وَبِمَلِكُ فِي ذِي وَلِيَّتِكُمْ وَكَيْفَ
 و برگرداند و بر باد است شما و بدین می آیند در دولت شما و در این

فِي عَافِيَتِكُمْ وَبِمَكَرٍ فِي أَيَّامِكُمْ وَتَفَرُّعِيْنَهُ غَدَا

در ایام خلعت شما و تکیه می یابند در ایام شما در روشن بشود و بدای ایشان

بِرُؤْيَاكُمْ بَابِي نَمَّ وَأَمِّي وَنَفْسُهُ وَأَهْلًا وَمَا لِي

بدین شما چه در درم فدای شما و جانم و اهل و عالم

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَا بِكُمْ وَمَنْ وَجَدَ فَبِكُمْ عَمَلُكُمْ

هر که اراده خدا کرده بدای شما و هر که یابد برستی خدا کرده مبتدا کرده اند شما را

مَرْفُوعًا تَوْجِدَ بِكُمْ مَوَالِي لَا أَحْصُو شَأْنَكُمْ

بر که صد خدا کرده و مستور بشود شما ای آقای من نتوانم شمرشای شما را

وَلَا أَلْبِغُ مِنَ الْمَدْحِ كُفَّكُمْ وَمِنْ الْوَصْفِ قَدْ كُنْ

و نیز نه از ستایشش بکنند شما و از وصف بقدر شما

وَأَنْتُمْ نُورٌ لَا خِيَارَ وَهَذَا الْأَبْرَارُ وَحَجَّ

بشاید نور و نیلان در انهای پسندیداران و جبهتای شما

الْخِيَارُ بِكُمْ فَفَخَّ اللَّهُ بِكُمْ فَخِيمٌ وَبِكُمْ نَزَلَ

بشما کثرت خدا و شما ختم کرد و شما میفرستد

الْغَيْثُ وَبِكُمْ عَسَاكَ السَّمَاءُ أَنْ تَهْبِطَ عَلَى الْأَرْضِ

باران و شما و شما میزد و آسمان را اینک نیندازد بر زمین

الْأَبَازُ نَهْ وَبِكُمْ نَفْسُ الْهَيْمِ وَبِكُمْ يَكْشِفُ الْخَيْرَ

کر باذن او و شما در طرف بکنند عینا و شما را بیل میکند حال و در

وَعِنْدَ كَمَا نَزَلَ إِلَيْهِ رُسُلُهُ وَهَبَطَتْ إِلَيْهِ مَلَائِكَةُ

و نزد شماست آنچه فرود آورده ده بان پیغمبر او و فریاد آورده و خداوند و فرشتگان

وَالِي جَدِّكُمْ بَعَثَ الرُّوحَ الْأَمِينُ فَكَثُرَ شَأْنُهَا

و بدوی بد شما بر اینک شد جبرئیل امین جناب

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالِي جَدِّكُمْ بَعَثَ الرُّوحَ الْأَمِينُ

باشد بجای بدوی بد شما بر اینک روح الامین

يَكْفُو وَالْمُؤْمِنِينَ بَعَثَ الرُّوحَ الْأَمِينُ

و بدوی برادرت بر اینک شد روح الامین

أَنَّا كَرَّمَ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ طَائِلًا

و او شما را خداوند آنچه نداد با احدی از عالمیان فرود آورد عینا

كُلُّ شَيْءٍ لَشَرِّكُمْ وَنَحْنُ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمُ طَائِلًا

هر صاحب شدنی نزد شرف شما و از هر که هر بیکری بفرما برادرای شما

وَضَعِ كُلَّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكَ وَذَلِكَ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ وَاشْرَفَ

و در شرف شد بر بختی برای نصیبت شما و ذلیل شد بر چیزی برای مبارک شد

الْأَرْضُ نَوْمَكُمْ وَمَا زَالُوا يُؤْلِنُكُمْ

زمین بنور شما و دست کار شما در کاران با است شما

بِكُمْ يَكُنْ إِلَى الرِّضَا وَ عَلَى مِنْ حَيْدٍ وَلَا يَكُنْ

بشما میسران رفت بوی خوش و می خنداد کسی که الحار است کرد ولایت شما

غَضَبُ الرِّجَالِ بِنِائِمٍ وَأَمِي وَفِي وَفِي وَفِي

خشم مرد و دلالت بر در و داورم و جانم و ایلم و ما لم یکنی شما

ذِكْرُكُمْ فِي الذِّكْرِ بِنِائِمٍ وَأَسْمَاءُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ

یاوشما در بیان بیکشیدگان و نامهای شما در بیان نامها

وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ وَ أَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ

در نهایی شما در بیان بدنها در و جهای شما در بیان روحها

وَأَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ وَأَنَارُكُمْ فِي الْأَنَارِ وَ قُبُورُكُمْ

در نهایی شما در بیان جانها و اثرهای شما در بیان اثرها و قبرهای شما

فِي الْقُبُورِ فَمَا أَجَلُ سَمَاءُكُمْ وَ كَرَمُ أَنْفُسِكُمْ

در بیان قبرها و پیرترین نامهای شما و پیرترین جانهای شما

وَأَعْظَمُ شَأْنِكُمْ وَ أَجَلُ خَطَرِكُمْ وَ أَوْفَى عَهْدِكُمْ

و بزرگترین شأن شما و بزرگترین قدر شما و وفات عهد شما و

أَصْدَقَ وَعْدِكُمْ كَلَامُكُمْ نَوْمَكُمْ وَ رَوْحَكُمْ وَ رُشْدَكُمْ

راست است و عدل شما کلام شما روشن است و امر شما صواب

وَوَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى فَعِلْكُمْ الْخَيْرَ وَ عَادَتُكُمْ

و وصیت شما بر پیرکاری و کردار شما نیک است و عادت شما

الْإِحْسَانُ وَ بَحِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ وَ شَأْنُكُمْ الْبُحْرُ

نیک است و طبیعت شما اکرمت است و کار شما حق است

وَأَصْدُقُ وَ الرِّفْقُ وَ قَوْلُكُمْ حِكْمٌ وَ حُجْمٌ وَ رَأْيٌ

در راستی و مدارا و گفتار شما حکمت است و خرد است و رای شما

عِلْمٌ وَ حِلْمٌ وَ حَرَمٌ أَنْ ذِكْرُ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ وَ أَجَلَهُ

دانشی و بردباری و ادب و غیره است که یاد کرد و نمودن یکی چنانچه اول و آخر آن

وَقَرَعَهُ وَ مَعْدِنَهُ وَ مَعَاوِيَهُ وَ مَسْنَاهُ بَابِي أَنْ نَمُوتُ وَ فَنِي

در شلخ آن و معدن آن و جایگاه آن و دستهای آن و پیر و داورم

وَنَفْسِي كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ شَأْنِكُمْ وَ أَجْوِبُ حَسَنَةً

در جانم خدای شما چگونه وصف کنم حسن کردنی شما و شایسته شما را و به شما گفت بیکدیگر

بَلَاءُكُمْ وَ كَيْفَ أَخْرَجْنَا اللَّهَ مِنَ الزَّلْكِ وَ فَوَجَّ

شماره و چگونه پیر و داورم را خدا را از جوری را بیک

عَنَّا غَمْرًا إِنَّ الْكَرُوبَ وَأَنْفَعَنَا بِكُمْ مِنْ شَفَا جُرْفٍ
 از غمباری غمنا و غمباری بخشد ما را شما از غمبار کردن ما
 اَهْلَكُكُمْ وَبِمَا آتَيْنَا رِبَّيْنِي أَنْتُمْ وَأُمِّي فُتِنْتُمْ
 مملکتها و از آتش پرور و دوزخ در جهنم فتنه شد
 يٰمُؤْمِنُوا لَا تَقُمُوا فِي الْمَسَاجِدِ دِينَنَا وَاصْلِحُوا
 بنما عبادت نما آسمان را بخدا جانمایی و استن و دین ما با صلاح آوردن
 كَانَفَسَدَ مِنْ دِينِنَا وَهَمَّوْا لَا تَكُنْ مِمَّنْ أَلْكَأُ
 کرده بود و فاسد از دین ما و همواران که از کلمه
 وَعَظُمَتِ النِّعَةُ وَاتَّكَفَتِ الْغُرْفَةُ وَهَمَّوْا لَا تَكُنْ
 و بزرگ شد نعمت خدا و افتاد رفت پرانگی که با بدبختی شما
 تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمَفْرُوضَةُ وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَارِثَةُ
 ستمی شود با طاعت واجب شده و در شما دوستی و ارادت
 وَالذَّبَابُ الرَّقِيعَةُ وَالْمَقَامُ الْحَمْدُ وَبِذَلِكَ
 و پاهای عیب و مقام ستوده و با بیکار
 الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ
 معلوم نزد خدا می غالب بزرگوار و بزرگ

وَالْتَشَأُنُ الْكَبِيرُ وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ رَبَّنَا آمَنَّا
 و حالت بزرگ و شفاعت قبول کرده پروردگار کردیم
 بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكُنْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْغَايِبِ
 آنچه فرستاده و پیروی کردیم ما پیغمبر را پس بنویس ما را با کوابان
 رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا
 پروردگار ما را میل و میل و الهامی را بعد از آنکه هدایت کردی ما را و بخش ما را
 مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ سُبْحَانَ رَبَّنَا
 از تو خود رحمتی بدستی که توانی بخشیده پاکت پروردگار ما
 إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا مَفْعُولًا يَا وَهَّابُ اللَّهُ إِنِّي
 اگر باشد و عده پروردگار ما کرده شده اید رحمت خدا کیسان من
 وَبَرَّكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْنِي عَلَيْهَا إِلَّا
 و برسان مذامی غالب بزرگ گناه بسیار است که بر طرف بکنند آنها را
 رِضَاكُمْ فَهِيَ مِنْ أَمْنِكُمْ عَلَى سِرٍّ وَنَسْرٍ عَالِمٍ
 رضای خودی حق شما که این کرده اینده شما را برادر خود و طلب کرده از شما
 أَمْرٍ خَلْفَهُمْ وَفَرَنْ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِنَا أَسْتَوْفِي
 رعایت خلف خود و مقرون کرده اینده طاعت شما را با طاعت خود طلب نمایم بخشش

ذُنُوبِي كُنْتُمْ شَفِيعَاتِي فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ مِّنْ

نمایان باد و شما شفاعت من پس من بر شما را فرمانبردارم هر که

أَطَاعَكُمْ فَذَا طَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَاكُمْ فَذَا عَصَى اللَّهَ

فرمان شما را پس فرمان خدا بود و هر که نافرمانی کند شما را پس نافرمانی کرده اند

وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَذَا أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَذَا

و هر که دوست دارد شما را پس دوست خدا دارد و هر که دشمن دارد شما را پس دشمن

أَبْغَضَ اللَّهُ إِلَهُكُمْ إِنِّي لَوُجِدْتُ شَفِيعَاتِي قُرْبَى

و دشمن دارد خدا را خداوندی که می یابم شفاعت کند نزد خداوند

إِلَيْكَ مِنْ مَّحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ الْأَحْيَاءِ وَالْأَمْ

بتو از محمد و اهل بیت او برگزیده می نمایان

الْأَبْرَارِ لِحَبْلَتِهِمْ شَفِيعَاتِي إِلَيْكَ فَخَفِّضْ لَهُمُ الدُّرَى

سنگ گران برگزیده گردانید ایشان را شفاعت بتو پس بخی ایشان که

أَوْجِبَتْ لَهُمْ عَلَيْكَ اسْتِئْذَانٌ تَدْخُلُ فِيهِ

واجب گردانید در ایشان بر تو سوال میکنند ترا که در آن در می رود

الْعَارِفِينَ بِحَقِّهِمْ وَنَحْفَتِهِمْ وَفِي ذَمِّهِمُ الْمُسْتَعِينِ

جمله شناسندگان ایشان حق ایشان و در کرده کرمیت یافته اند

بِشَفَاعَتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ

بشفاعت ایشان که تو ای رحیمتر از جهان در صمت خدا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْتَامِدِينَ وَسَلَامٌ سَلَامًا

بر محمد و آل او که پادشاهند در روز و روزگار و روز

كثِيرًا وَجَبْنَا اللَّهَ وَنِعَمَ الْوَكِيلِ

بسیار و بس است از خدا و نیکی کنایه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامٌ مُّوَدَّعٍ

و دعا بخواند سلام بر شما سلام اوداع کننده

لَا سِإْمَ وَلَا فُلَ وَلَا مَالٍ وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ

که مال نباشد و جانی نباشد و مال و رحمت خدا و برکت های او

عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ إِنَّهُ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ

بر شما ای اهل بیت نبوت که او ستوده و بزرگوار است

سَلَامٌ وَلِي غَيْرِ غَيْبِ عَمَّاكُمْ وَلَا مُسْتَبْدِلٌ كَيْفَ

سلام و دوستی که نیست نمیکند از شما و نه دیگری را جانشین

وَلَا مُؤَيِّدٌ عَلَيْكُمْ وَلَا مُنْقِرٌ عَنْكُمْ وَلَا زَلٌّ

و پشتیبان نیست بر شما و نه سحر از شما و نه لغزش

فِي قُرْبِكُمْ لِاجْعَلَهُ اللَّهُ اخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زَبَانٍ مُبَوَّدٍ

در نزدیکی شما که خداوند آنرا خدا آخر عهد از زیارت بزرگوار شما

وَإِنِّيَارِمْشَاهِدِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَخَيْرٌ

و آمدن محل حضور شما و سلام بر شما و محمود کرد خداوند

اللَّهُ فِي زَمَنِكُمْ وَأَوْرَدَنِي حَوْصَكُمْ وَجَعَلَنِي مِنْ

خدا در گروه شما و در آورده مرا حوض شما که گردانده مرا از

خَرْبِكُمْ وَأَرْضَاكُمْ عَنِّي وَمَكْنَنِي مِنْ دَلُوكُمْ

شر شما و راضی گردانده شما را از من و صاحب منزلی گردانده شما را

وَإِحْيَانِي فِي رَجْعِكُمْ وَمَلَكَنِي فِي أَيَّامِكُمْ وَشَكَرْتُمْ

و زنده گردانده مرا در بازگشت شما و پادشاهی در روزهای شما و شکر شما را

بِكُمْ وَغَفِرَ ذَنْبِي لِشَفَاعَتِكُمْ وَأَفَالَ عَثْرِي فِي عَجْبَتِكُمْ

بشما و پشامزدگی مرا بشفاعت شما و درگذرد از لغزش من بچرخ شما

وَأَعْلَى كَعْبِي مُوَالَاكُمْ وَشَرَفَنِي بِطَاعَتِكُمْ وَلَجَنِي

و بلند گردانده عودک پای من را بدوستی شما و شرافت و در بر آوردن شما و طرز زاری شما را

بِهْدَاكُمْ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ أَنْفَلَبُ مُفْلِحًا مِنْهَا غَاثِمًا سَا

به هدایت شما و گردانده مرا از آنکه که برگزیده است کار و حاجت یافته و مصلحت

مُعَاذًا غَنِيًّا فَإِنِّي أَرْضَاكَ بِاللَّهِ وَفَضْلُهُ وَكَهَانَتُهُ

و عاقبت بر من نیارده سید و بخشش دهنده خدا و فضل خدا و کار ساری من را

بِأَفْضَلِ مَا يُنْقَلِبُ بِأَحَدٍ مِنْ زُورِكُمْ وَمَوَالِكُمْ

بهترین آنچه بر سبک گردانم و با یکی از من زیارت کنندگان و حقیقتان شما

وَمُحِبِّكُمْ وَشَيْعَتِكُمْ وَرَزَقَنِي اللَّهُ الْإِعْوَدَ ثُمَّ

دوستستان شما و شیعیان شما و روزی کند مرا خدا بازگشت پس

الْإِعْوَادَ بَدَامَا أَبْقَانِي فِي بَيْتِهِ صَادِقَةً وَأَمَّا

بازگشت همیشه تا زنده گردانده مرا بر درگاه من بایست راست و ایمان

وَنَفْوَى وَخَبَابٍ وَرِزْقٍ وَاسِعٍ جَلَالِ رَطْبٍ

و در بر نگار من و شکلی در روز منی فراخ علال پاکیزه

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زَبَانِهِمْ وَذِكْرِهِمْ

خداوند ما که در آن دورا آخر عهد از زیارت ایشان و ذکر ایشان

وَالصَّلَاةُ عَلَيْهِمْ وَأَوْحِي إِلَى الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَ

دور و زیست و بر ایشان و بار گردان بر آمرزش و رحمت

الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ وَالنَّفْوَى وَالْفَوْزَ وَالنُّورَ وَالْإِيمَانَ

خوبی و برکت و در بر نگار من و دستکاری و روشنایی و ایمان

وَحُسْنُ الْأَجَابَةِ كَمَا أَوْجِبَتْ لِأَوْلِيَاءِكَ الْعَارِفِينَ

و سبب استجاب شدن چنانکه واجب گردانیده و درستان تراستان

بِحَقِّهِمُ الْمُوجِبِ طَاعَتِهِمْ وَالْغَيْبِ فِي زِيَارَتِهِمْ

بجای ایشان و لازم گردانیده طاعت ایشان در غیبت و از دور زیارت ایشان

الْمُقَرَّبِ إِلَيْكَ وَلَهُمْ يَا بِي نَمُو وَنَمُو وَنَمُو

و تقریب جویند به تو و بایشان پدر و مادر و جانم و جانم

وَمَا لِي جَعَلُونِي فِي مَكْرَمٍ وَصَبْرُ نَفْسِي فِي حَرْبٍ

و ایا که من را در این مقام و استقامت و صبر و من در جنگ

أَدْخَلُونِي فِي شَفَاعَتِكَ وَذَكَرْتُ عِنْدَ رَبِّكَ

و مرا در شفاعت خود و یاد کردم نزد پروردگار شما

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ

خدایا در رحمت بر محمد و آل محمد و برسان ارواح ایشان

وَأَجْسَادُهُمْ مِنْ السَّلَامِ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

و جسد های ایشان را از امن و سلام و سلام بر او و بر ایشان

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

و رحمت خدا و بركاتهای او و رحمت خدا بر محمد و آل او

وَسَلَّمَ سَلَامًا كَثِيرًا وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

و درود و سلام بسیار و ما را خداوند است و خداوند است



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفَوْا اللَّهُ السَّلَامُ

سلام بر تو ای میراث برده آدم برادر خدا سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبَا اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای میراث برده نوح بنیامین خدا سلام بر تو

يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای میراث برده ابراهیم دوست خدا سلام بر تو

يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای میراث برده موسی سخن خدا سلام بر تو

يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

ای میراث برده عیسی روح خدا سلام بر تو ای میراث برده

مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْيَوْمِ

محمد دوست خدا سلام بر تو ای میراث برده امروز

درود و سلام بر محمد و آل او

وَلِلَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ

دوست خدا سلام بر تو ای پسر محمد برگزیده اسلام

عَلَيْكَ يَا بْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ

بر تو ای پسر علی پسندیده سلام بر تو ای پسر

فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ خَدِجَةَ

فاطمه از شهیده سلام بر تو ای پسر خدیجه

الْكُبْرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَوْنِ

بزرگای سلام بر تو ای نوری خدا و پسر ثور

وَأَبْنَى الْمُؤْنُورِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ

و ای جوان صاحب نور گواهی میدهم که تو چنین که به پیشانی نهادی و

أَنْتَ الْزَكِيُّ وَأَمَرْتُ بِالْمَعْرُوفِ وَهَيْبَتِي عَنْ لِمَنْكَرِ

و ای زاکو نهاد و امر کردم به نیکی و هیبت من از کفر

وَاطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتَّى أَتَيْتَ الْيَقِينَ فَلَعَنَ اللَّهُ

و اطاعت نمودی خدا و رسول او تا آنکه آمدی به یقین پس لعنت خدا

أُمَّةً فُلْكَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

گروهی را که گشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که ظلم کردند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که

سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَخَضِبَتْ بِهِ يَا مَوْلَايَ يَا أَلْبَعْدُ

شنیدم از آن پس در غمی شد و ای مولا ای آه بعد

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّافِعَ

گواهی میدهم که تو بودی نوری در سبیلهای بارگفت

وَالْأَرْجَامِ الْمُطَهَّرِ لَمْ تُخَيِّكْ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَالِهَا

و در جهنمهای پاکیزه محبت نکردند جاهلیت با جمعی

وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مَدْلِحَاتِ شَيْءٍ أَهْلًا وَشَهِدَ

و نرنگانند ترا از طعنههای بد و گواهی میدهم

أَنَّكَ مَرْدٌ عَالِمٌ بِالذِّبْنِ وَارَكُنَا الْمُؤْمِنِينَ

اینکه تو مردی دانای دینی و ایستادی با ایمانهای

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمَامُ الْبَرُّ الْفَقِي الرُّضِيُّ الرَّكِي

و گواهی میدهم که تو نبی استوار و پرهیزگار و ستمگر و پاکیزه

الْهَادِي الْمُهْدِي وَشَهِدَانِ الْأَمَّةِ مِنْ دَوْلَةٍ

راهنمای داور و هدایتگر و شاهدان امت از دولتی

كَلِمَةُ الْفَقْوَى وَأَعْلَامُ الْهَدْيِ وَالْعُرَى الْوُ

کلیمه پرهیزگاری و نشان هدایت و دست تراز پهنوار

وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَشَهِدَ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ
 رَحْمَتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَذَا وَشَهِدَ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ
 أَنْبِيَائَهُ وَرُسُلَهُ أَنَّكُمْ مُؤْمِنُونَ وَبِأَيَّامِكُمْ مُؤَقَّنُونَ
 وَبِهِمْ أَنْبَاءُكُمْ وَرُسُلُكُمْ وَأَنْبَاءُكُمْ مُؤَقَّنُونَ
 بِشَرِّ النَّاسِ دِينِي وَخَوَانِي عَلَى قَلْبِي لِقَابِكُمْ سَلَامٌ
 وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُسَبِّحُ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ
 عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ وَعَلَى أَجْسَامِكُمْ وَ
 عَلَى سَامِعِكُمْ وَعَلَى غَائِبِكُمْ وَعَلَى ظَاهِرِكُمْ وَعَلَى
 بَاطِنِكُمْ لَيْسَ بَعْدِي نَبِيٌّ يَا بَنِي آدَمَ وَأُمِّي
 يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ يَا بَنِي آدَمَ وَأُمِّي
 يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ يَا بَنِي آدَمَ وَأُمِّي

لَقَدْ عَظُمَتِ الرِّزْيَةُ وَجَلَّتِ الْمَصِيبَةُ يَا عَالِيْنَا
 وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَلَعَنَ اللَّهُ لَمَنَ
 أَشْرَحَتْ وَأَكْبَحَتْ وَهَيَّأَتْ لِقَائِكَ يَا مُوَلَّائِي
 مَا أَبْعَدَ اللَّهُ فَضَلْتُ جَرَمَكَ وَأَنْتَ إِلَى
 مَشْهَدِكَ اسْتَسْلَمَ اللَّهُ بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ
 وَبِالْحَقْلِ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ أَنْ جَعَلَ عَلَى مُجَدِّكَ
 مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَجْعَلَكَ مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 يَا بَنِي آدَمَ وَأُمِّي



اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ

ستاد نماز بر سر آنکه نماز کرده و رکعت کرده و سجد کرده

وَحَدَّثَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لِأَنَّ صَلَاتِي وَالرُّكُوعَ وَ

نماز تو و سجده تو را از جهت آنکه نماز کرده و

السُّجُودَ لَا تَكُونُ إِلَّا لَكَ لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

سجده منحصرا بر تو از جهت آنکه توئی خداست خدا را

أَنْتَ اللَّهُ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآبَائِهِمْ

تو خداوند صلوات بر محمد و آل محمد و پدران ایشان

عَنِّي فَضَّلْتَ السَّلَامَ وَالْخَيْرَ وَارْدَدْتَ عَلَى مَنْهُمْ

از من بهترین درود و بخت و بار کردی بر این از ایشان

السَّلَامُ اللَّهُمَّ وَهَإِنِّي الرَّكْعَتَانِ فَدَعَيْتَنِي

درود خداوند و این دو رکعت نماز بخداست از من

إِلَى مَوْلَايَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ اللَّهُمَّ

به سوی آقای من حسن بن علی بر ایشان درود خداوند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي كَجُزْفِي عَلَى

رحمت درخت بر محمد و آل محمد و بپذیر ایشان از من و بپذیر مرا بر

قال

ذَلِكَ بِأَفْضَلِ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي قَلْبِكَ بِأَوْ

این بهترین آرزوی من و امید من در تو و در قلبی تو ایدوست

الْمُؤْمِنِينَ بِسَ فَضَّلْتَ السَّلَامَ عَلَيْكَ الْإِسْلَامَ عَلَيْكَ

کردی بر مؤمنان اینچنین که اسلام بکنی و درود بر تو

يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ نَبِيِّ اللَّهِ

ای پسر رسول خدا درود بر تو ای پسر نبی خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَفِي اللَّهِ أَكْبَرُ

درود بر تو ای پسر امیر مؤمنان و در خداوند بزرگوار

عَلَيْكَ يَا بْنَ الْحَبِيبِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای پسر حبیب شهید درود بر تو

أَيُّهَا الشَّهِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ وَوَيْتَنِي

ای شهید درود بر تو ای پسر شهید و پسر

الْمَظْلُومُ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّ قَتْلِكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّ نَجْمِكَ

مظلوم لعنت کند خدا مادر کشتن تو را و لعنت کند خدا مادر ستاره تو را

وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّ سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَخَضِيَتْ بِهِ

و لعنت کند خدا مادر آنکه شنید از این و خشمگین شد با او

وَسَجْدًا بِرُتْبَتِهِ يَا بَكُورُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ

درود بزرگ ایدر دست خدا

وَأَبْنِ وَلِيَّةُ لَقَدْ عَظُمَتِ الرِّزْقَةُ وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ

و ب ب درود او بر رزق عظیم است و بزرگ شد مصیبت

بَارِكْ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

تو بر ما و بر همه مسلمانان بسلطنت کنده اگر چه بزرگ

فَنَلَّكَ وَأَبْرَأَ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ مَرْهُمُ بَرَكِ

کنش ترا و بزرگاری نمودم سوی خدا و بسوی تو از ایشان فضل

زَمَانًا بِرُتْبَتِهِ يَا بَكُورُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ

زمانه را ب رتبه او درود بر شما ای یاوران

اللَّهِ وَأَحِبَّائِهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ

خدا دوستان او درود بر شما ای برترین ها از خدا

وَأَوْدَانِهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ

دوستان او درود بر شما ای یاوران دین خدا

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ

درود بر شما ای یاوران فرستاده خدا درود

عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

بر شما ای یاوران پادشاه گردندگان درود بر شما

يَا أَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ دُنْيَا الْعَالَمِينَ السَّلَامُ

ای یاوران فاطمه بزرگ زمان جهانان درود

عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَتَيْتُكُمْ

بر شما ای یاوران ابی محمد حسن پسر علی با بزرگ

النَّاصِحِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

نصیحت کننده درود بر شما ای یاوران ابی عبد الله

يَا بَنِي نَمٍ وَأُمِّ طَيْمٍ وَطَائِفَةِ الْأَرْضِ النَّاصِحِينَ

پدر و مادر من و طایفه ای که با او یکتا و با کس نه منی گردان دوزخ است

وَفَوْزُ فَوْزِ الْعِظَمَاءِ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَا فَوْزُ

و فزونی ای بخت بد بزرگ من ای کاش من با شما بودم با شما بزرگ بودم

مَعَكُمْ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ الْبَلَاءِ

با شما با کرانان و شایسته گان و بزرگواران

دَقِيقًا وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

بر قنات درود بر شما در رحمت خدا و بزرگواران



السلام عليك يا مولاي السلام عليك يا حجة الله

درود بر تو ای پسر نبی درود بر تو ای حجت خدا

السلام عليك يا صفي الله السلام عليك

درود بر تو ای برگزیده خدا درود بر تو

يا خاصه الله السلام عليك يا خالصه الله

ای خاص خدا درود بر تو ای خالص از راجع خدا

السلام عليك يا امير الله سلام مودع لافا

درود بر تو ای امیر خدا سلامی در اوج کند ز کرم

ولا سم فان امض فلا عزم لاله وان اقم فلا عزم

درود بر تو ای پسر که بگذرد پس نیست از لالت و اگر بایستد پس نیست از

سوء ظن بما وعدك الله الصابرين ولا جعلك الله

پس همان خود را بجزد صد که در خدا شکست ایضا و کرد این خدا را خدا

يا مولاي اخي العهد صفى لربنا ربك و رزقني العود

ای آقای من برادر عهد صفی لر بماند تو در دین مرا عود

الى شهيدك والمقام في حرمك و اياه اسئل ان

بوسی شهید تو مقام در حرم تو و ایا او سوال کنم که

يُعبد فيك وما الاثمة من ولدك ويجعلني معك

بسجده کند برایت و چه سودا من از فرزندان تو و کرد اندر ایستاد

في الدنيا والاخرى بعد من من لم يكد

در دنیا و آخرت و هر که

انا لله وانا اليه راجعون منها من خاض

بر من و ما در خدا بود بر من که ای من و باز کرد و ما نسیم

اما احسن السلام عليك

سلام بر تو باد

يا ابا عبد الله السلام عليك يا بن رسول الله

ای ابا عبد الله درود بر تو ای پسر رسول خدا

السلام عليك يا بن امير المؤمنين السلام عليك

درود بر تو ای پسر امیر المؤمنین درود بر تو

يا بن فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين

ای پسر فاطمه زهرا سید زنان جهان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَخَا الْحَسَنِ الرَّضَا السَّلَامُ

درود بر تو ای برادر حسن پسندیده درود

عَلَيْكَ يَا أَبَا الْأَعْمَى الْمُصَوِّبَ الْأَمْرَ السَّلَامُ

بر تو ای درانده مصوبین را درود

عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ

بر تو و بر ایشان رحمت خدا و بركات او درود

عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُصِيبَةِ الثَّانِيَةِ السَّلَامُ

بر تو صاحب مصیبت دومی درود

عَلَيْكَ يَا سَرَّجَ الدُّمُوعِ الشَّائِكَةِ وَالْمَقْبُوعِ

بر تو ای چراغ دود غمناکی برشته و جلا گرفته

الْخُزْنِ وَالْمَذْبُوحِ الطَّعِينِ وَالْمَقْطُوعِ الْوَقْنِ

خزیناکی و کشته شده پستان و بریده شده کوه و دانه

وَمُخْفِرِ الْخَلْدِ نَجْدُوحِ الْوَدَجِيرِ وَالْمَوْجِ الْوَرِيدِ

و ای بکاه کننده دود و موج و دود و دود و دود

بَاكِي الْعَيْنِ وَالْمَقْنُولِ يَوْمَ الْإِسْنَيْنِ رِيحَانَةُ رَسُولِ اللَّهِ

گریه کننده و دود و دود و دود و دود و دود و دود

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

ایا عبد الله الحسین بر او باد درود درود بر تو ای

يَا فَيْتَلَّ الظَّامُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَرِيبَ الْغُرَبَا

ای کشته شده تشنه درود بر تو ای ابرو درود

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبْرَ الْكَرْبَاءِ وَمَسَاوِبِ

درود بر تو ای ای ابرو درود و ای ابرو درود

الرِّدَاءِ وَالْمَذْبُوحِ مِنَ الْقَفَاءِ وَمَسْبِي لِنَسَا

ایا ای ابرو درود از کشته شده و ای ابرو درود

وَمَحْرُورِ الْخَنَاءِ وَالْمُخَضَّبِ بِالْقَفَاءِ وَالْخَرَاءِ

و ای ابرو درود از کشته شده و ای ابرو درود

عَلَيْكَ يَا بَرْجَمَ الْمُصْطَفَى وَالْأَسْفَاءِ عَلَيْكَ

بر تو ای ابرو درود بر کشته شده و ای ابرو درود

يَا بَنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَالْهَفَاءِ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ

ای ابرو درود بر کشته شده و ای ابرو درود

الْكَرْمَاءِ يَا بَنَ خَلْدِ الْجَبْرِ وَالْخَالِ السَّنِ

درود بر تو ای ابرو درود بر کشته شده و ای ابرو درود

الرَّحْمَانُ يَا أَلَمَّةَ الْهُدَى وَجَنَّةَ عِلْيَك يَا

پسندید و چهره شوای هدایت ای آینه دانه بر تو ای پیر

رَسُولِ اللَّهِ وَأَسْأَلُكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامِ

فرستاده خدا و ای پسر رسول خدا ای پیر محمد درود

عَلَيْكَ يَا صَبَاحَ الدُّجَى وَسَقِينَةَ الْخَبَاءِ

بر تو ای صبح تاریکی و ای ساقی شراب و غایب آمدن

وَالرَّجَاءِ الْمَرْحَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ الرَّحْمَنِ

و آرزوی آرزو شدگان درود بر تو ای دوست بخشنده رحمت

وَيَا شَرِيكَ الْفَرْدَانِ وَيَا صَاحِبَ الْأَصَابِ وَالْأَحْزَانِ

و ای شریک فردا و ای صاحب مصیبت و اندوه و غم

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَلَقَ مِنْخُورَ وَصَدْرَ مَكِيدٍ

درود بر تو ای آفریننده دهن و سینه دانا و پند

وَرَأْسَهُ عَلَى الْفَنَاءِ مَشْهُودَ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَنْ

و سر او را بر فنا و دیده شده درود بر تو ای آفریننده

بَكَتْ لَهُ السَّمَاءُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارُ وَيَا مُبْدِلَ النُّجُومِ وَالْأَيَّامِ

که بر او گریه کرد آسمان شب و روز و ای آفریننده ستاره و ای پیر

جَمَّةَ غَرْبٍ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ

پیش بر خیز شده در روز و بر تو ای آفریننده

الْفَيْءِ عَلَى قَوْمِهِ جَنَّةَ فَانَكِرُوهَا وَنَقْضُوا

الفکر او بر کرده او آیه های او را پس بکنند و شکستند

بِيعَتِهِ وَخَانُوا رَسُولَ اللَّهِ فِي وَصِيَّتِهِ وَصَالُوا

بیعت او را و خیانت کردند رسول خدا در وصیت او و غایب آمدن

عَلَيْكَ وَعَلَى عُنْتَرَةٍ وَفَنَكُوا أَخَاهُ وَزَوْجَ ابْنَتِهِ

بر او و بر اهل بیت او و شکستند برادر او و شوهر دختر او

وَذَبَحُوا سَبْطَهُ وَأَبْرَكَ كَيْدَهُ وَفَكَرُوا عَطْفًا

و بکشتند گردن پسر او و پیر او را و شکستند در عطف او

بِقَضَائِهِ وَحَرَفُوا لُجْبَاءَهُ وَهَنَكُوا أَرْحَمَهُ وَسَكَبُوا

بغیر او و سوزانیدند دل او را و دین او را و شکستند در رحمت او و سبک کردند

بَنَانَهُ وَالْجَزَاءُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ وَالْأَسْفَا

بنام او و ای پسر رسول خدا ای پیر محمد درود

عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْهَفَاءُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

بر تو ای پسر پادشاه مؤمنان و ای پسر پادشاه درود

فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ دَسَّغَتْهُ

فاطمه زهرا در دود بر تو ای که در خون خرمشگر کرد

وَسَبَّهَ ظَنُّهُ وَالْزَّأَبُ كَا فُونُ وَنَبَّحَ الرِّيحُ

و دهنش از پند الو بود و خاک کاخه شش و وزین باد نیز

اَكْفَانُهُ وَالْفَنَاءُ اَلْحَيَّ نَفْسُهُ وَفِي قُلُوبٍ مِّنْ اَاف

کفش بود و شربت در پری تابو شش و در و لهای کلمه کلمه

فِرَّةٌ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَرِيبَ الْاَوْطَانِ وَ

مربته او را و قمر در دود بر تو ای دور شده از وطنها و

السَّائِبِ الْعُرْبَانِ وَالذَّيْبُ الْعَطْشَانِ وَصَلِحِ

ای بی جنبه شده و عربان دیر دیده و تشنه و صاحب

الْمَصَاتِبِ الْاِخْوَانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنَ لَا

مستیها و اندوهها سلام بر تو ای که ایمان

مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَالشِّفَاءُ فِي مَرْبَتِهِ وَالْاِجَابَةُ حَيْثُ

از فرزندان اویند و شفا در خاک است و اجابت عا نیز

فِيهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَرْبِيَّ رَفِ اللَّهُ لِسْمَاءِهَا

کشد است در دود بر تو ای که پرورش داد و از عذاب و شهادت

الت

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَجِيَانَتَهُ

در دود بر تو ای پسر بناده خدا و دلجو شیری او

وَابْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَذُرِّيَّتَهُ يَا مَنْ هُوَ مَجْجُهُ

و پسر پادشاه کرده کمان و فرزندان او ای که او با جگر

الزَّهْرَاءُ وَطَهَّرَهَا وَيَا اَخَا الْحَسَنِ الرِّضَا وَخَلِيفَتَهُ

زهرا و سرور دل او ای برادر حسن پسند و خلیفه او

يَا اَيَّةَ اللَّهِ وَجَحْنَهُ وَيَا مَرْقُومَ عَيْدِهِ وَ

ای فرستاده خدا و جنت او ای که شش او را بند کشتن و

رَعِيَّتَهُ وَخَانُوارِ رَسُولِ اللَّهِ فِي عِزَّتِهِ وَاجْزَانَا

نقابش و جانم کرده زبول خدا را در دریا او و اندوه

عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ وَاسْفَاهُ عَلَيْكَ يَا

بر تو ای پسر بناده خدا و ای زلف بر تو ای پسر

اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَفَاءُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ

پادشاه کرده کمان و اندوه بر تو ای پسر فاطمه زهرا

يَا مَنْ شَبَّهَ بِدَمِ خَضِيبٍ وَخَلَّ نَزِيبُ وَرَدِ

ای که کاسش بجزن خضاب شد و ردی و خاک الوده و باران

نَهَيْتَ وَفِي كَرَامَةِ شَهِيدِ غَرِيبِ السَّلَامِ عَلَيْكَ
 ای سید کریم در کرامت شهید و سرکرده درود بر تو
 يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى لَدِمَاءِ السَّائِلَاتِ وَعَلَى
 یا ابا عبد الله در خونهای جاری شده در
 الرُّؤُوسِ الْمُرْفَافَاتِ وَعَلَى الْخُدُودِ الْمُهَمَّمَاتِ وَعَلَى
 سرهای که بر تیر و پیکر شده در صورتهای شکسته شده در
 الْأَجْضَاءِ الْمُفْطَمَاتِ وَعَلَى الْأَجْسَامِ الْمُجْرَحَاتِ وَعَلَى
 اجزای پاره پاره و بر سدهای مجروح در
 الصُّدُورِ الْخَطَّائِثِ وَعَلَى الثَّيَابِ الْمُخْضَبَاتِ وَعَلَى
 سینههای شکسته شده در لباسهای خون خراب شده در
 الْقُفُوفِ الْمَقْدَسَاتِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الْمُتَخَلَّسَاتِ
 نفسهای پاک ایشان در زمان اخیر شده و
 عَلَى الْأَبْدَانِ الْمُنْعَمَاتِ وَالْخَنَاءِ عَلَيْكَ يَا بَنِي
 بر بدنهای بی روح و اندوه بر تو ای پسر
 رَسُولِ اللَّهِ وَالْأَسْفَاءِ عَلَيْكَ يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
 در تشاوه خدا و ناتوانی بر تو ای پسر پادشاه و دانایان

والمطهر

وَالْأَهْلَاءِ عَلَيْكَ يَا بَنِي فَاطِمَةَ الْقَهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 واهلوه بر تو ای پسر فاطمه زهرا درود بر تو
 يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ الذِّيْجِ الطَّعِينِ وَعَلَى عَلِيَّ بْنِ
 ای علی پسر حسین سرزیده و مبتلای خورده و بر علی پسر
 الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ الْمَفْجُوعِ الْخَزِينِ السَّلَامُ
 حسین خرمجانشینندگان صاحب در اندوه درود
 عَلَى الْأَخْصَارِ وَالْمُجَاهِدِينَ السَّلَامُ عَلَى بَنِي الْقَيْمَةِ
 بر یاری کنندگان که جنگ کرده درود بر بنی قیامت
 السَّلَامُ عَلَى التَّكِينَةِ السَّيِّئَةِ السَّلَامُ عَلَى ابْنَةِ
 درود بر سید مصیبت زده شده درود بر دختران
 الْهَاشِمِيَّةِ السَّلَامُ عَلَى السَّادَاتِ الْعِلَوْنَةِ
 اشی درود بر بزرگان علوی
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ كُوجِبَا وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
 درود بر شما همه رحمت خدا و بزرگوئی او
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَتُحْمُ مَسْنَعَةٍ
 درود بر تو یا ابا عبد الله طاهر مستغاث

إِلَيْكَ وَمُجِبِّيْ خَيْرَةٍ عَلَيْكَ وَعَيْنِيْ عَلَيْكَ

بوی تو دوم میوزاد بر تو و چشم بر تو

بِأَكْبَرِيَّةٍ وَحَرْفِيْ عَلَيْكَ طَوْبُكَ وَأَسْفِيْ عَلَيْكَ

کریانت و اندوه من بر تو بسیار است و ناظم بر تو

جَارِيَةٍ وَغَيْرِيْ عَلَيْكَ سَاكِبَةٌ وَزَفِيرِيْ عَلَيْكَ

میشاست و بشک بر تو برزانت و شکر بر تو

ظَاهِرَةٌ وَهَاضِمِيْ عَلَيْكَ مُتَابِعَةٌ وَرِزْقِيْ عَلَيْكَ

مویزانت و بسیاری که بدم بر تو بیادری و ناظم بر تو

عَظِيْمَةٌ وَمُصَابِيْكَ جَلِيْلٌ إِلَيْكَ هَمِيٌّ وَرَجَاءِيْ

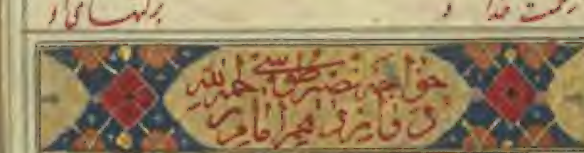
بزرگست و مصیبت من بر تو بزرگست بوی اندوه من و آه من

وَعَلَيْكَ خَيْرِيْ وَبِكُلِّ كَائِيٍّ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ

و بر تو اندوه من و کزین و سلام بر تو و

رَحْمَةُ اللَّهِ وَ

رحمت خدا و



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم نه ای رحمت خداوند رحیم

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ

خداوند رحمت و سلام و بزرگوار گردان بر پیغمبر امی

الْعَرَبِيِّ الْقُدْرَتِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ الْأَبْجِيِّ التَّهْنِيِّ

عربی قدرتی مکی مدنی ابجی تهنی

الْهَاشِمِيِّ وَالرَّسُولِ الرَّحْمَنِ السَّيِّدِ الْبَرِيِّ الْكَرِيمِ

اشی و پیغمبر رحمت خداوند بزرگوار و برتر از همه

الْمُضَيِّعِ صَاحِبِ الْكَوْفَارِ وَالنَّكِيَّةِ الْعَبْدِ الْوَلِيدِ

مضیع صاحب کوفار و نکیه العبد الولید

وَالرَّسُولِ الْمُسَدِّدِ وَالْبَشِيرِ الْمُبْجَدِ الْمُصْطَفَى

و پیغمبر با صواب و مژده دهنده بزرگوار برگزیده شده

الْأَمْجَدِ الْمَجْدُودِ الْأَحْمَدِ جَدِّبِ الدُّنْيَا وَالْعَالَمِينَ

امجد مجدود احمد جد دنیا و عالمین

أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

ای قاسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم

و بر تو محمد رحمت خداوند رحیم و بر تو و آله و سلم

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ وَشَفِيعَ الْأُمَةِ يَا سَيِّدَنَا

ابن ابی حمزه عدا ای شیوی رحمت و شافع امتای زکات

وَمَوْلَانَا إِنَّا نُوَجِّهُنَا وَاسْتَشْفِعُنَا وَنُوسِكُنَا

و آتای ما بدینیم که ما را در دین و طلب شفاعت بفرم و توسل کنیم

بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّكَ بَيْنَ بَدِيٍّ جَانِبَانَا يَا وَجْهَنَا

بنو بنوی خدا همیشه در میان ما بین جانبداری ای برادر

عِنْدَ اللَّهِ اسْتَغْفِرُكَ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ صَلِّ وَسَلِّمْ

از خدا شفاعت ما را از خدا خداوند رحمت فرست خدا

وَرَدُّ وَبَارِكْ عَلَىٰ أَخِيهِ وَأَبِي بَيْتِهِ السَّيِّدِ الْمُظْفَرِ

و بشارت و بركات و برادر او و فرزندان بزرگ پاک شده

وَالْإِمَامِ الْمُظْفَرِ وَالتَّجْمَعِ الْغَضِيفِ فِي شَيْءٍ

و بنوی ای غضب افروخته و تجمیع در شئ

شَيْءٍ وَفَالَيْعٍ بِبَيْتِ جَبْرِ فَا سَمِ طَوْفِي وَسَقَرِ الْأَنْزَلِ

شئ و فایع در بیت جبر و سمر طوفی و سقر انزال

الْبَيْتِ الْأَشْرَفِ الْمَكِينِ الْجَبَلِ الْمُنِيرِ الْعَلِيِّ

بیت شرف مکین بارگاه روشن عالمی

الْمُبِيرِ النَّاصِرِ الْعَبُورِ وَحِجِّ الدِّينِ الْوَالِي الْوَلِيِّ

اشکار بار و ناصف عبور حجت دین عالم مالک

السَّيِّدِ الرَّضِيِّ الْإِمَامِ الْوَصِيِّ الْحَاجِّ بِالنَّصِّ

بزرگ پسندیده بنوی عاقلین علی بن ابی طالب

الْجَلِيِّ وَالْحُجَّاصِ الصَّغِيِّ الْمَدْفُونِ بِالْغُرَى لَيْسَ

روشن و حطاس و مدفون باصفاء مدفون در غری نیست

غَالِبٌ سَالِبٌ كُلِّ سَالِبٍ مُظْهِرُ الْغَرَابِ وَمُظْهِرُ

غالب بر طرف گشته بر طرف گشته ظاهر غریب و مظهر

الْغَائِبِ وَمُفَرِّقُ الْكُتَابِ وَالشَّهَابِ الْثَاقِبِ

مجارب و ناب و گشته است کتابی و شهاب باران گشته

وَالْهَزْبِ السَّالِبِ نَقْطَةُ دَائِرَةِ الْمَجَالِبِ سَلَامٌ

و از گزاف گشته و از گزاف گشته و نقطه دایره المجالب سلام

الْغَالِبِ غَالِبِ كُلِّ غَالِبٍ وَمَطْلُوبُ كُلِّ طَالِبٍ

بالگشته و بالگشته و مطلوب هر طلب گشته

مَوْلَانَا وَمَوْلَى الْكَوْنَيْنِ وَالْقَلْبَيْنِ وَارِثِ عِلْمِ
 اَنَامِي وَاَنَامِي مَرْدِوَجَانِ بِنِ وَاسِيسِ بَرِاسْتِ عَلِي
 الْاَوَّلَيْنِ وَالْاٰخِرِينَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَبِي الْحَسَنِ
 بَشْتَانِ دِهْ بَشْتَانِ بَادِشَاهِ كَرْدِ كَانِ چِهْرِ بَشْتَانِ
 عَلِي بْنِ اَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ
 عَلِي بَشِيرِ اَبِطَالِبِ رَحْمَتِي حَسْبِي دُرْدُوادِ بَرِا وَاوَادِ
 الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ
 دُرْدُوادِ وِسْطِ اَمِ بَرِا وَاوَادِ دُرْدُوادِ وِسْطِ اَمِ بَرِا
 يَا اَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ اَبِي طَالِبٍ يَا اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
 اِي چِهْرِ بَشْتَانِ اِي عَلِي بَشِيرِ اَبِطَالِبِ اِي بَدِشَاهِ كَرْدِ كَانِ
 يَا اَخَا الرَّسُولِ يَا زَوْجَ الْبَنُوْلِ يَا اَبَا السَّجْدَيْنِ
 اِي بَرِا وِسْطِ اَمِ بَرِا وَاوَادِ اِي چِهْرِ بَشْتَانِ
 يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اَنَا
 اِي حُجَّتِ عَزَا بَرِاسْتِ اِي بَرِا وَاوَادِ اِي چِهْرِ بَشْتَانِ
 نَوْجَهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ وَ
 بَرِا وَاوَادِ اِي چِهْرِ بَشْتَانِ دُرْدُوادِ وِسْطِ اَمِ بَرِا وَاوَادِ

قدّمنا

قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ جَاجَانِيَا وَجِهَهَا عِنْدَ اللَّهِ
 قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ جَاجَانِيَا وَجِهَهَا عِنْدَ اللَّهِ
 اَسْفَعْنَا عِنْدَ اللَّهِ اَللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ
 نَعَامَتِي اِي بَرِا وَاوَادِ عَزَا حَسْبِي دُرْدُوادِ اِي چِهْرِ بَشْتَانِ
 بَارِكْ عَلَى سَيِّدِنَا اَلْحَبْلَةِ الْكَبْرَى اَلْحَبْلَةِ
 بَرِا وَاوَادِ اِي چِهْرِ بَشْتَانِ بَارِكْ عَلَى سَيِّدِنَا اَلْحَبْلَةِ الْكَبْرَى
 وَالْمُفَضَّلَةِ النَّبِيِّكَ الْمَكْرُومَةِ ذَا اَلْحَبْلَةِ
 دُرْدُوادِ اِي بَرِا وَاوَادِ اِي چِهْرِ بَشْتَانِ اَلْحَبْلَةِ الْكَبْرَى
 الطَّوْبَةَ فِي لَدُنْكَ اَلْفَيْكَ اَلْعَصُوبَةِ اَلْظُلُمَةِ
 طَوْلَانِ دُرْدُوادِ اِي چِهْرِ بَشْتَانِ اَلْحَبْلَةِ الْكَبْرَى
 الرَّضِيَّةِ اَلْحَبْلَةِ اَلْعِصْفَةِ السَّالِمَةِ اَلْحَبْلَةِ
 دُرْدُوادِ اِي بَرِا وَاوَادِ اِي چِهْرِ بَشْتَانِ اَلْحَبْلَةِ الْكَبْرَى
 قَدْ رَا اَلْحَبْلَةَ فَبَرَا الْمَدْفُونَةَ سِرًّا اَلْعَصُوبَةَ
 رُبِنْدِ اِي بَرِا وَاوَادِ اِي چِهْرِ بَشْتَانِ اَلْحَبْلَةِ الْكَبْرَى
 جَهْرًا سَيِّدِنَا اَلنِّسَاءِ اَلْاَنْسِيَةِ اَلْحَبْلَةِ الْكَبْرَى
 اَشْكَارِ بَرِا وَاوَادِ اِي چِهْرِ بَشْتَانِ اَلْحَبْلَةِ الْكَبْرَى

الْأَمَّةَ النَّبِيَّةَ الطَّاهِرَةَ الْمُطَهَّرَةَ الْبَوَّلَ الْعَدْلَ

پیشوای دوز و اسمای پاک پاکیزه خون چمن خدیه

فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا الصَّلَاةُ

فاطمه زهرا سلام خدا بر او باد درود و تحیات

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ يَا فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ

سلام بر تو و بر فرزندان تو ای فاطمه زهرا

يَا بَيْتَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ يَا بَيْتَ النَّبِيِّيَّةِ الْأُمِّ

ای بنی محمد رسول خدا ای بنی نبی زهرا

السُّبُّ طَيْرٌ بِأُحْجَةٍ اللَّهُ عَلَى خَلْفَةٍ يَا سَيِّدَتِنَا

سبیدن ای حجت خدا بر خلفه ای زهرا

وَمَوْلَانَا أَنَا نَوْجُهُنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا

و ای ما و موی ما و نوحه ما و شفیع کردیم و توسل نمودیم

بِإِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّا لَكَ بَيْنَ يَدَيْ جَاحِشَاتِنَا يَا

پیشوای ما و ما را پیش تو در پیش جانهای ما ای

وَجْهَةً عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ اللَّهُمَّ

ای درگاه خدا و درگاه خدا و ای خداوند ما را نزد خدا و ای خداوند

صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْمُجْتَبَى وَ

صلوات و درود و باریز و ببارک بر سید برگزیده و

الْإِمَامِ الْمُرْتَجَى سُبُّ الْمُصْطَفَى فَإِنَّ الْمُرْتَضَى عِلْمُ

و پیشوای برگزیده و سب و دشنام دادن فرزند مصطفی و برگزیده دانش

الْهُدَى الْعَالِمِ الرَّفِيعِ فِي الْجَسَدِ الْمَتَبِعِ وَالْفَضِيلِ

و هدایت دانی بلند در صاحب صفات پاک و فضیلت

الْجَمِيعِ الشَّفِيعِ بِالشَّفِيعِ الْمَقْضُولِ بِالسَّمِ النَّفِيعِ

جمع شافع و شافع و شافع و شافع و شافع و شافع

الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ النَّفِيعِ الْعَالِمِ بِالْفَر_اضِ وَالْأَزَلِ

مدفون در زمین شافع دانی با احوال و ابد

صَاحِبِ الْيُودِ وَالْمِنْ دَافِعِ الْخَزْ وَالْفَيْنِ مَا ظَهَرَ

صاحب یهود و زمین دافع خز و فین ما ظاهر

مِنْهَا وَمَا بَطْنِ الَّذِي عَجَزَ عَنْ عَدَمِ مَدَامْحَةِ لِسَانِ

از آن و آنچه در دهان که عاجز است از ستم دهان و زبان

الَّذِينَ الْإِمَامُ بِالْحَقِّ الْمُؤْمَرِ إِلَى مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ

ایان و ایان و ایان و ایان و ایان و ایان

عَلَيْهِ السَّلَامُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا

بر او باد درود و سلام بر تو باد ای پدر

مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ يَا مُجَنَّبِي بَابِ رُؤُوسِ

محمد ای حسن بن علی ای بگریزنده ای پدر شاهان

اللَّهِ يَا بَنِي أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ يَا فِرْعَوْنَ عَيْنِ الْبُيُوتِ

خدا ای پسران مادر مؤمنان ای فرعونان ای چشم

الطُّهْرِ يَا مَهْرَ بَابِ سَيِّدِ شَبَابٍ هَلِ

باز ای مهر ای بزرگ جوانان ای

الْجَنَّةِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْفِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا

بهشت ای حجت خدا بر خلفش ای بزرگ و صاحب پادشاهی

إِنَّا نُوَجِّهُنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَنُوسِلُنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ

ما را میگردانیم و توسل میجویم و میبوسیم به سوی خدا

وَقَدْ مَنَّا لَكَ بَيْنَ يَدَيَّ جَانِبَيْنَا يَا وَجْهَهُ عِنْدَ اللَّهِ

و ما را پیش تو در میان دو جانب ما ای چهره در نزد خدا

اسْتَفْعِ كُنَّا عِنْدَ اللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ

مستغاث شو ما نزد خدا خدایا صلوات و سلام و بزرگواری

وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْقَامِدِ وَالْإِمَامِ الْعَابِدِ

و بزرگوار گردان بر بزرگوار صاحب و پادشاه بنده

الْقَائِمِ كَعِ الشَّاهِدِ ذِي الْمَنَابِرِ وَالْمَسْجِدِ

قائم ای شاهد ای بزرگواری ای مسجد

وَلِلسَّلَامِ الْمَاهِدِ فَيْلِ الْكَافِرِ الْجَا

و برای سلام ای پادشاه بر کافر ای

صَاحِبِ الْحَنَّةِ وَالْكَرْبِ وَالْبَلَاءِ الْمَدْفُونِ

صاحب رحمت و اندوه و بلا ای مدفون

يَا رَحْمَتُكَ رُبَّكَ سَبِيحُ رَسُولِ الْقُدْرَةِ وَرَبِّكَ

ای رحمت تو ای بزرگ ای پسر پادشاه و پادشاه

الْغَضَبِ رَبِّي عَبْدُ اللَّهِ الْحَبِيبِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ای غضب منم ای بنده خدا ای دوست من بر او سلام

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ

درود و سلام بر تو باد ای آبا عبد الله ای حسن

ابْنِ عَلِيٍّ يَا شَهِيدَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا بَنِي

پسر علی ای شهادت دهنده ای بنده خدا ای پسر

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا بَنَ فاطمة الزَّهْرَاءُ يَا سَيِّدَ

بامشاه که زمان ای پسر فاطمه در حقیقت ای بزرگ

شَبَابِ قَمِيلِ الْجَنَّةِ يَا أَبَا الْأَمَةِ الْأَطْهَارِ

برایان اصل جنت ای پسر بیادان پاکیزه

يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا

ای حجت خدا بر خلق او ای بزرگ ما و صاحب نیار ما

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ

رو کردیم تو و شفاعت نمودار و توسل بستیم بزرگوار تو

وَقَدْ مَنَّكَ بَيْنَ بَدِيٍّ جَالِئِنَا يَا وَجْهًا عِنْدَ

و مقدم کردی بین ما و پیش چهره ما ای درویدار

اللَّهِ اسْتَفْعَلْنَا عِنْدَ اللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ

خدا را بشفاعت تو در نزد خدا خداوند ما رحمت و درود و سلام

وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى أَيْمَنِ الْأُمَمِ وَبَارِكْ عَلَى

و بزرگوار و برکت ده بر پسر ایمان و بزرگوار و برکت ده بر پسر ایمان

الْعَمَةِ وَحُجَّةِ السَّنَةِ وَسَيِّدِ الْهَيْمَةِ وَرَفِيعِ الرُّسُلَةِ

ای بزرگوار و حجت سال و سید هیمه و رفیع رسل

و بزرگوار

وَأَنْبَسِ الْكَرْبَةَ وَصَاحِبِ الشُّبَّةِ الْمَدْفُونِ وَبَارِكْ

در هم نهم و اندوه و صاحب انگشت و پسر مدفون

طَيْبَةِ الْمَبْرُورِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ وَشَبَّ زَيْنُ الْعَالَمِينَ

پاکیزه مبرور از هر شر و زینت عالمین

وَسَيِّدِ الشَّاجِدِينَ الَّذِي يُزِيلُ عَنْكَ وَابْنَ

و بزرگ سجد کنندگان آن کسی که گناه است از تو دور

الْإِمَامِ بِالْحَقِّ أَجْمَدٍ عَلَى بَرٍّ كَبِيرٍ عَلَيْهِمَا

ای امام بر حق بر همه علی پسر حسین بر ایشان

الْأَسْلَامُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ

درود و سلام بر تو ای پسر محمد

يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ أَيُّهَا السَّجَّادُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ

ای علی بن حسین ای سجد کننده ای پسر رسول خدا

يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا بَرَّ

ای پسر امیر المؤمنین ای حجت خدا بر خلقش ای بزرگوار

وَمَوْلَانَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا

و صاحب نیار ما و شفاعت نمودار و توسل بستیم

بنو بنوی خدا و مقدمه استیم ترا و در پیش عاجزهای خود

لی آورده نزد خدا مفلس نزد از خدا خدا را

رحمت درخت درود و بقرا و ابرکت و پر بزرگ ما بها درویشی

لازمه و زمان پایان و پیش رو جوان

بزرگ مسد پاک و پاکیزه و نام

لبا اهر من جسم من اهر من حجر الدار والدار

أَفَاخِ الْمَلِكِ، بِالْأَفْوَاحِ وَالسُّدُوحِ الْأَفْوَاحِ

[illegible]

کتابخانه ملی ایران

213

دورست و آغای و فاکتند میشوای

جمعہ الاول حرمین برکے علیہما السلام

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

اسلام آباد ای چر عبقر ای محمد علی

بسم الله الرحمن الرحيم

مَا خَذَ اللَّهُ عَلَيْهِ خَلْفَهُ بِإِسْمِنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا

١٠٠٠

دوا در دیم بتو و شفیع کریم ترا و توکل جسته بنویسند

وَمَدَّ يَدَيْهِ إِلَىٰ جَارِيَةٍ وَحَبَّطَهَا عِندَ

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

هذا ليس له اذا نزل هذا حاشا لعلهم لا يفترون

وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى الصَّادِقِ الصِّدِّيقِ الْعَالِمِ الْوَسِيِّ

پیشتر در رک در صدوق را بسطی و اما بنی بر
الْحَكِيمِ الشَّيْبَانِي وَالْهَادِي إِلَى سَوَاءِ الْخَيْرِ وَنَجَا

برادر جلال و هدایت کن به سوی راه راست آگاهانند
مِنَ الْخَوْفِ وَمُبْلِغِ عِدَائِهِ إِلَى الْخَيْرِ وَصَاحِبِ

از ترس و مبالغه در عداوتش به سوی خیر صاحب
الشَّرَفِ لِبَدَلِهِ وَالْحَسْبُ الْمُبِيعُ وَالْمَجْدُ الرَّفِيعُ

برادر گواری از و صفای جیش و بزرگ بزرگ
وَالْفَضْلُ الْجَمِيعُ الَّذِي شَرَفَكَ بِجَسَدِهِ الطَّاهِرِ

و صاحب فضل و جمیع آنکه بزرگ باریت بدین پاکیزه
أَرْضِ الْبَيْعِ الْمَهْدِي الْمُوْبَدِّ السَّيِّدِ الْمُسَدَّدِ

زمین بیع بیگزمنی با مصلحت بزرگ با مصلحت
الْأَمَامِ الْمَسْجُودِ عَبْدَ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ

و بنوای برادر بر سر جعفر پسر محمد
عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

بر ایشان باد درود و بر تو باد سلام و بر تو باد

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ أَيُّهَا الصَّادِقُ

ای ابا عبد الله ای جعفر پسر محمد ای را بسطی
يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ

ای پسر فرستاده خدا ای پسر امیران و مومنان ای محبت خدا
عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا نُوَجِّهُنَا وَ

بر خلق خود ای بزرگ ما و صاحب نیار ما هم بنی که با و دریم بنو
أَسْتَشْفِعُكَ وَنُوسَلِّتُكَ إِلَيْكَ يَا اللَّهُ وَقَدْ مَنَّا

تو شفاعت کردیم ترا و تو من را به تو بهی خدا و مقدم داشتیم ترا
بَيْنَ يَدَيِ جَاحِظِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ أَسْتَفْعِلُكَ

در پیش جاحظهای خود ای پسر و در نزد خدا شفاعت کن ترا
عِنْدَ اللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ

نزد خدا من و در از رحمت در و در دست و غیر او بزرگ و
عَلَى السَّيِّدِ الْكَرِيمِ وَالْأَمَامِ الْحَكِيمِ وَسَيِّدِ الْحَكِيمِ

بر سید با رحمت و امام برادر و همانم من پسر
وَالصَّابِرِ الْحَكِيمِ فَإِنَّهُ الْجَبَرُ الْمَدْفُونُ

و صبر کننده و حکیم و نیزند و جبر و مدفن و بنی شد

بِقَابِرُكُمْ صَاحِبِ الشَّرَفِ الْأَنْوَرِ وَالْمَجْدِ

بمقام این صاحب بزرگواری روشن و بلند مرتبه

الْأَظْهَرِ وَالْجَبَرُ الْأَزْمَرُ وَالنُّورُ الْأَكْبَرُ

جود و جود شدنی در روشن بود

الْإِمَامُ بِالْحَوْضِ الْأَبْرَقِ مَوْصِي بْنُ جَعْفَرٍ

امام بر کشتی پر بار آبیم موصی پسر جعفر

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

بر ایشان باد درود و سلام بر تو باد

يَا أَبَا إِبْرَاهِيمَ يَا مَوْصِي بْنَ جَعْفَرٍ لَهَا الْكَافِرُ

ای برادر آبیم ای موصی پسر جعفر ای کافر

يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ

ای پسر فرستاده خدا ای پسر پادشاه کردگان ای محبت خدا

عَلَى خَلْفِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا نُوْجِّهُنَا وَ

بر خلف خود ای آقای ما و صاحب پادشاهی و پادشاه خود

أَسْتَشْفِعُكُمْ وَنُوسَلِّتُكُمْ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ قَدْ قَدْ

بشمار شما و در میان شما به سوی خدا مقدم داریم

بَيْنَ يَدَيَّ جَائِئِنَا يَا وَجْهَهَا عِنْدَ اللَّهِ أَسْفَعُ لَنَا

در پیش چهره ای که در آید نزد خدا شفیع کن برای ما

عِنْدَ اللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ

نزد خدا خداوند درود و رحمت و درود و بزرگواری

عَلَى السَّيِّدِ الْمُعْجُومِ وَالْإِمَامِ الْمَظْلُومِ وَالشَّهِيدِ

بر سید معجز و امام ستم شده و شهادت

السَّمُومِ وَالْغَرِيبِ الْمَغْرُومِ وَالْقَتِيلِ الْمَجْرُومِ

بر ستم شده و غریب با غم و ستم شده و کشته شده و ستم شده

عَالِمِ عِلْمِ الْمَكْنُونِ بِدَرِ الْخُومِ سَمِ الشُّومِ

دانی علم نهانی در استار امانت و شوم

أَنْفُسِ الْفُؤُوسِ الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ طُوسِ لَوْحِ

جهدم ستم شده و دفن شده در زمین طوس لوح

الْمُرْتَضَى الْمُرْجُ الْجَنَبِيِّ السَّيْفِ الْمُنْخَضِ الْعَادِلِ

در رضی مقدرات قهر برادر و شمشیر خنجر عدل

فِي لِقَاءِ الْأَمَامِ بِالْحَوْضِ إِلَى الْجَنَّةِ الثَّابِتِ

در احاطه ای پادشاهی بکن در حسن دوی سبیل

ابن مَوْسَى الرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الصَّلَاةُ وَ

بسم موسی الرضا بر ایشان باد درود و درود

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مَوْسَى

سلام بر تو باد ای پدر حسن ای علی پسر موسی

أَيُّهَا الرِّضَا يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

ای خشنود ای پسر رسیده خدا ای پسر ایشان که در کافران

يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا

ای حجت خدا بر خلق خود ای سید ما و مولای ما ای

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ

روا کردیم به تو و استشفع کردیم از تو و توسل نمودیم به تو بوسی خدا

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ جَانِبَيْنَا يَا وَجِيهًا

و مقدم نمودیم ترا در پیش چاهمای خود ای آبرو دار

عِنْدَ اللَّهِ اسْتَفْعَلْنَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَهَهُ صَلِّ وَ

نزد خدا شفاعت کن نزد خدا خدا یا رحمت

سَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْعَادِلِ الْعَامِلِ

درود و زینت و بخت ده بر سید عادل و عامل

الْعَامِلِ وَالْكَفَرُ الْفَاضِلُ الْكَامِلُ الْبَارِدُ

عمل نماید و صاحب کرم خفت دارد و تمام جعد نماید و تابیند

وَالْغَيْثُ الْهَاطِلُ وَالتَّجَاعُ الْبَاسِلُ الْأَجْوَدُ

و باران با منت و بجماع قوی دل بخشنده ترین

الْجَوَادُ الْعَارِفُ بِأَسْرَارِ الْمَبْدَءِ وَالْمَعَادِ وَلِكُلِّ

بخشنده و آگاه بر ازان اول و آخر و هر چه

قَوْمٍ هَادٍ مَنَاصِلَ الْحَيِّينَ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادُ الْكَفَرُ

قومی را هادی مناصب حیاتین روزی که ندا دهد ندا دهنده

بِالسَّادِ الْمَذْكُورِ فِي الْهَدَايَةِ وَالْإِرْشَادِ

بکار سید مذکور در هدایت و ارشاد

الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ بَغْدَادِ السَّيِّدِ الْعَرَفِيِّ وَالْمَلِكِ

دفن شده در زمین بغداد بزرگ عربی و پادشاهی است

الْأَخْمَدِيِّ وَالنُّورِ الْحَمْدِيُّ الْمَلْفُ بِالْقَيْنِ

محمد و نور محمدی لقب یافته به قین

الْإِمَامِ بِالْخَوَاتِمِ جَعْفَرِ الثَّانِي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

ایمناهی با خواتم جعفر ثانی محمد بن علی

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

پادشاهان باد و درود و سلام بر تو ای ابا

جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَى أَهْلِهَا الْجَوَادِ يَا بَنِي رَسُولِ

جبرای محمد پسر علی ای بخت نایاب پسر رسول

اللَّهُ يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَجْمَعٍ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ

عزای پسران امیران ایمان ای بخت خدا بر خلق خود

يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا نُوَجِّهُكَ وَاسْتَغْفِرُكَ

ای آقای ما و مولای ما ما را روایت می دهیم و استغفار می کنیم

وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّكَ بَيْنَ يَدَيْ

و تو را میان ما و خداوند و تو را در پیش رویش

حَاجَاتِنَا يَا وَجْهًا عِنْدَ اللَّهِ اسْتَغْفِرُكَ عِنْدَ اللَّهِ

ای چهره ای در نزد خداوند استغفار می کنیم از تو نزد خداوند

اللَّهُ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى الْأَمَامِ

خداوند درود و رحمت و برکت و بزرگواری بر امام

الْهَادِي الْمُقْدِي لِنَمَامِ السَّيِّدِ السَّنْدِ الْعَامِ

ای هادی و مقدر برای نامیدن پسران سال

السند

السُّدْرِ الْفَاضِلِ الْكَامِلِ الْبَازِلِ الْعَالِمِ

با سواد زیاد و دارنده کامل جهان بنده داننا

الْعَامِلِ الْعَابِدِ الْعَادِلِ الْأَوْدَعِ الْأَطْهَرِ

عمل نماینده عبادت کننده عدالت نماینده برترین پاکیزه

الْشَّمْسِ الْأَظْهَرِ الْفَرِ الْأَنْوَارِ الْكَوْكَبِ الْأَكْبَرِ

آفتاب روشن تر از نورانی ستاره درخشان

النُّورِ الْأَكْبَرِ وَارِثِ الْحَرَمِ وَالْمَشْرِعِ الْكَفَرِ

روشنی بزرگوار و وارث حرم و منشع کفر

وَعَوْثِ الْأَوْدِي طُورِ النَّهْيِ عِلْمِ الْهَدْيِ بَدْرِ

و عویش رودخانه طوری نهی علم هدایت ماه

الذَّحَى الْمَدْفُونِ لَيْسَ مِنْ رَأْيِ السَّيِّدِ النَّهْيِ

سپهر دفن شده نیست از رای پسران نهی

الْهَادِي الْوَحْيِ الْإِمَامِ بِالْحُجْوَةِ الْحَسَنِ الْكَلْبِ

ای هادی وحی امام با حجب و حسن کلب

عَلَيْهِ بِرَحْمَةِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الصَّلَاةُ

علی پسر محمد و علی پادشاهان باد و درود

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ

و السلام بر تو باد ای پدر حسن ای علی بن محمد

أَيُّهَا الْكَفِيُّ الْهَادِي يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا بْنَ مَبِيتِ النَّبِيِّ

ای کفیی راه نما ای پسر رسول خدا ای پسر ابی طالب و مادر نبی

يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا

ای حجت خدا بر خلق خود ای سید ما و مولای ما

نُوحِنَا وَاسْتَشْفِعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ

درود بخوانیم و شفیع شو ما را و توسل کنیم به تو به سوی خدا

وَقَدْ مَنَّكَ بَيْنَ يَدَيِ جَا جَانِنَا يَا وَجِيهًا

و مقدم داشتی بر ما ای در میان ما ای چهره

عِنْدَ اللَّهِ اسْتَفْعِ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَ

بزرگوار گردان خداوند ما را نزد خداوند ما را در حق تو ای خداوند ما را رحمت

سَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى الْإِمَامِ الْقَوِيِّ وَالْهَامِ

درود بخوان و بزرگوار گردان و برکت ده بر پسر نبی و امام

السَّيِّدِ الْإِمَامِ الْبَلِيِّ وَالسَّيِّدِ الْوَلِيِّ السَّنَدِ

ای سید امام بلی و ای سید ولی سلسله

مستحق درود و بزرگوار گردان و رحمت

وَالْعَالِمِ الصَّغِيرِ الْفَاضِلِ الْوَحْيِ الْكَامِلِ

و عالمی با صفا و ضعیف دار و وحی کامل

الْعَادِلِ الْمُتَرْضَى الْعَابِدِ الْبَهِيِّ وَالنُّورِ الْمُنِيِّ

عدل دار خوشنود عبادت کننده نور و روشنی

الْقَسْرِ السَّيِّئِ لَكُوكِبِ الدَّرَجَةِ الْمَلَكِ الْعَظِيمِ

ای درخشش ستاره درجته ملک بزرگ

سَيِّدِ أَوْلِيَ النَّهْمِ مُقَدِّمِي مِلِّ النَّفْسِ الْعَبْدِ

بزرگ صاحب علم پیشوای برادران دست آور

الْوَعْدِ وَالْحُجَّةِ عَلَى مِلِّ الدُّنْيَا الْمَدْفُونِ

ایستاد و حجت بر مصل دنیا دفن شده

بِئْسَ مَنْ دَابِّي كَأَسْفَى الْبَلَاوِيِّ وَالْحَيْنِ

بسیار بد مبارک زایل کننده آفتها و غیب

صَاحِبِ الْجُودِ وَالْمِنَّةِ الْإِمَامِ بِالْحَقِّ ابْنِ مُحَمَّدٍ

صاحب بخشش و کرم پسر نبی

الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

حسن بر هر دو و درود و سلام

و السلام

عَلَيْكَ يَا أَيُّهَا مُحَمَّدٌ بِأَحْسَنَ بَرٍّ عَلَى آيَتِهَا النَّكِحُ

بر تو باد ای پر محمد ای حسن بر علی ای پاک

الْعَكْرِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

مسکری ای پسر رسول خدا ای پسر شاه شادگردان

يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا

ای حجت خدا بر خلق خود ای سید و آقای ما که

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَسْقَيْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ

رو آورده و تقسیم تو را و توسل کنیم تو به سوی خدا

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ جَانِبَيْنَا يَا وَجِيهًا

و مقدم داریم تو در پیش ما به دو جانب خود ای آیدوار

عِنْدَ اللَّهِ اسْتَفْعِلْنَا عِنْدَ اللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ

تو خدا استغاث تو را نزد خدا خداوند ما صلوات

سَلَامٌ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى صَاحِبِ الدَّعْوَةِ الْكُبْرَى

درود و زید و بركت ده بر صاحب دعوت بزرگ

وَالصَّلَاةُ الْحَيْدَرِيَّةُ وَالْعِصْمَةُ الْفَاطِمِيَّةُ

و ایلمری صلوات ای عصمت فاطمی

وَالْحِلْمُ الْحُسَيْنِيُّ وَالشَّجَاعَةُ الْحُسَيْنِيَّةُ وَ

و بردبار حسین و شجاعت حسین

الْعِبَادَةُ السَّجَّادِيَّةُ وَالْمَأْمَرُ الْبَاقِيَّةُ وَالْأَمْرُ

عبادت سجدین و امر باقی و امر

الْجَعْفَرِيَّةُ وَالْعُلُومُ الْكَاطِبِيَّةُ وَالْحُجُجُ الْخَوَاتِمُ

جعفری و علوم کاتبی و حجت های

وَالْجُودُ الْقَوِيُّ وَالنِّفَاقُ الْقَوِيُّ وَالْهَيْبَةُ

و بخشش قوی و بزدلی قوی و هیبت

الْعَسْكَرِيَّةُ الْفَائِزَةُ بِالْحَقِّ وَالِدَّاعِي إِلَى

مسکری ایستاده بر حق و خواننده نبوی

الصِّدْقِ فِي الْخُلُقِ كَلِمَةُ اللَّهِ وَأَمَانُ اللَّهِ وَ

راستی مطلق مخلوق خدا و امان خدا

حُجَّةُ اللَّهِ الْمُقِطَّةُ لِدِينِ اللَّهِ الْفَاتِحُ مُحَمَّدٌ

حجت خدا مصلحت دین خدا ایستاده بگشاید

الْغَالِبُ بِأَمْرِ اللَّهِ وَالنَّاسِ عَنْ حَرَمِ اللَّهِ أَمَامَ

بلک نشیند با امر خدا و از حرم خدا پیشوای

الْبِرِّ وَالْعَمَلِ دَافِعَ الْكَرْبِ الْحَمْدُ لِلْإِمَامِ بِالْحَقِّ

نهان و آشکار دفع کنند تا هرگاه که بخواهند بگویند

أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَاحُ الزَّمَانِ

ابن القاسم محمد بن حسن صاحب روزگار

و خَلِيفَةُ الرَّحْمَنِ وَظُهُرُ الْإِيمَانِ وَفَاطِمَةُ

و خلیفه خدا و ظاهر گشته ایمان و فاطمه

الْبُرْهَانِ وَ سَيِّدُ الْأَنْسِ وَالْجَارِ صَبَاوَاتِ اللَّهِ

جهت و بزرگ او یمنان و یمنان صفا و امانت خدا

و سَلَامُهُ عَلَيْهِمْ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ الصَّلَاةُ وَ

و درود او بر او و بر همه ایشان و درود

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَ الْخَلْفَةُ الْهَكَا

سلام بر تو ای وصی حسن و خلیفه هکات

يَا إِمَامَ زَمَانٍ يَا الْقَائِمَ الْمُنْتَظَرَ الْمَهْدِيَّ

ای امام زمان ای قائم المنتظر مهدی

يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ

ای پسر رسول خدا ای پسر امیر ائمه که نه گمان ای حجت خدا

عَلَى خَلِيفَةِ يَاسِيدَ نَاوَمَوْلَانَا إِنَّا نُوَجِّهُنَا وَ

بر خلیفه یاسید و امانت بر پسر ما را و او را

أَسْتَشْفِعُنَا وَنُوسَلِّتُكَ إِلَى اللَّهِ وَفَدَّكَ نَاكَ

مستشفع تو را و تو را می بینم بر پسر ما و مقدم کنیم

بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا يَا وَجْهَ عِنْدَ اللَّهِ اسْتَفْعِ

در پیش ما بیند ای درگاه خدا و خدا

لِنَاعِدَ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّ مُؤَلَّاهُ امْتَنَّا وَ

ما را نزد خدا ما را به پسر ما و امانت ما را

سَادُّنَا وَفَادُّنَا وَكَبَرَاؤُنَا وَشَفِيعَاؤُنَا

از ما را و در میان ما و بزرگان ما و شفیعان ما

بِهِمْ نَتَوَكَّلُ وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ نَتَبَرَّءُ فِي الدُّنْيَا

با ایشان محبت ما و از دشمنان ایشان جدا می شویم در دنیا

وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ احْفَظْ بِهِمْ عِرْسَنَا وَاقْضُ لِحِمِّ

و آخرت خداوند نگاهدار ما را و امانت ما را و امانت ما را

حَوَائِجِنَا وَكُفِّ عَنَّا لِحْمَ مَا آمَنَّا وَفَرِّجْ لِحِمِّ مَوْتِنَا

حوائج ما را و کفایت کن از دشمنان ما و امانت ما را و امانت ما را

وَكَشِفْ بِهِمْ غُومَنَا وَاجْلِبْ بِهِمْ آخِرَاتَنَا وَاجْعَلْ

وَدَائِلَ كُنْ بَابِشَانِ غُومای را دوزخیم بپاشان آخِر دَای را بپاشان

بِهِمْ أَبْدَانَنَا وَأَوْسِعْ بِهِمْ رِزْقَانَا وَطَهِّرْ

بَابِشَانِ بَدَنهای را و وسیع رزق را بپاشان در دَیهای را و پاکیزه کن

بِهِمْ أَخْلَاقَنَا وَادْهَبْ بِهِمْ أَمِلَانَنَا اللَّهُمَّ

بَابِشَانِ اخلاقهای را و ببر بپاشان امَلهای را خدا

اجْعَلْ صَلَاتِنَا لِمِمْ مَقْبُولَةً وَذُنُوبِنَا لِمِمْ مَغْفُورَةً

بگردان نماز ما را بپاشان پذیرفته و گناه ما را بپاشان از بیننده

وَعِبُودِنَا لِمِمْ مَسْنُونٌ وَأَرْوَاحِنَا لِمِمْ طَيِّبَةٌ

و عباد ما را بپاشان بر سریده و ارواح ما را بپاشان پاکیزه

وَأَعْمَالُنَا لِمِمْ مَبْرُورَةٌ وَقُلُوبُنَا لِمِمْ مَسْرُورَةٌ

و کردار ما را بپاشان نیکو و دلهای ما را بپاشان شادان

وَهُوسَانَا لِمِمْ مَجْهُرَةٌ وَدَعْوَانَا لِمِمْ مُسْتَجَابَةٌ

و هوسهای ما را بپاشان پاکیزه و دعای ما را بپاشان پذیرفته

وَجَوَائِجُنَا لِمِمْ مَقْضِيَةٌ وَدَرَجَاتُنَا لِمِمْ مَرْفُوعَةٌ

و اجابهای ما را بپاشان برآورده و مرتبه ما را بپاشان بلند شده

وَأَفْئَاتُنَا لِمِمْ مَدْفُوعَةٌ وَرِزْقَانَا لِمِمْ مَبْسُوطَةٌ

و آفتهای ما را بپاشان بر طرف شده و روزهای ما را بپاشان وافر شده

وَأَنْفُسَانَا لِمِمْ مَكْفُورَةٌ وَأَعْدَانُنَا لِمِمْ مَقْمُورَةٌ

و نفسهای ما را بپاشان از گناه باز داشته و دشمنان ما را بپاشان از بیننده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَبْلِكَ عَلَيَّكَ وَبِحَبْلِكَ

خداوند منم بپاشان اسئال کنم ترا بحبلت بپاشان بر من و بحبلت

عَلَيْهِمْ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَغْفِرَ لَهُمْ

بر بپاشان که رحمت فرستی بر محمد و آل او و از گناه ما بپاشان بپاشی

وَتَفْرِجَ كُرْبِي وَتَقْصِرَ عَنِّي وَتَكْشِفَ عَنِّي

و بپاشان کُردن مرا و دزایل کنی بر من و در طرف کنی بر من

وَتُطِيلَ عُمُرِي وَتُوسِعَ رِزْقِي وَتَقْضِيَ دِينِي

و دراز کنی عمر مرا و وسیع کنی روزی مرا و ادا کنی دین مرا

وَتُؤْمِنَ خَوْفِي وَتَنْفِكَ أَمْرِي وَتَشْدُدَ رِزْقِي

و ایمان داری خوف مرا و از منی امری مرا و محکم کنی کار مرا

وَتُحِطَّ وَزْرِي وَتَمُخَّ السَّلَامَةُ فِي بَيْتِي وَفِي

و در من بار خوار مرا و نگاه داری سلامتی در دین من و در من

وَأَهْلِي وَمَالِي وَلَكَ فِي صَلَاحِ أَعْمَالِي نُبَأٌ

وَرَبِّكَ مِنْ دَعَائِي وَفَرْغِ مَنْ رُبِّكَ مِنْ دَعَائِي وَفَرْغِ مَنْ رُبِّكَ مِنْ دَعَائِي

أَفْصِيحِي فِي نَبْلِغْنِي أَمَانِي وَتَمْنَعْنِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي

بِرَبِّكَ وَبِرَبِّكَ وَبِرَبِّكَ وَبِرَبِّكَ وَبِرَبِّكَ وَبِرَبِّكَ وَبِرَبِّكَ وَبِرَبِّكَ

وَجَعَلَهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

وَجَعَلَهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

فَذَبِّرْ وَمَا لِجَابَةِ جَدِّكَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا

وَمَا لِجَابَةِ جَدِّكَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَأَمْلَأْ الْأُمَّةَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَأَمْلَأْ الْأُمَّةَ

وَشَفِّعِ الْأُمَّةَ وَكَاشِفِ الْغَمِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَشَفِّعِ الْأُمَّةَ وَكَاشِفِ الْغَمِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

المصومين

الْمُصُومِينَ الْأَكْرَمِينَ الْأَجْمَعِينَ صَلَوَاتُ

بِأَعْيُنِ كَرَامِي وَشُكْرَانِ بِخَاتِمْ دَارِ الْكَرَامِ

كَثِيرَةً نَامِيَةً زَاكِيًا كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى بَرِّهِمْ

كَثِيرَةً نَامِيَةً زَاكِيًا كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى بَرِّهِمْ

وَالِ الْبَرِّهِمْ أَنْكَرَ حَبْدٌ بِحَبْدٍ اللَّهُمَّ احْفَظْنَا

وَالِ الْبَرِّهِمْ أَنْكَرَ حَبْدٌ بِحَبْدٍ اللَّهُمَّ احْفَظْنَا

مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي بَشِيرٍ وَمِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَ

مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي بَشِيرٍ وَمِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَ

ادْفَعْ عَنَّا الْأَفَانَةَ وَالْعَاهَةَ وَالْبَلِيَّةَ

ادْفَعْ عَنَّا الْأَفَانَةَ وَالْعَاهَةَ وَالْبَلِيَّةَ

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا وَكَفَّ أَيْدِيَ الظَّالِمِينَ

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا وَكَفَّ أَيْدِيَ الظَّالِمِينَ

عَنَّا وَارْزُقْنَا مِنْ حَيْثُ نَحْسِبُ مِنْ حَيْثُ لَا نَحْسِبُ

عَنَّا وَارْزُقْنَا مِنْ حَيْثُ نَحْسِبُ مِنْ حَيْثُ لَا نَحْسِبُ

وَأَكْرِمْ سُلَامَنَا مِنْ حَيْثُ نَحْسِبُ مِنْ حَيْثُ لَا نَحْسِبُ

وَأَكْرِمْ سُلَامَنَا مِنْ حَيْثُ نَحْسِبُ مِنْ حَيْثُ لَا نَحْسِبُ

وَعَافِنَا فِي دِينِنَا وَدُنْيَانَا وَأَخِرَتِنَا بِرَحْمَتِكَ

ای خداوند ما را در دین ما و دنیا ما و آخرت ما بر رحمت تو

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **مِنْهَا** **عَلَيْهِ السَّلَام** **الْبَغِيضِينَ**

ای مهربانترین از مهربانان

لَكَ الْحَمْدُ إِذَا الْخُذُوا الْحَيَاةَ وَالْعَمَلَ بَارَكْتَ تَحْتِي مَرْثَا

مهرزاده است بر تو ای خداوند که در روز قیامت و در روز حشر و در روز

الْحَيَاةِ وَخَلَا فِي وَحْدَتِي وَمَوْلَا إِلَيْكَ لَبَدِي الْخَسَارُ

و بخت و در غایت تنهایی و در غایت یگانگی من و در غایت یگانگی من و در غایت

الْحَيَاةِ لَنْ جَلَّتْ وَجِبَتْ خَلْبَتِي فَعَفَوْكَ عَنْ ذَنْبِي أَجَلْ

ای خداوند من را که بزرگوار است از تو ای خداوند که بزرگوار است از تو ای خداوند

الْحَيَاةِ لَنْ عَطَيْتُ نَفْسِي مَوْلَاهَا فَأَنَا فِي دَوْصِ النَّدَا

ای خداوند من را که بزرگوار است از تو ای خداوند که بزرگوار است از تو ای خداوند

الْحَيَاةِ لَنْ عَطَيْتُ نَفْسِي مَوْلَاهَا فَأَنَا فِي دَوْصِ النَّدَا

ای خداوند من را که بزرگوار است از تو ای خداوند که بزرگوار است از تو ای خداوند

الْحَيَاةِ لَنْ عَطَيْتُ نَفْسِي مَوْلَاهَا فَأَنَا فِي دَوْصِ النَّدَا

ای خداوند من را که بزرگوار است از تو ای خداوند که بزرگوار است از تو ای خداوند

الْحَيَاةِ لَنْ عَطَيْتُ نَفْسِي مَوْلَاهَا فَأَنَا فِي دَوْصِ النَّدَا

ای خداوند من را که بزرگوار است از تو ای خداوند که بزرگوار است از تو ای خداوند

الْحَيَاةِ لَنْ عَطَيْتُ نَفْسِي مَوْلَاهَا فَأَنَا فِي دَوْصِ النَّدَا

ای خداوند من را که بزرگوار است از تو ای خداوند که بزرگوار است از تو ای خداوند

الْحَيَاةِ لَنْ عَطَيْتُ نَفْسِي مَوْلَاهَا فَأَنَا فِي دَوْصِ النَّدَا

ای خداوند من را که بزرگوار است از تو ای خداوند که بزرگوار است از تو ای خداوند

الْحَيَاةِ لَنْ عَطَيْتُ نَفْسِي مَوْلَاهَا فَأَنَا فِي دَوْصِ النَّدَا

ای خداوند من را که بزرگوار است از تو ای خداوند که بزرگوار است از تو ای خداوند

الْحَيَاةِ لَنْ عَطَيْتُ نَفْسِي مَوْلَاهَا فَأَنَا فِي دَوْصِ النَّدَا

ای خداوند من را که بزرگوار است از تو ای خداوند که بزرگوار است از تو ای خداوند

الْحَيَاةِ لَنْ عَطَيْتُ نَفْسِي مَوْلَاهَا فَأَنَا فِي دَوْصِ النَّدَا

ای خداوند من را که بزرگوار است از تو ای خداوند که بزرگوار است از تو ای خداوند

الْحَيَاةِ لَنْ عَطَيْتُ نَفْسِي مَوْلَاهَا فَأَنَا فِي دَوْصِ النَّدَا

ای خداوند من را که بزرگوار است از تو ای خداوند که بزرگوار است از تو ای خداوند

الْحَيَاةِ لَنْ عَطَيْتُ نَفْسِي مَوْلَاهَا فَأَنَا فِي دَوْصِ النَّدَا

ای خداوند من را که بزرگوار است از تو ای خداوند که بزرگوار است از تو ای خداوند

الهي آتيني منك روحا ورحمة فليست سوى بواجبك

ای خدا از لطف خود رحمت کن از رحمتی که آفریدی چون مرا بنور خود بگشاید

الهي لئلا تصيبني وامتنني فما جيلني يا رب ام كيف

ای خدا اگر تو مرا آلوده از عیب یا از ایمنی اصنع جلیبی بود یا از عیب یا از ایمنی

الهي حليف الحبيب للبل ساهم بناحي ويدعو ونعقد

ای خدا ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من

الهي لن عذبني الف حجة فقبل رجا في منك لا

ای خدا اگر در عذاب من الف حجة قطع شد ای دوست من ای دوست من

الهي اذني طعم عقوقك يوم لا ينون ولا مان منالك

ای خدا ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من

الهي ذا القدر عني كنت ضايعا وركنت رعا فيك

ای خدا ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من

الهي ذا لم تغف عن غيري من قسيسة يا الهوى

ای خدا ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من

وكلامهم برجوا نوبك راجيا لرحمتك العظمى في الجدة

و کلام آنکه بر جویان نوبت تو را بخواهند راجع به رحمت بزرگ تو ای پادشاه

الهي عيني رجا في سلامه وقبح خطيئتي على

ای خدا ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من

الهي فان تعفو عقوقك منقذني والافيا الذنب الممك

ای خدا ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من

الهي نحو الها شقي واله وجهي اميرهم لك

ای خدا ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من

الهي فان شرتني على ديني ام نبياتنا لك

ای خدا ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من

فلا تحرمني يا اله وسيدتي شفاعة الكبري قد

ای خدا ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من

وصل عليك ما دعاك موحدا وناجاك اخيا وبيابك

ای خدا ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من

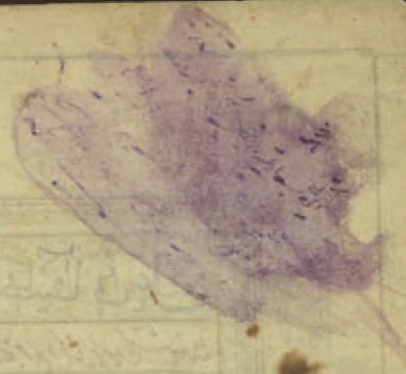
حرم العبد لا اقل الا لست ما احسن الحسني في

ای خدا ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من

وقد من العظمى قد لا اقل الا لست ما احسن الحسني

ای خدا ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من ای دوست من

۱۵۷



م-۱۱
کتابخانه
مخطوطات

